

فصلنامه مطالعات راهبردی راجا

سال هشتم / شماره ۲ (پیاپی ۲۸) / تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، مرکز مطالعات راهبردی فراجا

مدیر مسئول: لطفعلی بختیاری

سر دبیر: علی محمد احمدوند

دبیر تخصصی: ابراهیم داودی دهقانی

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: ربابه آبداری

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

علی محمد احمدوند؛ استاد مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (ع) / محمد ابراهیم سنجقی؛ استاد مدیریت راهبردی دانشگاه صنعتی مالک اشتر
اسماعیل احمدی مقدم؛ استاد مدیریت راهبردی و آینده پژوهی / محمد سهرابی؛ استاد حقوق بین الملل دانشگاه جامع علوم انتظامی
دانشگاه جامع علوم انتظامی امین
محسن اسماعیلی؛ دانشیار حقوق دانشگاه تهران / اله مراد سیف؛ استاد اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)
سید محمد اعرابی؛ استاد مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه / حسین شریفی طراز کوهی؛ استاد حقوق بین الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)
طباطبایی (ره)
سید محمد الوانی؛ استاد مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) / طوبی کرمانی؛ استاد فلسفه دانشگاه تهران
محمد حسین باقری؛ دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه عالی دفاع ملی / عبدا... هندیانی؛ دانشیار امنیت ملی دانشگاه جامع علوم انتظامی
ابراهیم داودی دهقانی؛ دانشیار مدیریت راهبردی و آینده پژوهی / امین
دانشگاه جامع علوم انتظامی امین

مشاوران و همکاران علمی این شماره

علی محمد احمدوند، اسماعیل احمدی مقدم، اکبر استرکی، محسن اسماعیلی، سید محمد اعرابی، علی ثابت، مرتضی درویش، احمد رضا رادان، نبی اله روحی، اردشیر زابلی زاده، اله مراد سیف، حسین شریفی طراز کوهی، ابوالقاسم شکری، توحید عبیدی، سید ابراهیم قدسی

ویراستار: ربابه آبداری

گرافیک و صفحه آرایی: ایوب صادقی

قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان عطار، ستاد فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات راهبردی

تلفن و نمابر: ۸۱۸۷۶۰۳۰

مقالات مندرج، الزاماً نظرات فصلنامه مطالعات راهبردی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نبوده و مسئولیت مطالب و مقالات بر عهده نویسندگان آنهاست

این فصلنامه براساس مجوز شماره ۳۳۲۵۴۸ / ۳ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حائز رتبه علمی - پژوهشی گردید.

راهنمای تدوین و ارسال مقالات علمی و پژوهشی

برای چاپ در فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا

۱. مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش‌شناختی و سامان یافته در ارائه‌ی موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.

۲. پذیرش مقاله برای چاپ بر عهده‌ی هیات تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تایید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله نخواهد داشت. کلیه مسؤلیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده‌ی نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال فصلنامه در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.

۳. مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه‌ی چاپی و بر یک روی کاغذ A4، به‌همراه فایل اصلی تایپ شده در نرم‌افزار Word نسخه ۱۹۹۷ به بعد، ارسال گردد.

۴. مقاله‌ی ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی - پژوهشی و با رعایت شرایط ذیل باشد:

۴-۱- مقاله‌ی ارسالی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژگان (سه الی پنج کلیدواژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه‌ی انگلیسی و فهرست منابع، طبق راهنمای نحوه‌ی ارائه مقاله‌های علمی در انتهای توضیحات ذیل باشد.

۴-۲- مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.

۴-۳- مقدمه‌ی مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله‌ی مورد پژوهش و بیان منظورش پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.

۴-۴- متن مقاله بایستی اجمالا بیانگر روش و روند کار به شکل توصیفی باشد. در مقاله‌هایی که حاصل پروژه‌ی تحقیقاتی است با رعایت مطالب بالا می‌بایست در صورت ضرورت، فرضیه‌ی پژوهش، جامعه‌ی آماری، نحوه‌ی نمونه‌گیری، روش‌های گردآوری داده‌ها و شیوه‌ی تجزیه و تحلیل اطلاعات را به‌نحوی قابل درک برای عموم مخاطبین ارائه دهند، به‌گونه‌ای که از دادن اطلاعات آماری و... پرهیز شده و بیشتر به بیان مبانی نظری و تئوریک پرداخته شده باشد.

۴-۵- نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، بایستی نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روشنگر بحث و نتیجه‌گیری باشد ارائه گردد.

۴-۶- منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مولف، سال انتشار، منبع و صفحه مورد استفاده بدین شکل (الگار، ۲۰۰۱، ص ۲۲) یا (Galula, 2001, p22) نگاشته می‌شود. در مواردی که تعداد نویسنده بیشتر از یک نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (الگار و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۲۲) یا (Galula, et al, 2001, p22) برای ارجاع به منابع اینترنتی بدین شکل (http://www.iohrwrc.com/articles/politics_galula) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین افراد و یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره‌ی ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.

۴-۷- ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع به شرح ذیل است:

- مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، "عنوان مقاله"، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
- کتابها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل انتشار، نام ناشر.
- منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه اینترنتی <نشانی دسترسی>، (تاریخ مشاهده).

۴-۸- خلاصه‌ی انگلیسی (۲۰ - ۱۵ سطر) باید همراه با مشخصات کامل نویسنده ارسال شود.

کلیه حقوق برای فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا محفوظ است

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است



فهرست مطالب

صفحه	نویسنده	عنوان
۵	سیدامیررضا نجات فریبا شایگان	الگوی اقتصاد درون‌زای سازمان انتظامی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)
۳۳	مهدی روحی مهدی فیروزکوهی	مبانی معرفت‌شناختی وارداتی اندیشه‌های روشنفکری معاصر و تأثیر آن بر امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران
۷۵	اسماعیل احمدی مقدم علی محمد احمدوند عبدالله مبینی دهکردی بهرروز تسلیمی کار	راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن
۹۵	صیاد درویشی	تأثیر شهر هوشمند بر ارتقای احساس امنیت با متغیر میانجی سرمایه اجتماعی
۱۳۱	محسن عزیززاده مسعود محمدی الستی	دکترین نظامی جنگ آینده
۱۶۷	عباس برجویی فرد زینب محمدی مجتبی پاشائی علیزاده	الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

Endogenous economy model of law enforcement organization based on the idea of leadership

Sayyed Amirreza Nejat¹
Fariba Shaygan²

Type of article: A research paper extracted from the Faraja Center for Strategic Studies research project

Received: 01/03/2023

Accepted: 02/05/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*5-32



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101620

Abstract

Background and purpose: Every organization must draw its own economic management plan and method and advance the organization's goals based on its own model. This article is compiled with the aim of drawing the model of Faraja economy based on the intellectual system of the supreme leader.

Method: A mixed multi-method approach (of two qualitative types) was used to answer the questions. First, the economic model of the supreme leadership position was obtained by qualitative content analysis by referring to economic statements from 1388 to 1399 to the extent of theoretical saturation and the statement of the second step of the revolution. Then, in order to adapt the opinions to the economic situation of Faraja and apply the indicators of the model in the police command, the opinions of 25 experts related to the subject, who were selected and interviewed based on the theoretical saturation criteria, were obtained, and the economic model of Faraja was extracted. The validity of the research was checked and confirmed with the believability criterion and its reliability with the reliability criterion.

Findings: The model extracted from the statements of the supreme leader included 8 dimensions, 34 components and 139 indicators. The opinions of the elites were extracted in the form of 16 components and 113 indicators in 8 dimensions of consumption, production, knowledge-based economy, resistance economy, correct management, justice, control and supervision, attracting people's participation.

Results: The derived model for Faraja's economy can be the basis of action, and solutions for managing the economy of the police organization were proposed in two aspects of reducing costs and increasing income generation in eight dimensions, which are derived from the opinions of elites.

Keywords: Endogenous economy, law enforcement organization, senior leadership, second step statement, economic model.

1. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faraja Research Institute of Law Enforcement Sciences and Social Studies, Tehran, Iran, nejat_amir@yahoo.com

2. Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Sciences, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran (corresponding author), shayegan_fa@yahoo.com

الگوی اقتصاد درون‌زای سازمان انتظامی مبتنی بر اندیشه

مقام معظم رهبری

سیدامیررضا نجات^۱

فریبا شایگان^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از پروژه تحقیقاتی مرکز مطالعات راهبردی فراجا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/شماره ۲ (پیاپی ۲۸) - تابستان ۱۴۰۲ - ۵-۳۲



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101620

چکیده

زمینه و هدف: هر سازمانی باید برنامه و نحوه مدیریت اقتصادی خود را ترسیم و براساس الگوی خاص خود به پیشبرد اهداف سازمان بپردازد. این مقاله با هدف ترسیم الگوی اقتصاد فراجا مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری تدوین شده است.

روش: برای پاسخ به سوالات از رویکرد ترکیبی (از دو نوع کیفی) استفاده شد. ابتدا الگوی اقتصادی مقام معظم رهبری به شیوه تحلیل محتوای کیفی با مراجعه به بیانات اقتصادی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ در حد اشباع نظری و بیانیه گام دوم انقلاب به دست آمد. سپس برای انطباق نظرات با وضعیت اقتصادی فراجا و کاربردی کردن شاخص‌های الگو در فرماندهی انتظامی، نظرات ۲۵ نفر از خبرگان مرتبط با موضوع که به صورت هدفمند مبتنی بر معیار در حد اشباع نظری انتخاب شده و مصاحبه شدند، به دست آمد و الگوی اقتصادی فراجا استخراج شد. روایی پژوهش با معیار باورپذیری و پایایی آن با معیار اطمینان‌پذیری بررسی و تأیید شد.

یافته‌ها: الگوی مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری شامل ۸ بعد و ۳۴ مولفه و ۱۳۹ شاخص حاصل شد. نظرات نخبگان هم در ۸ بعد مصرف، تولید، اقتصاد دانش بنیان، اقتصاد مقاومتی، مدیریت صحیح، عدالت، کنترل و نظارت، جلب مشارکت مردم، به صورت ۱۶ مولفه و ۱۱۳ شاخص استخراج شد.

نتایج: الگوی مستخرج برای اقتصاد فراجا می‌تواند مبنای عمل قرار گرفته و راه کارهایی برای مدیریت اقتصاد سازمان انتظامی در دو جنبه کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدزایی در ابعاد هشت‌گانه که برگرفته از نظرات نخبگان است، پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: اقتصاد درون‌زا، سازمان انتظامی، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم، الگوی اقتصادی.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران،

nejat_amir@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، shayegan_fa@yahoo.com

مقدمه

مباحث اقتصادی بر کلیه امور جامعه تأثیر مستقیم دارد و نقشی که این مهم در استقلال و حفظ تمامیت ارضی کشور و پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران دارد، بر کسی پوشیده نیست. به‌همین دلیل، یکی از اقدامات مهم دشمنان برای مقابله با انقلاب اسلامی، تحریم اقتصادی و ایجاد مانع در ارتباط اقتصادی با کشورهای دنیا است که این امر باعث فشار اقتصادی به مردم و سازمان‌ها شده و گاه موجب اختلال در عملکرد برخی از آنها می‌شود. وضعیت اقتصادی کشور بر تمام سازمان‌ها و موسسات آن کشور تأثیرگذار است و باید آنها خود را متناسب با وضعیت اقتصادی مدیریت کنند تا در شرایط رکود اقتصادی دچار مشکلات کمتری شوند. در اداره امور هر دستگاهی، بعد از تعیین اهداف، نحوه دستیابی به آن، نحوه تأمین نیازها و تجهیزات لازم برای تحقق آن اهداف از طریق تدوین برنامه صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، هر سازمانی باید برنامه و نحوه مدیریت اقتصادی خود را ترسیم و بر اساس الگوی خاص خود به پیشبرد اهداف سازمان بپردازد.

سازمان انتظامی کشور هم مانند هر سازمان دیگری متأثر از وضعیت اقتصادی کشور است و چه‌بسا مأموریت‌های آن هم تحت تأثیر تحریم و جنگ اقتصادی قرار گیرد؛ بنابراین، باید بتواند در این شرایط حیات اقتصادی خود را تضمین کند و یکی از راه‌های موفقیت در بحث اقتصادی، اعمال روش‌های اقتصاد مقاومتی و درون‌زا بودن اقتصاد است. بنابراین، باید بسترهای درون‌زایی اقتصاد در سازمان فراهم شود و شرایط خود را به‌نحوی مدیریت کند تا در تلاطم‌های اقتصادی کمترین آسیب را متحمل شود. بهترین روش برای مدیریت این امر نیز پیروی از الگوی اقتصادی مشخص و مطمئنی است که متناسب با شرایط بومی کشور باشد و این الگو، اگر منتج از نظرات مقام‌معهظم رهبری که فرماندهی کل قوا را در دست دارد و سازمان انتظامی هم تحت فرماندهی ایشان است، باشد به‌طور حتم، کاربردی‌تر خواهد بود. بنابراین، در تحقیق حاضر، با توجه به این موضوع، ابتدا الگوی اقتصادی موردنظر مقام‌معهظم رهبری به‌عنوان الگوی راهبردی برای سازمان انتظامی کشور استخراج

شده و سپس بر اساس آن، راه‌کارهایی برای اقتصاد سازمان‌انتظامی کشور ارائه می‌گردد. روشن است که پیش از هر اقدامی، نخست باید به اسناد بالادستی توجه خاص شود. علاوه بر اصول شرعی و دینی تأثیرگذار بر این‌گه، قوانین رسمی، قانون و مقررات سازمان‌انتظامی کشور و دستورکارهای صادره از ستادکل نیروهای مسلح و به‌ویژه فرامین و رهنمودهای مقام‌معظم‌رهبری هم به‌عنوان فرمانده‌معظم کل‌قوا تأثیر مستقیم و حتمی بر الگوی اقتصادی سازمان‌انتظامی کشور دارد.

البته در شرایط کنونی، نگاه دشمنان نسبت به کشور و تلاش برای تسلیم ایران عزیز در مقابل خواسته‌ها و زیاده‌خواهی‌های آنها، نشان از شرایط سخت اقتصادی دارد و سال‌ها وابستگی به نفت و واردات کالا نیز آسیب‌پذیری کشور را چندبرابر کرده‌است. مقام‌معظم‌رهبری راه برون‌رفت از این وابستگی را روی آوردن به اقتصاد مقاومتی و درون‌زا می‌دانند. بر این اساس، همه اجزای جامعه به‌ویژه سازمان‌های وابسته به نظام مانند فرماندهی‌انتظامی جمهوری اسلامی ایران، باید شرایط اقتصادی خود را با این نوع از اقتصاد تنظیم کنند. به همین منظور، لازم است که سازمان‌انتظامی کشور الگوی اقتصادی خود -اعم از تولید، توزیع و مصرف- را براساس منظومه فکری مقام‌معظم‌رهبری تدوین نماید؛ از آن جهت که در صورت مبنای عمل قرارگرفتن این مهم توسط مسئولان مربوط، فرامین و تدابیر مقام‌معظم‌رهبری در بحث اقتصاد درون‌زای سازمان‌انتظامی کشور تحقق خواهدیافت. بر این اساس، این تحقیق با هدف پاسخ به این سؤال اصلی که «الگوی اقتصاد درون‌زای سازمان‌انتظامی کشور مبتنی بر منظومه فکری مقام‌معظم‌رهبری چگونه است و ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های این‌گه کدامند» به نگارش درآمده است و امید است که نتایج حاصل از آن، گام مثبتی در راستای اجرای فرامین معظم‌له در بحث اقتصاد باشد.

پیشینه

رضایی (۱۳۹۵) در مقاله "مفاسد اقتصادی؛ ریشه‌ها، پیامدها و راه‌حل‌های آن از منظر قرآن کریم و سنت" به این نتیجه رسیده‌است که قرآن کریم و سیره

معصومین (ع) به شیوه‌های نظری و عملی خاص خود، برنامه جامع و دقیقی را در این‌باره توصیه نموده‌اند و در کنار آن، داستان‌های قرآنی نیز به مفسدان اقتصادی مانند قارون و جوامعی همچون قوم شعیب اشاره دارد که بیانگر حقایق گوناگونی در این زمینه است.

جعفر لو (۱۳۹۳) در مقاله "بررسی راه‌کارهای امام علی (ع) در اصلاح مفساد اقتصادی" به این نتیجه رسیده‌است که امام علی (ع) علل پذیرش حکومت را مبارزه با سیری ظالم و گرسنگی مظلوم، احیای دین و اصلاح‌طلبی، اقامه حق و رفع باطل، احیای معالم و ارزش‌های عصرنبوی (ص)، مساوات در امر تقسیم بیت‌المال و احقاق حقوق بیت‌المال معرفی کرده‌است و جایگاه و ضرورت اصلاحات را رفع تبعیض از بیت‌المال و برقراری عدالت و بازگرداندن اموال تاراج‌شده به خزانه عمومی و پیشگیری از پیدایش ثروتمندان نامشروع جدید عنوان کرده‌است. اصلاحات مالی و اقتصادی‌ای که مهم‌ترین عامل در پذیرش حکومت بود، شامل موارد زیر است: استرداد اموال حیف و میل شده، مراقبت از بیت‌المال مسلمانان، تأکید بر توزیع برابر بیت‌المال، خودداری از تأخیر در توزیع اموال عمومی، صرفه‌جویی در اموال عمومی، ممنوعیت بخشش از اموال عمومی و برخورد با مفسد کارگزاران و در نتیجه، مبارزه با عوامل مخرب اقتصادی. همچنین، آن حضرت با اقدامات پیشگیرانه، تأسیس نهادهای نظارتی و اقدامات جزایی به مبارزه با مفساد اقتصادی می‌پرداختند.

اسفندیاری صفا و دهقان (۱۳۹۵) شاخص‌های اقتصاد مقاومتی از منظر فرمانده معظم‌کل‌قوا را مشتمل بر شاخص‌های کلیدی دانش‌محوری، اصلاح‌الگوی مصرف، امنیت اقلام راهبردی و اساسی، کاهش وابستگی به نفت، تبلیغات، تکیه بر تولید ملی، ریشه‌کنی فقر، ایجاد تراز اقتصادی مثبت، حاکمیت قانون، مبارزه با رکود اقتصادی، خصوصی‌سازی، خودکفایی در محصولات کشاورزی، استحصال از معادن به دور از خام‌فروشی، فعال‌شدن شرکت‌های بنیان، تنقیح قوانین اقتصادی، اعتمادبه‌نفس ملی، مدیریت مصرف، کاهش فاصله طبقاتی، مصرف‌زدگی، اسراف، نکوهش تجمل‌گرایی، قناعت،

ارج دهی به فرهنگ کار، ایجاد زنجیره تولید علم، علم‌گرایی، ایجاد فضای آرامش برای نخبگان و حمایت از نخبگان برشمردند.

براتی، زارعی و مسعود (۱۳۹۶) در مقاله "بررسی عملکرد نهادهای حاکمیتی تخصصی در مبارزه با مفاسد اقتصادی از منظر فلسفه انقلاب اسلامی" به این نتیجه رسیده‌اند که تکثر نهادهای تخصصی حاکمیتی مبارزه با مفاسد، اقتصاد رانتی و نفتی، عدم وجود اراده مؤثر سیاسی در برخی از نهادهای دولتی، عدم مشارکت جوامع مدنی تخصصی در مبارزه با فساد، ضعف حاکمیت قانون و مقررات مبهم، دخالت دولت در اقتصاد و دولت بزرگ، عدم برخورد علمی با فساد، عدم شفافیت مالی در نظام انتخاباتی و مهم‌تر از همه، عدم اجرای دقیق فرمان هشت‌ماده‌ای مقام معظم رهبری در مبارزه با فساد مهم‌ترین دلایل فساد اقتصادی در کشور تلقی می‌گردند که ضروری است با اصلاح هنجارها (قوانین)، ساختارها (تأسیس سازمان مبارزه با فساد) و رفتارهای سازمانی، کارآمدی و اثربخشی نهادهای حاکمیتی را با تأسیس "نهاد ملی شفافیت" یا "نهاد مبارزه با مفاسد اقتصادی" دچار تحول نمود و شفافیت اقتصادی و مالی را با اصلاح ساختارهای نهادی حاکمیتی مبارزه با فساد اصلاح نمود.

رضانی (۱۳۹۶) در مقاله "فساد سیاسی و اقتصادی، علل و راه‌کارهای پیشگیری از آن در اندیشه امام خمینی (ره)" به این نتیجه رسیده‌است که فساد سیاسی و اقتصادی در قلمرو فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه انسانی بروز و ظهور می‌کند. فساد سیاسی زمینه‌ساز و بستر وقوع فساد اقتصادی است. حضرت امام خمینی (ره) همواره مبارزه با فساد را از اولویت‌های رسالت خویش می‌دانست و دلایل متعددی از جمله حب نفس، قدرت‌طلبی، دنیاطلبی و کاهش روحیه خدمت در بین مسئولان را زمینه‌ساز شکل‌گیری فساد در جامعه دانسته و راه‌های مقابله با آن را گرفتار نشدن در زرق و برق دنیا و افزایش روحیه خدمت و تقوا در بین کارگزاران معرفی می‌نمود.

اعظمی‌مقدم (۱۳۹۱) در مقاله "ضرورت‌های ورود ناجا به مبارزه با جرایم اقتصادی" به این نتیجه رسیده‌است که سازمان انتظامی کشور به‌عنوان ضابط

اصلی قوه قضاییه، نقش اصلی را در رسیدگی به جرایم اقتصادی ایفا می‌نماید و توفیق در این امر مهم، نیازمند ایجاد تغییرات و اصلاحات اساسی در ساختار و سازمان فعلی معاونت مبارزه با جرایم اقتصادی بوده و این سازمان باید نیروهای خود را از حیث تخصص، تجهیزات، خودباوری، قانون‌مداری و قانون‌مندی، دانش تخصصی، سامانه‌های اطلاعاتی، آموزش و سایر موارد ارتقا داده و توانمندی‌های خود را در این عرصه به اثبات برساند.

قره‌باغی (۱۳۹۱) در مقاله "نقش نیروی انتظامی در پیشگیری از جرایم اقتصادی" به این نتیجه رسیده است که نیروی انتظامی در چند سال اخیر، با بهره‌گیری از علوم مختلف نظیر جرم‌شناسی و در چارچوب اختیارات قانونی به پیشگیری توجه نموده است و امروزه، پلیس در اثر تعاملات مثبت و سازنده با نهادهای اجتماعی و سازمان‌های متولی امور اقتصادی به ارائه راه‌کارهای برای از بین بردن فرصت‌های پیشگیری از جرایم اقتصادی پرداخته است.

صنیعی (۱۳۹۵) در مقاله "تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه‌محور" به این نتیجه رسیده است که هرچه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد و اساسی‌ترین نتایج مبارزه با فساد سیاسی و اقتصادی شامل ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری، فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای همه مردم است.

ساسانی (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان "جایگاه ترانزیت در اقتصاد مقاومتی" راه‌کارهای اقتصاد مقاومتی را به دو دسته تقسیم نموده است: کاهش تهدید و کاهش آسیب. مطابق دیدگاه وی، ایجاد هم‌گرایی منطقه‌ای به دلیل ایجاد وابستگی میان منافع اقتصادی کشورها و امنیت ایران از طریق وابستگی منافع اقتصادی کشورهای مختلف به امنیت و ثبات ایران، سبب خواهد شد تا اقداماتی که موجب از بین رفتن این شرایط می‌شود، مورد مخالفت این کشورها باشد.

تحقیق کارآفرینی، اقتصاد نهادی و رشد اقتصادی توسط زولتان^۱ و همکاران (۲۰۱۸) انجام شده است. طبق استدلال آنها، کارآفرینی نشان‌دهنده معرفی ترکیبات جدید شاخص‌ها در اقتصاد است و نوآوری، قلب رشد و توسعه است. نقش کلیدی کارایی در رشد نیز توسط لیبنشتاین^۲ مورد تأکید قرار گرفته است؛ با این حال، بسیاری از محققان نظریه رشد، نقش کارآفرینی را در نظر نمی‌گیرند بلکه روی سرمایه انسانی و نظریه رشد درون‌زاد، تحقیق و توسعه و نوآوری تمرکز دارند.

سوتلان^۳، تیمور^۴، چاپلان^۵ و آسیا^۶ (۲۰۱۵) در تحقیق "مدیریت توسعه پایدار سرمایه انسانی در شرایط عدم ثبات اقتصاد کلان" به این نتیجه رسیده‌اند که در شرایط بحران، فرآیند تقویت ثبات بازتولید سرمایه انسانی یک نقش حیاتی را ایفا می‌کند. در طول بحران، انواع مختلف منابع اقتصادی و صنعتی مانند وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بانکی که در بازار موجودی انباشته شده‌اند، بسیار پرهزینه هستند یا دردسترس واسطه‌های اقتصادی قرار ندارند و در نتیجه، فرآیندهای محاسبات تجاری و بازتولید سرمایه پیچیده‌تر خواهند شد. سرمایه انسانی به یکی از مهم‌ترین معیارها در توسعه پیشرو تبدیل شده است و گاهی اوقات، یکی از عناصر اصلی بقای سازمان‌ها و شرکت‌ها به شمار می‌رود. سرمایه انسانی قادر است به نوآوری و روش‌های پیشرفته سازمان‌دهی تولید تبدیل شده که در رابطه با منابع مالی و مادی بسیار محدود از ارزش زیادی برخوردار است. علاوه‌براین، برای ورود به‌هنگام به مرحله بعدی چرخه اقتصادی باید بر کیفیت بالای سرمایه انسانی تکیه نمود.

-
1. Zoltan
 2. Liebenstein
 3. Svetlans
 4. Timur
 5. Chulpan
 6. Asiya

مبانی نظری

منظومه فکری

منظومه فکری مجموعه‌ای نظام‌مند، متشکل از اجزا و عناصر مرتبط و هدفمند، با محوریت هسته مرکزی، در عرصه نظام بینشی، منشی و کنشی است. نظام بینشی می‌تواند دارای زیرنظام‌های متعددی از جمله نظام‌های معرفت‌شناختی، خداشناختی، انسان‌شناختی، ولایت‌شناختی، اسلام‌شناختی، جهان‌شناختی، جامعه‌شناختی و... باشد. نظام منشی و رفتاری بیانگر بایدها و نبایدهای ارزشی، اعم از اخلاقی، تربیتی، معنوی و... است. نظام کنشی و اجتماعی نیز دربردارنده هست و نیست‌ها و بایدها و نبایدهای اجتماعی است. مجموعه نظام‌های سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، قضایی، دفاعی - امنیتی و... از اجزای نظام کنشی و اجتماعی محسوب می‌شوند (خسروپناه، ۱۳۹۵).

نظریه‌های اقتصادی

اقتصاد برآیندی از فرآیندهایی است که فرهنگ، ارزش، آموزش، تکامل فناوریانه، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی، سیستم‌های قانونی، جغرافیا و نیز مواهب طبیعی را دربرمی‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را تعیین می‌کنند که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند. برخی فرهنگ‌ها اقتصادهای مولدتری را به وجود می‌آورند و بنابراین، تولید ناخالص داخلی بیشتری را تولید می‌کنند.

در اقتصاد مدرن، خواسته‌های انسان‌ها نامحدود است و آنچه تولید ثروت را محدود می‌کند، محدودیت نیازهای طبیعی انسان‌ها نیست بلکه محدودیت منابع تولید ثروت از جمله و مهم‌تر از همه، توانایی‌های خود انسان است (دنیس^۱، ۲۰۱۶: ۸۱). مونکرتین^۲ معتقد است که هر جامعه‌ای به‌طور کلی، از حکومت و تجارت تشکیل شده است که اولی به‌طورمطلق ضروری است و دومی به‌طور ثانوی. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که تاجران ارزشی بیش از مفیدبودن برای جامعه دارند و تمایل کسب سود نزد آنها که از طریق رونق کار

1. Denis

2. Monkertin

و صنعت تحقق می‌یابد، منشأ و موجد بخش مهمی از خیر عمومی است (غنی نژاد، ۱۳۸۷). اقتصاد به‌عنوان علم کسب ثروت را نمی‌توان از سیاست (امر حکومتی) جدا کرد. تولید ثروت امری منحصر به خانواده نیست بلکه از طریق تجارت کل جامعه را در برمی‌گیرد؛ بنابراین، اقتصاد موضوعی سیاسی است و نه صرفاً خانوادگی. از همین رو است که حکومت نمی‌تواند نسبت به اقتصاد بی‌تفاوت باشد؛ چراکه شوکت و قدرت وی به ثروت جامعه تحت امر او وابسته است.

یکی از جریان‌های اقتصادی، اقتصاددانان نوکلاسیک یا مارژینالیست‌ها^۱ هستند. نوکلاسیک‌ها اقتصاددانی هستند که قیمت‌ها، تولید کالاها و توزیع درآمدها را ذیل جریان عرضه و تقاضا در بازار تعریف می‌کنند و برای عقل حسابگر انسان غربی در زمینه سود و جذب فایده، بیشترین نقش را قائل هستند (صدری، ۱۳۸۹). کینز^۲ معتقد بود که تقاضا، عرضه را به وجود می‌آورد. تقاضای موثر، شامل حاصل جمع مصرف، سرمایه‌گذاری، بخش دولت و مخارج صادرات است. به عقیده او، دولت باید از طریق سیاست‌های پولی، برای اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی دخالت کند و در مواجهه با رکود و بحران، مخارج خود را افزایش دهد یا مالیات‌ها را کاهش دهد (پاک و گارات^۳، ۱۳۸۰: ۹۳).

رقابت‌پذیری به‌عنوان توانایی ایجاد رفاه (آیگینگر^۴، ۲۰۰۶) با توجه به موارد زیر است:

۱. حرکت به سمت اقتصاد پیشرفته نیازمند این است که رقابت محلی شدید ایجاد شود. رقابت باید از تقلید به نوآوری و از سرمایه‌گذاری پایین به سرمایه‌گذاری بالا در دارایی‌های فیزیکی و دارایی‌های نامشهود تغییر یابد.

1. Marginalists
 2. Keynes
 3. Pak & Garat
 4. Aiginger

۲. بهره‌هوشی عامل اصلی تفاوت‌های ملی در رشد اقتصادی و شکاف در درآمد سرانه بین کشورهای فقیر و ثروتمند است (لین^۱ و وانهانن^۲، ۲۰۰۲)؛

۳. توسعه اقتصادی نه تنها مربوط به ثروت سرانه است که در آن ثروت، سرمایه انسانی، طبیعی و مصنوع بشر را دربرمی‌گیرد (داسگوپتا^۳ و مالر^۴، ۲۰۰۰؛ آرو^۵ و همکاران، ۲۰۰۳؛ لانگ^۶، ۲۰۰۴)، بلکه به تغییر تمرکز از توسعه اقتصادی به عنوان رشد تولید ناخالص داخلی به توسعه اقتصادی به عنوان فرآیند مدیریت اوراق بهادار مربوط است که به دنبال بهینه‌سازی مدیریت هر دارایی و توزیع ثروت در میان انواع مختلفی از دارایی‌ها است (لانگ، ۲۰۰۴).

بین ساختار سازمانی، رفتار افراد و اقتصاد سازمان، پیوسته تأثیرات متقابل و غیرقابل اجتنابی وجود دارد. این تأثیرات متقابل به عنوان نیروی محرکه و ضروری برای تولید کالا و خدمات است. موفقیت اقتصادی دائمی سازمان مستلزم ایجاد تعادل پویا بین دوگانگی عملکرد اجتماعی و عملکرد اقتصادی آن سازمان است. عملکرد اجتماعی، توانایی سازمان برای رفع نیازهای افراد ذی‌نفع داخلی و خارج آن را مشخص می‌کند. میزان رضایت افراد ذی‌نفع کارآیی صحیح (متضاد نارسایی) نامیده می‌شود و با برقراری کیفیت کامل در درون سازمان متناظر است (غنبر طهرانی و پورقاسمی، ۱۳۸۴: ۹۰).

نظام‌های متنوعی را می‌توان برشمرد که اگر کارکرد آنها دچار اختلال شود، رونق تولید ملی نیز دچار رکود خواهد شد؛ با این وجود، هفت نظام، بیش از دیگر نظام‌ها در توفیق و شکوفایی و رونق تولید ملی مؤثرند که عبارتند از:

۱. نظام سیاستگذاری و تدوین و اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
۲. نظام تحقق عدالت؛

1. Lynn
2. Vanhanen
3. Dasgupta
4. Maler
5. Arrow
6. Lange

۳. نظام تولید امنیت و انباشت سرمایه؛
۴. نظام پیشرفت علم و تولید اندیشه؛
۵. نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع؛
۶. نظام تحقق استقلال ملی؛
۷. نظام مبارزه با فساد(اشیری، ۱۳۹۶).

این هفت نظام اساسی در سپهر و فضای پیشرفت ملی، هفت نظامی هستند که با رویکرد منظومه‌ای می‌توان گفت که اختلال در هر کدام از آنها، سطوح اقتصاد کلان و اقتصاد خرد جامعه را به شدت تحت تأثیر عوارض و ناهنجاری‌های خود قرار خواهد داد. از نظر منطقی، هر کدام از این نظام‌ها، بنا به مراتب وجودی خود و شدت تأثیرپذیری از مجموعه اهداف اصلی نظام اسلامی، با دیگر نظام‌ها در تعامل و ارتباط هستند و همدیگر را در یک فرآیند کلی و شبکه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند(درخشان، ۱۳۸۳). به‌طور کلی، مدیران باید از تعهد آشکاری نسبت به تغییر، نوآوری و بهبود مداوم برخوردار باشند و این تعهد به بخشی از راهبرد و چشم‌انداز سازمان تبدیل شود. ساختار سازمان باید به گونه‌ای تغییر کند که موانع بین افراد کاهش و وابستگی متقابل آنها افزایش یابد.

اسناد بالادستی مرتبط با اقتصاد در سازمان انتظامی کشور

اسلام طرفدار تقویت بنیه اقتصادی است اما نه به‌عنوان اینکه اقتصاد، خود، هدف است یا تنها هدف است، بلکه به‌عنوان اینکه هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نیست. اما اسلام اقتصاد را یک رکن از ارکان حیات اجتماعی می‌داند؛ از این رو، به نفع اقتصاد به سایر ارکان ضربه و لطمه نمی‌زند. طبق گفته شهید مطهری، اسلام طرفدار این نظریه که «سرچشمه درآمد، تقاضاها و تمایلات است» نیست بلکه معتقد است که باید تمایلات با مصالح عالی و همه‌جانبه بشریت تطبیق یابد(مطهری، ۱۳۷۶: ۴۰۸).

از جمله مهم‌ترین سند بالادستی در امر اقتصاد، آیات و روایات است که تأکید زیادی بر تلاش برای کسب مال حلال دارد؛ از جمله در آیه ۱۰ سوره جمعه. در آیه ۵ سوره نساء نیز اموال را پشتوانه زندگی مردم و استقامت ایشان

دانسته است و البته بر جهاد با مال به منزله جهاد با جان (توبه، ۴۱) و طرد اسراف و نهی قطعی از آن (اعراف، ۳۱) و محکوم‌شمردن زندگی‌های اشرافی و اِترافی (اسراء، ۱۶؛ واقعه، ۴۵) تأکید شده‌است. در روایات متعددی هم به نظر اسلام در مورد اقتصاد پرداخته شده‌است؛ از جمله این روایت از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «کسی که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش کند، همانند رزمنده در راه خدا است».

دیگر سند بالادستی در این موضوع، بیانات مقام‌معظم‌رهبری است. از نظر رهبری، هر توصیه و نسخه اقتصادی اگر در ظاهر، مستند به منابع دینی باشد، ولی تولید ثروت نکند، اسلامی نیست. در واقع، از نظر رهبری، هر الگو، توصیه و نسخه اقتصادی باید تولید ثروت و توزیع عادلانه و رفع محرومیت را تأمین کند و در غیر این صورت، اسلامی نیست (غفاری، ۱۳۹۸).

سند بالادستی دیگر، سیاست‌های اقتصادی نیروهای مسلح است که در قالب دستورکارها و اسناد متعدد تعیین و ابلاغ شده‌است که از جمله آنها سند راهبردی سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (ابلاغ بهار، ۱۳۹۱)، دستورکار اجرایی قرارگاه انضباط‌بخشی اقتصادی نیروهای مسلح (ابلاغ بهمن ۱۳۹۳)، سند مشارکت مردم در توسعه نظم و امنیت عمومی (ابلاغ ۱۳۹۵ وزارت کشور)، ابلاغیه حمایت از کالاهای ایرانی در بنگاه‌های سازندگی و اقتصادی نیروهای مسلح (۱۳۹۷/۷/۴)، سند راهبردی فعالیت‌های قرارگاه اقتصاد مقاومتی (ابلاغی سال ۱۴۰۰) و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

سند بالادستی دیگر، قانون اساسی است، بر اساس قانون اساسی کشور، ترسیم و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام و جهت‌گیری کشور بر عهده رهبری نظام است و این وظیفه از طرق مختلف به اجرا درمی‌آید. سخنرانی‌ها، ابلاغ‌ها، نامه‌ها، دستورها و در پاره‌ای موارد، حکم حکومتی. اما یکی از روش‌ها و شیوه‌های ترسیم جهت‌گیری کلی نظام و مسئولان که مقام‌معظم‌رهبری آن را مطرح و دنبال کرده‌اند، همین انتخاب شعار و نام‌گذاری سال‌های مختلف است. مقام‌معظم‌رهبری از سال ۱۳۸۸ تاکنون، سال‌ها را با عناوین اقتصادی نام‌گذاری

کرده‌اند و دیدگاه‌های اقتصادی خود را در اولین سخنرانی سال مطرح می‌فرمایند؛ بنابراین، می‌توان با تحلیل این بیانات به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد و درنهایت، الگوی اقتصادی ایشان دست یافت.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و برای کمک به مدیریت بهتر اقتصاد در سازمان‌های انتظامی بر مبنای دیدگاه مقام‌معلم‌رهبری است. همچنین، از آنجاکه این تحقیق اکتشافی است، در آن از رویکرد کیفی استفاده شده است. تحقیق کیفی مجموعه فعالیت‌هایی است که هر کدام به‌نحوی، محقق را در خصوص کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند (دلاور، ۱۳۷۶) و از آنجاکه برای انجام آن، چند گام اساسی باید برداشته شود، در آن، از تحقیق ترکیبی نوع مولتی‌متد^۱ کیفی استفاده می‌شود و ابتدا دیدگاه اقتصادی مقام‌معلم‌رهبری در خصوص اقتصاد (مستخرج از بیانات ایشان در نام‌گذاری سال‌ها و نیز از توصیه‌های اقتصادی ذکر شده در بیانیه گام‌دوم انقلاب) به شکل الگوی اقتصادی بهره‌برداری خواهد شد که برای این کار، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و در گام دوم، در ارائه الگوی اقتصادی برای سازمان‌های انتظامی کشور، از روش کیفی با روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. جامعه مورد مصاحبه در این تحقیق، نخبگان کلیدی برون‌سازمانی مرتبط با موضوع اقتصاد مانند اساتید دانشگاه‌ها و نخبگان کلیدی درون‌سازمانی مطلع از مباحث اقتصادی در سازمان‌های انتظامی کشور از جمله مطلعین شاغل در طرح و برنامه و بودجه سازمان‌های انتظامی کشور، بنیاد تعاون، آماد و مهندسی، نیروی انسانی و امور مالی سازمان‌های انتظامی کشور هستند. حجم نمونه تحقیق، در حد اشباع نظری است و نمونه‌گیری، ابتدا، به صورت هدفمند مبتنی بر معیار و در ادامه، به صورت گلوله برفی انجام پذیرفته است.

در روش گردآوری اطلاعات در احصای الگوی اقتصادی، از بیانات مقام‌معلم‌رهبری در سخنرانی‌ها و در بیانیه گام‌دوم انقلاب از روش تحلیل

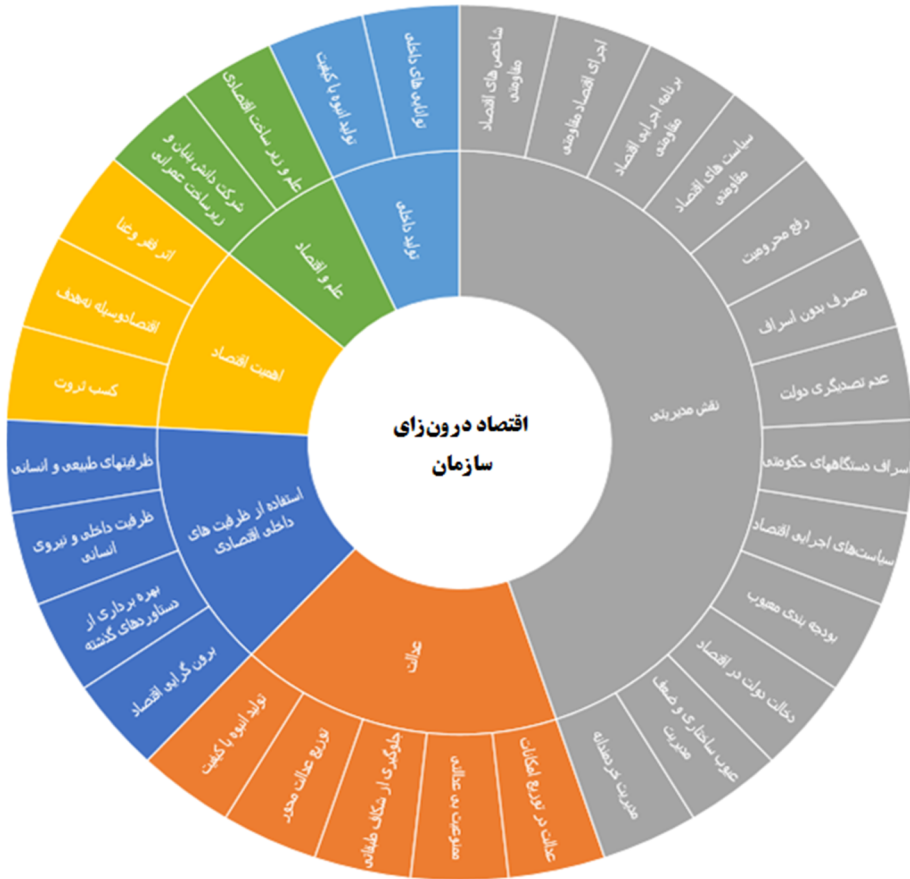
محتوای کیفی و تحلیل تماتیک استفاده شد. تحلیل تماتیک، از ابتدای امر به دنبال الگویی در داده‌هاست و در حقیقت، تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷). در مصاحبه با نخبگان و مطلعین کلیدی نیز از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است.

بررسی صحت و تأیید پایایی در تحقیقات کیفی شامل معیار اعتبار، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری می‌باشد. اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسش درباره یافته‌ها انجام می‌شود؛ به علاوه، جهت استحکام پژوهش، از سه معیار باورپذیری و اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری استفاده می‌شود (سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱).

برای تأمین و حفظ اعتبار و صحت داده‌های جمع‌آوری شده، پژوهشگر به هیچ‌وجه نگرش و دیدگاه شخصی خود را در زمینه موضوع مورد بررسی ارائه نداده و از این لحاظ، کاملاً بی‌تفاوت و بدون سوگیری عمل می‌کند. برای افزایش سطح اطمینان‌پذیری یافته‌های پژوهش، پژوهشگر از همان آغاز کار تا آخرین مرحله -یعنی مفهوم‌پردازی- از نظارت یک فرد متخصص در تحقیقات کیفی بهره برد و در نهایت، جهت افزایش سطح تأییدپذیری اطلاعات، تمامی مضامین شناسایی شده در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شده و نظر آنها در مورد صحت و درستی این نتایج اخذ گردید و حذف و اضافات اعمال شد.

یافته‌ها

الگوی اقتصادی از دیدگاه مقام معظم رهبری، بعد از کدگذاری‌ها در نمودار شماره ۱ عرضه گردیده است.



نمودار ۱. الگوی اقتصادی مستخرج از نظرات مقام معظم رهبری (بیانات و بیانیه گام دوم انقلاب)

نظرات نخبگان در خصوص اقتصاد سازمان انتظامی کشور مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری

مصاحبه در تحقیق حاضر، به روش گلوله‌برفی با ۲۵ نفر از نخبگان صورت پذیرفت و به حد اشباع نظری رسید. غالب این نخبگان از افراد مسئول و دارای سابقه در امور اقتصادی هستند که ۱۳ نفر از آنها از درون سازمان انتظامی کشور، ۶ نفر از سپاه و ستاد کل و ۶ نفر از بیرون از سازمان انتظامی کشور و نیروهای مسلح انتخاب شدند. سطح تحصیلات تعداد ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان، فوق لیسانس و تعداد ۱۹ نفر، دکترا بود و شغل بسیاری از آنها به نحوی مرتبط با اقتصاد یا مرتبط با سازمان انتظامی کشور بود که می‌توانستند راه کارهای

اقتصادی خوبی را برای سازمان انتظامی کشور ارائه دهند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۵۸,۲ بود.

قبل از ارائه الگوی اقتصادی مستخرج از نظر نخبگان، جمع نظرات به‌صورت ابعاد و مؤلفه‌ها توسط سایر نخبگان در قالب جدول شماره ۱ ارائه می‌شود:

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی مستخرج از تحلیل تمانیک نظرات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	ابعاد	مؤلفه	شاخص‌ها
۱	مصرف	مصرف درست	اصلاح الگوی مصرف
			اجرای دستور کار اصلاح الگوی مصرف
			اصلاح الگوی مصرف در ساختمان و تجهیزات
			مصرف تولیدات داخلی
			مصرف صحیح اقلام و تجهیزات
	صرفه جویی	صرفه جویی در هزینه‌ها	برنامه‌ریزی راهبردی عدم اسراف
			رعایت پروتکل‌های صرفه‌جویی
			جایگزینی پاسگاه‌ها با سیستم‌های کنترل از دور
			صرفه‌جویی در انرژی
			ساده‌زیستی مدیران
۲	تولید	ارائه خدمات انتظامی	اصلاح جدول تجهیزات رده‌ها و مسئولان
			تصفیه فاضلاب برای آبیاری درختان
			طراحی و ایجاد خدمات انتظامی جدید
			فروش اطلاعات مورد نیاز مردم (پاسخ استعلام‌ها)
			ارائه تأیید و پیوست انتظامی امنیتی به کلیه ساخت‌وسازها
			ایجاد سیستم‌های مراقبتی - امنیتی
			تأیید صلاحیت شرکت‌های IT در کشور
			آموزش و فروش سگ نگهبان توسط واحد سپکا
			راه‌اندازی کارآگاه خصوصی
			ایجاد موسسه انتظام
			تأسیس مدرسه تیراندازی
			ارائه خدمات انتظامی
			ارائه مشاوره برای ازدواج
			ارائه خدمات آموزشی به سازمان‌های ذیربط
			آموزش یگان‌های حفاظت
			تولید و صادرات تجهیزات امنیتی - انتظامی
	ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان ایمنی		
تولید تجهیزات و محصولات			

ردیف	ابعاد	مؤلفه	شاخص‌ها
			تولید و فروش نیازهای امنیتی خانوار
			اختراع وسایل ایمنی توسط سربازان نخبه
			تولید و فروش تجهیزات ایمنی با مارک پلیس
			تولید و فروش لوازم شخصی با مارک پلیس
			انحصار تولید و توزیع محصولات و تجهیزات امنیتی
			تولید کالاهای اساسی مورد نیاز سازمان
			استفاده از سربازان نخبه برای تولید
			تولید متناسب با نیازها، قابلیت‌ها و ملاحظات سازمانی
			استفاده از ظرفیت‌های سازمانی موجود برای تولید محصولات
			انجام امور اقتصادی امنیتی
۳	اقتصاد دانش بنیان	مشارکت در تولید	سرمایه‌گذاری مطمئن در بورس
			سرمایه‌گذاری در تولید محصولات داخلی
			افزایش منابع پایدار و خود اتکا
			مشارکت با شرکت‌های با درآمد پایدار
۳	اقتصاد دانش بنیان	هوشمندسازی	هوشمندسازی امور انتظامی
			تأمین امنیت مرزها با تجهیزات مدرن
			هوشمندسازی رصد و کنترل مجرمین
			به‌کارگیری فناوری نوین
			تقویت فناوری موجود (دوربین‌های پلاک خوان و..)
			تأکید بر IT base کردن امور
			چابک‌سازی سازمان با فناوری روز
			ساخت اپلیکیشن به کنترل مسیرها
			استفاده از الگوهای اقتصادی دانش بنیان
			ایجاد شرکت‌های دانش بنیان ایمنی
۴	مدیریت صحیح	مدیریت تحولی	ورود به استارت‌آپ‌های مرتبط با امنیت
			هدفمند نمودن نمایشگاه‌های ایپاس
			سیاست‌گذاری برای رعایت اقتصاد مقاومتی
			رعایت اصول اقتصاد مقاومتی در سازمان
			بومی‌سازی اقتصاد مقاومتی در سازمان
			آموزش کارکنان برای اجرای اقتصاد مقاومتی
			تشویق فعالان در راستای اقتصاد مقاومتی
			شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران
			تخصص‌گرایی
			تغییر شاخص‌ها به سمت نرم‌افزاری
بازنگری سند چشم‌انداز و قانون استخدامی سازمان انتظامی کشور			

شاخص‌ها	مؤلفه	ابعاد	ردیف
اصلاح مدیریت سنتی به مدرن			
اطلاعات پایه‌شدن (درست کردن سازمان اطلاعات			
رعایت اصول مدیریت هدایت، حمایت و نظارت و پیگیری			
نوآوری در سازمان			
مطالبه حق انتظامی			
سهام‌خواهی برای تأمین امنیت			
افزایش بهره‌وری (استفاده از ظرفیت‌های سازمان)			
افزایش انگیزه کارکنان برای افزایش بهره‌وری			
گزینش از افراد متخصص آموزش‌دیده			
مدیریت استعدادها و آموزش کارکنان			
هوشمندسازی امور برای کاهش نیروی انسانی			
چابک‌سازی سازمان	مدیریت منابع		
اصلاح مشاغل از وظیفه‌گرا به چندمنظور	انسانی و		
متعادل‌سازی سازمان	ساختار سازمانی		
اصلاح ساختار سازمانی			
اصلاح فرآیندها			
حسابداری منابع انسانی			
بودجه‌بندی درست			
کاهش هزینه‌های سرمایه انسانی			
تقویت اجرای احکام الهی (رعایت حلال و حرام)	مدیریت		
فرهنگ‌سازی مصرف درست در سازمان	فرهنگی		
اصلاح فرهنگ سازمانی (سبک زندگی درست)			
برون‌سپاری خدمات انتظامی و ...			
توسعه الکترونیک خدمات			
تمرکزگرایی امکانات سازمانی و خودرویی			
جایگزینی اقلام فرسوده	مدیریت		
نگه‌داشت صحیح تجهیزات سازمانی	اقتصادی		
کارشناسی درست در کارهای اقتصادی			
حساسیت نسبت به عملکرد اقتصادی مدیران			
برنامه‌ریزی درست اقتصادی			
فعالیت‌های اقتصادی با افراد متخصص			
توزیع امکانات براساس میزان جرم و فعالیت	توزیع عادلانه		
رعایت دستور کارها در توزیع امکانات	امکانات سازمان	عدالت	۵
توزیع عادلانه مسکن و امکانات	انتظامی کشور		
توزیع عادلانه هوشمند			

ردیف	ابعاد	مؤلفه	شاخص‌ها	
۶	کنترل و نظارت	کنترل و نظارت سازمانی	رفع تبعیض در سیستم برای افزایش بهره‌وری	
			هوشمندسازی نظارت و کنترل سازمانی	
			مبارزه با فساد در سازمان	
			نظارت همه‌جانبه و نظام‌مند در سازمان	
	کنترل و نظارت اقتصادی	کنترل و نظارت اقتصادی	کنترل و نظارت اقتصادی	نظارت بر مشارکت مردمی
				بودجه‌ریزی درست به‌عنوان ابزار کنترل
				رصد هوشمند فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌انتهای کشور
				ایجاد واحد تخصصی حسابرسی و نظارت بر عملکرد بیمه قراردادهای
۷	جلب مشارکت مردم	مشارکت مردم	اخذ هزینه‌های امنیتی از مردم	
			استفاده از خیرین امنیت‌ساز برای کسب اطلاعات	
			تقویت کشت محله‌محور	
			مشارکت مردم در هوشمندسازی (طرح ناظر)	
			مشارکت مردمی برای انجام مأموریت‌ها	

مطابق جدول بالا، بعد از کدگذاری مصاحبه‌ها نظرات در هفت مولفه مصرف، تولید، اقتصاد دانش‌بنیان، مدیریت صحیح، عدالت، کنترل‌ونظارت و جلب مشارکت‌مردم جای گرفت و تعداد ۱۱۳ مولفه استخراج شد که بعد مصرف دارای ۱۳ مولفه و بعد تولید ۲۹ مولفه داشت که می‌توان آنها را در سه دسته بزرگ شامل تولید خدمات، تولید تجهیزات و محصولات و مشارکت در تولید جای داد. اقتصاد دانش‌بنیان دارای ۱۲ مولفه شد. بعد مدیریتی بیشترین فراوانی مولفه را به‌همراه داشت و مصاحبه‌شوندگان تأکید زیادی بر نقش اقدامات مدیریتی در بهبود وضع اقتصادی سازمان‌انتهای کشور داشتند که می‌توان آن را در چند دسته مدیریت تحولی برای صرفه‌جویی و تولید اقتصادی، مدیریت منابع انسانی و ساختار سازمانی، مدیریت فرهنگی و مدیریت اقتصادی سازمان‌انتهای کشور جای داد. بعد عدالت دارای ۵ مولفه و بعد کنترل‌ونظارت، ۸ مولفه و درنهایت، بعد جلب مشارکت‌مردمی ۵ مولفه به دست آورد.



نمودار ۲. الگوی اقتصادی پیشنهادی برای سازمان انتظامی کشور مستخرج از نظرات نخبگان

نتیجه‌گیری

یکی از تأکیدات متعدد مقام‌معهظم رهبری در بیانیه گام‌دوم، موضوع اقتصاد، به‌عنوان یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. ایشان در اهمیت اقتصاد می‌فرمایند: «فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد» و در ادامه، در زمینه‌ساز بودن اقتصاد برای تمام فعالیت‌ها می‌فرمایند: «اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست اما اقتصاد وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید» (بیانیه گام‌دوم، ۱۳۹۷). همچنین، ایشان از سال ۱۳۷۸ برای اولین بار به‌طور رسمی، عنوانی را برای آن سال انتخاب نمود و پس از آن، این نام‌گذاری به‌شکل یک سنت همه‌ساله تکرار شد و نزدیک به ۶۰٪ عنوانین

سال‌ها مربوط به مسائل اقتصادی کشور بود که این مطلب، بیانگر اهمیت موضوع اقتصاد در پیشرفت نظام اسلامی است.

بدون شک، ابعاد و مولفه‌های مستخرج از بیانات اقتصادی رهبری می‌تواند برای برنامه‌ریزی اقتصادی سازمان‌انظامی کشور کاربردی باشد ولی بسیاری از شاخص‌های این الگو در خصوص اقتصاد کل کشور است و به‌ویژه تأکیدی که بر تولید دارد، بیشتر شامل واحدهای تولیدی می‌گردد و کمتر می‌تواند مصادیق رشد اقتصادی در درون سازمان‌انظامی کشور و بهبود وضعیت اقتصادی آن باشد؛ بنابراین، ابعاد و مولفه‌های الگوی مستخرج از نظرات مقام‌معظم‌رهبری در اختیار نخبگان قرار داده‌شد تا مصادیق کاربردی برای سازمان‌انظامی کشور ارائه شود. البته بعد مدیریتی کاملاً می‌تواند برای سازمان‌انظامی کشور دارای کاربرد باشد. همچنین، در بحث کنترل و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی می‌توان از نظرات و شاخص‌های موردنظر رهبر استفاده کرد.

براساس الگوی اجتماعی اقتصادی، کارکرد پویای سازمان تحلیل و انحطاط تدریجی ساختارها و رفتارها به ایجاد هزینه‌های پنهان و نارسایی‌های بزرگی در سازمان می‌انجامد که موفقیت اقتصادی بلندمدت سازمان را تهدید می‌کند. همچنین، کیفیت نحوه هدایت سازمان هم به‌عنوان عامل کلیدی موفقیت اقتصادی سازمان به شمار می‌رود. یکی از روش‌های هدایت، ایجاد نظام‌های اطلاعاتی عملیاتی صحیح، یکپارچه و پویایی منابع انسانی است. از سوی دیگر، افزایش نسبت اطلاعات دلگرم‌کننده نیز یکی از راه‌های بهبود هدایت سازمان است. اطلاعات دلسردکننده زیادی در سازمان‌ها ایجاد می‌شود که هزینه‌های پنهانی در برداشته و سازمان را به‌سوی موفقیت اقتصادی هدایت نمی‌کند. بنابراین، از جمله پیشنهادات اساتید صاحب‌شونده برای افزایش بهره‌وری سازمان‌انظامی کشور، ایجاد انگیزه در کارکنان با نظام‌های تشویقی است که می‌تواند موجب دلگرمی افراد شود. همچنین، مدیران باید از تعهد آشکاری نسبت به تغییر، نوآوری و بهبود مداوم برخوردار باشند و این تعهد به بخشی از راهبرد و چشم‌انداز سازمان تبدیل شود. ساختار سازمان باید به‌گونه‌ای تغییر کند که موانع بین افراد کاهش و وابستگی متقابل آنها افزایش یابد. با

مسطح کردن ساختار^۱، حذف یا ترکیب بخش‌ها و افزایش استفاده از گروه‌های فراوظیفه‌ای می‌توان این مهم را انجام داد. درنهایت، فرهنگ سازمان هم باید به فرهنگی تبدیل شود که از یادگیری مداوم و تغییر پشتیبانی کند. خطرپذیری، پذیرندگی و رشد باید به ارزش‌های سازمان تبدیل شود و مدیریت باید فضایی را ایجاد کند که در آن افراد تفاوت‌ها و تناقض‌ها را بپذیرند. این امر مستلزم تشویق و حمایت از تعارضات است. در پیشنهادات مدیریتی ارائه‌شده از سوی نخبگان، هم به این امور به‌ویژه نوآوری مدیران، آموزش کارکنان در زمینه‌های مختلف از جمله پیاده‌سازی دستورکارهای ابلاغی کمک‌کننده به اقتصاد در سازمان انتظامی کشور مانند دستورکار اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی، صرفه‌جویی و... که همه با ذکر اقدامات اجرایی از مراجع بالادستی به سازمان انتظامی کشور ابلاغ شده و گاه به فراموشی سپرده شده‌اند، اشاره شده است.

بر اساس این نظریه و بیانات مقام‌معمورهبری، یکی از وظایف مهم سازمان انتظامی کشور که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد آن تأثیرگذار است، توجه به سرمایه انسانی و آموزش آن است؛ هم در این نظریه و هم در مصاحبه‌ها تأکید شده است که سازمان انتظامی کشور باید نسبت به جذب نیروی کیفی آموزش‌دیده اقدام کند. این امر علاوه بر صرفه‌جویی در آموزش و ورود افراد به عرصه کار در هزینه‌های آموزش طولانی‌مدت تأثیرگذار است.

یکی از موضوعات مهمی که باید در بحث‌های اقتصادی مورد توجه سازمان انتظامی کشور باشد، توجه به اسناد بالادستی مرتبط با موضوع است که در این تحقیق به همه آنها اشاره شد و برخی هم به‌طور کامل توضیح داده شد. از جمله مهم‌ترین اسناد بالادستی در امر اقتصاد، آیات و روایات است که تأکید زیادی بر تلاش برای کسب مال حلال و طرد اسراف و نهی قطعی از آن و محکوم شمردن زندگی‌های اشرافی دارد. دیگر سند بالادستی در این خصوص، بیانات مقام‌معمورهبری است. طبق فرمایش ایشان، هر توصیه و نسخه اقتصادی اگر در ظاهر، مستند به منابع دینی باشد ولی تولید ثروت نکند،

اسلامی نیست. همچنین، این تحقیق مبتنی بر الگوی اقتصادی مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب است.

سند بالادستی دیگر، سیاست‌های اقتصادی نیروهای مسلح است که در قالب دستورکارها و اسناد متعدد تعیین و ابلاغ شده است. فرماندهی انتظامی باید به اسناد ابلاغی فعالیت اقتصادی توجه داشته باشد و این فعالیت‌ها باید مقوم مأموریت‌های پلیس باشند. همچنین، باید فعالیت‌های اقتصادی آن، از نوع اقتصادی - انتظامی یا امنیتی باشد. بر اساس آنچه در مصاحبه‌ها ذکر شد، پلیس باید در تولید خدمات انتظامی مرتبط با امور پلیسی (آموزش یگان‌های حفاظت، خدمات مشاوره انتظامی، راه‌اندازی کارآگاه خصوصی و تربیت سگ نگهبان و ...) و تولید و توزیع تجهیزات ایمنی با برند پلیس مانند سیستم‌های ایمنی برای منازل و اماکن عمومی و صادرات این وسایل و... وارد شود. همچنین، انتظار می‌رود که در خدمات اقتصادی برای کارکنان مانند ساخت و فروش منازل مسکونی و خدمات رفاهی و تفریحی برای جبران خدمت و ایجاد روحیه در آنها اقدام کند. خارج از این امور، اقدامات اقتصادی پلیس هم موجب کاهش شأن و منزلت پلیس می‌شود و هم بخشی از توان و انرژی مدیران باید صرف اداره امور اقتصادی شود؛ از طرفی، نگرانی از بروز فساد اقتصادی هم به وجود می‌آید. در واقع، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی درون‌سازمانی سازمان انتظامی کشور می‌تواند با کاهش هزینه‌های حوزه منابع انسانی، اصلاح ساختارها و فرآیندها، کیفی‌سازی سرمایه انسانی، افزایش بهره‌وری، بهبود روش‌ها و اصلاح فرآیندهای انجام مأموریت و ارائه خدمات انتظامی، برون‌سپاری برخی امور و چابک‌سازی سازمان، مشارکت‌پذیری از مردم با رعایت ملاحظات خاص، تلاش برای اصلاح الگوی مصرف در خانواده و پرهیز از اسراف، مدیریت مصرف و اصلاح چرخه‌های تأمین و توزیع در سازمان انتظامی کشور و امثال آن حاصل شود.

پیشنهادها

بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. حوزه طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی سازمان، الگوهای مستخرج از بیانات و نظرات مقام‌مظهرهبری را به‌عنوان مبنای علمی تحقیقات مرتبط با اقتصاد، در اختیار مسئولان مرتبط با موضوع و نیز سایر محققان قرار دهد تا از آن بهره‌برداری کنند. همچنین، الگوی مستخرج از نظرات نخبگان - که همگی از مسئولان با سابقه درخصوص مباحث اقتصادی به‌خصوص برای نیروهای مسلح و سازمان انتظامی کشور بوده و هستند - جهت بهره‌برداری موثر در اختیار مسئولان امر قرار گیرد.
۲. با تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورزی در نیروی انسانی، طرح و برنامه، بازرسی و بنیاد تعاون، نحوه اجرایی‌شدن الگوی اقتصادی به‌دست‌آمده در این تحقیق کاربردی شده و از آن برای بهبود وضعیت اقتصادی سازمان انتظامی کشور بهره‌گیری شود.
۳. با تشکیل قرارگاه اقتصادی، اقدامات اجرایی در دو جنبه کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدزایی در سازمان به‌صورت مستمر بررسی و شناسایی شده و به بخش‌های عملیاتی ابلاغ گردد و نظارت و کنترل آن هم توسط بازرسی در دستور کار قرار گیرد. این قرارگاه می‌تواند با بازنگری و اصلاح جداول تجهیزات، اماکن، نیروی انسانی، شرح وظایف و مشاغل و ... به کاهش هزینه‌های سازمان کمک کند.
۴. آیین‌نامه‌ها و دستورکارهای مرتبط با موضوع که از ستادکل ابلاغ می‌شود، بومی‌سازی شده و به‌طورمستمر گزارش اجرایی آن از رده‌ها گرفته و بر این امر نظارت شود.
۵. بازنگری سند چشم‌انداز مأموریتی سازمان انتظامی کشور با رویکرد اقتصاد مقاومتی و اصلاح الگوی مصرف در دستور کار سازمان انتظامی کشور قرار گیرد.
۶. تدوین و ابلاغ برنامه‌های راهبردی اقتصادی ناجا (جلوگیری از اسراف، الگوی مصرف، تولید اقتصاد مقاومتی و ...) در دستور کار قرار گیرد. در

دستور کار ابلاغی اقتصاد مقاومتی تأکید زیادی بر اقتصاد دانش بنیان و فعال شدن شرکت‌های دانش بنیان، علم‌گرایی و دانش‌محوری شده است که در مصاحبه‌ها هم نسبت به آن تأکید فراوان شده است.

۷. در دستور کار ابلاغی مشارکت مردم در توسعه نظم و امنیت از سوی وزارت کشور، پیگیری سیر مراحل قانونی موارد درآمدزایی برای سازمان انتظامی کشور در نظر گرفته شده است که گویا اقدامات اساسی برای اجرایی شدن آنها صورت نگرفته است. پیگیری این مطالبات توسط معاون حقوقی سازمان انتظامی کشور و سایر مسئولان می‌تواند منابع مستمر درآمدی برای سازمان انتظامی کشور ایجاد کند که باید در دستور کار سازمان انتظامی کشور قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- قرآن کریم
- اسفندیاری صفا، خسرو و دهقان، حبیب‌اله (۱۳۹۵)، مولفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام‌معلم رهبری (حفظه الله تعالی)، فصلنامه مدیریت نظامی، (۱)، ۶۰-۸۴.
- اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۱) ضرورت‌های ورود ناجا به مبارزه با جرایم اقتصادی، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه (۵) ۲۰، ۱۰۰-۱۱۹
- براتی، امیر نظام، زارعی، محمد حسین و مسعود، غلامحسین، (۱۳۹۶)، بررسی عملکرد نهادهای حاکمیتی تخصصی در مبارزه با مفسد اقتصادی از منظر فلسفه انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی (۶) ۲۲، ۳۰۵-۳۵۱.
- پاک، پیتر و گارات، کریس. (۱۳۸۰) کینز. ترجمه معظمی جهرمی، علی. تهران: شیرازه.
- جعفر لو، سمیه (۱۳۹۳)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، بررسی راهکارهای امام علی (ع) در اصلاح مفسد اقتصادی، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز جنوب
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). منظومه فکری امام خمینی (ره). تهران. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- درخشان، مسعود، و دیگران. (۱۳۸۳) مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دلاور، علی (۱۳۷۶) مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد
- رضایی، قاسم (۱۳۹۵)، رساله دکتری، مفسد اقتصادی؛ ریشه‌ها، پیامدها و راه‌حل‌های آن از منظر قرآن کریم و سنت، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- رضانی، حسین (۱۳۹۶)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، فساد سیاسی و اقتصادی، علل و راهکارهای پیشگیری از آن در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
- صنیعی، سحر (۱۳۹۵)، تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه‌محور، ماهنامه پژوهش ملل، ۲ (۱۵)، ۳۷-۵۰
- غفاری، مجتبی (۱۳۹۸)، الگوی پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی. تهران، مرکز مطالعات پیشرفت و تمدن پژوهشگاه.

- قره باغی، اکرم (۱۳۹۱)، نقش نیروی انتظامی در پیشگیری از جرایم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱ و ۲، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه آثار، تهران: صدرا.

منابع انگلیسی

- Aiginger, Karl,(2006). Revisiting an Evasive Concept: Introduction to the Special Issue on Competitiveness. *Journal of Industry, Competition and Trade*, 6: 63-66.
- Arrow, Kenneth, Partha, Dasgupta, and Karl-Goran Maler,(2003). Evaluating Projects and Assessing Sustainable development in imperfect economies. *Environmental & Resource Economics*, 26: 647-685.
- Dasgupta, Partha, and Karl-Goran Maler,(2000). Net national product, wealth, and social well-being. *Environment and Development Economics*, 5: 69-94.
- Denis, Henri(2016) *Histoire de la pensée économique*. PUF,Paris
- Lange, Gleen-Marie,(2004). Wealth, natural capital, and sustainable development: contrasting examples from Botswana and Namibia. *Environment & Resource Economics*, 29: 257-283
- Lynn, Richard, and Tatu Vanhanen,(2002). *IQ and the wealth of nations*. Westport: Praeger Publisgers. USA
- Svetlana G.Absalyamova, Timur B. Absalyamova, Chulpan F.Mukhametgalieva, Asiya R. Khusnullova(2015) *Management of the Sustainable Development of Human Capital in the Terms of Macroeconomic Instability*. Elsevier - Science Direct. *Procedia Economics and Finance*, Volume 24, 2015, Pages 13-17
- Zoltan J. Acs ,Saul Estrin ,Tomasz Mickiewicz ,László Szerb(2018) *Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: an ecosystem perspective*. *Small Business Economics* .51, pages501-514(2018)

The Imported Epistemological Foundations of Contemporary Intellectual Thoughts and Its Impact on the Soft Security of the Islamic Republic of Iran

*Mahdi Rouhi*¹

*Mahdi Firouzkoobi*²

Type of article: A research paper extracted from a doctoral thesis

Received: 18/01/2023

Accepted: 19/05/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*33-74



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101623

Abstract

Context and purpose: The current of contemporary religious intellectuals is trying to present an understanding and reading of religion that is in harmony with the new world. Basically, the special work of religious intellectuals is theorizing to solve the gap between tradition and modernism; Therefore, most of them try to combine religion and modernity and reread and reconstruct religion based on the components of modernity. In the meantime, some contemporary intellectuals educated in the West are seeking to use the epistemological aspects learned from the West in religious analysis and interpretation, and in this way, combine their religious tradition with the western civilization.

Method: Since the problem of research is tracking and the effects of western knowledge bases on contemporary intellectuals, it is inevitable that the research method is qualitative and comparative.

Findings: In this research, aspects of hermeneutic influence on the religious interpretation of westernized intellectuals have been discussed, and as an example, the opinions of Abdul Karim Soroush have been examined and the impact of his thought plan on the soft security of the Islamic Republic of Iran has been investigated. For this purpose, the collection of written and written works of Soroush has been critically reread and with the help of hermeneutic principles, the roots of intellectuals' thought have been extracted and analyzed, and finally, a comparison has been made with the soft security components of the Islamic Republic.

Results: The results indicate that Soroush's intellectual plan is in conflict with most aspects of the soft security of the Islamic Republic of Iran and weakens its soft security. The result of Soroush's intellectual plan can be religious pluralism, individual religiosity and a kind of religious secularism and the exclusion of religion from the social arena and function, the uncertainty of the Holy Quran and the prophetic tradition in explaining socio-political teachings, the acceptance of liberalism and human rights with western foundations and standards as the basis of governance and In a word, the "conventionalization of religion" summed up and in this way, in a way, drew a definite conflict between the soft security of the Islamic Republic of Iran and Soroush's intellectual plan.

Keywords: hermeneutics, religious intellectualism, soft security.

1. Graduated from the doctoral course in regional studies, Faculty of Political Sciences, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran, roohi1@chmail.ir

2. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Political Sciences, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran (corresponding author), firuzkuhi@chmail.ir

مبانی معرفت‌شناختی وارداتی اندیشه‌های روشنفکری معاصر و تأثیر آن بر امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران

مهدی روحی^۱

مهدی فیروزکوهی^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۲ (پیاپی ۲۸) - تابستان ۱۴۰۲ * ۲۳-۷۴



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101623

چکیده

زمینه و هدف: جریان روشنفکری دینی معاصر در تلاش است تا برداشت و قرائتی از دین عرضه نماید که با دنیای جدید در تناسب باشد. اصولاً، کارویژه روشنفکران دینی، نظریه‌پردازی برای حل شکاف میان سنت و مدرنیسم است؛ بنابراین، بیشتر درصدد جمع میان دین و مدرنیته و بازخوانی و بازسازی دین بر اساس مولفه‌های مدرنیته هستند. در این میان، برخی از روشنفکران معاصر تحصیلکرده در غرب، به دنبال آن‌اند تا وجوه معرفت‌شناختی آموخته از غرب را در تحلیل و تفسیر دینی به‌کار برده و از این طریق، میان سنت دینی خود و آورده تمدنی غرب تلفیق نمایند.

روش: از آنجاکه مسئله پژوهش، ردیابی و تأثیرات مبانی معرفتی غرب در روشنفکران معاصر است، روش تحقیق، کیفی و تطبیقی است.

یافته‌ها: در این پژوهش، به وجوه اثرگذاری هرمنوتیک بر تفسیر دینی روشنفکران غرب‌زده پرداخته شده و به‌عنوان نمونه، آرای عبدالکریم سروش بررسی و تأثیر طرح فکری وی بر امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران کنکاش شد. به‌همین‌منظور، مجموعه آثار مکتوب و منقول سروش بازخوانی انتقادی شده‌است و با روش اجتهادی دلالت‌محور و با یاری مبانی هرمنوتیک، ریشه‌های اندیشه روشنفکران در مبانی معرفتی غرب استخراج شده و مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته و درنهایت، یک نسبت‌سنجی با مولفه‌های امنیت نرم جمهوری اسلامی صورت پذیرفته است.

نتایج: نتایج حاکی از آن است که طرح فکری سروش با بیشتر وجوه امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران در تعارض بوده و امنیت نرم آن را دچار تزلزل می‌کند. نتیجه طرح فکری سروش را می‌توان پلورالیسم دینی، دین‌گرایی فردی و نوعی سکولاریسم دینی و طرد دین از عرصه و کارکرد اجتماعی، عدم قطعیت قرآن کریم و سنت نبوی در تبیین آموزه‌های اجتماعی - سیاسی، پذیرش لیبرالیسم و حقوق بشر با بنیان‌ها و معیارهای غربی به‌عنوان مبانی حکومت‌داری و در یک کلام، "عرفی‌سازی دین" تلخیص و در این صورت، به‌نوعی، تعارض قطعی میان امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران و طرح فکری سروش را ترسیم نمود.

واژگان کلیدی: هرمنوتیک، روشنفکری دینی، امنیت نرم، سروش.

۱. دانش آموخته دوره دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران،

roohi1@chmail.ir

۲. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

firuzkuhi@chmail.ir

مقدمه

جریان روشنفکری در جهان اسلام، همواره در مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بیشترین اثرگذاری را داشته‌است و شاید دلیل این اثرگذاری، کارویژه مدعیان روشنفکری باشد. می‌توان گفت جریان روشنفکری از مبدأ پیدایش آن - رنسانس غربی - همواره به‌دلیل معنا و مفهوم روشنفکری، مرجع اندیشه‌ورزی و طرح ایده‌های نو برای حل مسائل جامعه خود بوده‌است و به همین خاطر نیز بر اهمیت ظاهر شده‌است. اهمیت روشنفکران از همین جمله پیشین آشکار می‌شود. روشنفکر درصدد ارائه طرح و نظریه‌پردازی برای حل مسائل نوپدید است. اگرچه خاستگاه روشنفکری جهان غرب است ولی در جهان اسلام نیز پدیده روشنفکری به‌دلیل برخی مسائل دیگر بر رونق بوده‌است و می‌توان گفت که پس از اولین مواجهه جهان اسلام با جهان غرب و فهم عقب‌ماندگی مسلمانان در برخی از جنبه‌ها همچون علم و فناوری، مدعیان جریان روشنفکری در جهان اسلام بر قدرت‌تر از مغرب زمین به میدان آمده‌اند؛ زیرا اغلب جریان روشنفکری مسلمان در جهان اجتماعی غرب زیسته یا تحصیل کرده‌اند و به شکاف میان جهان سنتی خود با جهان مدرن غرب آگاهی یافته و پس از فهم این شکاف، به زعم خود، درصدد است تا با ابداعات نظریه‌پردازی، به هر شکل ممکن، این تأخر را جبران نموده و پلی میان جهان سنتی خود و جهان به‌زعم خود، مدرن غربی ایجاد نماید.

در این راستا برخی این تاخر به‌وجودآمده را ذاتی اسلام و دین مسلمانان دانسته و راهکار را غربی‌شدن به‌تمام‌وجوه آن - از فرق سر تا نوک انگشت پا - فهم کرده‌اند؛ گروهی که در ادبیات علمی به روشنفکران غربگرا مشهور شده‌اند. در مقابل، برخی ذات تمدن و آورده مدرنیته غربی را مخالف سرشت حقیقی بشر دانسته و اصولاً به مقابله با آن برخاسته‌اند و اگرچه از این تاخر نامشعوفند، ولی آورده تمدنی غرب را هم ناموجه می‌دانند و اصولاً به مسیر دیگری می‌اندیشند؛ گروهی که روشنفکران غرب‌ستیز معرفی می‌شوند. اما شکل دیگری از جریان روشنفکری - که معروف به روشنفکران دینی هستند - ابراز دلبستگی به سنت تمدنی و دینی خود داشته و دین را قابل عدول نمی‌دانند و

در مقابل، تمدن غربی را نیز دارای وجوهی می‌دانند که قابلیت به‌کارگیری دارد. به تعبیر دیگر، مدعیان روشنفکری دینی درصددند داشته‌های سنتی خود را با داده‌های تمدنی غرب درهم‌آمیزند. این گروه نه می‌توانند سنت دینی را نادیده بگیرند و نه می‌توانند از آورده تمدنی غرب چشم‌پوشی کنند و بدیهی است که نظریه‌پردازی با این توصیف بسیار مشکل‌تر است. به‌هرجهت، روشنفکران دینی مدعی هستند که بار صورت‌بندی و جمع میان سنت و مدرنیته را به دوش می‌کشند.

در طول تاریخ دوپست‌ساله جریان روشنفکری در جهان اسلام - یعنی از زمان سید جمال تاکنون - جریان روشنفکری دینی طرح‌هایی برای حل این شکاف پدیدآمده میان جهان سنتی و جهان مدرن در انداخته‌اند و به‌میزان فهم خود از غرب و تمدن غربی و نیز سنت دینی نظریه‌پردازی کرده‌اند. آخرین گروه از این جریان نواندیشی دینی، تقریباً مقارن و همزاد جمهوری اسلامی ایران است. این جریان با تجربه پیشین روشنفکری جهان اسلام و اندیشه‌های آنان مأنوس بوده و ناکامی و ناکارآمدی اندیشه‌ورزی آنان را لمس کرده‌اند. حال با این داشته پیشین، درصددند تا با آموخته معرفتی خود از غرب، خوانشی از دین ارائه دهند که با آورده تمدنی غرب هم‌خوان باشد و عبدالکریم سروش، از جمله این شخصیت‌هاست. وی که دانش‌آموخته فلسفه علم از انگلستان است، به خوانش جدیدی از دین دست زد تا از طریق آن بتواند نوعی نسبت‌سنجی با آورده‌های مدرنیته غربی برقرار نماید. در آن زمان، امام خمینی (ره) یک اصل دینی موجود و مغفول - دین برای اداره جامعه کارآمد بوده و ولایت‌فقیه در عصر غیبت می‌تواند به نیابت از امام معصوم جامعه را اداره کند - را عملیاتی کرد که منتج به انقلاب اسلامی ایران شد؛ اصلی که دارای مبانی معرفتی عمیق دینی برآمده از سنت هزارساله دینی است. نوعی تعارض میان این دو اندیشه؛ امام (ره) و سروش. در این نوشتار درصدد هستیم به روش اجتهادی دلالت‌محور، تأثیر بنیان‌های هرمنوتیک غرب بر طرح روشنفکری عبدالکریم سروش را تبیین کرده و تأثیر آن را بر امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. طرحی که از نگارش قبض و بسط نظریه‌پردازی

شریعت آغاز شده و دامنه آن تاکنون گسترش یافته است. مدعای این پژوهش این است که سروش با بهره‌گیری از معرفت‌شناسی مدرن غربی به خوانش جدیدی از اسلام و متون دینی برای حل شکاف سنت و مدرنیته پرداخته است. مسئله‌ای که توسط او انکار نمی‌شود ولی چارچوبی دقیقی نیز در باب آن ارائه نمی‌دهد؛ از این‌رو، پرداختن به این مسئله می‌تواند ابعاد فکری سروش را روشن‌تر کرده و ارزیابی و نقد آن را چارچوب‌مند نموده و نقد نظریه روشنفکری او را منقح نماید. در این میان هرمنوتیک - که از آورده‌های مدرن غربی در حوزه معرفت‌شناسی غرب است - ابزار چنان چارچوبی را به دست می‌دهد؛ بنابراین، به‌طور مشخص، در این پژوهش، بنیان‌های هرمنوتیکی عبدالکریم سروش مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هرمنوتیک در گرایش روشی و فلسفی آن، ریشه‌های دقیق فکری سروش را مشخص کرده و ریشه‌های ارتباطی اندیشه‌ای سروش با غرب، نقدها و جرح و تعدیل‌های صورت‌گرفته در اندیشه‌های فلسفی غرب، خود اندیشه سروش را به چالش خواهد کشید. این پژوهش درصدد نقد اندیشه‌ها و افکار سروش نیست؛ چنانچه دیگران به‌طور مبسوط به نقد ورود کرده و داد سخن داده‌اند؛ بلکه نوشتار حاضر درصدد تبیین ریشه‌های وارداتی اندیشه او است؛ از این‌رو، در این مجال، به بنیان‌های هرمنوتیکی اندیشه تجدد/اندیشی دینی او پرداخته و تأثیر آن را بر امنیت نرم جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیشینه

درباره طرح فکری عبدالکریم سروش از آغاز آن - یعنی قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت - (سروش، ۱۳۷۱) تا کتاب محمد کلام محمد (سروش، ۱۳۹۷) نقدها و تفسیرهای متعددی نوشته شده‌است که مهم‌ترین آنان، شریعت در آینه معرفت (جوادی آملی، ۱۳۹۶) و نیز معرفت دینی (آملی لاریجانی، ۱۳۸۷) است. درباره بسط تجربه نبوی سروش نیز مقالات متعددی منتشر شده‌است. همچنین آخرین دیدگاه سروش درباره وحی نیز در کتاب *رویا نگاری وحی* (ساجدی نیا، ۱۳۹۶) مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته‌است. این

در حالی است که در خصوص بنیان‌های هرمنوتیکی روشنفکران به‌طور مبسوط و مستقل پرداخته نشده‌است. نکته‌ای که سرورش در مقدمه چاپ سوم کتاب قبض و بسط بر آن تأکید کرده و آن این است که مدعای کتاب قبض و بسط از نوع معرفت‌شناسی است در حالی که پاسخ‌ها و انتقادات منتقدان از جنس معرفت دینی و درون دینی است. با این بیان، تبیین بنیان‌های هرمنوتیکی، افقی جدید به مسئله خواهد بود؛ یعنی نگاه معرفت‌شناسانه روشنفکران به دین، از نگاه معرفت‌شناسانه ارزیابی خواهد شد و این امتیاز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین است.

ناگفته نماند که چند پژوهش با رویکرد هرمنوتیکی به قبض و بسط وجود دارد که مهم‌ترین آنها کتاب هرمنوتیک و نواندیشی دینی (مسعودی، ۱۳۹۲) و مقاله "ارزیابی کاربرد هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی" (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷) است. اما پژوهش اخوان کاظمی صرفاً اشاره‌ای یک صفحه‌ای و معرفی اجمالی مبنای هرمنوتیکی قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت است. براین اساس، می‌توان گفت که مزیت پژوهش حاضر نسبت به پژوهش فوق، در همین چند نکته است. بنیان‌های هرمنوتیکی قبض و بسط کاملاً عیان است ولی تحولی که پس از آن ایجاد می‌شود، فهم این بنیان‌ها را مشکل‌تر می‌کند؛ بنابراین، پژوهش حاضر کل طرح فکری روشنفکری پس از انقلاب را مد نظر قرار می‌دهد. دوره اول فکری را از منظری جدید و شاخصی تبیین کرده و ارزیابی انتقادی از به‌کارگیری هرمنوتیک در تبیین دینی را ارائه می‌دهد که حاصل آن در این جمله متبلور می‌شود که چرا تبیین دینی با رویکرد فلسفی جدید غرب، ناموجه بوده و اصولاً رابطه این نوع از تبیین دینی با امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران چیست.

مبانی نظری

منظور از روش اجتهادی دلالت‌محور، دلالت مفهومی است که از مجموعه آثار سرورش استقرا گردیده و در دو کلان نظریه تبیین شده‌است و سپس اعتبار این دو نظریه از طریق دستاوردهای هرمنوتیکی مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت،

با امنیت نرم جمهوری اسلامی نسبت‌سنجی شده‌است. اما کاربست هرمنوتیک نیاز به توضیح بیش‌تری دارد که به اختصار بیان می‌شود.

دائرةالمعارف دین هرمنوتیک را از ریشه لغوی هرمس - خدای یونانی که پیامبر خدایان بود و وظیفه ابلاغ پیام خدایان به انسان و نیز تفسیر و تبیین آنها را برعهده داشت - معرفی نموده‌است (هاروی، ۱۹۸۷: ۲۷۹) چنانچه آمده‌است که نخستین بار دانهایر در عنوان کتاب خود - هرمنوتیک قدسی یا روش تأویل متون - از اصطلاح هرمنوتیک استفاده کرده‌است (پالمر، ۱۳۹۷: ۴۲). چنانچه از عنوان مشخص است، هرمنوتیک ابتدا به‌معنای "روش تفسیر متون مقدس" استفاده شده‌است. گرچه هرمنوتیک به‌عنوان شاخه‌ای از دانش به حجمی از تفکر اشاره و دلالت دارد که از فرط تنوع، کمتر انضباط می‌پذیرد و عناوینی که ذیل این نام بررسی می‌شوند، بسیار گسترده و ناهمگون است ولی دست کم می‌توان از دو نوع هرمنوتیک سخن به میان آورد (واعظی، ۱۳۹۷: ۲۱): اول "هرمنوتیک عام" که از مقوله روش‌شناسی است و درصدد ارائه روش فهم و تفسیر است ولی روشی عام و کلی که در همه علوم کارآمد باشد، ارائه می‌دهد. این نوع از هرمنوتیک با اندیشه‌ها و تلاش‌های فردریک شلایرماخر^۱ آلمانی شناخته می‌شود. از منظر او هرمنوتیک به‌مثابه نظریه فهم است و در پاسخ به این پرسش که یک عبارت گفتاری یا نوشتاری چگونه فهمیده می‌شود، قرار می‌گیرد. او بر این باور است که کار هرمنوتیک از تلاش برای فهم شروع می‌شود؛ چراکه امکان بدفهمی در تمام مراحل فهم وجود دارد (واعظی، ۱۳۹۷: ۸۵)؛ دوم "هرمنوتیک فلسفی" که در پی هستی‌شناسی فهم است و تلاش فلسفی خود را در بررسی پدیده فهم قرار داده است. اگر هرمنوتیک روشی درصدد ارائه روش و اصول و قواعد حاکم بر فهم داشت، هرمنوتیک فلسفی به هستی‌شناسی فهم می‌پردازد. مجموعه فلسفیدن‌های هایدگر و گادامر ذیل این نوع از هرمنوتیک قرار می‌گیرد و دارای نتایج ذیل است:

۱. نسبی‌گرایی در نیل به حقیقت

تا پیش از اندیشه‌های هرمنوتیک فلسفی، حقیقت دست‌یافتنی و قابل‌حصول است. به بیان بهتر، حقیقت وصف یک جمله قرار می‌گیرد که می‌تواند صادق یا کاذب باشد؛ اما هرمنوتیک فلسفی با اندیشه‌های هایدگر و پس او توسط شاگردش - گادامر - مفهوم جدیدی از حقیقت را ارائه می‌دهد. هایدگر به ریشه لغوی حقیقت (alcthcia) اشاره می‌کند که به معنای آشکارشدگی است. به بیان هایدگر، حقیقت به معنی برطرف‌شدن حجاب و آشکارشدن امور پنهان است و آنچه آشکار شده و از پنهانی خارج می‌شود، خود اشیا هستند؛ بنابراین، حقیقت دیگر وصف قضایا نیست بلکه وصف خود اشیا است (واعظی، ۱۳۹۷: ۳۰۷). بدین وجه، حقیقت برای هر کس می‌تواند متفاوت از دیگری آشکار شود.

۲. نقش مهم پیش‌فهم‌ها و پرسش از فهم

تا پیش از هرمنوتیک فلسفی، رویکردهای فلسفی علم، بر این اصل استوار بود که پژوهش و تفسیر باید خالی از پیش‌داوری و حتی ذهنیت باشد. اصولاً عدم‌مداخله ارزش‌های خواننده یا نویسنده در یک پژوهش را نقطه‌قوت یک اثر علمی برمی‌شمردند. به هر صورت، هرمنوتیک فلسفی گرایشی کاملاً عالمانه به سوی اثرگذاری پیش‌داوری و پیش‌فهم‌ها بود. هایدگر با طرح مسئله موثر بودن پیش‌ساختار در فهم، برخلاف جریان غالب پیش از خود ایستاد. هایدگر با طرح واقع‌بودگی انسان، فهم را متأثر از پیش‌داشت، پیش‌دید و پیش‌تصور دانست (هایدگر، ۱۳۹۸: ۱۹۲) و گادامر تحت‌تأثیر استادش، پیش‌داوری‌ها را نه مخل فهم بلکه آن را ضروری برای فهم و آغاز طرح فهم و دور هرمنوتیکی قلمداد نمود (گادامر، ۱۹۵۷: ۳۹۸).

۳. بشری و زبانی بودن متن

امروزه زبان و فلسفه زبان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فلسفی معاصر است؛ تاجایی که برخی فلسفه معاصر را به فلسفه زبانی تعبیر می‌کنند (مگی، ۱۳۷۸: ۲۱۵) و تقریباً همه فیلسوفان غیرزبانی نیز نیم‌نگاهی به مسئله زبان داشته و دارند. بر همین اساس، هرمنوتیک فلسفی نیز از این قاعده مستثنی نیست. به

باور پالمر، حتی هرمنوتیک شلایرماخر ابتدا زبان‌محور بوده‌است (پالمر، ۱۳۸۴: ۱۰۴) اما هایدگر وجود را به‌معنای آشکارشدگی می‌دانست و معتقد بود که هستی یعنی آشکارشدگی برای انسان، و زبان جایگاهی است که هستی خود را در آن آشکار می‌کند. هایدگر بر این باور است که زبان ابزاری نیست که بشر آن را درست کرده باشد بلکه زبان خود هستی است (پالمر، ۱۳۸۴: ۱۷۰)؛ اما از آنجاکه گادامر درصدد تبیین چیستی فهم است پس ضرورتاً زبان یکی از مسائل مهم فلسفه هرمنوتیکی اوست. از منظر گادامر، زبان محل حضور هستی است. به تعبیری می‌توان گفت وجود یا هستی در فهم ظهور می‌یابد و فهم در زبان تجلی می‌یابد. از این روست که گادامر معتقد است که هر فهمی تفسیر است و تفسیر در زبان جای می‌گیرد و از این‌رو، فهم از منظر گادامر زبان‌مند می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که در تحقیق حاضر، از هر دو نوع هرمنوتیک در تبیین مبانی غربی اندیشه‌های سروش استفاده شده‌است.

روش تحقیق

از آنجاکه مسئله پژوهش، ردیابی و تأثیرات مبانی معرفتی غرب در روشنفکران معاصر است، به‌ناچار روش تحقیق، کیفی و تطبیقی است و به‌همین‌منظور، مجموعه آثار مکتوب و منقول سروش بازخوانی انتقادی شده‌است و با روش اجتهادی دلالت‌محور (بابایی، ۱۳۸۹: ۸۶) و با یاری مبانی هرمنوتیک سعی خواهد شد تا ریشه‌های اندیشه روشنفکران در مبانی معرفتی غرب استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و درنهایت، یک نسبت‌سنجی با مولفه‌های امنیت نرم جمهوری اسلامی صورت پذیرد.

یافته‌ها

پروژه فکری عبدالکریم سروش

سروش (۱۳۲۴) تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان علوی گذراند و همان‌جا با فلسفه و اندیشه‌های شهید مطهری، علامه طباطبایی، شریعتی و... آشنا شد. در دانشگاه تهران در رشته داروسازی تحصیل کرد و برای ادامه تحصیل در رشته شیمی تجزیه عازم لندن شد و درنهایت دکترای خود را در

رشته تاریخ و فلسفه علم به پایان برد (سروش، ۱۳۷۹: ۳۶۱). وی خود، درباره چگونگی سفر خود چنین آورده است: «در سال هزار و سیصد و پنجاه و یک به قصد تحصیل عازم انگلستان شدم. چهار کتاب با خود برداشتم؛ اسفار اربعه عقلیه صدرالدین شیرازی، المحجة البیضاء محسن فیض کاشانی، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی و دیوان خواجه حافظ شیرازی. اولی خوراک عقل و آن سه دیگر خوراک دل من بود» (سروش، ۱۳۸۸: ۲۰). آثار اولیه سروش در نقد مارکسیسم است. از آنجاکه رژیم پهلوی سقوط کرده بود و مارکسیسم مهم ترین رقیب اسلام تجلی می کرد. مناظرات داغ او همراه با مصباح یزدی در مقابل مارکسیسم نیز ناشی از همین فضای فکری بود. البته برخی بر این باورند که تأثیرپذیری سروش از فلسفه علم و فلسفه سیاسی پوپر در این موضع گیری ها بی تأثیر نبوده است (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). برخلاف باور خودش که معتقد است: «من خیلی به گذشته خود بر نمی گردم شاید هم این را از مولوی یاد گرفته ام؛ یعنی اصلاً سبکم این نیست. به همین دلیل هم دنبال چیزها را می گیرم و جلو می روم و شاید اگر یک وقت بخواهم زندگینامه ای بنویسم، در آنجا خطاهای خود را بنویسم» (کاجی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). درباره سیر فکر و اندیشه سروش اظهار نظرها و تقسیم هایی صورت پذیرفته است.

نویسنده کتاب دین/اندیشان متجدد، ادوار فکری سروش را به شش دوره تقسیم کرده است (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۲۴) و محمد قوچانی، در یک ویژه نامه نوروزی، تطور فکری سیاسی سروش از منظر روشنفکرانه را به چهار دوره تقسیم کرده است (قوچانی، ۱۳۸۳: ۵۰) اما از آنجاکه پژوهش حاضر درصدد تبیین هرمنوتیکی اندیشه های مذکور است، به نظر می رسد که تبیین های موجود از تطور فکری سروش، پوشش و کارایی لازم را ندارد؛ از این رو، در تحقیق حاضر، تبیین جدیدی از سیر تطور اندیشمند ارائه می گردد که ابتدا با توجه به بنیان های هرمنوتیکی این شخصیت است و دوم، تطور فکری او را به صورت هم زمان پوشش می دهد. مسئله دیگر که بیشتر تقسیم ها، دوره اخیر فکری شخصیت را تبیین نکرده اند؛ در حالی که نیاز به تبیین در چارچوب است. و در نهایت اینکه، تبیین ارائه شده در تحقیق حاضر، جامع و مبتنی بر یک روش

علمی است؛ از این رو، با توجه به بنیان‌های هرمنوتیکی می‌توان گفت که دو گام در طرح فکری سروش قابل مشاهده است: ۱. دین ثابت، فهم دینی متغیر؛ ۲. دین متغیر، فهم دینی هم متغیر. الباقی نظریات، حواشی و تفاسیر و حتی آثار و پیامدهای این دو فرضیه هستند. در این صورت، این دو فرضیه به‌مثابه تنه و ریشه جریان روشنفکری دینی معاصر تلقی می‌شود.

الف. دین ثابت، فهم دینی متغیر

دوره اول فکری عبدالکریم سروش که به لحاظ روشنفکری پر اهمیت است با کتاب قبض و بسط نظریه پردازی شریعت آغاز می‌شود که هر دو مشتمل بر مقالاتی است که قبلاً به صورت پراکنده در نشریات منتشر شده و سپس به صورت کتاب تجمیع شده‌اند. مجموعه فرضیاتی که در این اثر اثرگذار طرح شده است، برای نخستین بار در فکر ایرانی به مسئله ثابت بودن اصل دین و متغیر بودن فهم از دین پرداخته است که در نوع خود، بی‌بدیل است. سروش در مقدمه قبض و بسط، چرایی پرداختن به این موضوع را در راستای همان دغدغه روشنفکری دینی - یعنی حل مسئله سنت و تجدد و چگونگی کار بست دین در دنیای مدرن - معرفی می‌کند: «احیاگران اخیر تلاش کرده‌اند دین را احیا کنند، دین نیاز به احیا ندارد؛ دین کامل است. مشکل در فهم ما از متن دین است. احیاگران به ساحت خود نیاوردند که دین غیر از فهم دینی است» (سروش، ۱۳۷۱: مقدمه) و نیز «اما محییان در این عصر کاری دشوارتر دارند و آن به گفته اقبال، آشتی دادن ابدیت و تغییر است» (سروش، ۱۳۷۳: ۴۸). از این منظر، نظریه قبض و بسط نیز در جهت حل این مسئله ارائه شده است. درباره این نظریه، به صورت انتقادی یا توشیحی به‌طور مبسوط پرداخته شده است و نوشتار حاضر در صدد طرح مسائل مطول پیشین نیست اما برای تبیین بنیان هرمنوتیکی آن، از زاویه‌ای دیگر به این نظریه خواهد پرداخت تا وجوه هرمنوتیکی آن را آشکار نماید. تا پیش از این نظریه، تفکیکی میان اصل دین و فهم از دین (حداقل در ایران) طرح نشده بود و فهم از دین مساوی دین تبیین می‌شد؛ ولی سروش در قبض و بسط میان این دو تفکیک ایجاد نمود. خلاصه

نظریه سروش که در طول مقالات متعدد کتاب قبض و بسط تکرار شده است را می‌توان در گزاره‌های زیر خلاصه کرد:

۱. فهم شریعت سراپا مستفید و مستمند از معارف بشری و متلائم با آن است و میان معرفت دینی و معارف غیردینی داد و ستد و دیالوگ مستمر یا ترابط برقرار است (اصل تغذیه و تلائم)؛

۲. اگر معارف بشری دچار قبض و بسط شوند، فهم ما هم از شریعت دچار قبض و بسط می‌شوند؛

۳. معارف بشری دچار تحول می‌شوند (اصل تحول) (سروش، ۱۳۷۳: ۳۴۷).

می‌توان قلب این نظریه را در این جمله مهم خلاصه نمود: «هیچ معرفت دینی‌ای نیست که مستند به معرفت بشری نباشد». اگر مجموع کتاب قطور قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت را تبیین بیشتر، پاسخ به شبهات و تکرار مکررات این فرضیه چند جمله‌ای بدانیم، در یک کنکاش دقیق‌تر می‌توان گفت که دیگر استدلال‌های کتاب در جهت تبیین یا تشریح اصطلاحات این جمله به‌کارگیری شده‌اند. سه رکن این جمله را سه اصطلاح "معرفت دینی"، "مستند" و "معرفت بشری" شکل می‌دهد.

همه عبارات متناقض‌نمایی که در متن کتاب آورده شده‌اند، در جهت تبیین این اصطلاحات به‌کار رفته‌اند: «معرفت درجه اول و درجه دوم»، «مقام گردآوری و داوری»، «منطق تولیدی و غیرتولیدی»، «نظریه و پیش‌فرض»، «نظریه استراتژیک و موضعی»، «واقع‌نمایی یا ابزاری بودن علم»، «تئوری جامعه‌دوزی یا مامایی»، «نسبت قهری یا اختیاری»، «مشهود و نامشهود»، «سازگار بودن یا مطابق بودن»، «آگاهانه یا ناآگاهانه»، «توصیه یا توصیف»، «دین و معرفت دینی»، «معرفت دینی و معرفت بشری»، «هرمنوتیک و فلسفه علم»، «ناطق یا صامت»، «پایان‌ناپذیر و پایان‌پذیر»، «زبان عرفی و زبان علمی»، «عالمان و روشنفکران»، «مقام اثبات یا ثبوت»، «مقام تعریف و است» و «اجتهاد در فروع، اجتهاد در اصول».

با توجه به نکات پیش‌گفته، نظریه قبض و بسط با استفاده از جملات کتاب،

این چنین بازسازی می‌شود:

نویسنده، ابتدا نظریه ارائه‌شده را از جنس معرفت‌شناسانه می‌داند که در پاورقی چاپ‌های جدیدتر در تشریح معرفت‌شناسانه از عبارت هرمنوتیک^۱ استفاده کرده‌است (سروش، ۱۳۷۳: ۵۷)؛ از این رو، نوع نگاه کتاب به معارف دینی از جنس علوم درجه دو و تفکر انتقادی استعلایی کانتی، همانند فلسفه علم است که چگونگی شکل‌گیری معرفت را موردارزیابی قرار می‌دهند؛ به همین جهت، قبض و بسط یک نظریه در تفسیرشناسی یا تعبیر دیگری که در یکی از سخنرانی‌های اخیرش به کار برده‌است، فلسفه معرفت‌شناسی است. از این منظر، نقدهایی که آملی لاریجانی در کتاب معرفت دینی و دیگران طرح کرده‌اند، چنانچه نویسنده در دو مقاله پیوسته "موانع فهم قبض و بسط" و "نقدها را بود آیا که عیاری گیرند" آورده‌است، وارد نیستند؛ چراکه عمده نقدها از جنس معرفت درجه اول هستند؛ بنابراین، سروش در چند مورد تأکید می‌کند که این نظریه، درصدد بیان باید و نباید نیست؛ زیرا تعیین باید و نباید کار فقها و متکلمین است. این نظریه، درصدد تبیین است‌ها است {چگونه تفسیر ساخته می‌شود} (سروش، ۱۳۷۳: ۱۸۱). از این منظر، سروش درصدد توصیف آنچه بر معرفت دینی گذشته است، می‌باشد و درصدد توصیه نیست {هرچند که در برخی موارد به توصیه می‌پردازد}. اصل اول سروش تفکیک دین از معرفت دینی است. وی معتقد است که دین قدسی و آسمانی و در اعتقاد مومنان ناقص نیست. دین امری الهی و آسمانی است؛ درحالی‌که معرفت دینی زمینی و انسانی است (سروش، ۱۳۷۳: ۵۲). عمده دلیل سروش برای این تفکیک، مثال‌های متعدد تاریخی است که در اثر توسعه علوم، فهم ما با فهم پیشینیان از متن دینی تغییر کرده‌است؛ چنانچه آورده‌است: «چرا نقص‌ها و مفسدتها امروز بر شما آشکار شده و پیشینیان را از آن خبری نبوده است» (سروش، ۱۳۷۳: ۵۲ به بعد). از همین رو، وی بر این باور است که جهد مقدس عالمان دینی در فهم کتاب و سنت "معرفتی مقدس" پدید نمی‌آورد، ... آخرین دین آمده اما آخرین فهم دین هنوز نه (سروش، ۱۳۷۳: ۶۰). بر همین

اساس، وی تأکید می‌کند: «دین ساخته خداوند است اما معرفت دینی ساخته ماست، معارف بشری آینه تمام‌نمای وجود انسان است» (سروش، ۱۳۷۲: ۱۱۱).

اصل دیگر سروش، اصل ترابط است. از نظر او میان معرفت دینی و سایر علوم بشری دادوستد و گفت‌وگو (دیالوگ) وجود دارد. سروش بر این باور است که معارف دینی دارای دو رکن درونی و بیرونی است. رکن درونی عبارت است از مجموعه معارفی که از کتاب و سنت به دست می‌آید و رکن بیرونی، سایر معارف بشری هستند. وی در ادامه، با بیان مثال‌های تاریخی متعدد، درصدد نشان دادن این ترابط و دیالوگ است: شاید در نظر اول، میان دو قضیه «ناپلئون در واترلو شکست خورد» و «سعدی در قرن هفتم می‌زیست» ربطی وجود نداشته باشد اما بر اساس پارادوکس تأیید ربط میان این دو قضیه را می‌توان چنین تشریح کرد که میان این دو قضیه ربط روش‌شناختی وجود دارد؛ چراکه هر دو از روش نقلی به دست آمده‌اند. به همین علت است که اثبات یکی، اثبات دیگری و نفی یکی، نفی دیگری را نتیجه می‌دهد (سروش، ۱۳۷۳: ۲۰۱).^۱ نیز از منظر سروش، قبل از اینکه آدمی دین را بپذیرد، فهم خاصی از جهان، انسان، معرفت، زبان و... دارد. اینها نظریه‌های عام انسان‌شناسانه، جهان‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و زبان‌شناسانه آدمی را تشکیل می‌دهند و معرفت دینی هم، هماهنگ با این نظریه‌هاست. از منظر او، آدمی با داشتن نظریه‌های فراگیر و متعدد، معلومات دیگر خود را چنان می‌گزیند و غربال می‌کند که با آنها بسازد و در میان آنها نشیند (سروش، ۱۳۷۳: ۲۵۶). همچنین، سوال‌ها و پیش‌فرض‌های ذهنی که انسان دارد و با آنها با متن مواجه می‌شود، میدان کاوش را روشن می‌کند و سوال‌های ویژه‌ای را فراهم می‌کنند و به ما می‌گویند که دنبال چه بگردیم و نمی‌توان بی‌چراغ به راه افتاد (سروش، ۱۳۷۲: ۲۵۷).

سوالات هر عصر، فرزند دانش‌های آن عصرند ... و چون دانش‌ها نو شوند، اند، بنابراین، سوالات و به‌تبع آن، پاسخ‌های شریعت به آن سوالات هم نو می‌شوند؛ بنابراین، معرفت دینی در نو شوندگی مستمر خواهد بود (سروش، ۱۳۷۳: ۲۷۳).

۱. درباره نقد مدعای سروش در قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت رک: جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت و آملی لاریجانی، معرفت دینی

از این رو، تأکید می‌کند که فهم ما از همه‌چیز در حال تحول است ... تحول فهم در بدیهیات حتی در بدیهی‌ترین بدیهیات نیز جاری است (سروش، ۱۳۷۳: ۱۱۷ و ۱۱۸). در این مقام، وی میان نظریه و پیش‌فرض‌ها تفکیک قائل می‌شود و پیش‌فرض‌ها را مربوط به جهان زیست‌عالمان و موقعیت و معرفت عصر می‌داند. البته نظریه‌ها نیز متأثر از علوم عصری هستند. وی نظریه‌ها را نیز بر اساس اثرگذاری، به نظریه‌های موضعی و استراتژیک تقسیم می‌کند. منظور او از نظریه‌های استراتژیک نظریه‌هایی هستند که حضور استراتژیک دارند؛ مانند نظریه‌های انسان‌شناسانه و فلسفه علم که علوم را به کلی متحول می‌کنند ولی نظریه موضعی مثل تکامل داروینی بر برخی از معارف دینی ما همچون چگونگی خلقت انسان تأثیر می‌گذارند. و باز نظریه‌ها را به جامه‌دوزی یا مامایی تقسیم می‌نماید. نظریه‌های جامه‌دوزی معنا را بر تن متن دینی می‌پوشانند؛ درحالی‌که نظریه‌های مامایی، معنای جدید را از متن متولد می‌نمایند. همه تشبیهات اخیر، درصدد تفکیک میان اجتهاد در اصول و فروع است. نویسنده قبض و بسط معتقد است که باید با استفاده از معارف جدید به‌جای اجتهاد در فروع - که راهگشا نیستند - به اجتهاد در اصول پرداخت - که از طریق نظریه‌های استراتژیک حاصل می‌شوند (سروش، ۱۳۷۳: ۵۷) - و از آنجاکه متن صامت است و نه ناطق، باید متن را به سخن درآورد و این به‌سخن درآوردن همچون مامایی است که متن تازه را متولد می‌سازد. و از آنجاکه تمام علوم بشری در سیلان و تحول است و نیز معرفت و فهم دینی هم یک معرفت و فهم بشری است (سروش، ۱۳۷۳: ۱۳۵)، فهم پایان‌پذیر نداریم و فهم‌ها از متن دینی پایان‌ناپذیر خواهد بود؛ از این رو، نباید به محصول نهایی و آخرین آرای موجود در یک فن نگرست بلکه باید به فرآیند تکون یک دانش نظر کرد (سروش، ۱۳۷۳: ۲۰۳) و از آنجاکه مشاهده همواره مصبوغ و مسبوق به نظریه است (سروش، ۱۳۷۳: ۱۸۹)، معلومات پیشین و سوابق علمی و ارزش‌های دیگر افراد در فهم دخیل است و این داستانی است که در تمام فهم‌ها جاری است (سروش، ۱۳۷۳: ۱۳۷). البته این مسبوقیت و مصبوغ بودن ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه باشد و از این منظر، سروش با استفاده از اصطلاحاتی که در

ادبیات علمی و دینی پیش از وی، کمتر حضور داشته است، تیبیی پسینی از نحوه شکل‌گیری معرفت دینی ارائه می‌دهد که برخلاف سنت رایج دینی پیش از او بوده است.

ب. دین متغیر، فهم دینی هم متغیر

مرحله دوم اندیشه‌ورزی سروش به متغیربودن اصل دین و به تبع آن، متغیربودن فهم از دین گرایش داشته است. مجموعه مباحثی که دامنه آن تاکنون گسترده شده است. به تبع طرح این نظریه‌ها می‌تواند دامنه تکانه‌های آن، عمیق‌تر از موج اول اندیشه روشنفکران باشد. به هر روی، دوره دوم با نگارش کتاب بسط تجربه نبوی آغاز می‌گردد که می‌توان این دوره را نقطه عطف و شکاف عمیق‌تر میان قرائت روشنفکرانه از دین با قرائت سنتی از دین تلقی کرد. در این مجال، به تعبیر سروش، از بشری و تاریخی بودن خود دین و تجربه دینی سخن می‌آید. این مرحله را می‌توان تا طرح آخرین دیدگاه‌های سروش درباره وحی با عنوان "محمد راوی رویاهای رسولانه" تا به امروز دنبال کرد.

سروش برای ارائه دیدگاه خود درباره متغیربودن اصل دین، دو نظریه طرح کرده است. هرچند دو نظریه دو نگاه متفاوت دارد ولی نتیجه هر دو، یک امر و آن، عدم ثابت بودن اصل دین است مسئله‌ای که در قبض و بسط به ثابت بودن آن تأکید داشت. بسط تجربه نبوی اولین اثر و نظریه سروش در نسبی بودن اصل دین است و نظریه متأخر او "محمد راوی رویاهای رسولانه" است که در کتاب اخیر او محمد کلام محمد منتشر شده است. می‌توان گفت به نظر می‌رسد که نویسنده برای بشری و زمینی کردن وحی دو دیدگاه طرح کرده است: اول، قرآن یا کلامی است مستعار، مخلوق ذهن و محصول تجربه محمد(ص)، دوم، روایانگاری وحی که طی مجموعه مقالاتی با عنوان "محمد راوی رویاهای رسولانه" منتشر شده است.

۱. قرآن محصول تجربه تاریخی پیامبر(ص)

در بسط تجربه نبوی، نبوت پیامبر اکرم یک تجربه دینی است. سروش تجربه نبوی را "پیامبر نامه" نیز می‌نامد؛ چراکه از منظر او، دین از جانب پیامبر بسط می‌یابد. بسط تجربه نبوی هم درونی و هم بیرونی است و دین حکایتی است از این بسط؛ بنابراین، وحی و رسالت تابع شخصیت رسول است (سروش، ۱۳۷۸: ۸). او در بسط تجربه نبوی مدعی است: «این کتاب رویه بشری و تاریخی و زمینی وحی و دیانت را بدون تعرض به رویه فراتاریخی و فراطبیعی آن ... می‌کاود و باز می‌نماید» (سروش، ۱۳۷۸: ۷). سروش در قالب مثالی بیان می‌دارد که پایین‌ترین مراتب تجربه‌های دینی، رویاهای صالح و مراتب بالاتر، اذواق و مواجید و مکاشفات عارفانه است که برای دیگران نیز اتفاق می‌افتد و نیز راه شناختن پیامبری و پیامبر بر همه باز است؛ از این رو، خاتمیت پیامبر را بدین شکل تبیین می‌کند که «پیامبر اسلام خاتم است یعنی کشف تام او و به‌خصوص مأموریت او برای هیچ‌کس دیگر تجدید نخواهد شد» (سروش، ۱۳۷۸: ۱۰). تجربه‌بودن دین لاجرم منجر به این می‌شود که سروش معتقد شود که اگر پیامبری به‌معنای نزدیک‌تر شدن به عوالم معنا و شنیدن پیام سروش‌های غیبی یک تجربه است، در آن صورت، می‌توان این تجربه را افزون‌تر، غنی‌تر و قوی‌تر کرد؛ یعنی همان‌طور که هر تجربه‌گری می‌تواند آزموده‌تر و مجرب‌تر شود، پیامبر هم می‌تواند به‌تدریج پیامبرتر شود؛ چنانچه شاعر هم شاعرتر می‌شود. بنابراین، برخلاف فهم رایج از نبوت، سروش معتقد است که پیامبر به‌تدریج هم عالم‌تر می‌شد و متیقن‌تر، هم ثابت‌قدم‌تر، هم شکفته‌تر، هم مجرب‌تر و در یک کلام، پیامبرتر (سروش، ۱۳۷۸: ۱۱). بر این اساس، سروش با قیاس تجربه نبوی با تجربه مادی بر این باور است که «هرجا سخن از تجربه می‌رود، سخن از تکامل تجربه هم درست است» (سروش، ۱۳۸۷: ۱۳). مبتنی بر این اصل، او بر این باور است که این بسط سوژکتیو نبوی با بسط بیرونی هم همراه بود؛ از یک سو، او پیامبرتر می‌شد و از سوی دیگر، آیین او فربه‌تری می‌یافت (سروش، ۱۳۷۸: ۱۵). او تعامل پیامبر با محیط پیرامون و اثرپذیری او از حوادث تاریخی را به‌مثابه دیالوگ و دادوستدی

می‌داند که در نزول وحی نیز اثرگذار است؛ بنابراین، تصریح می‌کند که اگر پیامبر عمر بیشتری می‌کرد و حوادث بیشتری بر سر او می‌بارید، لاجرم مواجهه و مقابله او هم بیشتر می‌شد و نتیجه منطقی این مسئله آن می‌شد که «قرآن می‌توانست بسی بیشتر از این باشد که هست» (سروش، ۱۳۷۸: ۲۰). این معنا از تجربه‌بودن دین را سروش به معنای انسانی، بشری و تدریجی و تاریخی بودن دین معنا می‌کند که متأثر از همان دیالوگ و دادوستد بودن دین است (سروش، ۱۳۸۷: ۲۱).

در بخش دیگر کتاب، بر اساس این تبیین از دین که یک تجربه تاریخی و انسانی پیامبر است که بر اساس دیالوگ و داد و ستد با بیرون شکل گرفته است، می‌توان برای دین، برخی امور ذاتی و برخی امور عرضی را مورد شناسایی قرار داد و از آنجاکه شناسایی ذاتیات دین مشکل است، باید عرضیات آن را پالود. از منظر سروش، عرضیات دین اموری هستند که به ذات تعیین نمی‌بخشند بلکه مجال تجلی می‌دهند (سروش، ۱۳۸۷: ۵۲) بنابراین، بر این باور است که عربی‌بودن اسلام عرضی است و علاوه بر زبان عربی، فرهنگ عربی هم عرضی است؛ یعنی می‌توانست گونه دیگری باشد؛ بنابراین، همه مثال‌هایی که در قرآن و دین آمده‌است مثل حوران سیه‌چشم، میوه‌های گرمسیری، جمیع پرسش‌ها و داستان‌ها و رخدادها، حتی پاره‌ای از احکام فقهی و شرایع دینی و حتی جمیع احکامی که مربوط به تجارت و بازرگانی و کاروانی، قرض و ربا، بیع و شراع و...، از عرضیات دین هستند که می‌توانستند نباشند (سروش، ۱۳۷۸: ۵۹). از منظر سروش، کارویژه مهم روشن‌فکر دینی که به شکاف سنت و مدرنیته آگاه است، این است که دین را در جغرافیای معرفت جدید طرح کند و با عجز کردن معرفت جدید، به‌نوعی دین را با معرفت مدرن سازگار کند. از منظر سروش، با طرح نظریه بسط تجربه نبوی، بسط و گسترش نه در معرفت دینی بلکه در خود دین و شریعت صورت می‌پذیرد (سروش، ۱۳۷۸: ۲۸)؛ بر این مبنا که دین و نبوت، تجربه دینی است، قرائت جدیدی از وحی و چیستی آن طرح می‌شود.

۲. قرآن؛ رویای پیامبر

نظریه سروش در متغیربودن اصل دین به نظریه بسط تجربه نبوی از دین خلاصه نمی‌شود. دیدگاه متأخر او - کلام محمد رویای محمد - حاوی دیدگاه او در چیستی و چگونگی وحی است. اگرچه نتیجه این نظریه در برخی موارد، با بسط تجربه نبوی یکی است و آن همانا متغیربودن اصل دین است ولی مسیر دومی پیچیده‌تر و متفاوت از بسط تجربه نبوی است. وی در مقدمه کتاب مذکور آورده‌است: «از بیست‌وپنج سال پیش تا امروز، راه بلندی را پیموده‌ام. ابتدا کلام خدا را عین کلام محمد(ص) انگاشتم و با این جهش برای حل مشکل کلام باری راهی نشان دادم و سپس با تأمل بیشتر در کلام محمد(ص) که در قرآن و حدیث تجلی یافته است، دریافتم که گفتار قرآنی در دو بستر تکون یافته‌است: بستر دیالوگ و بستر رویا» (سروش، ۱۳۹۷: ۹). منظور وی از دیالوگ «گفتگویی دو سویه میان پیامبر و معاصرینش ... و رویایی‌بودن آن یعنی سمعی - بصری و گویشی - نمایشی است؛ بنابراین، تعبیر رویای محمد صادق‌تر است تا کلام محمد یا کلام خدا» (همان). حال که رویاست و صورت‌گری خیال محمد را با خود دارد، محتاج تعبیر است و نه تفسیر. وی در جای دیگر تصریح می‌کند که به‌جای این گزاره که در قرآن، الله گوینده است و محمد(ص) شنونده، اینک این گزاره می‌نشیند که در قرآن، محمد(ص) ناظر است و محمد(ص) راوی است. خطابی و مخاطبی و اخباری و مخبری و متکلمی و کلامی در کار نیست؛ بلکه همه نظارت و روایت است. پس از آن مثال‌های متعددی از سور و آیات قرآن برای مدعای خود شاهد مثال می‌آورد و در یک نتیجه‌گیری سوال می‌پرسد که این مشاهدات در کجا اتفاق می‌افتد؟ و خود پاسخ می‌دهد که در رویا(سروش، ۱۳۹۷: ۹۳). از این رو، محمد روایت‌گری صادق است که راستگویانه رویاهای رسولانه و رمزآلود خود را به زبان عرف و عربی مبین ... بازمی‌گوید و قرآن که خواب‌نامه اوست، نیازمند خواب‌گزاران است تا حقایق را که به زبان ویژه رویا بر او پدیدار شده‌اند، به زبان شهادت برای ما بازگویند(سروش، ۱۳۹۷: ۱۰۳). هرچند سروش، خود، نظریه رویانگاری وحی را در یک جمله خلاصه می‌کند: «مدعای این نظریه این است که وحی

چیزی است از جنس رویا؛ همین و تمام» (سروش، ۱۳۹۷: ۳۸۵). ولی مدعی است که این نظریه همه غموضات تفسیری که تاکنون حل نشده است را می‌تواند پاسخ بگوید. از منظر سروش، این نظریه هم توانایی حل برخی معضلات کلامی و دشواری‌های فهم و تفسیر قرآن کریم را دارد و هم دستاورهایی که می‌تواند در دنیای مدرن برخی مشکلات دینداری را حل و فصل نماید. اما در خصوص دستاورهای این نظریه، چنانچه بدان اشاره رفت، طرح سروش بشری کردن دین است. در این راستا می‌توان هر دو نظریه سروش در باب نبوت و وحی را تحلیل کرد اما رویانگاری وحی را می‌توان چنین گفت که نتیجه منطقی رویانگاری وحی این است که دیگر وحی منتسب به الله نیست و از این رو، متنی بشری است؛ چنانچه خود تصریح می‌کند نظریه رویا برای این بود که بشری بودن اوصاف قرآن را تبیین کند (سروش، ۱۳۹۷: ۳۷۰). در همین راستا، این رویایی بودن وحی، بسیاری از اموری که در قرآن هستند و به طریق دیگری تبیین‌ناپذیرند را تبیین می‌کند (سروش، ۱۳۹۷: ۳۸۵) و چنانچه در جای دیگر تصریح می‌کند، لازمه بحث این است که دین محمد محور باشد (سروش، ۱۳۹۷: ۳۱۶). حال که قرآن کریم رویای محمد است و از طرفی، محمد انسانی تاریخی است و به تعبیر سروش، «انا بشر مثلکم بیان می‌کند که بشریت پیامبر در وحی‌اش مدخلیت دارد» (سروش، ۱۳۹۷: ۳۴۶) پس می‌توان گفت که متن قرآن نیز تاریخی و بشری است.

ج. بنیان‌های هرمنوتیکی مدعیان روشنفکری معاصر

ردیابی تأثیر اندیشه‌های مدرن غربی در متفکران مسلمان، به خصوص تأثیر بنیان‌های هرمنوتیکی در آثار و پژوهش‌های آنان امری دشوار به نظر می‌رسد؛ چراکه در برخی موارد، اثبات تأثیرپذیری مستقیم به شکل علت و معلولی امری به غایت سخت است. چنانچه برخی از اندیشمندان، در آثار خود، این تأثیرپذیری را به صراحت انکار کرده یا مدعی‌اند اصلاً با چنین اندیشه‌ای آشنا نبوده‌اند ولی باین همه، می‌توان یک راهکار برای تبیین این اثرپذیری به دست داد؛ مثلاً اگر تفکری تا پیش از طرح در جهان غرب در جهان اسلام مطرح نشده باشد و اتفاقاً متفکری مسلمان، پس از زیست در جهان علمی غرب از آن

استفاده نماید، می‌توان رگه‌هایی از این اثرپذیری را به‌وضوح دید. به‌صراحت می‌توان ادعا کرد تا پیش از ظهور و تکون فکر مدرن در جهان اسلام، نگاه و نقد معرفت‌شناسانه سابقه نداشته و تنها پس از آشنایی مسلمانان با تفکر معرفت‌شناختی مدرن غربی است که از این رویکرد معرفت‌شناسانه در تبیین و یا نقد دین و معرفت دینی استفاده شده‌است. نکته دقیق‌تر اینکه، این نوع نگاه جدید در جهان اسلام، منحصراً توسط افرادی به‌کار رفته‌است که در رشته‌های معرفت‌شناسی مدرن غربی تحصیل کرده و پس از آشنایی با این اندیشه‌ها در صدد نقد یا اصلاح دینی در جوامع اسلامی برآمده‌اند. نکته دقیق‌تر اینکه، این اندیشمندان، انتقاد منتقدان خود را ناموجه برمی‌شمردند؛ چون بر این باورند که منتقدان و حامیان دینی سنتی با معرفت مدرن - یا بهتر است بگوییم معرفت مدرن غربی - آشنا نیستند. نکته مهم‌تر اینکه، در جهان اسلام، به‌خصوص در گرایش‌های فلسفی، کلامی و حتی اصولی که عمدتاً حوزه‌های علمیه بوده‌است، اصولاً ارزیابی و احیاناً جرح و تعدیل رویکردهای معرفت‌شناسی اصلاً مسئله نبوده‌است. به جرأت می‌توان ادعا کرد که در هیچ کتاب کلامی، فلسفی و اصولی، تا پیش از دهه ۶۰ میلادی، هیچ نگاه معرفت‌شناسانه، مشابه مباحثی که در دوره معرفت‌شناسی غرب اتفاق افتاد، در جهان اسلام مشاهده نمی‌شود و تنها پس از ظهور جریان نقد معرفت‌شناسانه و طرح مباحث معرفت‌شناسانه جدید غربی است که نظریه‌های معرفت‌شناسانه به دغدغه متفکران مسلمان سنتی نیز مبدل می‌شود. اگر مهم‌ترین فلاسفه اسلامی که به مسئله معرفت پرداخته‌اند را ملاصدرا و در عصر معاصر، علامه طباطبایی بدانیم، با نگاهی اجمالی به آثار آنها، کاملاً تفاوت شاخصی اندیشه معرفت‌شناختی آنان با فلاسفه غرب، به‌ویژه دوره مدرن غرب - یعنی پس از دکارت - مشخص می‌شود. مثلاً علامه طباطبایی در کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* ذیل مقالات دوم تا ششم، به مجموعه مباحث معرفت‌شناسی اشاره کرده‌است که عناوین آن عبارتند از فلسفه و سفسطه، علم و ادراک، علم و معلوم، پیدایش کثرت در علم و درنهایت، ادراکات اعتباری (طباطبایی، بی‌تا ۳۵ به بعد). این مباحث به‌کلی با سیر معرفت‌شناسی غربی از دکارت به بعد،

به‌ویژه پس از کانت، متفاوت است. بنیانی که دکارت در معرفت‌شناسی گذارد، با شکاکیت در اعلا درجه خود آغاز می‌شود و با قضیه کوگیتو بنیان فلسفی جدیدی آغاز می‌شود که در فلسفه اسلامی نشانی ندارد. اما پس از آشنایی روشنفکران معاصر با سنت فلسفی غرب مدرن، این مباحث را می‌توان از مباحث مهم فلسفی جهان اسلام قلمداد کرد (شیروانی، ۱۳۹۱: ۱۵). این مسئله حکایت از تأثیر عمیق معرفت‌شناسی مدرن غربی بر روشنفکران معاصر و جامعه علمی جوامع اسلامی دارد. البته روش ورود به مباحث مدرن غربی متفاوت است. متفکرین مسلمان درصدد جرح و تعدیل این اندیشه‌ها با سنت مألوف دینی خود هستند و در مقابل، روشنفکران معاصر درصدد به‌کارگیری معرفت مدرن غربی برای بازسازی، نقد و یا اصلاح معرفت دینی اسلامی هستند. همین که روشنفکری در سنت رایج فکری جریان فلسفی غرب تنفس کرده باشد، غلبه گفتمانی جریان فکر مدرن، خواه‌ناخواه اثر عمیق خود را بر بنیان فکری آنان خواهد گذارد که نتایج این اثرگذاری در طرح روشنفکری روشنفکران معاصر قابل رهگیری است. چنانچه در ذیل به این تأثیرپذیری از دو منظر بنیان‌های عام هرمنوتیک و هرمنوتیک فلسفی خواهیم پرداخت:

۱. بنیان‌های عام هرمنوتیکی عبدالکریم سروش

مراد از هرمنوتیک عام نظریه‌ای تفسیری است. نظریه سروش در قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت به‌مثابه اولین گام روشنفکری او نیز نظریه‌ای تفسیری است. چنانچه خود، در مقدمه کتابش اذعان می‌کند که «نظریه قبض و بسط یک نظریه‌ای تفسیری - معرفت‌شناختی است» (سروش، ۱۳۷۳: ۵۷) و در پاورقی در توضیح آن آورده‌است که هرمنوتیکی است. از این منظر، در بنیان هرمنوتیکی عام باید از این موضوع بحث شود که نویسنده چه نظریه تفسیری‌ای را ارائه کرده‌است. از این رو، چنانچه مبرهن است، می‌توان گفت که نظریه دین ثابت و فهم دینی متغیر، نوعی تفسیرشناسی است؛ یعنی فرآیند شکل‌گیری و سازوکار به‌دست‌آمدن شریعت را تبیین می‌کند؛ بنابراین، در این مجال ما به دنبال فهم "هرمنوتیک قبض و بسط" هستیم. این نظریه به‌روشنی میان اصل دین - که نزد شارع ثابت و کامل است - و معرفت دینی - که حاصل

تلاش اندیشمندان مسلمان در طول قرون متمادی است - تمایز قائل می‌شود و در عین تأکید به ثبوت اصل دین در باور معتقدان، معرفت دینی را متغیر و متکثر تبیین می‌کند؛ چنانچه در جای‌جای قبض و بسط تأکید می‌کند «دین ساخته خداست اما معرفت دینی ساخته ماست، شریعت الهی است اما فهم آن بشری است» (سروش، ۱۳۷۳: ۱۱۲). ممکن است که این ثبوت و تغییر را بتوان با دیدگاه کانتی تبیین کرد. کانت بر آن بود که به‌لحاظ معرفت‌شناختی میان عالم نفس‌الامر و واقع (نومن) و پدیداری (فنومن) تفاوت وجود دارد. انسان در زندگی بشری خود راهی به سوی نومن و نفس‌الامر اشیاء ندارد و صرفاً می‌تواند از طریق فنومن دسترسی داشته باشد. گویی نومن در جایی در سکوت نشسته و ساکت و صامت است و عالم در دسترس انسان فنومن یا پدیدار نومن هاست و دسترسی انسان‌ها به فنومن‌ها به قدر و اندازه تلاش و کوشش او بستگی دارد. پس آنچه در عالم فنومن به دست انسان می‌رسد، بشری و انسانی است و چون بشری است، لاجرم دارای نقصان و محدودیت است و کسی را یارای آن نیست که ادعای اکملیت و اتمیت فهم داشته باشد. حال با این نگرش کانتی، اگر نظریه اول دکتر سروش را تبیین کنیم، اصل دین به‌مثابه نومن است که دسترسی انسان به آن ممکن نیست و تنها در ید قدرت الهی است و آنچه انسان بدان می‌تواند دست یابد، فنومنی از شریعت است که متغیر و متکثر به تعداد انسان‌های محدود و محصور در کره خاکی است.

یکی از مقومات نظریه سروش، ترابط علوم و معارف بشری است که در کتاب قبض و بسط به‌صراحت نمونه‌های تاریخی متعددی از فلسفه تا فقه را به‌عنوان شاهد این ترابط و تلائم ذکر می‌کند. نتیجه این ترابط و تلائم دانسته‌های بشری به تحول فکر و دانسته‌های او منجر می‌شود. این جملات به‌خصوص «تحول معارف بشری»، برای آشنایان با فلسفه علم، ناخودآگاه، نظریه ابطال‌گرایی در پیشرفت معارف بشری را به ذهن متبادر می‌کند. ابطال‌گرایی نظریه‌ای در باب فلسفه علم است که توسط پوپر در تکمله نظریه استقرارگرایی طرح شد. در این نظریه، علم نه با استقراء که با ابطال نظریه‌های پیشین و طرح نظریه‌های جدید تحول و تکامل پیدا می‌کند؛ بدین‌شکل که

نظریه پرداز با توجه به پیش‌اندوخته‌های علمی خود فرضیه‌ای طرح می‌کند. اگر فرضیه جدید از نظریه پیشین جامع‌تر بوده و شمول بیشتری نسبت به نظریه پیشین داشته باشد تازمانی که توسط موارد استقراء شده جدید ابطال نشود، مورد پذیرش جامعه علمی قرار می‌گیرد. البته در نظریه ابطال‌گرایی همانند دیدگاه کانتی، نظریه نهایی، اکمل و اتم وجود ندارد بلکه نظریه‌ها صرفاً تا اطلاع ثانوی و تا وقتی ابطال نشده‌اند، بار معرفت علمی بشری را به دوش می‌کشند (پوپر، ۱۳۹۷: ۳۴). در نظریه پوپر، علم با همین حدس‌ها و ابطال‌ها پیش می‌رود ولی هیچ نظریه‌ای توانایی این را ندارد که مدعی اکمل و نهایی بودن باشد. می‌توان مجموعه مثال‌هایی که سرش در قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت تبیین کرده‌است را با نظریه پوپر تطبیق داد. اگر نظریه پوپر در باب فلسفه علم و علوم طبیعی است، سرش از این نظریه برای تبیین چگونگی کارکرد شریعت بهره جسته است. چنانچه دین و شریعت را نیز همانند طبیعت صامت دانسته و این انسان‌ها هستند که آن را به صدا درمی‌آورند «فهم و معرفت در هر عصری هندسه‌ای دارد و فهم دین هم همیشه عصری است، دین هرکس فهم اوست از شریعت، همچنان که علم هرکس فهم اوست از طبیعت» (سرش، ۱۳۷۳: ۱۷۸). می‌توان گفت که اغلب منتقدان سرش تا این مرحله از به‌کارگیری نظریه پوپر در قبض و بسط پیش‌رفته‌اند و از این مباحث نتیجه نسبی‌گرایی برداشت کرده‌اند و صاحب نظریه را به نسبی‌گرایی متهم کرده‌اند. با نگاه دقیق‌تر به نظریه پوپر می‌توان از عینی‌گرایی آن دفاع کرد که از دید اغلب منتقدان سرش مغفول مانده است. پوپر بر این باور است که نظریه ابطال‌گرایی در واقع، انسان را به حقیقت نزدیک می‌کند؛ یعنی با طرح نظریه‌های جدید و طرد نظریه‌های قدیم، همواره به حقیقت نزدیک می‌شویم و همواره ابطال یک نظریه و روی آوردن به نظریه جدیدتر گامی به سوی حقیقت است؛ بر این مبنای، اگرچه در بادی امر نوعی نسبی‌گرایی احساس می‌شود ولی در نهایت، به آنچه نزدیک می‌شویم، انکشاف بیشتر حقیقت است. شخصیت دیگری که ابطال‌گرایی را در تفسیر متون مورد تحلیل قرار داده‌است، اریک هرش است. هرش شخصیتی عینی‌گرا در تفسیر است؛ یعنی باور به عینی بودن

معنا نزد مولف دارد ولی از آنجا که معنای متن نزد خواننده آشکار نیست، هرش تنها راه دستیابی به معنای متن را مبتنی بر نظریه پوپر بازسازی می‌کند؛ بدین بیان که برای معنای متن، ابتدا یک فرضیه طرح می‌کنیم که در چارچوب ژانر معنایی باشد و همه معانی را پوشش بدهد. این معنای حدسی که مبتنی بر پیش‌فرض‌های ماست را به متن عرضه کرده و بازخوردگیری می‌کنیم. ممکن است برای حدس موردنظر، ابطال‌هایی تصور شود که در این صورت، معنای مفروض را رها کرده و فرضیه‌ای جدید می‌سازیم. با اصلاحات پیش‌آمده، فرضیه‌هایی مطرح می‌شود که ما را به حقیقت نزدیک می‌کند و درنهایت، فرضیه‌ای به دست می‌آید که نزدیک‌ترین معنا به مقصود است (هرش، ۱۳۹۵: ۹). از مجموعه مباحث قبض و بسط می‌توان طرحی به‌مثابه دیدگاه هرش به دست داد؛ به‌عنوان مثال، سروش آورده است: «آدمی با نظریه‌های فراگیر و متعهد، معلومات دیگر خود را چنان می‌گزیند و غربال می‌کند که با آنها بسازد و در میان آنها نشیند، ... تئوری‌های پیشین... چون پنجره‌هایی محدوده بینش‌های بعدی را نیز معین می‌سازند. تئوری‌ها میدان کاوش را روشن می‌کنند و سوال‌های ویژه‌ای را فراهم می‌آورند و به ما می‌گویند به دنبال چه بگردیم. نمی‌توان بی‌چراغ به راه افتاد» (سروش، ۱۳۷۳: ۲۵۶ و ۲۵۷). عمده تلاش سروش در این است که مسیر پر پیچ‌وخم فهم دینی را یادآور شود و از این‌رو، عینیت‌گرایی او در میان هیاهوی اثبات فرضیه خود تقریباً گم شده است؛ درحالی‌که او در ابتدای نظریه خود در دوره اول تأکید می‌کند که شریعت نزد خداوند ثابت است و فهم ما متکثر است. یکی بودن شریعت نزد خداوند تقریباً همان عینیتی است که هرش و دیگران با ادبیاتی متفاوت بر آن تأکید نموده‌اند. پس با خوانش پوپری از دوره اول فکری سروش، شریعت نزد خدا ثابت است؛ یعنی معنا نزد خداوند است و عینی است ولی تفسیر ما از شریعت، نسبی و متکثر است.

پروژه اول سروش - یعنی دین ثابت فهم دینی متکثر - را با بنیانی دیگر نیز می‌توان تحلیل کرد و آن نظریه کواین^۱ در فلسفه علم است. ویلارد کواین، از

1. Willard Van Orman Quine

متفکران مشهور معاصر، دیدگاه‌های نوینی در فلسفه علم در کتاب مشهور خود شبکه باور منتشر کرده‌است. بنیان نظریه وی درباره باورپذیری دیدگاه‌های علمی است. وی بر این باور است که یک دیدگاه علمی وقتی موجه است که شبکه‌ای از باورهای مرتبط و متصل باهم ترابط داشته باشند. بنا بر نظریه کواین، شبکه باورها با هم تعامل و ترابط داشته و همدیگر را حکم، اصلاح و تأیید می‌کنند. بنا بر نظر کواین، در نظریه‌های علمی از کشفیات سایر علوم نباید غافل بود؛ چراکه در هم تأثیر گذارند (کواین و اولیان، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

حال به تبیین «دین ثابت، فهم دینی متغیر» سروش بازگردیم؛ با خوانش کواینی، قبض و بسط می‌گوید که دین چیزی جز تفسیرهای متعدد در طول تاریخ نیست که موجه بوده‌اند و این خوانش‌ها همواره با باورها و سایر معرفت‌های بشری به صورت شبکه‌ای هماهنگ بوده و این ترابط علوم هر عصر موجب موجه بودن این خوانش‌ها شده‌است. مدعای سروش در قبض و بسط نیز همین است که در هر عصری با توجه به تغییر باورها و معارف بشری مطابق با شبکه‌ای بودن باورهای هر عصر، معرفت دینی انسان‌ها نیز متغیر شده و متکثر شده‌اند. مجموعه مثال‌هایی که سروش در مقالات متعدد قبض و بسط آورده و سعی کرده‌است با استفاده از این موارد تاریخی هم مدعای خود را به اثبات برساند و هم نقد منتقدان را پاسخ گوید، درواقع، می‌توان گفت تطبیق نظریه کواین در شبکه باورها یا به تعبیر نویسنده، ترابط علوم در هم است؛ ترابطی که موجب خلق معرفت‌های متناسب با هر عصر شده و معارف بشری را به وجود آورده‌است: «تمام علوم بشری در سیلان و تحول است و نیز معرفت و فهم دینی هم یک معرفت و فهم بشری است ... جان کلام اینکه در آمدن دانسته‌های نوین، دانسته‌های پیشین ما را به حال خود وانمی‌گذارد و اگر آنها را بر نیندازند، در معنا و مفاد آنها تصرف می‌کنند و منظر تازه‌ای به ما و منظره نوینی به آنها می‌بخشند (سروش، ۱۳۷۳: ۱۸۶) و باز تأکید می‌کند که میان معرفت دینی و معرفت‌های علمی و فلسفی و عرفانی، دیالوگی مستمر برقرار است و همه در هم می‌تابند و یکدیگر را معنا و جلا می‌بخشند (سروش، ۱۳۷۳: ۱۹۰). در جمله اخیر، می‌توان به جای کلید واژه "دیالوگ" که عبارت سروش

است، کلمه کلیدی "شبکه" کواین را قرار داد و همان نتیجه را گرفت. تحول معرفت دینی نتیجه گفتگوی مستمر آن با سایر معارف بشری دانست و مجموعه این معارف دینی و معارف غیردینی در هر عصری شبکه‌ای از باورها را می‌سازد که هم منسجم و هم متناسب با هر عصرند و این‌چنین است که معارف دینی و سایر معارف بشری با هم ترابط و دیالوگ برقرار می‌کنند و اصلاح یکی منجر به حک و اصلاح دیگری می‌شود.

اما سروش چندی پس از انتشار قبض و بسط از نظریه اول خود به شکلی عدول می‌کند و با انتشار بسط تجربه نبوی و درنهایت، کتاب محمد کلام محمد از متحول‌بودن اصل دین سخن به میان می‌آورد. می‌توان گفت که اصل شریعت و دین نیز تاریخی و متحول است؛ چون اصل شریعت نیز با سایر علوم بشری در تعامل و داد و ستد است. برخی جملات سروش در کتاب بسط تجربه نبوی و کلام محمد کتاب محمد را می‌توان به‌صورت منطقی با خوانش کواینی تطبیق داد؛ به‌عنوان مثال، جملاتی نظیر «هر جا سخن از تجربه می‌رود، سخن از تکامل تجربه هم درست است» (سروش، ۱۳۸۷: ۱۳) و نیز «قرآن می‌توانست بسی بیشتر از این باشد که هست» (سروش، ۱۳۷۸: ۲۰)، حکایت از این رویکرد دارد. در دوره دوم، چه در نظریه بسط تجربه نبوی و چه رویاهای رسولانه، اینک دیگر اصل شریعت به‌مثابه نومن کانتی ثابت و لایتغیر نیست بلکه اصل شریعت نیز به‌مثابه تجربه بشری یا رویای بشری پیامبر است که می‌تواند و می‌توانست کم یا بیش از این مقدار باشد؛ چراکه سروش بر این باور است که اگر پیامبر در دوره تاریخی یا قبیله‌ای متفاوت مبعوث می‌شد، شریعتی متفاوت از اینکه امروز هست، به دست می‌داد. از همین رو است که سروش برخی دستورات و احکام دینی را عرضی می‌داند: «عربی‌بودن اسلام عرضی است و علاوه بر زبان عربی، فرهنگ عربی هم عرضی است؛ یعنی می‌توانست گونه دیگری باشد. بر این اساس، همه مثال‌هایی که در قرآن و دین آمده مثل حوران سیه‌چشم، میوه‌های گرمسیری، جمیع پرسش‌ها و داستان‌ها و رخدادهای، حتی پاره‌ای از احکام فقهی و شرایع دینی و حتی جمیع احکامی که مربوط به تجارت و بازرگانی و کاروانی، قرض و ربا، بیع و شرع و... از عرضیات دین

هستند که می‌توانستند نباشند» (سروش، ۱۳۷۸: ۵۹). حال که سخن از عرضی به میان آمد، می‌توان گفت که با قرائت کانتی نیز می‌توان این جملات را تفسیر کرد که ذاتیات دین به‌مثابه نومن‌های کانتی و عرضیات دین هم همچون فنومن‌هایی است که تفسیر و فهم تاریخی پیامبر است که در طول ۲۳ سال بر پیامبر عارض شده‌اند و می‌توانستند نباشند یا به شکل دیگری باشند. اما اصطلاح تجربه دینی که در عنوان کتاب بسط تجربه نبوی آورده شده‌است و هم در جای‌جای کتاب محمد کلام محمد به چشم می‌خورد نیز آبخور الهیات مسیحی و غربی دارد. نخستین شخصیتی که از دین به‌عنوان تجربه دینی سخن می‌گوید، شلایرماخ - الهی‌دان مسیحی - است. شلایرماخ دیدگاه رایج عصر خود مبنی بر اینکه دین حاصل معرفت علمی و یا فلسفی و حتی اخلاقی است را رد کرده و بر این باور است که نباید دین را حاصل هیچ استدلالی دانست بلکه دین عبارت است از یک احساس نهفته: «ادراک بی‌واسطه وجود جمعی همه جهان کران‌مند در آن وجود و به‌واسطه آن وجود بی‌کران و درک همه اشیای زمان‌مند در وجود لایزال. دین یعنی جستجوی چنین ادراکی» (شلایرماخ، ۱۹۵۸: ۵۶). به تبع آن، وی بر آن است که دین حاصل تجربه صرف انسان‌های برگزیده نیست بلکه پیامد تجربه‌ای است که به‌طور بالقوه در درون همه انسان‌ها وجود داد. این تجربه همان احساس وابستگی مطلق است که در درون همه انسان‌ها وجود دارد (زورانی، ۱۳۸۵: ۱۴۵). البته برخی طرح نظریه تجربه دینی توسط شلایرماخ را در راستای قرائت جدید از دین در دوره مدرن معرفی می‌کنند؛ یعنی در کنار دیدگاه کارل بارث و رودولف بولتمان، دیدگاه سومی که درصدد جمع بین سنت و مدرنیته است، نظریه تجربه دینی شلایرماخ است (مجتهد شبستری، ۱۳۸۳: ۳۵). این تجربه‌انگاری دین تقریباً یکی از بن‌مایه‌های دیدگاه‌های سروش در طرح "دین متغیر، فهم دینی هم متغیر" است. به بیان بهتر، اصل دین که توسط خاتم انبیا آورده شده‌است، در بسط تجربه نبوی حاصل تجربه زیستی پیامبر است که مشوب به عربیت، قومیت و زندگی خاص قبیله‌گی است و در رویاهای رسولانه، حاصل تجربه رویایی پیامبر است که آن نیز حاصل تجربه زیستی پیامبر در

طول بیست‌وسه سال زندگی در شبه جزیره عربستان است (سروش، ۱۳۹۷: ۳۷۱)؛ از این رو، اصل دین نیز می‌تواند چیزی جز آنچه امروز هست، باشد.

۲. بنیان‌های هرمنوتیک فلسفی سروش

در این قسمت به بررسی اندیشه سروش با بهره‌گیری از دستاوردهای هرمنوتیک فلسفی خواهیم پرداخت. یعنی از اصول و دستاوردهای هرمنوتیک فلسفی برای تبیین اندیشه وی استفاده خواهد شد. به بیان بهتر، طرح فکری سروش با هرمنوتیک فلسفی چگونه خوانشی است.

۱. نسبی‌گرایی در مقابل عینی‌گرایی

یکی از دستاوردهای مهم هرمنوتیک فلسفی، نسبی‌گرایی و نسبیت فهم است. مجتهد شبستری در تبیین ماهیت بنیادین و چیستی هرمنوتیک، آن را "فهمیدن چیزی به مثابه چیزی" تبیین می‌کند. حال باید دید که هدف اصلی از طرح فکری دکتر سروش چیست؟ از آنجا که مسئله اصلی روشنفکران معاصر ما همچون سایر روشنفکران جهان اسلام، تبیین دین سازگار با مدرنیته است، هرمنوتیک فلسفی این قابلیت را مهیا می‌کند؛ یعنی به روشنفکران این قدرت را می‌دهد که بتوانند دینی قرائت‌پذیر ارائه دهند که قابل جمع با دستاوردهای مدرنیته باشد؛ چنانچه شبستری تأکید می‌کند: «هدف این است که سنت دینی از حالت مانع برای زندگی در عصر جدید بیرون بیاید و حقیقت سنت دینی بار دیگر چون یک وحی جدید طلعت خود را نشان دهد» (مجتهد شبستری، ۱۳۸۳: ۲۴) و سروش بر این باور برسد که «من در شکاف مدرنیته و سنت حرکت می‌کنم و این‌ها را به دیالوگ وامی‌دارم. در مواردی هم به دلیل حق دیدن مدرنیته از سنت می‌گذرم و در مواردی هم به دلیل حق دیدن سنت از مدرنیته می‌گذرم؛ هیچ‌یک در چشم بنده مطلقیت ندارند» (سروش، ۱۳۹۷: ۳۹۴). تمام تلاش سروش در نظریه "دین ثابت و فهم دینی متغیر" مصروف تبیین چنین نسبی‌گرایی‌ای در فهم است. گرچه اشاره شد که دیدگاه سروش در این دوره با هرمنوتیک هرش مبنی‌بر عینی‌گرایی قرابت دارد ولی واقعیت این است که حتی در نظریه ابطال‌گرایی پوپر، گرچه با ابطال نظریه‌ها به حقیقت نزدیک می‌شویم ولی درست‌تر این است که معیاری برای سنجش

میزان نیل به حقیقت در دست نیست و نتیجه منطقی آن، سردرگمی در میانه حقیقت و غیرحقیقت است. سروش دباغ در تبیین لوازم نظریه عبدالکریم سروش معتقد است: «شالوده پنهان قبض و بسط را باید دفاع جانانه‌ای از لیبرالیسم معرفتی دانست» (دباغ، ۱۳۹۳: ۶). از این رو، هرمنوتیک فلسفی ابزار فهم چگونگی نسبی بودن فهم را به دست می‌دهد. خوانش فلسفه علمی سروش از دین، تبیین همان جمله «فهمیدن چیزی به مثابه چیزی» است که مجتهد شبستری آن را لب لباب هرمنوتیک فلسفی می‌داند. ولی مسئله این است که اگر با هرمنوتیک اریک هرش یا امیلو بتی که قائل به عینیت در تفسیر هستند، پیش برویم، نه تنها دیگر نتایج مورد نظر حاصل نمی‌شود، بلکه نتایج آن معکوس خواهد بود.

۲. نقش مهم پیش‌فهم‌ها و پرسش از فهم

رکن دیگر هرمنوتیک فلسفی، کارکرد پیش‌فهم‌ها و پرسش از متن است. با این توصیف، می‌توان نگرشی جدید به طرح فکری سروش انداخت. نظریه قبض و بسط سروش اصولاً تبیین نقش همین پیش‌فهم‌ها و پرسش از متن است. اصل ترابط، تلائم و تغذیه قبض و بسط، تشریح مبسوط همین پیش‌فهم‌ها و پرسش‌ها از متن است؛ چنانچه تصریح می‌کند: «تأویل هیچ‌گاه درک بی‌پیش‌فرض چیزی از پیش داده‌شده نیست» و «شریعت صامت است و فقط هنگامی به سخن می‌آید که آدمیان در برابر وی پرسشی بنهند و از او پاسخ بطلبند» (سروش، ۱۳۷۸: ۴۴۲). اصولاً تقسیم سروش از رکن درونی (کتاب و سنت) و بیرونی (سایر معارف بشری) معرفت دینی بشری، تطبیق همین پیش‌فهم‌ها در چگونگی کارکرد معارف دینی است.

در دوره دوم فکری سروش نیز این اصل هرمنوتیکی پرکاربرد است؛ یعنی در متغیر دانستن اصل دین نیز به این مسئله توجه نموده‌است. تأکید سروش در بسط تجربه نبوی و حتی رویاهای رسولانه بر تأثیر سنت عربی، قبیله‌گی و تاریخی و به تعبیر گادامر، "سنت" در آورده پیامبر اکرم ناشی از همین اصل هرمنوتیکی است. همچنین، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آیات قرآن را در پاسخ شریعت به برخی پرسش‌های تاریخی و موردی تلقی می‌کند؛ یعنی اگر این

پرسش یا موقعیت اتفاق نمی‌افتاد، این آیات وجود نداشت؛ چنانچه به کرات آورده است: «داد و ستد پیغمبر با بیرون از خود قطعا در بسط رسالت او و در بسط تجربه پیامبرانه او تأثیر داشت» و «ورود پیامبر به صحنه اجتماع را می‌توان مانند ورود یک استاد یا معلم به صحنه درس دانست. من این رابطه را رابطه دیالوگی یا داد و ستدی نام می‌دهم» و «اگر پیامبر عمر بیشتری می‌کرد و حوادث بیشتری بر سر او می‌بارید، لاجرم مواجهه‌ها و مقابله‌های ایشان هم بیشتر می‌شد و این است معنای آنکه قرآن می‌توانست بسی بیشتر از این باشد که هست و...» و «بشری و انسانی و تدریجی بودن دین معنایی جز این ندارد» (سروش، ۱۳۷۸: ۱۶ - ۲۲).

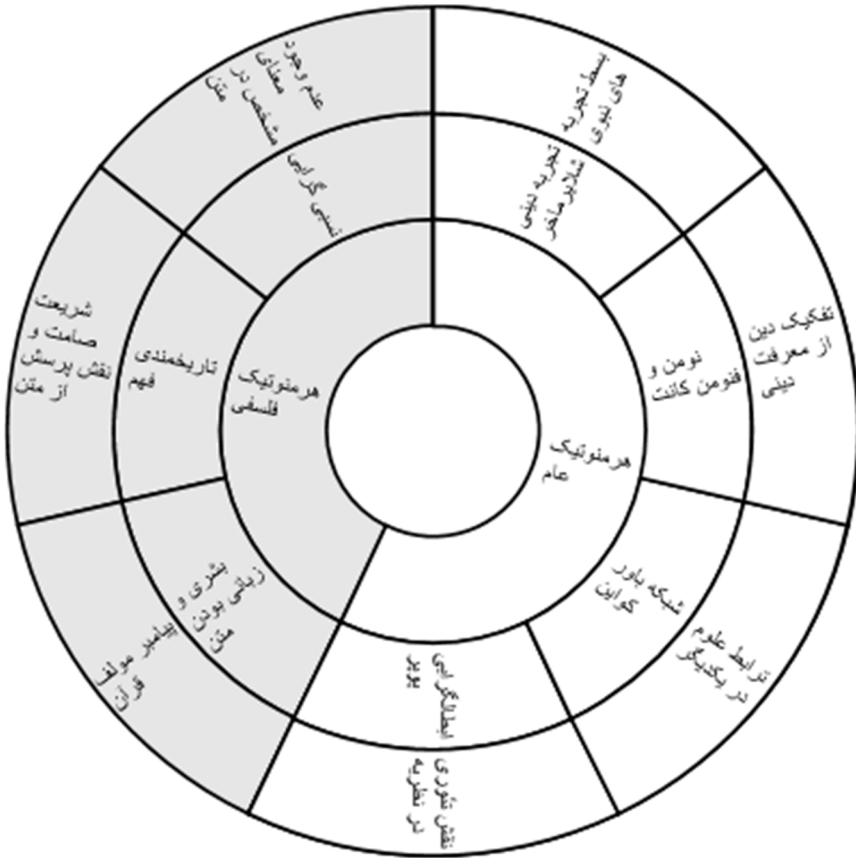
اصولا فهم در پاسخ به یک پرسشی که خواننده فراروی متن قرار می‌دهد، حاصل می‌شود. حصول فهم نیز در واقع، گشودگی‌ای است که توسط پرسش ایجاد می‌شود. پس فهم با پرسش آغاز می‌شود و در یک رفت‌وبرگشت دیالوگی، متن از موقعیت هرمنوتیکی مفسر سوال می‌کند تا در نهایت، یک توافق حاصل شود. کارکرد این نوع پرسش در نظریه روشنفکران از باب عرضه آورده‌های معرفت‌شناسی غرب بر دین نیز قابل بررسی است؛ مثلاً می‌توان گفت که سروش با عرضه معرفت‌شناسی ارائه‌شده توسط کانت یا کواین به معرفت دینی اسلامی، نتیجه "قبض و بسط" را به دست داده است یا با عرضه "تجربه دینی" ارائه‌شده توسط شلاپرماخر و سایر متألهان مسیحی، به خروجی تجربه‌محور از شریعت و نبوت پیامبر اکرم استنباط کرده و دامنه آن را تا رویای رسولانه گسترانده است. به بیان بهتر، سوال اصلی این بوده است که عرضه معرفت‌شناسی کانت، کواین و یا پوپر به شریعت اسلامی چه نتیجه‌ای می‌دهد؟ از زوایه نتیجه نیز می‌توان به این بحث ورود کرد؛ مثلاً می‌توان گفت که مطلوب برخی از روشنفکران معاصر، لیبرالیسم سیاسی یا معرفتی بوده است؛ یعنی پرسش اصلی آنان این بوده است که چگونه می‌توان خوانشی از متون دینی ارائه کرد که با لیبرالیسم معرفتی یا سیاسی هم‌خوانی داشته باشد؟ پاسخ استفاده از داده‌های معرفت‌شناسی و الهیاتی مدرن غربی است؛ یعنی همان مسیری که رنسانس غرب طی کرد و هم‌سازی میان متون دینی مسیحی و مدرنیته غربی حاصل

شد. لازم به یادآوری است که سرورش، نتیجه بحث معرفت‌شناسانه خود در دوره اول فکری را، در قالب "صراط‌های مستقیم" منتشر کرده‌است؛ یعنی خود، به‌خوبی به لوازم نظریه خود آگاه بوده‌است و این نگاه نتیجه‌محور را نمی‌توان مدعای بدون دلیل تلقی کرد.

۳. بشری و زبانی‌بودن متن

از دیگر ارکان هرمنوتیک، تأکید بر بشری و زبانی‌بودن متن است. تأثیر این رکن از هرمنوتیک در روشنفکران از باب متن‌محور بودن معارف دینی است؛ بنابراین، هرگاه سخن از معنا و مفهوم متن به میان می‌آید، هرمنوتیک در آنجا خودنمایی می‌کند. چپستی معنا، چگونگی دستیابی به معنا، معنای مراد و .. مباحثی هستند که در هرمنوتیک مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ اگر مطابق با هرمنوتیک فلسفی، دایره زبان و متن را به هستی انسان در جهان توسعه دهیم و تا آنجا پیش رویم که به تعبیر هایدگر، زبان را آشیانه هستی بنامیم، در این صورت، نظریه‌های زبانی، ردی عمیق در اندیشه اندیشمندان روشنفکر بر جای خواهند گذارد. گادامر معتقد به استقلال معنای متن از مولف بوده و بر این باور است که معنای متن واقعه‌ای است که در یک موقعیت تاریخی انضمامی و با تلاقی افق تاریخی مفسر و افق تاریخی متن رخ می‌دهد. مجموعه این مباحث می‌تواند ابزاری به دست روشنفکران دینی دهد تا در راستای اهداف روشنفکری آنان به خدمت گرفته شود؛ از این‌رو، روشنفکران معاصر نیز در تبیین نظریه‌های خود متأثر از مباحث فلسفه زبانی و کارکرد زبان در هرمنوتیک بوده و هستند؛ به‌عنوان مثال، حتی نظریه قبض و بسط را نیز می‌توان با این مبنا تحلیل کرد؛ چراکه شریعت صامت که الهی و کامل است، از طریق متن ارائه شده‌است، متن نیازمند تفسیر است؛ معرفت دینی درواقع، همان فهم یا تفسیر ما در طول تاریخ بوده‌است. نیز می‌توان مطابق مدعای قبض و بسط استدلال کرد که میان مراد مولف و معنای متن، نوعی تفکیک وجود دارد. اما بهره عمده روشنفکران از بشری و زبانی‌بودن متن را بیشتر در "فهم" متون دینی مشاهده می‌کنیم. بحث عمده درباره معنای متن هم در تعیین یا تکثر آن است. سرورش عمدتاً هرمنوتیک تکثرگرا را تقویت می‌کند؛ درحالی‌که نمی‌توان هرمنوتیک تعیین‌گرا

را نادیده گرفت. اگر کاربست زبان را می‌توان در دوره اول فکری سروش دید، در دوره دوم اندیشه‌ای او حضور پررنگ‌تری دارد؛ به‌عنوان مثال، «متن حقیقتا و ذاتاً امری مبهم است و چندین معنا برمی‌دارد. ما در تمام فهم یا اثبات با تعدد معنای مواجهیم و این تنوع و تعدد عجیب معانی، خبر از ساختاری می‌دهد که فی‌حدوخته نامعین است و به تعینات مختلف راه می‌دهد ... و متن واجد ابهام و لاتعین در ذاتی معنایی است» (سروش، ۱۳۷۷: ۱۹۱ و ۱۹۵) و در پاسخ به پرسشی در مورد معنای متن و مراد متکلم تصریح می‌کند که «در مورد هر متنی - چه دینی و چه غیردینی - ممکن است این دو (معنای متن و مراد متکلم) بر هم بیفتند و ممکن است بر هم نیفتند. من قائل به مرگ مولف هستم... مولف متن که پیامبر باشد، اکنون غایب است و ما به او دسترسی نداریم و بنابراین، به دنبال آنچه در ذهن پیامبر می‌گذشته، نباید بگردیم ... خدا عالم به این مطلب بوده‌است که ممکن است از متن فهم‌هایی بشود که مغایر مراد متکلم است و این اقتضای زبان است» (سروش، ۱۳۹۷: ۲۸۵) و باز تأکید می‌کند که این تکثر معنایی اتفاقاً مطلوب و مراد خداوند است (درحالی‌که پیش‌تر بر این باور بود که فهم مراد مولف محال است) و «هرچند کشف نیتِ صاحب وحی کمال مطلوبی است که همه ما به سوی آن روان هستیم، اما چه بسا سرانجام دریابیم که نیت واقعی صاحب وحی چیزی نیست جز تلاش جمعی نوع بشر؛ در اینجا است که فعل و غایت فعل بر هم منطبق می‌شوند» (سروش، ۱۳۷۸: ۶۹).



شکل ۱. تأثیر مبانی معرفتی غرب بر جریان روشنفکری

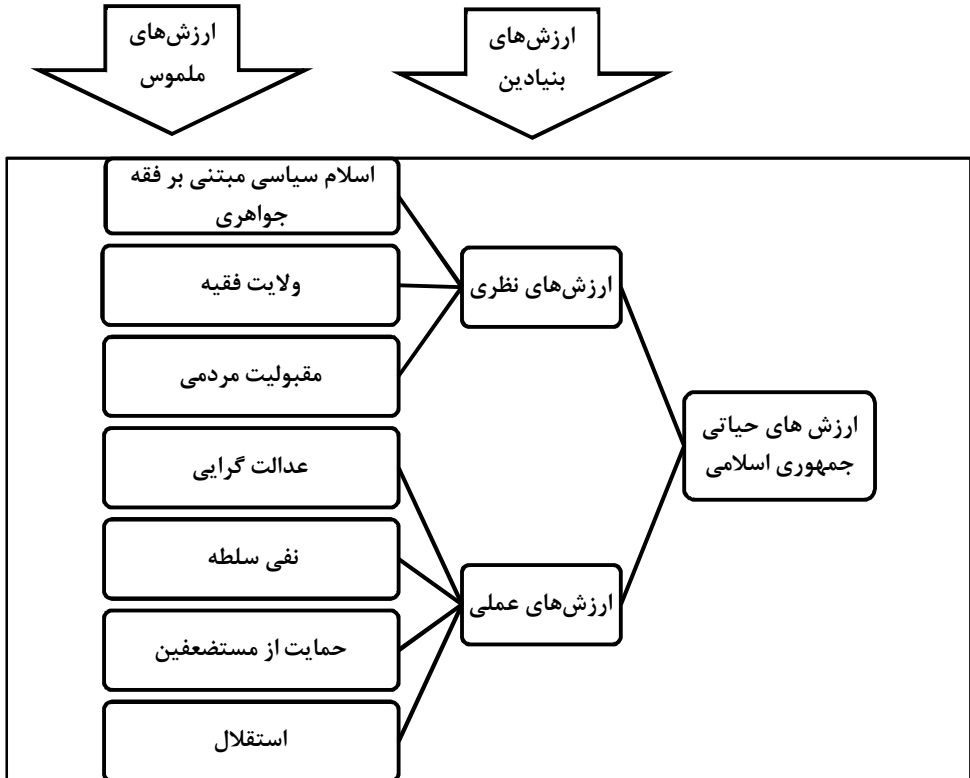
تأثیر طرح فکری مدعیان روشنفکری پس از انقلاب بر امنیت نرم

جمهوری اسلامی ایران

در بخش پایانی این پژوهش، به تأثیر طرح روشنفکری سروش بر امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. پیش‌تر یادآور شدیم که کارویژه اصلی روشنفکران نظریه‌پردازی، بر جمع میان سنت و مدرنیته در دنیای کنونی است. حال باید دید که نسبت این نظریه‌پردازی با امنیت نرم جمهوری اسلامی چگونه است؛ از این‌رو، لازم است که ابتدا تعریفی از امنیت نرم به دست دهیم تا دستیابی به مقصود آسان‌تر شود.

اصولا ترکیب "امنیت" و "نرم" چندان سابقه ندارد و به نظر می‌رسد که پس از ابداع قدرت نرم توسط نای(نای، ۱۳۹۲: ۷۸) خلق شده باشد. برخی معتقدند که استفاده از وجه نرم امنیت باعث ایجاد مشروعیت و مقبولیت می‌شود(غرایاق زندی، ۱۳۸۸: ۸۱). آرنولد ولفرز در تعریف امنیت آورده‌است: «امنیت در معنای عینی آن، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی، یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد»(باری بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲). همچنین، درباره امنیت گفته‌اند: «امنیت در بعد عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف است و در جهت ذهنی، فقدان ترس از اینکه این بنیان‌های ملی(ارزش‌ها و منافع و اهداف) مورد هجوم(فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع شوند»(تاجیک، ۱۳۸۱: ۴۷). به نظر می‌رسد که این تبیین از امنیت نرم صحیح باشد. به بیان بهتر، امنیت نرم ناظر به مقوله پذیرش و اقبال عمومی به ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی است؛ یعنی به هر مقدار که ارزش‌های حاکم بر جامعه که نظام سیاسی از آنها حمایت می‌کند و مشروعیت خود را بر آنها مبتنی کرده است، مقبولیت بیشتری داشته باشد، وجه نرم امنیت تقویت می‌شود. می‌توان گفت که امنیت نرم ناظر بر ارزش‌های رابط میان نظام سیاسی و مردم است. حال باید دید که ارزش‌های مهم و حیاتی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ منظور از ارزش‌های حیاتی، ارزش‌هایی است که نبود آنها نظام سیاسی را دگرگون و دچار فروپاشی می‌کند(حسینی، ۱۳۹۸: ۲). بدیهی است که چون مسئله مورد مطالعه ما امنیت نرم جمهوری اسلامی است، باید ارزش‌های حیاتی جمهوری اسلامی را احصا کرد. مجموعه ارزش‌های بنیادین و حیاتی جمهوری اسلامی به دو بعد نظری و عملی تقسیم می‌شود: ارزش‌های نظری همان جهان‌بینی اسلامی است که عبارت از توحید، نبوت، امامت، معاد و عدالت است و ارزش‌های عملی نظام سیاسی اسلام، مبتنی بر توحید و سبک زندگی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است و در بعد فردی، به زندگی اخلاقی و شرعی برگرفته از قرآن و سنت و در بعد اجتماعی به مخالفت با طاغوت، اداره جامعه بر اساس رضایت خالق هستی برگرفته از قرآن و سنت تنظیم می‌شود. البته مبارزه با ستم و دفاع از

مستضعفان و استقلال از نظام‌های طاغوتی و تسلیم‌نشدن در برابر آنها در درون ارزش‌های عملی است. طبق نظرسنجی پنل خبرگانی بیش از ده تن از کارشناسان حوزه امنیت ملی، ارزش‌های حیاتی ملموس در نظام سیاسی جمهوری در بعد نظری عبارتند از اسلام سیاسی مبتنی بر فقه جواهری، ولایت فقیه و مقبولیت مردمی؛ و ارزش‌های حیاتی در بعد نظری شامل نفی سلطه، استقلال، حمایت از مستضعفین و عدالت‌گرایی. خلاصه و نتیجه نهایی این ارزش‌ها همان زندگی مومنانه خواهد بود.



شکل ۲. نمودار ارزش‌های حیاتی جمهوری اسلامی

لازم به یادآوری است که این ارزش‌ها مجموعه دیدگاه‌های کارشناسان امنیت ملی است که توسط نویسندگان جمع‌بندی شده است. به عبارت دیگر، پنل خبرگان بیش از ۲۵ ارزش حیاتی برای جمهوری اسلامی تبیین کرده‌اند که با ادغام در یکدیگر به جدول فوق منتج گردید. اسلام سیاسی مبتنی بر فقه

جواهری پیشنهاد یکی از خبرگان محترم بود که دیگران نیز بر آن صحنه گذاردند، برای احتراز از اسلام غیرسیاسی و سکولار و یا حتی قرائت اسلام فردی که ناظر به رابطه انسان و خدا بوده و به مسائل اجتماعی کاری ندارد و امروزه، برخی مدعیان روشنفکری از آن سخن می‌گویند، می‌باشد؛ چراکه دیگران هم مدعی اسلام‌گرایی و تبعیت از پیامبر اکرم هستند ولی اسلام مبتنی بر فقه جواهری تعبیری است که حضرت امام خمینی (ره) آن را به‌کار برده‌اند و نقطه افتراق اسلام فقهای شیعی با سایر قرائت‌های ناصواب از اسلام است. ولایت فقیه نیز به‌دلیل اهمیت و جایگاه مهم آن در محافظت از اسلامیت نظام تأکید شده و به‌طور مستقل آورده شده‌است. از آنجاکه مقبولیت مردمی یک امر قلبی و درونی است، در ارزش‌های نظری دیده شده‌است. عدالت‌گرایی به‌معنای رفتار عادلانه در ارزش‌های عملی دیده شده‌است؛ گرچه اصل عدالت از ارزش‌های نظری است.

اینک زمان نسبت‌سنجی طرح روشنفکری سروش با امنیت نرم جمهوری اسلامی است. به نظر می‌رسد که دو کلان طرح روشنفکری سروش - یعنی دین ثابت و فهم دینی متغیر و دین و فهم دینی متغیر - به‌صورت مستقیم با ارزش‌های فکری جمهوری اسلامی در تضاد است؛ چراکه اگر فهم دینی را متکثر بدانیم، آنگاه دیگر باید سخن از اسلام‌ها به میان آورد نه اسلام واحد؛ زیرا در نظریه سروش، به‌جای اسلام، اسلام‌ها خواهیم داشت. به تعبیر بهتر، فهم‌ها از دین متکثر خواهد بود؛ تکثری که همه درست است و باید آن را اسلام نامید و این برخلاف آموزه‌های ناب دینی است که سخن از یک دین و یک شریعت به میان می‌آورد: «إن الدین عند الله الاسلام» (آل عمران، ۱۹). مبتنی بر فرضیه سروش در هر دو نظریه، می‌توان سخن از فهم‌های متعدد از اسلام به میان آورد بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد؛ که این برخلاف اسلام و آموزه‌های اصیل قرآن و سنت رسول اعظم و ائمه طاهرین است. اما دومین ارزش فکری ولایت فقیه است. به نظر می‌رسد که مبتنی بر هر دو نظریه سروش، حتی فهم دینی متولی خاص ندارد چه برسد به اینکه در اجرا، شخصی متولی اجرای فقه باشد؛ چراکه اگر پلورالیسم دینی را در فهم از

دین ساری بدانیم، آنگاه فقیه باید بر اساس کدام فهم فقهی ولایت خود را اعمال نماید؟ در این صورت، نظریه سروش بنیان مهم امنیت نرم جمهوری اسلامی را متزلزل خواهد کرد. به یقین با تضعیف دو رکن اول امنیت نرم جمهوری اسلامی، مقبولیت مردمی نیز دچار نوسان و حتی بحران خواهد شد؛ زیرا وقتی بنیان‌های معرفتی جمهوری اسلامی تضعیف شود، در این صورت، مقبولیت مردمی نیز متزلزل خواهد شد.

اما در نسبت دو نظریه سروش با ارزش‌های عملی جمهوری اسلامی، می‌توان استدلال کرد که اگر ارزش‌های حاکم در جامعه را برگرفته از ارزش‌های دینی بدانیم، در این صورت، مطابق با نظریه سروش، می‌توان ارزش‌های رفتاری متفاوت از ارزش‌های حاکم را در دستور کار قرار داد. به‌عنوان مثال، استقلال و نفی سلطه - که از ارزش‌های بنیادین رفتاری جمهوری اسلامی و برگرفته از منابع دینی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است - متزلزل شده و ممکن است که ارزش‌های دیگر را بتوان جایگزین آنها کرد؛ مثلاً می‌توان گفت که منفعت‌گرایی به‌عنوان ارزش رفتاری حاکم بر روابط دولت‌ها در عصر زندگی مدرن است که می‌تواند بدیلی برای استقلال‌خواهی و نفی سلطه مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، سایر ارزش‌های فکری و رفتاری که در درجه اولویت پایین‌تری نسبت به ارزش‌های حیاتی قرار می‌گیرند، متزلزل می‌شوند. با تضعیف و مورد انکار قرار گرفتن ارزش‌های حیاتی، امنیت نرم جمهوری اسلامی نیز مورد تهدید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

مجموع دیدگاه‌های عبدالکریم سروش را، بنا به اذعان خود او، باید در راستای حل شکاف سنت و مدرنیته دید و تحلیل کرد. مجموع آرای او در این خصوص را می‌توان در دو کلان نظریه خلاصه کرد: دین ثابت و فهم دینی متغیر و دیدگاه اخیر او؛ دین متغیر و فهم دینی هم متغیر. چنانچه پیش‌تر بیان شد، این نوشتار درصدد نقد یا ارزیابی این دیدگاه‌ها نبوده و از این جهت مدعایی ندارد. تلاش این پژوهش برای رهگیری ریشه‌های خارجی این اندیشه‌ها و نسبت‌سنجی آن با امنیت نرم جمهوری اسلامی بوده است. به بیان بهتر، این

مقاله با به‌کارگیری هرمنوتیک درصدد تبیین وارداتی بودن اندیشه سروش است و آشکار می‌کند که مجموعه نظریه‌های سروش محصول تدقیق ذهنی او در منابع دینی یا نگاه معرفت‌شناسانه او نیست بلکه پیاده‌سازی معرفت‌شناسی غرب نوین، در فهم دین و متون دینی است. در این راستا، هرمنوتیک روشی و فلسفی روش فهم این اندیشه وارداتی را تسریع و تعمیق می‌بخشد. اما از جهت تأثیر این اندیشه‌ها بر امنیت نرم جمهوری اسلامی می‌توان گفت که مجموعه طرح فکری سروش، ارزش‌های بنیادین و حیاتی جمهوری اسلامی که رابط حاکمیت و مردم بوده و منابع مشروعیت‌بخش جمهوری اسلامی ایران است را مورد هدف قرار می‌دهد و می‌توان گفت که مبانی نظریه‌پردازی سروش نرم‌افزار و زمینه تغییر ارزش‌های بنیادین جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.

فهرست منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). ارزیابی به‌کارگیری هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی، فصلنامه سیاست. ۳۸(۴)، ۳۴ - ۵۱
- آملی لاریجانی، صادق (۱۳۸۷). معرفت دینی، نقدی بر قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت. تهران. مرکز نشر و ترجمه کتاب
- بابایی، محمد باقر (۱۳۸۹). رمز موفقیت در تحقیق. تهران. انتشارات فکر و بکر
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران. پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پالم، ریچارد. (۱۳۹۷). علم هرمنوتیک. ترجمه سعید حنایی کاشانی. تهران. هرمس
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۹۷). حدس‌ها و ابطال‌ها. ترجمه رحمت الله جباری. تهران. شرکت سهامی انتشار
- پوپر، کارل، (۱۳۹۰). زندگی سراسر حل مسئله است. ترجمه شه‌ریار خواجه‌ان. تهران. چاپ منصوری
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدم‌های بر استراتژی‌های امنیست ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، فرهنگ گفتمان
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). شریعت در آینه معرفت، تهران، مرکز نشر رجاء چاپ نهم
- زروانی، مجتبی (۱۳۸۵). شلایرماخر و تجربه دینی، نامه حکمت، ۲(۸)، ۱۴۵ - ۱۵۸
- ساجدی‌نیا، ابولفضل و حامد (۱۳۹۶). رویا انگاری وحی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). صراط‌های مستقیم، تهران صراط
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۱). قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت، تهران، موسسه فرهنگی صراط
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۱). قبض و بسط نظریه‌پردازی شریعت، تهران، موسسه فرهنگی صراط
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲). فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران، موسسه فرهنگی صراط

- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). رازدانی و روشنفکری و دینداری، تهران، نشر طلوع آزادی
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). بسط تجربه نبوی، تهران، موسسه فرهنگی صراط
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹). آئین شهریاری و دینداری، تهران، صراط
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸). قصه ارباب معرفت، تهران، صراط
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۷). کلام محمد رویای محمد، تهران، صراط
- شیروانی علی و همکاران (۱۳۹۱). مباحثی در کلام جدید، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- غریباق زندی، داوود (۱۳۸۸). چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲ (۴۵)، ۸۱ - ۱۰۸
- کاجی، حسین (۱۳۹۰). تاملات ایرانی (مباحثاتی با روشنفکران معاصر در زمینه فکر و فرهنگی ایرانی)، تهران، نشر روزنه
- کواپن، ویلارد وی و اولیان، جوزف اس (۱۳۹۳). شبکه باور، ترجمه امیر دیوانی، تهران، نشر سروش
- گادامر، هانس گئورگ (۱۳۸۲). آغاز فلسفه، مترجم عزت الله فولادوند تهران هرمس
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۳). تأملاتی در قرائت انسانی از دین، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول
- مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۲). هرمنوتیک و نواندیشی دینی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- مگی، برایان (۱۳۸۷). مردان اندیشه، ترجمه فولادوند عزت الله، تهران طرح نو
- نای جوزف (۱۳۹۲). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه: الهام شوشتری زاده و محمودرضا گلشن‌پژوه، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- واعظی، احمد (۱۳۹۷). درآمدی به هرمنوتیک، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- هاشمی، محمد منصور (۱۳۹۶). دین‌اندیشان متجدد، تهران، انتشارات کویر
- هایدگر، مارتین (۱۳۹۸). هستی و زمان، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی

- هرش، دونالد اریک (۱۳۹۵). اعتبار در تفسیر، ترجمه محمد حسین مختاری، تهران، انتشارات حکمت
- هرش، دونالد اریک (۱۳۹۵). اعتبار در تفسیر، ترجمه محمد حسین مختاری، تهران، انتشارات حکمت

Strategies for promoting the regional power of the Islamic Republic of Iran based on the role of the socio-cultural geopolitical agent of Yaman

*Esmail Ahmadi Moghaddam*¹

*Alimohammad Ahmadvand*²

*Abdollah Mobini Dehkordi*³

*Behrouz Taslimikar*⁴

Type of article: A research paper extracted from a doctoral thesis

Received: 09/02/2023

Accepted: 01/06/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*75-94



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101624

Abstract

Background and purpose: The Islamic Republic of Iran, like other countries, has interests in the Southwest Asia region, which needs to increase its regional power in order to secure them. Considering that the meaning of regional power is the spatial concept of the national power of the Islamic Republic of Iran in the geopolitical region of Southwest Asia, which is the result of the potential and actual capabilities of the Islamic Republic of Iran, therefore, geopolitical factors can be defined as Consider the power booster.

Method: The present article was written with the aim of explaining the strategies of promoting the regional power of the Islamic Republic of Iran based on the role of the socio-cultural geopolitical factor of Yemen. The current type of research is applied and its approach is mixed with descriptive-analytical method. The data were collected using both library and field methods (semi-structured interview, questionnaire and expert panel) and the obtained information was analyzed using the content analysis method with the help of MaxQDA software. Content validity and reliability of the interview were calculated using Cohen's kappa formula, and the reliability of the questionnaire was also calculated with Cronbach's alpha.

Findings: The findings of the research include the proposal of 3 basic strategies in order to promote the regional power of the Islamic Republic of Iran, which include helping to deepen the unity of the Zaydi groups and rapprochement with other religions in order to increase the power of the people at the core of the Yemeni resistance forces, help To develop the infrastructural capacities and capabilities (service, social and cultural) of Yemen in order to consolidate the historical, religious, social and cultural ties of this country with the Islamic Republic of Iran and to consolidate and deepen the unity of Ansarullah in the system of the Islamic Resistance Front.

Results: Nation building in Yemen is the first step in forming a country that conforms to the standards of the Islamic revolution, and if this issue is not pursued, other emerging and deviant ideas such as Wahhabism and Takfiri will find a firm foothold among the Yemeni people and eventually will lead to the creation of a culture that fits these ideologies in Yemen.

Keywords: Iran and Yemen, regional power, geopolitics, socio-cultural geopolitical factor.

1. Professor, Department of Strategic Management and Future Studies, Faculty of Management, Amin University of Law Sciences, Tehran, Iran, Shahid.Kavand@gmail.com

2. Professor of Management Department, Faculty of Management, Ivanki University, Semnan, Iran Alimohamad.ahmadvand@gmail.com

3. Assistant Professor of Strategic Management, School of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran, hatefmd@yahoo.com

4. PhD in Strategic Defense Management, Faculty of Management, National Defense University, Tehran, Iran (corresponding author), behrooztaslimikar@gmail.com

راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش

عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن

اسماعیل احمدی مقدم^۱

علی محمد احمدوند^۲

عبدالله مبینی دهکردی^۳

بهروز تسلیمی کار^۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۲ (پیاپی ۲۸) - تابستان ۱۴۰۲* ۷۵-۹۴



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101624

چکیده

زمینه و هدف: جمهوری اسلامی ایران نیز مانند سایر کشورها، دارای منافع در منطقه جنوب غرب آسیا است که به منظور تأمین آنها نیازمند افزایش قدرت خود می‌باشد. با توجه به اینکه منظور از قدرت منطقه‌ای همان مفهوم فضایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا است که برآیند توانایی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، بنابراین، می‌توان عوامل ژئوپلیتیک را به‌عنوان افزایش‌دهنده قدرت مت‌نظر قرار داد.

روش: مقاله حاضر با هدف تبیین راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن به نگارش درآمده است. نوع تحقیق حاضر، کاربردی و رویکرد آن آمیخته با روش توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، پرسش‌نامه و پنل خبرگی) گردآوری شده‌اند و اطلاعات به‌دست‌آمده به‌روش تحلیل محتوا و با کمک نرم‌افزار مکس کیودی‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روایی به‌روش محتوایی و پایایی مصاحبه با استفاده از فرمول کاپای کوهن و پایایی پرسش‌نامه نیز با آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق شامل پیشنهاد ۳ راهبرد اساسی در راستای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است که عبارتند از کمک به تعمیق وحدت گروه‌های زیدی و تقریب با سایر مذاهب به‌منظور افزایش قدرت مردم‌پایه نیروهای محور مقاومت یمنی، کمک به توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیرساختی (خدماتی، اجتماعی و فرهنگی) یمن به‌منظور تحکیم علقه‌های تاریخی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی این کشور با جمهوری اسلامی ایران و تحکیم و تعمیق پیوستگی انصارالله در منظومه جبهه مقاومت اسلامی.

نتایج: ملت‌سازی در یمن، اولین گام در تشکیل کشوری منطبق با معیارهای انقلاب اسلامی است و چنانچه این مسئله پیگیری نشود، سایر اندیشه‌های نوظهور و انحرافی همچون وهابیت و تکفیری، جای پای محکمی در بین مردم یمن خواهند یافت و درنهایت، منجر به ایجاد فرهنگی متناسب با این ایدئولوژی‌ها در یمن خواهد شد.

واژگان کلیدی: ایران و یمن، قدرت منطقه‌ای، ژئوپلیتیک، عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی.

۱. استاد گروه مدیریت راهبردی و آینده پژوهی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران،

ایران، Shahid.Kavand@gmail.com

۲. استاد گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه ایوانکی، سمنان، ایران Alimohamad.ahmadvand@gmail.com

۳. استادیار مدیریت راهبردی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران، hatefimd@yahoo.com

۴. دکتری مدیریت راهبردی دفاعی، دانشکده مدیریت، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

behrooztaslimikar@gmail.com

مقدمه

بررسی مفهوم و تعریف‌های ارائه‌شده در زمینه قدرت، حاکی از آن است که مضمون تمام تعاریف دربرگیرنده موارد زیر است: توانایی، نفوذ، قابلیت، نیروی لازم، تحمیل اراده، فشار، اقتدار و اعتبار به‌منظور رسیدن به هدفی مشخص با تأثیرگذاری در رفتار سایر بازیگران؛ که می‌تواند به‌صورت سخت، نیمه‌سخت و یا هوشمند صورت پذیرد. هدف اصلی از قدرت‌افزایی را می‌توان در کارکرد آن دنبال نمود؛ که عبارت است از توانایی و قابلیت دولت‌ها در ارتباط با سایر دول سیاسی به‌منظور رفع تهدیدات و تأمین منافع ملی، امنیت ملی، نیازهای ملی و... . در سطح‌بندی قدرت نیز قدرت منطقه‌ای شامل نوع خاصی از تقسیم‌بندی دولت‌هاست که قدرت ملی به‌عنوان اصلی‌ترین معیار آن در نظر گرفته می‌شود و مبتنی بر مفهوم فضایی در ژئوپلیتیک به‌کاربرده می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران هم از لحاظ موقعیت منحصر به فرد و خاص ژئوپلیتیکی خود و هم از لحاظ ویژگی منطقه ژئوپلیتیکی که در آن واقع گردیده‌است، همواره مورد طمع قدرت‌های بزرگ دنیا بوده‌است و این امر به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب، به‌طرز چشمگیری افزایش یافته‌است. این درحالی‌است که جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا، در این منطقه دارای منافع است که می‌بایست از آنها محافظت نماید و روشن است که با توجه به شرایط حاکم محیطی و روند تغییرات جهانی، حفظ وضعیت دفاعی، به‌تنهایی، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران و مانع مداخله قدرت‌های استکباری در منطقه گردد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به‌ناچار می‌بایست در کنار تأکید و حفظ ارزش‌های اسلامی و انسانی، از طریق افزایش محدوده نفوذ خود در منطقه همراه با تغییر رویکرد تدافعی محض (دفاعی غیرفعال) به دفاعی فعال، ابتکار عمل در منطقه را به‌دست گیرد. از این‌رو، افزایش قدرت ملی و بهره‌گیری از آن در سطحی وسیع‌تر از مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران - که از آن به‌عنوان قدرت منطقه‌ای یاد می‌شود - بیش از هر زمان دیگری لازم و ضروری

به نظر می‌رسد تا امکان تحقق اهداف و منافع ملی این کشور در سطح منطقه جنوب غرب آسیا فراهم گردد.

در حقیقت، رسیدن به سطح مناسبی از بازدارندگی به منظور کاهش سطح تهدیدات، تضمین منافع و اهداف ملی، عدم ایجاد تفکر تهاجم در دشمنان و امکان پاسخ‌گویی مناسب به تهدیدهای امنیتی، از ملزومات راهبردی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد. با توجه به اینکه ایجاد بازدارندگی مستلزم برخورداری از قدرت کافی و لازم در تمام ابعاد می‌باشد، بنابراین، لازم است تا جمهوری اسلامی ایران، ضمن حفظ قدرت فعلی، نسبت به افزایش و ارتقای سطح قدرت خود نیز اقدام نماید. در واقع، قدرت‌افزایی نیازمند دو مؤلفه مهم و اصلی - یعنی وجود عزم و اراده از یک سو و فرصت‌های ناشی از شرایط حاکم محیطی، از سوی دیگر - می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی، از عزم و اراده لازم برای ارتقای قدرت خود در سطح منطقه برخوردار است و شرایط محیطی آنارشی و غیرخطی منطقه جنوب غرب آسیا نیز فرصت‌های لازم را جهت بهره‌گیری حداکثری به منظور نیل به اهداف و منافع برای هر کشوری فراهم ساخته است؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست از شرایط حاکم زمانی و مکانی حداکثر بهره را برده و با استفاده از فرصت‌های موجود، نسبت به ارتقای قدرت منطقه‌ای خود اقدام نماید.

به عبارت دیگر، از آنجاکه کسب قدرت یک خصلت ذاتی است و همواره به عنوان اولین اولویت برنامه‌های سردمداران تمام دول سیاسی مطرح بوده و هست و تمامی دولت‌ها پیوسته تلاش‌های چشم‌گیری را در افزایش قدرت خود مبذول می‌دارند، چنانچه این امر در جمهوری اسلامی ایران مغفول واقع گردد، منجر به ایجاد فاصله در وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها در هرم قدرت منطقه‌ای خواهد شد و در این حالت شاهد نزول جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ساختار قدرت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا خواهیم بود؛ بنابراین، با توجه به لزوم تدوین علمی، سازمان‌یافته و نظام‌مند راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به منظور ایجاد انسجام و هم‌افزایی در مبادی مربوط و همچنین، پیوستن انصارالله یمن به منظومه محور

مقاومت به تأسی از ایدئولوژی ایستادگی که به محوریت جمهوری اسلامی ایران مطرح گردیده‌است و نیز به‌منظور فراهم‌سازی علمی زمینه بهره‌گیری از فرصت‌های ایجادشده و دوری جُستن از تهدیدات موجود، تحقیق حاضر با هدف تبیین راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن به نگارش درآمده‌است.

پیشینه

افشردی و مدنی (۱۳۸۸) مقاله‌ای را با عنوان "ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه)" با هدف پاسخ به این سوال که «ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه) چگونه است؟» انجام داده‌اند که در پایان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت درجه اول حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس و کشور ترکیه در رأس هرم قدرت حوزه ژئوپلیتیک مدیترانه شناسایی گردیده‌است.

روحی دهبنه و مرادی کلارده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "نقش افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در سیاست‌گذاری شورای همکاری خلیج فارس: ۲۰۱۵-۲۰۰۵" با هدف پاسخ به این سوال که «مؤلفه ایران در یک دهه اخیر چه نقشی را در تعیین و جهت‌دهی به سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس طی سال ۲۰۱۵-۲۰۰۵ برعهده داشته است؟» به این نتیجه رسیده‌اند که ضمن اینکه شورای همکاری خلیج فارس مهم‌ترین مؤلفه در الگوهای رفتاری شورا در زمینه تقابل و مهار نفوذ ایران می‌باشد، افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، یک راهبرد دفاعی - امنیتی مبتنی بر بازدارندگی است که شامل استراتژی امنیت به‌هم پیوسته در محیط امنیت منطقه‌ای، افزایش توانمندی نظامی و پیشرفت‌های هسته‌ای می‌باشد.

تسلیمی‌کار و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک نظامی یمن" به‌دنبال پاسخ به این سوال بودند که «راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک نظامی یمن چیست؟» و از یافته‌های تحقیق، پنج راهبرد زیر احصا گردیده‌است: ۱. توسعه دیپلماسی نظامی و

ارتقای سطح همکاری‌های مشترک نظامی با یمن؛ ۲. تقویت تاب‌آوری و قدرت بازدارندگی دفاعی مردم‌نهاد؛ ۳. توسعه و تقویت حمایت و پشتیبانی نظامی از انصارالله یمن متناسب با مقتضیات محیطی؛ ۴. نمایش نقش قدرت نظامی در احصای دستاوردهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران در محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ۵. اشراف اطلاعاتی در مورد پیامدهای ناشی از اقدام‌ها.

مبانی نظری

راهبرد از جمله عوامل اصلی در موفقیت‌های هر سازمانی به‌شمار می‌رود (موسی‌خانی و منشی‌زاده نائین، ۱۳۸۴: ۲۷۳) که مبنایی برای تمرکز تلاش و توجهات و همچنین، بسیج مناسب منابع موجود در راستای تحقق مطلوبیت‌های موردنظر است (احمدوند، ۱۳۸۶: ۶۰) و شامل دو جزو اساسی - هدف و مسیر دستیابی به هدف - می‌باشد (احمدوند و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۷). راهبرد اتخاذ تصمیم‌گیری و تخصیص منابع برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده بلندمدت سازمان می‌باشد (چندلر^۱، ۱۹۶۲: ۱۳) که با یافتن هوشمندانه‌ترین و کوتاه‌ترین راهکار مبتنی بر منابع موجود، دستیابی به آینده مطلوب را برای سازمان بر اساس تحقق اهداف فراهم می‌نماید (صالح اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۲؛ مک کوئین^۲، ۲۰۱۶: ۲۳).

۱. قدرت

قدرت قابلیت است که به دارنده آن توانایی اثرگذاری بر رفتار سایر بازیگران در راستای تحقق اهدافش را می‌دهد (جابلونسکی^۳، ۱۹۹۷: ۹). همچنین، می‌توان قدرت را توانایی یک بازیگر در صحنه بین‌المللی خواند که با استفاده مطلوب از منابع در اختیار، نتایج رویدادهای بین‌المللی را در جهت خواسته‌های خود تحت تأثیر قرار داده است (جونز، ۱۳۷۳: ۳).

۲. قدرت منطقه‌ای

زمانی که یک واحد سیاسی، قدرت ملی خود را از لحاظ ژئوپلیتیکی در یک ناحیه

1. Alfred Chandler

2. Max Mckeown

3. Joblonsky

جغرافیایی به کار ببرد، به آن قدرت منطقه‌ای اطلاق خواهد شد (بوزان^۱، ۲۰۰۴) که نشان‌دهنده وزن ژئوپلیتیکی آن واحد سیاسی و جایگاه آن کشور در نظام سلسله‌مراتبی قدرت منطقه‌ای می‌باشد (قنبرلو، ۱۳۸۸). دولتی که از بیشترین وزن موجود برخوردار باشد، قدرت اول منطقه به شمار رفته و امکان نفوذ چنین کشوری در امور منطقه فراهم خواهد شد (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۱۸). کشورهایی که با بهره‌برداری مناسب از قدرت خود در منطقه یا ناحیه‌ای از جهان، قدرتمند محسوب می‌شوند، دارای قدرت برتر منطقه‌ای خواهند بود (بوزان و ویور^۲، ۲۰۰۳: ۵۵؛ بوزان، ۲۰۰۴: ۷۲).

۳. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به‌منظور دستیابی به قدرت است؛ به‌نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. برخی ژئوپلیتیک را علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل می‌دانند (عزتی، ۱۳۸۰: ۷). ژئوپلیتیک از دید هپل^۳ هنر و فرآیند رقابت جهانی است (هپل، ۱۹۸۶: ۲۵). ژئوپلیتیک را «شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای» (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲) و نیز «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۰-۹) تعریف کرده‌اند.

۴. عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی

خصوصیات ملی، فرهنگی و باورهای اجتماعی که تأثیر فراوانی در ارزیابی قدرت دارند، در کشورهای مختلف با هم متفاوت اند. نوع تفکر، باور و نحوه اقدام مردم یک کشور که از باورهای آنها نشأت می‌گیرد، در پیشبرد مقاصد ملی و آموزش و برخورداری از بینش علمی و سیاسی مردم، در تشخیص صحیح موقعیت

1. Buzzan

2. Buzzan & Waver

3. Hepple

جغرافیای سیاسی کشور و درک منافع ملی آن کشور بسیار مؤثر است (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در حقیقت، فرهنگ، زبان، مذهب، آداب و رسوم، تاریخ مشترک و نژاد مشترک، از عوامل مهم در این زمینه است (افشردی، ۱۳۹۷) و جان.ام. کالینز نیز این عوامل را باعث استحکام و انسجام ملت‌ها می‌داند (کالینز، ۱۳۸۳: ۳۷۱). برخی از صاحب‌نظران وحدت ملی را در زمره نیازهای اساسی و منافع حیاتی هر کشور و مترادف یکپارچگی خوانده و آن را «گردآمدگی گروه‌های مختلف مردم جامعه در درون یک واحد اجتماعی بزرگ‌تر به نام ملت، با هویتی ویژه، متعالی و مشترک» تعریف می‌کنند و از اولویت‌های اهداف امنیت ملی را، دستیابی کشورها به وحدت ملی عنوان برمی‌شمرند (تهامی، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۷). نهادهای اجتماعی بر پایه رژیم سیاسی، سازمان اقتصادی، عادات، تاریخ و اعتقادات یک ملت پایه‌گذاری می‌شوند و از آنجاکه در بسترهای جغرافیایی متنوعی به وجود می‌آیند، با یکدیگر متفاوت‌اند. هرچه عوامل همبستگی نهادهای اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر باشد، آن جامعه کمتر مورد سوءاستفاده مادی و معنوی سیاست‌های خارجی قرار خواهد گرفت و برعکس، چنانچه زمینه ملی برای شکوفایی اذهان مردم فراهم نشود، آن جامعه هدف دائمی سیاست‌های خارجی خواهد بود (عزتی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

روش شناسی

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد آمیخته است. جامعه آماری این پژوهش از بین مسئولان سطوح عالی و ارشد نظام با حداقل شرایط زیر انتخاب شده‌اند:

۱. اساتید برجسته کشور در حوزه‌های دفاعی - امنیتی، سیاسی، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی؛
۲. صاحب‌نظران و خبرگان مرتبط با مفاهیم و مسائل ژئوپلیتیک، طرح راهبردی و آشنا با مسائل منطقه جنوب غرب آسیا و کشور یمن؛
۳. دارای حداقل مدرک تحصیلی دکتری یا سابقه فعالیت میدانی در حوزه کشور هدف؛
۴. دارای حداقل ۵ سال سابقه خدمت در مشاغل راهبردی مرتبط و یا حداقل جایگاه سرتیپی در سطوح نظامی و یا معادل آن در سطوح کشوری.

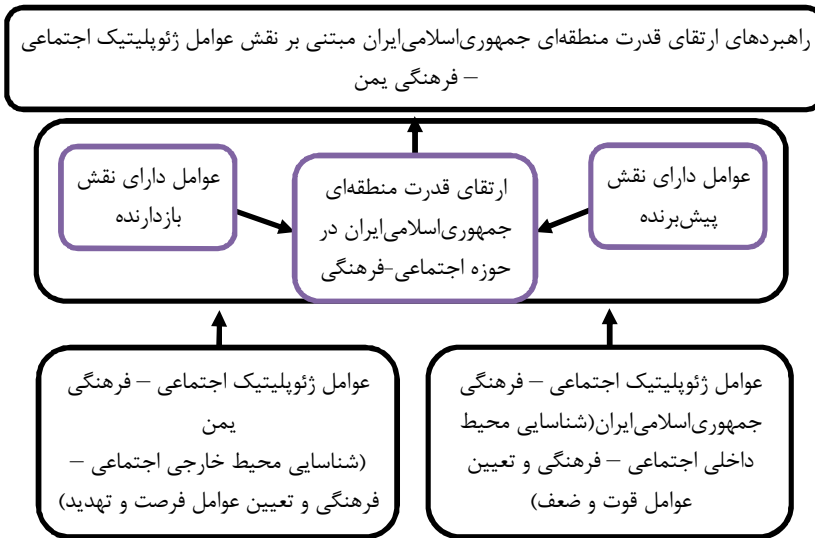
در این تحقیق، از دو روش کتابخانه‌ای (مطالعه منابع، فیش برداری، بررسی اسناد و مدارک و درگاه‌های اینترنتی) و میدانی (مصاحبه، پرسش‌نامه و پنل خبرگی) برای گردآوری اطلاعات استفاده شد با توجه به ماهیت موضوع و هدف تحقیق حاضر و همچنین توجه به ویژگی‌های فوق، جامعه آماری کیفی این تحقیق به تعداد ۱۳ نفر و جامعه آماری کمی به تعداد ۶۳ نفر تعیین گردید. به‌منظور تعیین روایی سؤال‌ها از روش واپایش (کنترل) بیرونی استفاده شده‌است و سؤال‌های طرح‌شده چندین مرحله مورد ارزیابی و بازنگری قرار گرفتند تا هرگونه ابهام و نارسایی برطرف گردد. برای تعیین میزان پایایی سؤال‌های مصاحبه، از فرمول کاپای کوهن و برای تعیین میزان پایایی پرسش‌نامه، از آلفای کرونباخ استفاده شد. کاپای کوهن معادل $0/83$ و آلفای کرونباخ معادل $0/807$ به‌دست آمده‌است که نشان‌دهنده برخورداری سطح بالایی از پایایی در سؤال‌های تدوین شده می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا اطلاعات گردآوری شده از مطالعه منابع (به‌روش تحلیل محتوا) و اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه (به‌روش تحلیل مضمون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و یمن مشخص گردید. در گام بعدی، نقش عوامل استخراج‌شده محیطی، با ارائه پرسش‌نامه به حجم نمونه در دو قالب عوامل پیش‌برنده و بازدارنده تعیین گردید و درنهایت، راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن از روش تحلیل میدان کرت لوین^۱ تعیین گردید.^۲

1. Kurt Lewin

۲. تحلیل میدان نیرو، یک ابزار استراتژیک قوی برای درک آنچه که برای تغییر لازم است، می‌باشد. کرت لوین اولین بار در ژوئن ۱۹۴۷ م. به بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری براساس تحلیل میدان نیرو پرداخت. این نظریه از روش تفکر تحلیلی بهره گرفته شده و برای شناخت عوامل ایجادکننده مسئله و حل آن به‌کار گرفته می‌شود. تحلیل میدان نیرو، تقابل دو جناح فشار مخالف هم را مطرح می‌کند که یکی سعی در بهتر کردن وضعیت موجود دارد (نیروی محرکه) و دیگری در تلاش است تا شرایط موجود به وضعیت بدتری تبدیل گردد (نیروی بازدارنده). چنانچه برآیند نیروهای وارده به یک سیستم (محرکه و بازدارنده) صفر باشد، آن سیستم در حال تعادل باقی خواهد ماند. اگر میزان و اندازه نیروی محرکه یا پیش‌برنده افزایش یابد، سیستم در حالت رشد و ارتقا قرار خواهد گرفت و چنانچه میزان و اندازه نیروی بازدارنده افزایش یابد، سیستم به‌سمت اضمحلال پیش خواهد رفت (Lewin, 1951)

چارچوب نظری این تحقیق براساس الگوی زیر می‌باشد که پس از احصاء عوامل ژئوپلیتیکی اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و یمن و تعیین نقش آن‌ها در قالب پیش‌برنده و بازدارنده، با بهره‌گیری از روش "تحلیل میدان کورت لوین" نسبت به ارائه راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن اقدام شده است.



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

یافته‌ها

در این بخش، ابتدا تعداد ۹ عامل از مطالعه منابع (جدول‌های ۱ و ۲) و ۱۴ عامل از مصاحبه با خبرگان (جدول‌های ۳ و ۴) استخراج گردید و در ادامه، با جمع‌بندی و اشتراک‌گیری عوامل استخراج‌شده بالا، تعداد ۱۶ عامل نهایی به‌دست آمد.

الف. یافته‌های تحقیق از مطالعه منابع

جدول ۱. عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مستخرج از مطالعه منابع

منبع	مصادیق
صفوی، ۱۳۸۱: ۶۶؛ رشید، ۱۳۸۶: ۹۳-۸۷؛ حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۰ و ۱۸۵؛ مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۵؛ ره‌پیک و کلاه‌چیان، ۱۳۸۷: ۱۲۲؛ آشوری، ۱۳۷۶: ۱۸۶؛ مسکوب، ۱۳۷۹: ۲۳	وجود انسجام، وحدت و همبستگی ملی در جامعه ایرانی
عزتی و یزدان‌پناه درو به نقل از نوذری، ۱۳۹۱: ۱۹۵؛ مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۳۵؛ کمالی، ۱۳۹۳؛ مجتهدزاده به نقل از نوذری، ۱۳۹۱: ۱۹۶	برخوردار از ایدئولوژی غالب که بر سایر کشورهای منطقه نیز تأثیرگذار است.
مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸	گذار وضعیت جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از جوانی به میان‌سالی

جدول ۲. عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن مستخرج از مطالعه منابع

منبع	مصادیق
میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۴۶؛ الشجاع، ۱۴۳۴: ۲۳۸-۲۳۱؛ جهان‌تیغ و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴۱	قرابت ریشه‌های فکری، ایدئولوژیک، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی یمن با جمهوری اسلامی ایران
سازمان ملل، چشم‌انداز جمعیت جهانی، ۲۰۱۲؛ الشجاع، ۱۴۳۴: ۱۹۲-۱۹۷	وجود زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های فرهنگی، هنری و مذهبی در یمن
الشجاع، ۱۴۳۴: ۲۱۱-۲۰۹؛ صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۳	عدم رعایت عدالت اجتماعی
میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۴۶؛ بهاء، ۱۳۸۹: ۴۶-۳۴	تنوع قومی بسیار زیاد و همچنین، وجود شکاف‌های قومی و مذهبی در یمن
واعظی، ۱۳۹۲: ۲۹۱؛ الشجاع، ۱۴۳۴: ۲۱۸-۲۳۹؛ صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۳۸-۲۵۹	رسوخ فرهنگ قبیله‌ای و طایفه‌ای، افراط‌گرایی، بنیادگرایی و اندیشه وهابی در یمن
واعظی، ۱۳۹۲: ۲۹۱؛ بهاء، ۱۳۸۹: ۴۶-۳۴	حمایت عربستان سعودی از گروه‌های مخالف یمنی

ب. یافته‌های تحقیق از مصاحبه با صاحب‌نظران

جدول ۳. عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مستخرج از مصاحبه با خبرگان

ردیف	عامل
۱	قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات فرهنگی منطقه و برخورداری از قابلیت و ظرفیت‌های بالای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی
۲	قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات ایدئولوژیکی منطقه و الگوبرداری یمن از این ایدئولوژی و پیوستن به محور مقاومت
۳	وجود هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران در منطقه (محور مقاومت و شیعیان سایر کشورها)
۴	وحدت و انسجام داخلی بین مسئولین، نخبگان و مردم در جمهوری اسلامی ایران
۵	فعالیت گسترده رسانه‌ای و عملیات روانی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران، مقاومت و انصارالله یمن

جدول ۴. عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن مستخرج از مصاحبه با خبرگان

ردیف	عامل
۱	وجود یک سازه انسانی نیمه‌متجانس و منسجم هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران در یمن
۲	نیازمندی یمن به ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی
۳	وجود زمینه و بسترهای لازم درخصوص اقدامات فرهنگی و اجتماعی در یمن
۴	وجود علقه‌های تاریخی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی یمن با جمهوری اسلامی ایران
۵	وجه اشتراک جامعه جمهوری اسلامی ایران و یمن در نفرت از اقدامات عربستان سعودی در منطقه
۶	وجود جریان و مذهب زیدیه (انصارالله) به‌عنوان یک جریان انتقادی، انقلابی، اسلامی و تاریخی در یمن
۷	وجود شکاف‌های قومی، مذهبی و جغرافیایی در بخشی از جامعه و ملت یمن و مشکل اجماع‌سازی ملی
۸	رسوخ افراط‌گرایی، بنیادگرایی و اندیشه وهابی در یمن
۹	وجود قبایل، احزاب و شخصیت‌های وابسته به عربستان در یمن

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به‌منظور تعیین نقش عوامل محیطی (داخلی و خارجی)، پرسش‌نامه‌ای تهیه و عوامل به‌دست‌آمده از تحلیل محیطی به حجم نمونه ارائه گردید که نتایج حاصل به شرح جدول شماره ۵ ارائه گردیده‌است. در ادامه، عواملی که دارای نقش قوت و فرصت هستند، به‌عنوان عوامل پیش‌برنده و عواملی که دارای نقش ضعف و تهدید هستند، به‌عنوان عوامل بازدارنده دسته‌بندی گردیده‌است.

جدول ۵. تعیین نقش عوامل محیطی (عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی)

ردیف	عامل	آیا عامل متعلق به ایران است؟		آیا عامل اثر تعیین‌کننده دارد؟		آیا عامل در کنترل ایران است؟		نوع تأثیر عامل بر تحقق هدف	
		بسیار	کمی	بسیار	کمی	بسیار	کمی	بسیار	کمی
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۱	وجود یک سازه انسانی نیمه‌متجانس و منسجم هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران در یمن	✓		✓		✓		✓	
۲	نیازمندی یمن به ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی	✓		✓		✓		✓	
۳	وجود زمینه و بسترهای لازم در خصوص اقدامات فرهنگی و اجتماعی در یمن	✓		✓		✓		✓	
۴	قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات فرهنگی منطقه	✓		✓		✓		✓	
۵	قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات ایدئولوژیکی منطقه	✓		✓		✓		✓	
۶	وجود علقه‌های تاریخی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی یمن با جمهوری اسلامی ایران	✓		✓		✓		✓	
۷	وجه اشتراک جامعه جمهوری اسلامی ایران و یمن در نفرت از اقدامات عربستان سعودی در منطقه	✓		✓		✓		✓	
۸	وجود جریان و مذهب زیدیه به‌عنوان یک جریان انتقادی، انقلابی، اسلامی و تاریخی	✓		✓		✓		✓	
۹	وجود هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران در منطقه	✓		✓		✓		✓	
۱۰	وجود وحدت و همبستگی ملی در ایران	✓		✓		✓		✓	
۱۱	عدم رعایت عدالت اجتماعی در یمن	✓		✓		✓		✓	
۱۲	تنوع قومی زیاد و وجود شکاف‌های قومی، مذهبی و جغرافیایی در بخشی از جامعه و ملت یمن و مشکل اجماع‌سازی ملی	✓		✓		✓		✓	
۱۳	فرهنگ قبیله‌ای و طایفه‌ای، افراط‌گرایی، بنیادگرایی و اندیشه وهابی یمن	✓		✓		✓		✓	
۱۴	وجود قبایل، احزاب و شخصیت‌های وابسته	✓		✓		✓		✓	

نقش عامل	نوع تأثیر عامل بر تحقق هدف	آیا عامل در کنترل ایران است؟		آیا عامل اثر تعیین کننده دارد؟		آیا عامل متعلق به ایران است؟		عامل	ردیف
		بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر		
								و برخوردار از حمایت عربستان در یمن	
T4	√		√			√	√	فعالیت گسترده رسانه‌ای و عملیات روانی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران مقاومت و انصارالله	۱۵
W1	√		√			√	√	گذار وضعیت جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از جوانی به میانسالی	۱۶

عوامل دارای نقش پیش‌برنده

پس از دریافت نظر حجم نمونه در خصوص نقش عوامل محیطی، عوامل زیر به‌عنوان پیش‌برنده مورد تأیید قرار گرفته‌اند:

۱. وجود یک سازه انسانی نیمه‌متجانس و منسجم هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران در یمن؛
۲. نیازمندی یمن به ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی؛
۳. وجود زمینه و بسترهای لازم در خصوص اقدامات فرهنگی و اجتماعی در یمن؛
۴. قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات فرهنگی منطقه؛
۵. قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات ایدئولوژیکی منطقه؛
۶. وجود علقه‌های تاریخی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی یمن با جمهوری اسلامی ایران؛
۷. وجه اشتراک جامعه جمهوری اسلامی ایران و یمن در نفرت از اقدامات عربستان سعودی در منطقه؛
۸. وجود جریان و مذهب زیدیه به‌عنوان یک جریان انتقادی، انقلابی، اسلامی و تاریخی؛
۹. وجود هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران در منطقه؛

۱۰. وجود وحدت و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران؛
۱۱. عدم رعایت عدالت اجتماعی در یمن.

عوامل دارای نقش بازدارنده

پس از دریافت نظر حجم نمونه در خصوص نقش عوامل محیطی، عوامل زیر به‌عنوان بازدارنده مورد تأیید قرار گرفته‌اند:

۱. تنوع قومی زیاد و وجود شکاف‌های قومی، مذهبی و جغرافیایی در بخشی از جامعه و ملت یمن و مشکل اجماع‌سازی ملی؛
۲. فرهنگ قبیله‌ای و طایفه‌ای، افراط‌گرایی، بنیادگرایی و اندیشه وهابی یمن؛
۳. وجود قبایل، احزاب و شخصیت‌های وابسته و برخوردار از حمایت عربستان در یمن؛
۴. فعالیت گسترده رسانه‌ای و عملیات روانی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران، مقاومت و انصارالله؛
۵. گذار وضعیت جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از جوانی به میان‌سالی.

نتیجه‌گیری

انسان پایه و اساس شکل‌گیری جوامع بشری است. هنگامی که تعدادی از افراد در راستای رفع نیازهای فردی و گروهی خود، نسبت به تعامل با یکدیگر اقدام می‌کنند، در واقع، اجتماع را شکل داده‌اند. آنچه که تاکنون در تاریخ دنیا رقم خورده‌است، حاکی از تصمیماتی است که توسط انسان‌ها در ادوار مختلف تاریخی گرفته شده و متناسب با کیفیت اندیشه، تعقل، دانش، باور، اخلاقیات و زیربنای فکری آنها، پیامدهای خوب یا بدی را به‌دنبال داشته است. درحقیقت، رسیدن به اهداف در محیط‌های پیچیده امروزی که دارای تنوع، درهم‌تنیدگی و پیوستگی زیادی است، با هدایت صحیح اجتماع انسانی و فرهنگی که از آن تبعیت می‌کنند در مسیر درست دست‌یافتنی خواهد بود و این مسئله از طریق توسعه زیرساخت‌های موردنیاز اجتماعی و فرهنگی، با مدّ نظر قراردادن این مهم که بالاترین فرهنگ اجتماعی که مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام

است، به جای تأکید بر فرقه، مذهب و تکثرگرایی، بر حفظ ارزش‌های اخلاقی و انسانی متکی است، امکان‌پذیر می‌باشد؛ بنابراین، لازم است تا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پرچم‌دار واقعی اسلام ناب محمدی (ص)، نسبت به ملت‌سازی در یمن به‌منظور تحقق اولین گام در تشکیل کشوری منطبق با معیارهای انقلاب اسلامی اقدام نماید. بدیهی است چنانچه این مسئله مورد پیگیری قرار نگیرد، سایر اندیشه‌های نوظهور و انحرافی همچون وهابیت و تکفیری، جای پای محکمی در بین مردم یمن خواهند یافت و درنهایت، منجر به ایجاد فرهنگی متناسب با این ایدئولوژی‌ها در یمن خواهد شد.

تجزیه و تحلیل به‌عمل‌آمده از تحقیق حاضر، درمورد راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن، به شرح زیر است:

۱. کمک به تعمیق وحدت گروه‌های زیدی و تقریب با سایر مذاهب به‌منظور افزایش قدرت مردم‌پایه نیروهای محور مقاومت یمنی؛
۲. کمک به توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیرساختی (خدماتی، اجتماعی و فرهنگی) یمن به‌منظور تحکیم علقه‌های تاریخی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی یمن با جمهوری اسلامی ایران؛
۳. تحکیم و تعمیق پیوستگی انصارالله در منظومه جبهه مقاومت اسلامی.

پیشنهادها

۱. به‌منظور قانونمند بودن اقدام‌ها، شورای عالی امنیت ملی طرح اقدام تهیه‌شده توسط سایر مبادی مرتبط با موضوع را مورد بررسی و تصویب قرار دهد؛
۲. مجلس شورای اسلامی پس از تأیید شورای عالی امنیت ملی و تصویب طرح‌های مطرحه، نسبت به تصویب و ابلاغ نیازمندی‌ها و همچنین، بودجه به مبادی مربوطه متناسب با سطح اقدام‌های در نظر گرفته‌شده، اقدام نماید.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- احمدی‌مقدم، اسماعیل، احمدوند، علی‌محمد، مبینی‌دهکردی، عبدالله و تسلیمی‌کار، بهروز (۱۴۰۰)، راهبردهای ارتقاء قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عوامل ژئوپلیتیک نظامی یمن، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد دفاعی، ۱۹ (۷۳)، ۱۵۱ - ۱۲۹
- احمدوند، علی‌محمد (۱۳۸۶)، درباره راهبرد (مقدمه‌ای بر تدوین طرح راهبردی در ناجا)، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۳ (۱۰)، ۷۸ - ۵۹
- احمدوند، علی‌محمد، قاضی‌زاده، سیدضیاءالدین و نواب‌اصفهانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، مروری بر مدل‌های انتخاب راهبرد و ارائه یک مدل پیشنهادی، نشریه مدیریت فردا، ۹ (۲۳)، ۱۱۶ - ۱۰۷
- افشردی، محمدحسین و مدنی، سیدمصطفی (۱۳۸۸)، ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳ (۶۲)، ۱۴۲ - ۱۱۳
- آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، ما و مدرنیت، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی صراط.
- بهاء، افسانه (۱۳۸۹)، ریشه‌های بحران در یمن؛ مروری بر پروژه شیعه‌ستیزی عربستان در جنگ یمن، فصلنامه پیام انقلاب، ۱۰ (۳۷)، ۵۸ - ۴۱
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج.ا. معاونت فرهنگی مدیریت انتشارات.
- جونز، والتر (۱۳۷۳)، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داوود حیدری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی، محمد (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

- رشید، غلامعلی (۱۳۸۶)، نقش عوامل ژئوپلیتیک در راهبرد دفاعی (مطالعه موردی؛ ایران نسبت به عراق)، رساله دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- روحی‌دهبانه، مجید و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۴)، نقش افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در سیاست گذاری شورای همکاری خلیج فارس: ۲۰۱۵ - ۲۰۰۵، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۵ (۲۰)، ۹۶ - ۸۵
- ره‌پیک، سیامک و کلاه‌چیان، محمود (۱۳۸۷)، طراحی الگوی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۹ (۳۵)، ۹۸ - ۱۱۵
- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، عربستان سعودی؛ از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای، فصلنامه روابط خارجی، ۲ (۳)، ۶۸ - ۵۲
- صالح اصفهانی، اصغر (۱۳۹۳)، مدیریت استراتژیک کاربردی (راهبری قدم به قدم) نظام، حوزه‌ها، سازمان‌ها و بنگاه‌های جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات توانگران.
- صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم، تهران: انتشارات سمت.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲ (۴۸)، ۳۶ - ۲۱
- کالینز، جان‌ام (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ، ترجمه کوروش بایندر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کمالی، محمدرضا (۱۳۹۳)، تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی کشور عربستان در تدوین راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران، نشر نی.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹)، هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران، انتشارات فرزانه.
- موسی‌خانی، مرتضی و منشی‌زاده نائین، مسعود (۱۳۸۴)، سازمان و مدیریت، قزوین. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- نوذری، فضل‌اله (۱۳۹۱)، تعیین عوامل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی - امنیتی ج.ا. ایران، رساله دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲)، انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه، اداره نشر.

منابع انگلیسی

- Buzan, Barry & Waver, Ole, (2003), Regions and powers: the structure of international security, Cambridge: Cambridge University Press.
- Buzan, Barry, (2004), The United States and the Great Powers, Cambridge, United Kingdom: Polity Press.
- Chandler, Alfred, (1962), Strategy and Structure, Cambridge, Mass, MIT press.
- Hepple, L (1986), The Revival of Geopolitics, Political Geography Quarterly, 5(Supplement).
- Joblonsky, David, (1997), National Power Parameters.
- Mckeown, Max, (2016), The Strategy Book, 2nd ed.

The effect of smart city on improving the sense of security with the mediating variable of social capital

Sayyad Darvishi¹

Type of article: research article

Received: 08/05/2023

Accepted: 10/06/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*95-130



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101625

Abstract

Background and purpose: The smart city has attracted a lot of attention in urban planning in recent years and its development can provide the basis for improving social capital and sustainable security; Therefore, the aim of this research is to know the effect of smart city on improving the sense of security with the mediating variable of social capital.

Method: This research is applied in terms of purpose, and in terms of the data collection method, it is descriptive of the correlation type, and the statistical population of the research is made up of postgraduate students and professors of sociology and social sciences of Amin University of Administrative Sciences. The variable research tool of smart city and sense of security is the researcher-made questionnaire, and social capital is the Nahapit and Ghoshal (1998) questionnaire. The validity of the tool has been checked through its content validity and reliability using Cronbach's alpha coefficients and confirmed as 0.84, and the data has been analyzed based on the structural equation modeling method.

Findings: According to the findings of the research, the direct effect of the dimensions of the smart city on the feeling of security is equal to 0.629 and social capital is equal to 0.583, and also, the direct effect of social capital on the feeling of security is equal to 0.601 at the level of 0.000. It is meaningful and positive. On the other hand, the dimensions of the smart city indirectly and through social capital have an effect equal to 0.341 on the sense of security.

Result: The results show that the dimensions of the smart city can predict 0.472 of the changes in the sense of security, and therefore, with the establishment and development of the dimensions of the smart city, it is possible to increase the social capital and sense of social security among the citizens. upgraded

Keywords: social capital, smart city, sense of security, smart governance, social security.

1. Associate Professor, Department of Police Command and Management, Faculty of Command and Staff, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran S49darvishi@gmail.com

تأثیر شهر هوشمند بر ارتقای احساس امنیت با متغیر میانجی سرمایه اجتماعی

صیاد درویشی^۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۲ (پیاپی ۲۸)-تابستان ۱۴۰۲*۹۵-۱۳۰



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101625

چکیده

زمینه و هدف: شهر هوشمند توجه فراوانی را در سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی شهری به خود جلب کرده‌است و توسعه آن می‌تواند زمینه ارتقای سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار را فراهم کند؛ بنابراین، هدف این پژوهش، شناخت میزان تأثیر شهر هوشمند بر ارتقای احساس امنیت با متغیر میانجی سرمایه اجتماعی است.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی، است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری پژوهش را دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی و اساتید حوزه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه جامع علوم انتظامی‌امین تشکیل می‌دهند. ابزار پژوهش متغیر شهر هوشمند و احساس امنیت را پرسش‌نامه محقق ساخته و سرمایه اجتماعی را پرسش‌نامه ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) تشکیل می‌دهد. روایی ابزار از طریق روایی محتوایی و پایایی آن با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ بررسی و ۰/۸۴ تأیید شده‌است و داده‌ها نیز بر اساس روش الگویابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل گردیده‌است.

یافته‌ها: با توجه به یافته‌های پژوهش، اثر مستقیم ابعاد شهر هوشمند بر احساس امنیت، معادل ۰/۶۲۹ و سرمایه اجتماعی معادل ۰/۵۸۳ و همچنین، اثر مستقیم سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت، معادل ۰/۶۰۱ در سطح ۰/۰۰۰، معنی‌دار و مثبت است. از سوی دیگر، ابعاد شهر هوشمند به صورت غیرمستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی اثری معادل ۰/۳۴۱ بر احساس امنیت دارد.

نتیجه: نتایج نشان می‌دهد که ابعاد شهر هوشمند می‌تواند ۰/۴۷۲ از تغییرات احساس امنیت را پیش‌بینی کند و بنابراین، با استقرار و توسعه ابعاد شهر هوشمند، می‌توان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی را در بین شهروندان ارتقا داد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، شهر هوشمند، احساس امنیت، حکمرانی هوشمند، امنیت اجتماعی.

۱. دانشیار گروه فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی‌امین، تهران، ایران

مقدمه

امروزه، در بسیاری از شهرهای جهان، راهبردهای توسعه شهر هوشمند از طریق فناوری اطلاعات برای جذب فرصت‌ها طراحی و در حال اجرا است. بهره‌گیری از فناوری‌های روز دنیا می‌تواند محور توسعه شهر هوشمند را تشکیل داده و آن را تسریع نماید (مانویل^۱ و همکاران، ۲۰۱۴؛ میخالک^۲ و همکاران، ۲۰۱۹؛ یگیت کانلار و همکاران^۳، ۲۰۱۹). همچنین، توسعه شهر هوشمند در حال حاضر به صورت گسترده‌ای و به صورت جنبشی جهانی، سرعت قابل ملاحظه‌ای را برای توسعه اقتصادی و تحول محیط اجتماعی فراهم نموده است (چنگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۰؛ دیلویته^۵، ۲۰۱۸؛ ووو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰) و این درحالی است که تحول اقتصادی و اجتماعی می‌تواند بسترها و زمینه‌های جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی را به شدت کاهش داده و در نتیجه احساس امنیت را ارتقا بخشد. براین اساس، مفهوم شهر هوشمند در سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی شهری توجه فراوانی را به خود جلب نموده است.

اصطلاح "هوشمند" یک عبارت رایج در سیاست‌های شهری است که بعد از سال ۲۰۰۰ به وجود آمد و در اشاره به استفاده هوشمند از فناوری اطلاعات برای بهبود بهره‌وری و کارایی خدمات و زیرساخت‌های شهری است (کاراداق^۷، ۲۰۱۳). در واقع، هوشمندسازی شهری یعنی توانایی استفاده از اطلاعات و تبدیل آنها به دانش به منظور استفاده در برنامه‌های اجرایی و مولفه‌های توسعه‌ای شهری. سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار نیز از مولفه‌های توسعه شهری است که تأثیر شهر هوشمند بر روی آن مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است.

اگر سرمایه اجتماعی، شهر هوشمند و احساس امنیت به عنوان سه ضلع مرتبط با هم در نظر گرفته شود، می‌توان ارتباط این سه ضلع را به نوعی مورد

1. Manville
2. Michalec
3. Yigitcanlar
4. Jing
5. Deloitte
6. Wu
7. Karadag

تحلیل قرار داد. ایجاد شهر هوشمند و توسعه آن در ایران، در ابتدای فرآیند اجرایی است، براین اساس، می‌توان ادبیات و مولفه‌های این مهم را از مطالعات کشورهای که آن را طراحی نموده و به مرحله اجرا رسانده‌اند، دریافت نمود و سپس متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کشور و تأثیر آن در سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار مورد بررسی و تحقیق قرار داد؛ چراکه با آشکارسازی نقاط ضعف، تهدیدها و فرصت‌های بالقوه در فضای شهر هوشمند، می‌توان تصمیمات مناسبی را برای استقرار و توسعه آن و در نتیجه، افزایش سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اتخاذ نمود و توسعه شهر هوشمند را به سوی احساس امنیت پایدار سوق داد.

برابر بررسی‌های انجام‌شده، بیش از هزار شهر در سراسر جهان، مفهوم شهر هوشمند را طراحی و اجرا نموده‌اند و در این بین، کشورهای اروپا، آمریکای شمالی، ژاپن و کره پیشرو شمرده می‌شوند (دیپولیتی، ۲۰۱۸). با این حال، به نظر می‌رسد که پیامدهای شهر هوشمند بر حوزه‌های اجتماعی و امنیتی کمتر مورد بحث قرار گرفته است؛ این در حالی است که توسعه شهر هوشمند، به‌طور حتم، هم فرصت‌ها و هم خطرات و تهدیدهایی را برای جامعه بشری و افراد جامعه در پی خواهد داشت و این نیز به‌دلیل ماهیت فناوری محور بودن آن است. تحقیقات کمتری برای نشان‌دادن جنبه‌های خاص شهر هوشمند در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اعتمادزایی در بین افراد جامعه انجام پذیرفته است. این در حالی است که توسعه فرهنگی، اجتماعی و اعتمادزایی در بین افراد جامعه، محور و رکن ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی است و در چنین فضایی افراد جامعه به تعامل، مشارکت و همکاری مناسب و قابل‌ملاحظه‌ای برای رفع مشکلات و کاهش بسترها و زمینه‌های ناهنجاری و توسعه رفاه شهری و سعادت دست می‌یابند؛ از این‌رو، در میان عوامل مختلف کاوش‌شده در حوزه مطالعات توسعه شهری، سرمایه اجتماعی به یکی از محبوب‌ترین مفاهیم در عرصه اجتماعی تبدیل شده است (کواچی و برکمن^۱، ۲۰۰۱؛ پورتنس، ۱۹۹۸).

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که تحقیقات انجام‌پذیرفته، سرمایه اجتماعی را با تعدادی از پیامدهای اشتغال (نخایی و کاظمی پور، ۲۰۱۳)، پیامدهای جرم‌شناختی مانند قتل (مسنر^۱ و همکاران، ۲۰۰۴)، قربانی‌شدن (تاکاگی^۲ و همکاران، ۲۰۱۲)، بزه‌کاری جوانان (اوزبای^۳، ۲۰۰۸)، ادراکات ایمنی و سلامت اجتماعی (اسکاربورو^۴ و همکاران، ۲۰۱۰) مرتبط نموده‌است. این نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بر کنترل ناهنجاری‌ها، انحرافات و جرایم اجتماعی تأثیر دارد و می‌توان با افزایش سرمایه اجتماعی، روند کاهش جرم و افزایش امنیت اجتماعی را پیش‌بینی نمود؛ در واقع، افراد جامعه که در یک شبکه گسترده و درهم‌تنیده اجتماعی در جهت توسعه اجتماعی در تعامل هستند، می‌توانند در بستر توسعه شهر هوشمند و گسترش ارتباطات فن‌آور محور، موجبات توسعه و ارتقای سرمایه اجتماعی را در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیت اجتماعی فراهم نمایند و در نتیجه موجب تقویت مولفه‌های احساس امنیت گردند؛ چراکه احساس امنیت متناسب با سطح ترس از جرم افراد جامعه سنجیده می‌شود (هوگ^۵، ۲۰۱۷) و توسعه سرمایه اجتماعی، ترس از جرم افراد جامعه را کاهش می‌دهد.

همچنین، تحقیقات نشان داده است که عوامل دیگری مانند بی‌نظمی اجتماعی، شکاف اجتماعی - اقتصادی، تراکم بالای جمعیت، بی‌ثباتی و کاهش سطح انسجام اجتماعی، احساس امنیت را کاهش می‌دهد (رانترو و لند^۶، ۱۹۹۶؛ برانتون اسمیت و استورگیس^۷، ۲۰۱۱). مطالعات نشان می‌دهد که بین بی‌نظمی اجتماعی با ترس افراد از جرم، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد (رن^۸ و همکاران، ۲۰۱۹؛ هاردینز^۹ و همکاران، ۲۰۱۸؛ بوتوراک^{۱۰}، ۲۰۱۸؛ عبدالله^{۱۱} و

-
1. Messner
 2. Takagi
 3. Özbay
 4. Scarborough
 5. Hough
 6. Rountree
 7. Brunton-Smith
 8. Ren
 9. Hardyns
 10. Butorac
 11. Abdullah

همکاران، ۲۰۱۵؛ جینگ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد در جامعه می‌تواند فضای ترس از جرم را کاهش و سطح امنیت را افزایش دهد. از سوی دیگر، تحقیقات درمورد شهر هوشمند نشان داده است که فضای شهر هوشمند فناوری محور، بر کیفیت زندگی، رفاه شهری و رضایت از زندگی تأثیر فراوانی دارد (زکزاک^۱، ۲۰۱۹؛ نوادو پناه^۲ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، هرچند تحقیقات و مطالعاتی در حوزه شهر هوشمند در کشور انجام گرفته است و نتایج تحقیقات گذشته حاکی از درهم‌تنیدگی متغیرهای شهر هوشمند با احساس امنیت و سرمایه اجتماعی دارد، اما تاکنون پژوهشی که رابطه متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق و تأثیر آنها بر همدیگر را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، انجام نشده است. در این پژوهش، ابعاد شهر هوشمند با استفاده از مطالعات جلدریان تا^۳ (۲۰۲۰) در شش بعد و ۳۳ شاخص در ارتباط با ابعاد سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار مورد بررسی قرار گرفته است و به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که مولفه‌های شهر هوشمند چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در جامعه دارد؛ بنابراین، نتایج این تحقیق می‌تواند تصمیم‌گیرندگان حوزه‌های توسعه و رفاه شهری، سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار را به سمت ایجاد و توسعه شهر هوشمند سوق داده و فرآیند استقرار و توسعه آن را تسهیل و سرعت بخشد.

پیشینه

نتایج تحقیق پورا احمد و همکاران (۱۳۹۷) در تبیین مفهوم و ویژگی‌های شهر هوشمند، نشاد داد که باوجود ادبیات گسترده درمورد مفهوم شهر هوشمند، هنوز یک درک روشن و واضح و اجماع عمومی در این باره وجود ندارد. برخی از محققان، فناوری‌های هوشمند را به‌عنوان تنها یا حداقل مهم‌ترین جزء شهر هوشمند مدنظر قرار داده‌اند و عده‌ای دیگر بر این باورند که فناوری‌ها می‌تواند در شهرها برای توانمندسازی شهروندان از طریق تطبیق این فناوری‌ها با

1. Zakzak
2. Nevado-Pena
3. Jaladriyanta

نیازهای آنها به جای تطبیق زندگی آنها با الزامات فناوری مورد استفاده قرار گیرد. کازانسی^۱ (۲۰۲۲) در تحقیق خود پیرامون رویکرد شهر هوشمند در اقتصاد هوشمند شهر قونیه ترکیه به این نتیجه رسید که اقتصاد هوشمند رویکرد جدیدی است که بازتاب رویکرد شهر هوشمند است. اقتصاد هوشمند به عنوان یکی از اجزای شهر هوشمند امکان افزایش جذابیت بخش های اقتصادی فعلی مانند مالی، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) را فراهم می کند. همچنین، رویکرد خدماتی و فرهنگی شهر هوشمند، امکان ایجاد بخش های جدید اقتصادی (اقتصاد اشتراکی و اقتصاد پاک/سبز) را مهیا می سازد.

زهو^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود در رابطه با شکل دهی زندگی شاد از طریق شهر هوشمند و سامانه توسعه شهر شادی محور به این نتیجه رسیدند که بسیاری از شهرها، راهبردهای توسعه شهر هوشمند را برای جذب فرصت ها از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات دنبال می کنند و بهتر است که توسعه شهر هوشمند به سمت یک فضای شادی محور هدایت شود. چرا که شهر هوشمند می تواند شکاف شادی افراد جامعه را رفع و پشتیبانی نماید.

نتایج تحقیق نام و پاردو^۳ (۲۰۱۱) در مورد بررسی شهر هوشمند ب عنوان نوآوری شهری، نشان می دهد که شهر هوشمند انقلاب نیست بلکه نوعی تکامل است، سیستم گرا نیست بلکه خدما محور است و نه تنها یک مفهوم فناوری است بلکه یک توسعه اجتماعی - اقتصادی است و جایگزین ساختارهای فیزیکی نمی شود بلکه یک هماهنگی بین دنیای مجازی و مادی شمرده می شود.

اسکافر^۴ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیق خود پیرامون شهرهای هوشمند و اینترنت آینده، به این نتیجه رسیده اند که ایجاد و توسعه شهرهای هوشمند متکی بر ایجاد یک محیط غنی از شبکه های باند پهن، تقویت فضاهای فیزیکی و زیرساخت های شهرها با سامانه حسگرها، محرک ها و..، ایجاد برنامه های

1. Kazanci

2. Zhu

3. Nam and Pardo

4. Schaffer

کاربردی برای جمع‌آوری داده‌ها، پردازش، همکاری مبتنی بر وب و به‌روزرسانی هوش جمعی شهروندان است.

میجر^۱ (۲۰۱۳) در تحقیق خود پیرامون حکمروایی شهر هوشمند، بر هم‌افزایی بین ساختارهای اجتماعی و فناوری‌های جدید تأکید می‌کند و بر این باور است که این موضوع، یک همکاری اجتماعی - فناوری است.

سینکاین و مکاران^۲ (۲۰۱۴) در تحقیق خود در ارتباط با مفهوم شهر هوشمند بر ویژگی‌هایی مانند نوآوری، هوش، خلاقیت، یادگیری، نیاز به دانش، مدیریت منابع مختلف محلی - به‌ویژه زیرساخت‌های فناوری - استقلال در تصمیم‌گیری، حکمروایی مشارکتی و یکپارچگی تأکید نموده‌اند.

مبانی نظری

شهر هوشمند

شهر هوشمند یک سیستم اجتماعی است که سهامداران مستقل متعددی برای رسیدن به اهدافشان در آن رقابت می‌کنند. شهر هوشمند شهری است که زیرساخت‌های فیزیکی، فناوری اطلاعات، اجتماعی و کسب‌وکار را به‌منظور تقویت هوش جمعی شهر به هم وصل می‌کند (هاریسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). سرمایه اجتماعی نیز مفهوم جامعی است که به مزایای حاصل از ارتباطات اجتماعی اشاره می‌کند (بن‌هادور^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). مفهوم سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد اشاره دارد و به‌طور خاص، متشکل از تعامل متقابل تعمیم‌یافته و اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته است (پانتام^۵، ۲۰۰۰). تجربه نشان داده‌است که هر جا ارتباطات و کنش‌های متقابل افراد در جامعه مبتنی بر اعتماد و فضای صمیمی بوده‌است، نظارت اجتماعی ارتقا یافته‌است، زمینه بروز جرم و ناهنجاری کاهش یافته‌است و در پی آن، سطح امنیت و احساس امنیت اجتماعی برای شهروندان افزایش داشته‌است. در تعریف امنیت اجتماعی نیز

-
1. Meijer
 2. Sinkiene
 3. Harrison
 4. Hador-Ben
 5. Putnam

می‌توان گفت که یک حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی تلقی می‌گردد و نوعی فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه است (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹). احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به‌مخاطره‌افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع نیز گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱). بنابراین، اگر در جغرافیا و کالبد شهری بتوان با استفاده از فناوری‌های جدید در بستر شهر هوشمند، سطح ارتباطات، تعاملات و زیرساخت‌های شهری را برای استفاده شهروندان تسهیل نموده و گسترش داد، اعتماد اجتماعی افزایش یافته و در نتیجه، کاهش ناهنجاری و ترس از جرم محقق می‌شود.

شهر هوشمند سامانه‌های اطلاعاتی و خدمات و زیرساخت‌های شهری را مورد توجه جدی قرار می‌دهد که این زیرساخت‌ها و خدمات شامل ساختمان‌ها، مسیرهای حمل‌ونقل، برق، آب و فاضلاب، امنیت و بهداشت و درمان است؛ بنابراین، شهر هوشمند بر پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه‌ریزی، توسعه، پایداری و خدمات شهری استوار است (هاریسون و دانلی^۱، ۲۰۱۱). هرچند که در بین اندیشمندان، دیدگاه مشترکی نسبت به مفهوم شهر هوشمند ارائه نشده است، اما اصطلاح شهر هوشمند توجه جهانی را به خود جلب کرده است (اچباریا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ ابراهیم^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). اولین جنبه از مطالعات شهر هوشمند بر بررسی چگونگی بهره‌گیری و استفاده از فناوری‌های پیشرفته و نوآورانه برای خدمت به توسعه شهر تمرکز دارد و شرایط بهینه‌سازی، یکپارچه‌سازی و افزایش کارایی فضای اجتماعی را فراهم می‌نماید (کامرو و آلبا^۴، ۲۰۱۹؛ لو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹) و از سوی دیگر، بر جنبه‌های انسانی - اجتماعی تأکید می‌کند؛ به این معنی که چگونه شهر هوشمند می‌تواند به مردم در ارتقای یک زندگی با کیفیت بهتر، برابری بهتر،

-
1. Harrison & Donnelly
 2. Echebarria
 3. Ibrahim
 4. Camero
 5. Lu

مشارکت بیشتر و فرهنگ متنوع‌تر و... کمک‌کند (بوزگوند^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).
 ۲۰۱۹). همچنین، این طرح، بر بهبود یا تبدیل سرمایه‌گذاری اقتصادی،
 بهره‌وری انرژی، کیفیت زندگی، امنیت عمومی، و... با فناوری‌های تعبیه‌شده
 یکپارچه، به‌هم‌پیوسته و سیستمی تأکید می‌نماید (آنتوپولوس^۲، ۲۰۱۹؛
 شریفی^۳، ۲۰۲۰).

شهرهای هوشمند بیشتر بر کیفیت زندگی، رشد اقتصادی، محیط زیست،
 انرژی، پایداری، ایمنی، بهداشت و درمان و تحرک تمرکز دارند (مسن زاده و
 وتوراتوب^۴، ۲۰۱۴). شهرهای هوشمند نتیجه راهبردهای خلاق و دانش‌محور
 است که هدف آن ارتقای عملکرد رقابتی، پشتیبانی، اکولوژیکی، اقتصادی -
 اجتماعی شهرها است. در شهرهای هوشمند مبنای مشارکت در توسعه باید بر
 پایه حقوق انسانی استوار باشد (هابیتات^۵، ۲۰۱۵) تا اعتماد متقابل اجتماعی
 شکل بگیرد. چنین شهرهای هوشمندی بر پایه ترکیبی نوی بخش از
 سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های زیرساختی، سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های
 کارآفرینی قرار دارند (کورتیت و نیجکامپ^۶، ۲۰۱۲).

با توجه به مفاهیم مختلفی که از شهر هوشمند ارائه گردیده‌است، در این
 پژوهش منظور از شهر هوشمند تأکید بر چگونگی بهره‌گیری و استفاده از
 فناوری‌های پیشرفته و نوآورانه برای خدمت به توسعه شهر، یکپارچه‌سازی و
 افزایش کارایی فضای انسانی و اجتماعی، مشارکت بیشتر افراد جامعه، امنیت
 عمومی، کیفیت زندگی، رشد اقتصادی و سرمایه‌های زیرساختی می‌باشد که
 توسعه هر کدام از اینها در بستر شهر هوشمند می‌تواند بر کاهش ناهنجاری‌های
 اجتماعی و افزایش احساس امنیت تأثیر بگذارد؛ بنابراین، توسعه ابعاد شهر
 هوشمند در بخش‌های گفته‌شده می‌تواند بستر و فضای کنش‌های اجتماعی را
 به‌سوی ارتقای مشارکت عمومی برای تحقق جامعه‌عاری از جرم سوق دهد.

-
1. Bouzguenda
 2. Anthopoulos
 3. Sharifi
 4. Mosannazadeh & Vettorato
 5. Habitat
 6. Kourtiti & Nijkamp

جلدریان‌تا^۱ (۲۰۲۰) شهر هوشمند را در شش بعد و ۳۳ شاخص معرفی می‌نماید که در جدول شماره ۱ آورده شده‌است.

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های شهر هوشمند

حکمرانی هوشمند	افراد هوشمند	اقتصاد هوشمند
<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت در تحقق تصمیم‌گیری • خدمات عمومی و اجتماعی • شفافیت در حکمرانی • دیدگاه و راهبردهای سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> • سطح سلامت افراد • تمایل به یادگیری مستمر و دائم • تنوع اجتماعی و قومی • انعطاف‌پذیری • خلاقیت • دارای تفکر جهان وطنی • مشارکت در توسعه زندگی عموم مردم 	<ul style="list-style-type: none"> • چرخش خلاقانه • کارآفرینی • تصویرسازی و تجاری‌سازی اقتصاد • بهره‌وری • انعطاف‌پذیری بازار کار • نمود اقتصاد در سطح بین‌الملل • توانایی انتقال
زندگی هوشمند	محیط هوشمند	تحرک هوشمند
<ul style="list-style-type: none"> • امکانات فرهنگی • شرایط سلامت جامعه • ایمنی فردی • کیفیت مسکن • امکانات آموزشی • جاذبه‌های گردشگری • همبستگی اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> • شرایط دسترسی طبیعی • آلودگی • حفاظت از محیط زیست • مدیریت منابع پایدار 	<ul style="list-style-type: none"> • دسترسی محلی داشتن • دسترسی بین‌المللی داشتن • دردسترس بودن زیرساخت‌های فناوری • اطلاعات • سیستم حمل‌ونقل نوآورانه ایمن و پایدار

شهر هوشمند دارای عملکرد مناسب در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، حمل‌ونقل، بهداشت و ایمنی و محیط زیست است که مولفه‌های آن شامل اقتصاد هوشمند، پویایی هوشمند، محیط هوشمند، حمل‌ونقل هوشمند و زندگی هوشمند می‌باشد. بنابراین، ابعاد شهر هوشمند تقریباً محیط فعالیت و کنش‌های اجتماعی همه افراد جامعه را در بر گرفته و بر رفتارهای آنان تأثیر دارد.

منظور از اقتصاد هوشمند ارائه راه‌کارهایی جهت پیشرفت شغلی، کاهش فقر، بهبود اوضاع مسکن و زیرساخت‌ها و استفاده از فناوری اطلاعات در فرایندهای تولید و توزیع می‌باشد (وانالو^۲، ۲۰۱۳؛ کیریم‌تات^۳ و همکاران،

1. Jaladriyanta
2. Vanolo
3. Kırımtat

۲۰۲۰). امروزه، بخش قابل توجهی از جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی و امنیت‌زدا متأثر از فضای نامناسب اقتصادی و فقر است و اقتصاد هوشمند می‌تواند راهکارهای توسعه اقتصادی در ابعاد مختلف را ارائه نماید. پویایی هوشمند نیز به ارائه خدمات از طریق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، تسریع در تبادل اطلاعات با استفاده از فناوری، کاهش هزینه‌ها و جابه‌جایی، دسترسی به خدمات و اطلاعات و ارائه خدمات بهتر اشاره دارد (لو و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، پویایی فناوری می‌تواند سطح دسترسی به خدمات از طریق فضای سایبر را گسترش داده، هزینه‌ها را کاهش داده و رضایت عمومی را افزایش دهد، ضمن اینکه بسترهای محیطی وقوع جرم را کاهش و کیفیت خدمات را افزایش دهد. همچنین، محیط هوشمند اشاره به استفاده از فناوری‌های جدید برای حفظ و حراست از محیط زیست دارد. محیط زیست هوشمند به ایجاد سازوکارهای مناسب جهت استفاده بهینه از انرژی و آب و کاهش آلودگی محیط زندگی می‌پردازد. محیط هوشمند مفهومی است که امکان استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای محیط‌های شهری را دربرمی‌گیرد که نتیجه آن، افزایش کیفیت زندگی برای شهروندان است و البته خدمات ارزش افزوده را هم برای دولت و هم برای شهروندان ایجاد می‌کند (المغربی^۱، ۲۰۱۳). وجود محیط هوشمند در بستر شهر هوشمند می‌تواند دغدغه آلودگی محیط و کاهش انرژی برای شهروندان را کاهش و اعتماد به نهادهای مسئول و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد.

یکی دیگر از مولفه‌های شهر هوشمند، حمل‌ونقل هوشمند است. ساماندهی وضعیت حمل‌ونقل و ترافیک به روش‌های سنتی از جمله ساخت آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها، محدود نمودن ترافیک و افزایش ناوگان حمل‌ونقل عمومی، دارای محدودیت‌هایی است اما سامانه‌های هوشمند شهری می‌توانند این محدودیت‌ها و موانع توسعه را مرتفع نمایند (پیرو^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). بخش از جرایم نامنی در محیط حمل‌ونقل شهری صورت می‌گیرد که هوشمندسازی زیرساخت‌های

1. Elmaghraby
2. Piro

حمل و نقل، می‌تواند بسترهای وقوع جرم را کاهش دهد. همچنین، زندگی هوشمند به شاخص‌هایی مانند تسهیل روش زندگی افراد جامعه، حفظ سلامت و حفاظت از محیط زیست و سامانه‌های هوشمندسازی خانه‌ها و ساختمان‌ها، بالابردن کیفیت زندگی از نظر خدمات و امکانات و به‌هم‌پیوستگی اجتماعی می‌پردازد (موزوریانیت و سابایتیت^۱، ۲۰۱۳).

یکی دیگر از ویژگی‌های شهر هوشمند، افزایش کارآمدی زیرساخت‌های شهری است که امنیت را تضمین نموده و خدمات راحت، ایمن و قابل اعتماد را برای افراد جامع فراهم می‌نماید و با تمرکز بر خدمات و محصولات ایمن‌تر به نفع زندگی روزمره و وضعیت سلامت ساکنین (رن و همکاران، ۲۰۲۱)، به جای پرداختن صرف به فناوری، روح نوآورانه در شهر هوشمند را تقویت و برای رسیدن به نتایج مطلوب از نظر اجتماعی و اقتصادی تلاش می‌نماید (چن^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، با ایجاد محیطی آسان از طریق یک رویکرد مشارکتی برای تقویت اجتماعی در بخش آموزش، همه‌ذی‌نفعان و افراد جامعه را برای یادگیری در نقش‌آفرینی‌های مثبت اجتماعی آماده می‌نماید (ایواری^۳ و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین، می‌توان اذعان نمود که مجموعه ظرفیت‌ها و بخش‌های مختلف شهر هوشمند می‌تواند در یک رویکرد سیستمی و جامع، بسیاری از دغدغه‌های ناامنی شهروندان را از بین برده و اعتماد متقابل و نهادی را برای توسعه سرمایه اجتماعی افزایش دهد.

سرمایه اجتماعی

در خصوص سرمایه اجتماعی، مفاهیم، پیامدها و منابع آن در طول سه دهه گذشته، اجماع فزاینده‌ای در میان محققان وجود داشته است (کلمن^۴، ۱۹۸۸؛ پاننام، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰). محبوبیت سرمایه اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که می‌تواند طیف وسیعی از پدیده‌های اجتماعی مانند رشد اقتصادی، کیفیت حکمرانی و دولت، سلامتی و رفاه مردم را تبیین کند (ویو، ۲۰۲۰). این سرمایه

1. Mozūriūnaitė & Sabaitytė

2. Chen

3. Iivari

4. Coleman

یک دارایی راهبردی است که با آن پایه و اساس فعالیت‌های جمعی پی‌ریزی می‌شود (زیاری و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، نوآوری‌ها باعث تقویت سرمایه‌های اجتماعی می‌شود و زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند (مشهدی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۹۷)؛ بنابراین، می‌توان گفت که نوآوری در بستر شهر هوشمند، سریع‌تر امکان پذیر گردیده و مشارکت افراد جامعه را افزایش می‌دهد.

ناهایپیت و گوشال^۲ (۱۹۹۸) ابعاد سرمایه اجتماعی را به سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم نموده‌اند. بعد شناختی سرمایه اجتماعی دربرگیرنده میزان اشتراک‌های کارکنان درون یک شبکه اجتماعی، در یک دیدگاه و یا درک مشترک میان آنان است (بولینو و تورنلی^۳، ۲۰۰۲). عنصر شناختی سرمایه اجتماعی اشاره به منابعی دارد که فراهم کننده مظاهر، تعبیرها، تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک میان گروه‌هاست (آرهودز^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). جنبه ساختاری سرمایه اجتماعی نیز نشان‌دهنده چیدمان غیرشخصی روابط بین مردم یا واحدهاست (هنکام^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی نیز ماهیت روابط بین افراد را شامل می‌شود و شامل اعتماد، هنجارها، تعهدات و هویت است (گوشال و نهایپیت^۶، ۱۹۹۸). به گفته پانتام (۲۰۰۰)، در میان اعضای یک جامعه، تعامل متقابل تعمیم‌یافته یک هنجارهای غیررسمی است که افراد حاضرند از آن پیروی کنند تا به یکدیگر کمک کنند؛ زیرا معتقدند که این امر هم برای آنها مفید است و هم برای دیگران و مردم به‌سادگی اطمینان دارند کمک به دیگران روزی جبران خواهد شد. به‌طور کلی، اعتقاد بر این است که سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی می‌تواند پیامدهای مثبتی را برای فرد ایجاد کند و فرد را برای مشارکت بیشتر در نقش‌آفرینی‌های اجتماعی از جمله ایجاد محیط سالم و عاری از جرم سوق دهد. از نظر پانتام (۲۰۰۰)، جامعه و حتی سطوح ملی، از جمله

-
1. Mashhadi
 2. Nahapiet & Ghoshal
 3. Bolino & Turnely
 4. Rhodes
 5. Hennekam
 6. Ghoshal & Nahapiet

آموزش کودک و توسعه، امنیت محله، رونق اقتصادی، دموکراسی و سلامتی عمومی با سرمایه اجتماعی رابطه دارد. از نظر سامپسون^۱ (۱۹۹۹) نیز سرمایه اجتماعی بر انسجام محله، اعتماد و نوع دوستی و کاهش میزان جرم و جنایت تأثیر دارد. سرمایه اجتماعی زمینه‌های پیشگیری از جرم را فراهم می‌آورد (درویشی، ۱۳۹۸). به‌طور کلی، تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که ابعاد سرمایه اجتماعی زمینه‌های ترس از جرم را در جامعه کاهش می‌دهد (عبدالله و همکاران، ۲۰۱۵؛ برون‌تون اسمیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ گیسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۲؛ کوچل و نوری^۳، ۲۰۲۱؛ یوان و مک نیلی^۴، ۲۰۱۷). استدلال گیل و همکاران (۲۰۱۴) بر این اصل استوار است که تقویت سرمایه اجتماعی، زمینه افزایش احساس امنیت شهروندان را فراهم می‌نماید. مطالعات هان^۵ (۲۰۲۱) نیز نشان داد که رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و ترس از جرم وجود دارد و تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش احساس امنیت اجتماعی را به دنبال دارد. بنابراین، ابعاد سرمایه اجتماعی می‌تواند شاخص‌های امنیت اجتماعی و احساس امنیت را تقویت و همبستگی و انسجام بین افراد جامعه ایجاد نماید و این همبستگی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی جامعه را تضمین کند (افشانی و فرقانی، ۱۳۹۵: ۱۴). از سوی دیگر، بسیاری از شاخص‌های شهر هوشمند مانند اقتصاد هوشمند و دادوستد در سایه مقررات و قوانین مدنی نویدبخش امنیت اجتماعی است (چاولا و چوداک^۶، ۲۰۲۱: ۵۱). تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که مولفه‌های محیط اجتماعی تأثیر فوری و مستقیمی بر احساس امنیت افراد دارند (رانتوری و لند، ۱۹۹۶؛ برانتون اسمیت و استورگیس، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، اختلال اجتماعی به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مهم می‌تواند سطح امنیت اجتماعی و احساس امنیت را کاهش دهد (هلفگوت و همکاران، ۲۰۲۰؛ رن و

-
1. Sampson
 2. Gibson
 3. Kocheil
 4. Yuan
 5. Han
 6. Chawla & Chodak

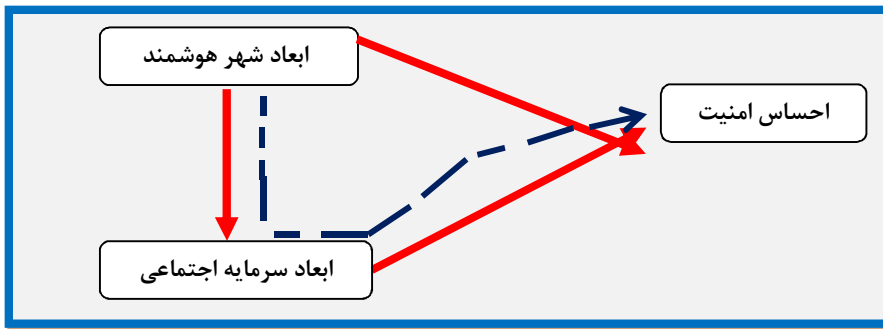
همکاران، ۲۰۱۹) و سرمایه اجتماعی ارتقایافته در محیط شهر هوشمند می‌تواند احساس امنیت اجتماعی را تقویت نماید.

احساس امنیت

بوزان^۱ (۱۳۷۸) امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن، افراد خود را عضو گروه خاصی تلقی می‌نمایند. از دیدگاه وی، امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و... در حفظ هستی و هویت خود. به اعتقاد او، اغلب تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهد که در قالب سه نوع کلی قابل دسته‌بندی است: ۱. تهدیدات فیزیکی یا جسمی که درد، صدمه و مرگ را در پی دارد؛ ۲. تهدیدات اقتصادی که به تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع اشاره دارد؛ ۳. تهدیدات نسبت به حقوق زندانی شدن که به از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت تنزل رتبه و تحقیر در انظار عامه را شامل می‌شود. بسیاری از این تهدیدها با هم همبستگی دارند؛ یعنی وقوع یکی از آنها، ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴). بنابراین، وجود این‌گونه تهدیدات در کالبد شهر هوشمند، به جهت توسعه نظارت‌ها اغلب کاهش می‌یابد. احساس امنیت را هنگامی می‌توان مورد اشاره قرار داد که فرد یا جامعه‌ای از احساس آرامش اعتماد و کفایت برخوردار باشد و از احساس ترس، دلهره و اضطراب رها شود. آنچه که این وضعیت را به وجود می‌آورد، توقع و انتظار فرد در برآورده شدن و به‌کمال رساندن نیازهای فعلی و آینده خود می‌باشد و نیز آنچه این وضعیت را ایجاد می‌کند، قابل پیش‌بینی کردن نیازها و راه برآورده شدن آنها و نیز معین کردن تهدیدها و شیوه کنترل و نظارت آنهاست (کرامتی، ۱۳۸۵: ۲۲) و ایجاد چنین فضا و بسترهایی به‌مراتب در فضای شهر هوشمند قابل دست‌یافتنی است.

الگوی مفهومی پژوهش

در چارچوب نظری این تحقیق، در حوزه ابعاد و شاخص‌های شهر هوشمند، از مطالعات و نظریات جلدریان‌تا^۱ (۲۰۲۰) بهره گرفته شد؛ در حوزه سرمایه اجتماعی، از مطالعات و نظریات گوشال و ناهاپیت (۱۹۹۸) و در ابعاد احساس امنیت اجتماعی نیز از مطالعات کرد زنگنه و همکاران (۱۳۹۵) بهره گرفته شد و یک الگوی مفهومی در باب نحوه تأثیرگذاری ابعاد شهر هوشمند و سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی برابر شکل ۱ ترسیم گردید.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان تحصیلات تکمیلی شامل کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه علوم انتظامی‌امین دارای بیش از ۱۵ سال سابقه اجرایی و همچنین، اساتید حوزه جامعه‌شناسی، امنیت و علوم اجتماعی این دانشگاه تشکیل می‌دهند. بر اساس فرمول کوکران، ۱۱۰ نفر از این افراد به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که برای اطمینان از بازگشت تعداد کافی پرسش‌نامه، ۱۲۰ پرسش‌نامه به روش تصادفی ساده و طبقه‌ای در جامعه آماری توزیع گردید. ابزار پژوهش پرسش‌نامه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بود. برای سنجش ابعاد "شهر هوشمند" از پرسش‌نامه محقق‌ساخته بر اساس

مطالعات جلد ریانتا (۲۰۲۰) با شش مولفه شامل اقتصاد هوشمند، افراد هوشمند، حکمرانی هوشمند، تحرک هوشمند، محیط هوشمند، زندگی هوشمند و با ۳۳ گویه (جدول شماره ۱) استفاده شد؛ برای سنجش ابعاد "سرمایه اجتماعی" از پرسشنامه ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) با سه مولفه شامل ساختاری، شناختی و ارتباطی و ۱۳ گویه استفاده شد و برای سنجش احساس امنیت اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مطالعات کرد زنگنه و همکاران (۱۳۹۵) با پنج مولفه شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت اخلاقی، امنیت فرهنگی، امنیت حقوقی با ۲۰ گویه بهره گرفته شد. برای سنجش روایی محتوای پرسشنامه، پرسشنامه در اختیار ۱۲ نفر از خبرگان آشنا به موضوع تحقیق قرار گرفت و نظرات اصلاحی درمورد پرسشنامه اجرا شد و به این ترتیب، روایی محتوایی و صوری پرسشنامه تأیید شد. پایایی ابزار تحقیق نیز با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ بررسی و در مجمع سه متغیر ۰/۸۴ تأیید شد که همسانی درونی بالایی را بین گویه‌های استفاده شده برای سنجش متغیرها نشان داد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس روش الگویابی معادلات ساختاری، از نرم‌افزارهای SPSS24 و AMOS20 استفاده شده است.

یافته‌ها

قبل از بررسی فرضیات پژوهش، در ابتدا به منظور اطمینان از طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کلموگروف اسمیرنوف^۱ استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون، فرض صفر مبنی بر طبیعی بودن توزیع داده‌ها رد نشد و این امر که سطح معناداری تمام متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بود، نشان داد که این متغیرها توزیع طبیعی دارند. بنابراین، با فرض قرار داشتن متغیرها در سطح فاصله‌ای، می‌توان برای تحلیل داده‌ها از آمار پارامتریک استفاده کرد. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف در جدول شماره ۲ و یافته‌های توصیفی مربوط به میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی میان متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. طبق نتایج، میانگین عدالت سازمانی و حمایت

1. Kolmogrov-Smirnov

ادراک شده، سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم بالاتر از حد متوسط است. نتایج همبستگی نیز نشان می‌دهد که بین متغیرها رابطه مثبت و از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

جدول ۲. آزمون طبیعی بودن داده‌ها

متغیرها	Z	سطح معنی داری
اقتصاد هوشمند	۱/۱۳۹	۰/۰۶۲
افراد هوشمند	۱/۰۳۷	۰/۰۵۹
حکمرانی هوشمند	۱/۰۹۲	۰/۰۵۵
تحرک هوشمند	۱/۲۱۹	۰/۰۵۷
محیط هوشمند	۱/۱۶۴	۰/۰۵۸
زندگی هوشمند	۱/۷۳۹	۰/۰۶۵
شهر هوشمند	۱/۱۶۳	۰/۰۵۸
ساختاری	۱/۲۶۰	۰/۰۶۱
شناختی	۱/۳۱۹	۰/۰۵۹
ارتباطی	۱/۲۳۱	۰/۰۵۴
سرمایه اجتماعی	۱/۲۱۸	۰/۰۵۷
امنیت جانی	۱/۱۹۴	۰/۰۶۱
امنیت مالی	۱/۱۹۱	۰/۰۶۱
امنیت اخلاقی	۱/۴۳۲	۰/۰۵۹
امنیت فرهنگی	۱/۳۰۱	۰/۰۵۹
امنیت حقوقی	۱/۲۷۶	۰/۰۶۲
احساس امنیت	۱/۱۹۶	۰/۰۵۹

با توجه به بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بودن سطح معناداری تمامی موارد جدول شماره ۲ فرضیه صفر پذیرفته شده و می‌توان با اطمینان ۹۵٪ پذیرفت که تمامی گویه‌های اندازه‌گیری شده، دارای توزیع طبیعی می‌باشند.

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار و همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	شهر هوشمند	سرمایه اجتماعی	احساس امنیت
شهر هوشمند	۳/۰۵۳	۰/۵۱۸	۱		
سرمایه اجتماعی	۳/۰۷۱	۰/۶۰۸	۰/۷۶**	۱	
احساس امنیت	۳/۸۵	۰/۴۹۷	۰/۷۹**	۰/۶۹**	۱

** معناداری در سطح ۰/۰۰۲

با توجه به جدول شماره ۳، از آنجا که ضرایب همبستگی متغیرها معنادار بود، امکان استفاده از روش الگوسازی معادلات ساختاری فراهم گردید. در الگوی معادلات ساختاری، برای مشخص شدن چگونگی و میزان تأثیر متغیرهای مکنون بر یکدیگر از الگوی استاندارد و برای نشان دادن معناداری این تأثیرات از الگوی معناداری و برای ارزیابی برازش الگو از شاخص‌های برازندگی استفاده می‌شود. به‌طور کلی، برای ارزیابی برازش الگو، چندین مشخصه برازندگی وجود دارد. در این پژوهش، برای ارزیابی الگو از شاخص‌های χ^2 ، نسبت χ^2 به درجه آزادی، شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI^۱)، شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI^۲)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI^۳)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI^۴)، شاخص برازندگی (GFI^۵)، شاخص برازندگی تعدیل‌یافته (AGFI^۶) و شاخص ریشه دوم برآورد خطای واریانس تقریب (RMSEA^۷) استفاده گردید که در جدول شماره ۴ نشان داده شده‌است.

جدول ۴. الگوی معادلات ساختاری شاخص‌های برازندگی

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	میزان به‌دست‌آمده
χ^2 خی دو	-	۳۰۱/۱۸۴
نسبت χ^2 به درجه آزادی	کمتر از ۵	۳/۰۸
شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI)	نزدیک به ۱	۰/۹۳
شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)	نزدیک به ۱	۰/۹۵
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	نزدیک به ۱	۰/۹۶
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	نزدیک به ۱	۰/۹۲
شاخص برازندگی (GFI)	نزدیک به ۱	۰/۹۳
شاخص برازندگی تعدیل‌یافته (AGFI)	نزدیک به ۱	۰/۹۴
ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده (RMR)	نزدیک به صفر	۰/۰۴
ریشه دوم برآورد خطای واریانس تقریب (RMSEA)	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۶۹

1. Normed Fit Index
2. Not- Normed Fit Index
3. Comparative Fit Index
4. Incremental Fit Index
5. Goodness of Fit Index
6. Adjusted Goodness of Fit Index
7. Root Mean Square Error of Approximation

نسبت خی دو به درجه آزادی باید کمتر از ۵ باشد. همان طور که یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، با توجه به مقدار گزارش شده، مقدار خی دو تقسیم بر درجه آزادی برابر با $3/08$ می‌باشد که نشان می‌دهد الگو از برآزش مناسبی برخوردار است. معیارهای AGFI و GFI نشان‌دهنده اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌هاست که توسط الگو تبیین می‌شود. مقدار این معیارها بین صفر تا یک متغیر است که هرچقدر اعداد به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشد، نیکویی برآزش الگو با داده‌های مشاهده شده بیشتر است. داده های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که مقادیر گزارش شده برای این دو شاخص به ترتیب $0/94$ و $0/93$ تأییدکننده مناسب بودن الگو است. ریشه دوم میانگین مجذور باقی مانده یعنی تفاوت بین عناصر ماتریس مشاهده شده در گروه نمونه و عناصر ماتریس‌های برآورد یا پیش‌بینی شده، با فرض درست بودن الگوی مورد نظر است. هرچه RMR برای الگوی مورد آزمون به صفر نزدیک‌تر باشد، الگوی مذکور برآزش بهتری دارد. مقدار RMR گزارش شده برابر با $0/04$ است که بسیار ناچیز و نشان‌دهنده تبیین مناسب کوواریانس‌هاست. برای مقایسه اینکه یک الگو به خصوص در مقایسه با سایر الگوهای ممکن از نظر تبیین مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده چقدر خوب عمل می‌کند، از مقادیر شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI) استفاده گردید. به نظر گفن و همکاران (۲۰۰۱) مقادیر بالای $0/8$ دو شاخص نخست و بالای $0/9$ دو شاخص دوم حاکی حاکی از برآزش بسیار مناسب الگوی طراحی شده در مقایسه با الگوهای موجود است (هومن^۱، ۲۰۰۹) که تمام این مقادیر نشان‌دهنده تأیید برآزش الگو است. در نهایت، برای بررسی اینکه الگوی مورد نظر چگونه برازندگی و صرفه‌جویی را با هم ترکیب می‌کند، از شاخص ریشه دوم برآورد خطای واریانس تقریباً (RMSEA) استفاده گردید. این شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب است که تا $0/08$ قابل قبول است. الگویی که در این شاخص $0/10$ یا بیشتر باشد، برآزش ضعیفی دارد (هومن، ۲۰۰۹). مقدار این

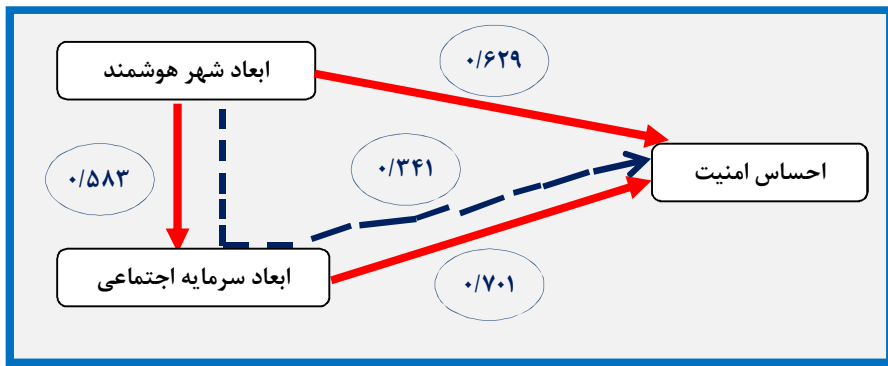
1. Hooman

شاخص که برابر با ۰/۰۶۹ است، نشان‌دهنده مناسب بودن الگو است؛ بنابراین، تمام شاخص‌ها الگوی معادلات ساختاری را تأیید می‌کنند. بعد از بررسی چگونگی برازش الگوی کلی با داده‌های جمع‌آوری‌شده و اطمینان از برازش، در مرحله دوم، بارهای عاملی و ضرایب مسیر در الگوی ساختاری بررسی موردبررسی قرار گرفت.

جدول ۵. مقادیر t-value محاسبه‌شده در الگوی معادلات ساختاری در حالت معناداری

مؤلفه‌ها	اقتصاد هوشمند	افراد هوشمند	حکمرانی هوشمند	تحرک هوشمند	محیط هوشمند	زندگی هوشمند
مقادیر t	۱۵/۲۷	۱۲/۶۷	۱۴/۰۹	۱۱/۱۹	۱۰/۰۸	۱۳/۹۴
مؤلفه‌ها	ساختاری	شناختی	ارتباطی			
مقادیر t	۹/۹۵	۸/۷۳	۱۰/۰۴			
مؤلفه‌ها	امنیت جانی	امنیت مالی	امنیت اخلاقی	امنیت فرهنگی	امنیت حقوقی	
مقادیر t	۱۱/۱۸	۱۴/۱۰	۹/۵۶	۹/۳۲	۱۰/۱۷	

*معناداری در سطح ۰/۰۱



شکل ۲. مقدار تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته در الگو

با توجه به شکل شماره ۲ اثر مستقیم ابعاد شهر هوشمند بر احساس امنیت، مثبت و معنی‌دار می‌باشد. اثر مستقیم این متغیر بر احساس امنیت معادل ۰/۶۲۹ و سرمایه اجتماعی معادل ۰/۵۸۳ در سطح ۰/۰۱، مثبت و

معنی‌دار می‌باشد. همان‌طور که در شکل شماره ۲ نشان داده می‌شود، اثر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت نیز معنی‌دار است؛ اثر مستقیم سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت، معادل $0/601$ در سطح $0/00$ معنی‌دار و مثبت می‌باشد. از سوی دیگر، ابعاد شهر هوشمند به صورت غیرمستقیم و از طریق سرمایه اجتماعی، اثری معادل $0/341$ بر احساس امنیت در سطح $0/002$ مثبت و معنی‌دار دارند. این بدان معنی است که ابعاد شهر هوشمند از طریق سرمایه اجتماعی، تأثیر معنادار و بالایی بر احساس امنیت دارند؛ بنابراین، فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شوند. همچنین، ابعاد شهر هوشمند $0/472$ از تغییرات احساس امنیت را می‌تواند پیش‌بینی نماید. در جدول شماره ۶ اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها گزارش شده است.

جدول ۶. اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها

اثر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	R2
به احساس امنیت از				
ابعاد شهر هوشمند	$0/629$	$0/341$	$0/795$	$0/472$
سرمایه اجتماعی	$0/583$		$0/583$	$0/501$
به سرمایه اجتماعی از				
ابعاد شهر هوشمند	$0/601$		$0/601$	$0/329$
$**p < 0/001, ***p < 0/002$				

یافته‌های شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که بار عاملی (ضریب لامبدا) تمام متغیرهای آشکار (مؤلفه‌ها) بالاتر از $0/30$ است و بنابراین، به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان (ابعاد شهر هوشمند، سرمایه اجتماعی و احساس امنیت) را اندازه‌گیری نمایند. در خصوص معنادار بودن اعداد به دست آمده می‌توان گفت از آنجاکه آزمون فرضیات در سطح اطمینان 95% انجام می‌شود، اعدادی معنادار خواهد بود که بین $\pm 1/96$ نباشد. با توجه به جدول شماره ۳، تمام ارتباطات اصلی معنادار است؛ چراکه تمام اعداد به دست آمده بالاتر از $1/96$ است. همچنین، ضرایب مسیر مستقیم استاندارد شده نشان می‌دهد که ابعاد شهر هوشمند به تنهایی $0/329$ از تغییرات سرمایه اجتماعی و $0/471$ از تغییرات احساس امنیت را پیش‌بینی می‌نماید و همچنین، سرمایه اجتماعی

۰/۵۰۱ از تغییرات احساس امنیت را پیش‌بینی می‌نماید. برای بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه بین ابعاد شهر هوشمند با احساس امنیت، اثر غیرمستقیم ابعاد شهر هوشمند بر احساس امنیت محاسبه شد که در جدول شماره ۷ آورده شده است.

جدول ۷. آثار مستقیم و غیرمستقیم استانداردشده متغیرهای پژوهش

نتیجه آزمون	P سطح معناداری	ضریب مسیر	فرضیه‌های پژوهش
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳	ابعاد شهر هوشمند بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد.
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۶۲۹	ابعاد شهر هوشمند بر احساس امنیت تأثیر دارد.
تأیید فرضیه	۰/۰۰۱	۰/۶۰۱	سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت تأثیر دارد.
تأیید فرضیه	۰/۰۰۲	۰/۳۴۱	ابعاد شهر هوشمند از طریق سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت تأثیر دارد.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه نقش میانجی سرمایه اجتماعی در تبیین رابطه بین ابعاد شهر هوشمند با احساس امنیت اجتماعی بود. نتایج نشان داد که ابعاد شش‌گانه شهر هوشمند از طریق سرمایه اجتماعی اثری معنادار و مضاعف بر تقویت و ارتقای احساس امنیت دارند و در سطح بالایی از ضریب تأثیر، سرمایه اجتماعی، تغییرات احساس امنیت اجتماعی را پیش‌بینی می‌نماید.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد که ابعاد شهر هوشمند بر ابعاد احساس امنیت تأثیری مستقیم دارد. توسعه مشارکت در تحقق تصمیم‌گیری و توسعه زندگی عموم مردم، توسعه امکانات فرهنگی، آموزشی و ارتقای همبستگی اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های شهر هوشمند موجب می‌گردد که زمینه‌های بروز ناهنجاری و بزه‌کاری به‌شدت کاهش یافته و احساس امنیت در جامعه افزایش پیدا یابد. این یافته با نتایج یافته‌های رن و همکاران (۲۰۲۱) هماهنگی دارد. به‌عقیده آنها شهر هوشمند زیرساخت‌های شهری را تقویت نموده و امنیت را تضمین و خدمات راحت، ایمن و قابل‌اعتماد را برای افراد جامعه فراهم می‌نماید و با تمرکز بر خدمات و محصولات ایمن‌تر به نفع زندگی روزمره و وضعیت سلامت ساکنین، موجبات آرامش و آسایش شهروندان را فراهم

می‌نماید. نتایج تحقیق با یافته‌های تحقیقات ایواری و همکاران (۲۰۲۰) نیز هم‌سویی دارد. تحقیقات آنان نشان داد که شهر هوشمند با ایجاد محیطی آسان از طریق یک رویکرد مشارکتی برای تقویت اجتماعی در بخش آموزش، همه‌ذی‌نفعان و افراد جامعه را برای یادگیری در نقش‌آفرینی‌های مثبت اجتماعی آماده می‌نماید. همچنین، این نتایج با یافته‌های وانالو (۲۰۱۳)، لی و همکاران (۲۰۱۹) و کیریم تات و همکاران (۲۰۲۰) نیز هماهنگی دارد. نتایج این تحقیقات حاکی از این است که ابعاد شهر هوشمند بر پیشرفت شغلی، کاهش فقر، بهبود اوضاع مسکن و بهبود زیرساخت‌ها تأثیری مستقیم دارد و با فراهم‌شدن این شرایط می‌توان زمینه کاهش جرم و افزایش احساس امنیت اجتماعی را ایجاد نمود.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد که ابعاد شهر هوشمند بر سرمایه اجتماعی تأثیری مستقیم دارد. توسعه مشارکت عمومی، توسعه خدمات عمومی و اجتماعی، شفافیت در حکمرانی مدیران و مسئولین شهری، به‌عنوان شاخص‌های شهر هوشمند موجب می‌گردد که زمینه‌های اعتماد فردی، بین‌گروهی و اعتماد به حاکمیت افزایش یابد و در نتیجه، مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی افزایش یابد و در بستر چنین فضایی، احساس امنیت در جامعه افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش موزوریانیت و سابیتیت (۲۰۱۳) هم‌سویی دارد. نتایج این پژوهش حاکی از این است که ابعاد هوشمند با فراهم‌نمودن زمینه‌ها و بسترهای تسهیل‌رسان زندگی افراد جامعه، حفظ سلامت و حفاظت از محیط زیست و سامانه‌های هوشمندسازی خانه‌ها و ساختمان‌ها، بالا بردن کیفیت زندگی از نظر خدمات و امکانات، انسجام و به‌هم‌پیوستگی اجتماعی را موجب می‌گردد که از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. همچنین، نتایج این پژوهش با یافته‌های میجر (۲۰۱۳)، سینکاین و مکاران (۲۰۱۴)، هابیتات (۲۰۱۵) و مشهدی و همکاران (۲۰۲۱) هماهنگی دارد. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین ساختارهای اجتماعی و فناوری‌های جدید هم‌افزایی وجود دارد و در واقع، فناوری‌های جدید، ساختارهای اجتماعی را - که یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی است - ارتقا می‌دهند. همچنین، ابعاد

شهر هوشمند از طریق نوآوری، هوش، خلاقیت و یادگیری، مدیریت منابع مختلف محلی، حکمروایی مشارکتی و یکپارچگی در توسعه شهری را ارتقا می‌دهد و بدین ترتیب، با تقویت مشارکت اجتماعی، احساس امنیت افزایش می‌یابد.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت تأثیری مستقیم دارد. نتایج حاکی است که بُعد شناختی سرمایه اجتماعی، میزان اشتراک‌های کاربران درون یک شبکه اجتماعی و اشتراکات مظاهر، تفسیرها و معانی مشترک بین افراد و گروه‌های اجتماعی جامعه و همچنین، اعتماد بین فردی و اجتماعی افراد، نقش آفرینی، تعاملات و روابط اجتماعی آنان را بهبود بخشیده و در نتیجه، احساس امنیت در بین افراد جامعه را توسعه می‌دهد. این یافته با مطالعات ویو (۲۰۲۰) هماهنگی دارد؛ که نشان داد ابعاد سرمایه اجتماعی می‌تواند طیف وسیعی از پدیده‌های اجتماعی مانند رشد اقتصادی، کیفیت حکمرانی و دولت، سلامتی و رفاه مردم را تبیین نماید و بنابراین، با حصول این شرایط جرم و ناامنی کاهش می‌یابد. همچنین، با نتایج تحقیق کرامت‌الله زیاری و همکاران (۱۴۰۱) که حاکی از استقرار پایه و اساس فعالیت‌های جمعی ناشی از سرمایه اجتماعی است، هم‌سویی دارد. همچنین، با نتایج تحقیق مسنر، روزنفلد و بامر (۲۰۰۴) و اوزبای (۲۰۰۸) هم‌سویی دارد. در واقع، ابعاد سرمایه اجتماعی از طریق تأثیر بر کاهش جرم و جنایت و پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان، احساس امنیت در جامعه را تقویت می‌نماید.

نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش نیز نشان می‌دهد که ابعاد شهر هوشمند از طریق ابعاد سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت تأثیری مستقیم و معنادار دارد؛ بنابراین، از یک سو، ابعاد شهر هوشمند از طریق توسعه شاخص‌هایی مانند توسعه مشارکت در تحقق تصمیم‌گیری و توسعه زندگی عموم مردم، توسعه امکانات فرهنگی، آموزشی و ارتقای همبستگی اجتماعی، زمینه‌های بروز ناهنجاری و بزه‌کاری را به شدت کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، با تأثیرگذاری مستقیم بر سرمایه اجتماعی از طریق توسعه شاخص‌هایی مانند توسعه مشارکت عمومی، توسعه خدمات عمومی و اجتماعی، شفافیت در حکمرانی

مدیران و مسئولان شهری - که از شاخص‌های زیر مولفه ابعاد شهر هوشمند هستند - موجب می‌گردد که نه تنها اعتماد و مشارکت ناشی از سرمایه اجتماعی افزایش یابد، بلکه در یک هم‌آوری و هم‌افزایی از طریق سرمایه اجتماعی، زمینه‌های بروز ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یافته و احساس امنیت در جامعه افزایش یابد؛ بنابراین، یافته‌های این پژوهش نیز با نتایج مطالعات پیشین هماهنگی دارد. این نتایج با یافته‌های درویشی (۱۳۹۸)، درویشی (۱۳۹۹)، سامسون و همکاران (۱۹۹۹)، کوچل و نوری (۲۰۲۱)، جینگ و همکاران (۲۰۲۱) و هان (۲۰۲۱) هماهنگی دارد. در این تحقیق مشخص گردید که ابعاد شهر هوشمند بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد و از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی نیز بر احساس امنیت موثر است؛ بنابراین، با استقرار و تقویت ابعاد شهر هوشمند، زمینه توسعه سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود و با تقویت سرمایه اجتماعی، احساس امنیت در همه ابعاد شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت اخلاقی، امنیت فرهنگی و امنیت حقوقی ارتقا می‌یابد و در واقع، با تقویت ابعاد شهر هوشمند، یک هم‌افزایی را در کاهش جرم‌وجنایت و افزایش احساس امنیت در جامعه می‌توان پیش‌بینی و تبیین نمود. براین اساس، سرمایه اجتماعی ارتقایافته در محیط شهر هوشمند می‌تواند احساس امنیت اجتماعی را تقویت نماید.

یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر، تحلیل روابط هم‌زمان دو متغیر شهر هوشمند و سرمایه اجتماعی با احساس امنیت بود. با توجه به اینکه تاکنون هیچ پژوهشی درباره نقش واسطه و میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه بین ابعاد شهر هوشمند با احساس امنیت، صورت نگرفته بود، نمی‌توان به صورت مستقیم به هماهنگی و ناهماهنگی یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگر اشاره نموده و آنها را مورد مقایسه قرار داد؛ اما با ملاحظه نتایج تحقیقات گذشته به صورت منفرد با نتایج این تحقیق می‌توان هماهنگی و هم‌سویی نتایج این تحقیق با تحقیقات پیشین را تبیین نمود. به‌طور کلی، می‌توان گفت که هرچند استقرار شهر هوشمند به صورت کامل و با شاخص‌های گفته‌شده در کشور انجام پذیرفته است، اما شاخص‌های شناسایی‌شده در ابعاد شهر

هوشمند در تحقیقات پیشین و به‌ویژه تحقیقات خارجی نشان می‌دهد که با توسعه فناوری و اهتمام دولت به توسعه دولت الکترونیک و دولت هوشمند، زمینه برای استقرار و توسعه شهر هوشمند در کشور فراهم می‌شود؛ بنابراین، با استقرار و توسعه شهر هوشمند، شفافیت، مشارکت و خدمات عمومی و اجتماعی، توسعه خلاقیت و یادگیری مستمر در افراد جامعه، بهره‌وری و کارآفرینی و انعطاف‌پذیری بازار کسب‌وکار، توسعه امکانات فرهنگی و آموزشی، مدیریت صحیح منابع پایدار و در دسترس بودن فناوری اطلاعات در جامعه، شرایط برای توسعه هم‌بستگی، مشارکت و انسجام اجتماعی و همچنین، کاهش ناامنی و توسعه احساس امنیت در جامعه فراهم گردیده و آرامش عمومی در جامعه ارتقا می‌یابد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که مسئولان امر در جامعه با توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و با تغییر نگرش نسبت به بهره‌گیری از فناوری اطلاعات با رویکرد جامع و سیستمی، استقرار و توسعه ابعاد شش‌گانه شناسایی‌شده شهر هوشمند در این مطالعه را با جدیت پیگیری نمایند و در راستای استقرار دولت هوشمند، تمام مولفه‌های شهر هوشمند شامل اقتصاد هوشمند، افراد هوشمند، حکمرانی هوشمند، تحرک هوشمند، محیط هوشمند، زندگی هوشمند را در برنامه‌های راهبردی و توسعه‌ای در سطح کلان قرار دهند تا زمینه‌های مشارکت عمومی و توسعه سرمایه اجتماعی و افزایش احساس امنیت در کشور را رقم بزنند.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- افشانی، سیدعلیرضا، فرقانی، مهناز (۱۳۹۵). تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۸(۲)، ۱۷۳-۱۹۹.
- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. (چاپ‌نشده).
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها، ترس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمد، احمد، زیاری، کرامت‌الله، حاتمی‌نژاد، حسین و پارسا پشاه‌آبادی، شهرام (۱۳۹۷). تبیین مفهوم و ویژگی‌های شهر هوشمند، فصلنامه باغ نظر، ۱۵(۵۸)، ۵-۲۶.
- درویشی، صیاد (۱۳۹۸). نقش میانجی سرمایه اجتماعی در تأثیر عدالت سازمانی و حمایت سازمانی پلیس در پیشگیری از جرم (مطالعه موردی: کلانتری‌های انتظامی استان قم). فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، ۶(۲)، ۱۹۷-۲۱۸.
- درویشی، صیاد (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت خدمات پلیس هوشمند بر مشارکت شهروندان در پیشگیری از توزیع مواد مخدر، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، ۷(۴)، ۵۰۷-۵۳۴.
- زیاری، کرامت‌الله، رجایی، سید عباس، احمد پور، احمد، بیگدلی، نورالله (۱۴۰۱). الگوی امنیت اجتماعی در شهرهای قومیتی (مطالعه موردی: شهر رامهرمز). فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱۴(۱)، ۳۱-۶۶.
- کرامتی، مهدی (۱۳۸۵). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان کشور، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۲(۶)، ۸۱-۹۶.
- کردزنگنه، جعفر، محمدیان، هاشم، سهرابی سمیره، شهلا (۱۳۹۵). بررسی میزان احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر در آن (مطالعه موردی زنان سرپرست

خانوار تحت پوشش اداره کل بهزیستی شهرستان رامهرمز). فصلنامه
شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۸(۷)، ۱۰۹-۱۳۰.
- گروسی، سعیده، میرزایی، جلال، شاهرخی، احسان(۱۳۸۶). بررسی رابطه
اعتماد اجتماعی و احساس امنیت، مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه
آزاد واحد جیرفت، فصلنامه دانش انتظامی، ۹(۲)، ۲۶-۳۹.

منابع انگلیسی

- Abdullah, A., Marzbali, M. H., Bahauddin, A., & Tilaki, M. J. M.(2015). Broken windows and collective efficacy: Do they affect fear of crime? SAGE Open, 5(1), 1-11.
- Anthopoulos, L.(2019). Smart city emergence: Cases from around the world. Elsevier.
- Ben-Hador, B., Eckhaus, E., & Klein, G.(2021). "Personal Social Capital in Organizations: A New Scale to Assess Internal and External Personal Social Capital in Organizations", Social Indicators Research, pp. 1-23.
- Bouzguenda, I., Alalouch, C., & Fava, N.(2019). Towards smart sustainable cities: A review of the role digital citizen participation could play in advancing social sustainability. Sustainable Cities and Society, 50, Article 101627.
- Butorac, K., Mraović, I. C., & Žebec, M. S.(2018). Fear of victimisation in relation to the key community policing components. Public Security and Public Order, 20, 43-54.
- Bolino, M. C., Turnley, W. H., & Bloodgood, J. M.(2002). "Citizenship behavior and the creation of social capital in organizations", Academy of management review, 27(4), pp. 505-522.
- Brunton-Smith, I., & Sturgis, P.(2011). Do neighborhoods generate fear of crime? An empirical test using the British Crime Survey. Criminology, 49(2), 331-369.
- Brunton-Smith, I., Jackson, J., & Sutherland, A.(2014). Bridging structure and perception: On the neighbourhood ecology of beliefs and worries about violent crime. The British Journal of Criminology, 54(4), 503-526.
- Camero, A., & Alba, E.(2019). Smart city and information technology: A review. Cities, 93, 84-94(London, England).

- Chawla, Y., & Chodak, G.(2021). Social media marketing for businesses: Organic promotions of web-links on Facebook. *Journal of Business Research*, 135, 49-65. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.06.020>
- Chen, W., Wang, Y., Ren, Y., Yan, H., & Shen, C.(2022). A novel methodology(WM-TCM) for urban health examination: A case study of Wuhan in China. *Ecological Indicators*, 136, 108602.
- Cheng, C. Y., Chien, M. S., & Lee, C. C.(2020). ICT diffusion, financial development, and economic growth: An international cross-country analysis. *Economic Modelling*.
- Coleman, J. S.(1988). Social capital in the creation of human capital. *The American Journal of Sociology*, 94(1), 95–120. <https://doi.org/10.1086/228943>
- Deloitte,(2018). Super smart city: Happier society with higher quality.
- Echebarria, C., Barrutia, J. M., & Aguado-Moralejo, I.(2021). The smart city journey: A systematic review and future research agenda. *Innovation:: Sustainable Cities and Society* 80(2022) 10379114
- Elgar, F. J., Davis, C. G., Wohl, M. J., Trites, S. J., Zelenski, J. M., & Martin, M. S.(2011). Social capital, health and life satisfaction in 50 countries. *Health & Place*, 17(5), 1044-1053.
- Elmaghraby, A. S.(2013, March). Security and privacy in the smart city. In 6th Ajman International Urban Planning Conference AIUPC(Vol. 6, pp. 1-9).
- Gibson, C. L., Zhao, J., Lovrich, N. P., & Gaffney, M. J.(2002). Social integration individual perceptions of collective efficacy, and fear of crime in three cities. *Justice Quarterly*, 19(3), 537–564.
- Gill, C., Weisburd, D., Telep, C. W., Vitter, Z., & Bennett, T.(2014). Community-oriented policing to reduce crime, disorder and fear and increase satisfaction and legitimacy among citizens: a systematic review. *Journal of Experimental Criminology*, 10(4), 399–428.
- Hardyns, W., Pauwels, L. J. R., & Heylen, B.(2018). Within-individual change in social support, perceived collective efficacy, perceived disorder and fear of crime: results from a

- two-wave panel study. *The British Journal of Criminology*, 58(5), 1254–1270.
- Habitat III.(2015). SMART CITIES. United Nations. Conference on Housing and Sustainable Urban Development.
 - Han, S.(2021). Compositional and contextual associations of social capital and fear of crime. *Deviant Behavior*, 42(6), 718-732.
 - Harrison, C., & Donnelly, I. A.(2011). A Theory of Smart Cities(pp. 2–7). IBM Corporation. Hawaii International Conference on System Sciences: 2289- 2297.
 - Hennekam, S., McKenna, S., Richardson, J., & Ananthram, S.(2019). “Perceptions of demotion decisions: A social capital perspective”, *European Management Journal*, 37(6), pp. 730-741.
 - Hough, M.(2017). The discovery of fear of crime in the U.K. In: M. Lee, and G. Mythen, eds. *The Routledge international handbook on fear of crime*. Routledge, 35–46.
 - Ibrahim, M., El-Zaart, A., & Adams, C.(2018). Smart sustainable cities roadmap:Readiness for transformation towards urban sustainability. *Sustainable Cities and Society*, 37, 530–540.
 - Iivari, N., Sharma, S., & Vent`a-Olkkonen, L.(2020). Digital transformation of everyday life – How COVID-19 pandemic transformed the basic education of the young generation and why information management research should care? *International Journal of Information Management*, 55, Article 102183.
 - Jaladriyanta, S.(2020). Polri Menuju Smart Police. *Jurnal Ilmu Kepolisian*, 14(2), 12.
 - Jing, F., Liu, L., Zhou, S., & Feng, J.(2021). How does crime-specific victimization impact fear of crime in urban China? The role of neighborhood characteristics *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*.
 - Karadag, t.(2013). An Evaluation of the Smart City Approach.(Master thesis). Middle East Technical University.
 - Kawachi, I. & Berkman, L. F.(2001). Social ties and mental health. *Journal of Urban Health*, 78(3), 458–467.

- Kazanci, G.(2022).(Re) Considering Smart City Approach in Smart Economy Perspective: Evaluation of Konya Case. *Kent Akademisi*, 15(1), 277-297.
- Kırımtat, A., Krejcar, O., Kertesz, A., & Tasgetiren, M. F.(2020). Future trends and current state of smart city concepts: A survey. *IEEE Access*, 8, 86448-86467.
- Kochel, T. R. & Nouri, S.(2021). Drivers of perceived safety: Do they differ in contexts where violence and police saturation feel ‘normal’? *Journal of Crime and Justice*, 44(5), 515-534.
- Kourtit, K., & Nijkamp, P.(2012). Smart cities in the innovation age. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 25, 93–95.
- Lu, H. P., Chen, C. S., & Yu, H.(2019). Technology roadmap for building a smart city: An exploring study on methodology. *Future Generation Computer Systems*, 97, 727–742.
- Mashhadi, J., Memari, M., & Saki, A.(2021). A Review of Literature Perspective on the Role of Identity in English Language Learning. *Research in English Language Pedagogy*, 9(Special Issue of NTLL Conference), 102-120. Retrieved form: https://relp.isfahan.iau.ir/article_684610.html
- Manville, C., Cochrane, G., Cave, J., Millard, J., Pederson, J.K., Thaarup, R.K. et al.(2014). Mapping smart cities in the EU. Brussels.
- Meijer, A., & Bolivar, M. 2013. Governing the smart city: Scaling-up the search for sociotechno synergy. In 2013EGPA Conference Proceedings.
- Messner, S. F., Rosenfeld, R., & Baumer, E. P.(2004). Dimensions of social capital and rates of criminal homicide. *American Sociological Review*, 69(6), 882–903.
- Michalec, A., Hayes, E., & Longhurst, J.(2019). Building smart cities, the just way. A critical review of “smart” and “just” initiatives in Bristol, UK. *Sustainable Cities and Society*, 47, Article 101510.
- Mosannenzadeh, F. Vettorato. D.(2014). Defining smart city: A concepttual frame work based on key word analysis. *Journal of Land Use, Mobility and Environment*. ISSN 1970-9889, e-ISSN 1970-9870.

- Mozūriūnaitė, S., & Sabaitytė, J.(2021). To what extent we do understand smart cities and characteristics influencing city smartness. *Journal of Architecture and Urbanism*, 45(1), 1-8.
- Nakhaie, M. R., & Kazemipur, A.(2013). Social capital, employment and occupational status of the new immigrants in Canada. *Journal of International Migration and Integration*, 14(3), 419-437.
- Nahapiet, J. & Ghoshal, S.(1998). “Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage”, *Academy of management review*, 23(2), pp. 242-266.
- Nam, T., & Pardo, T. A.(2011). Conceptualizing smart city with dimensions of technology, people, and institutions. In *Proceedings of the 12th annual international digital government research conference: digital government innovation in challenging times*(pp. 282-291).
- Nevado-Pena, D., Lopez-Ruiz, V. R., & Alfaro-Navarro, J. L.(2019). Improving quality of life perception with ICT use and technological capacity in Europe. *Technological Forecasting and Social Change*, 148, 11.
- Özbay, Ö.(2008). Does social capital deter youth from cheating, alcohol use, and violence in Turkey?: Bringing torpil in. *Journal of criminal justice*, 36(5), 403-415.
- Piro, G., Cianci, I., Grieco, L. A., Boggia, G., & Camarda, P.(2014). Information centric services in smart cities. *Journal of Systems and Software*, 88, 169-188.
- Portes, A.(1998). Social capital: its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1-24.
- Putnam, R.(1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*. 6: 65-78.
- Putnam, R.(2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Ren, Y., Shen, L., Wei, X., Wang, J., & Cheng, G.(2021). A guiding index framework for examining urban carrying capacity. *Ecological Indicators*, 133, Article 108347.
- Ren, L., Zhao, J. S. & He, N. P.(2019). Broken windows theory and citizen engagement in crime prevention. *Justice Quarterly*, 36(1), 1-30.

- Rhodes, J., Lok, P., Hung, R. Y. Y., & Fang, S. C.(2008). “An integrative model of organizational learning and social capital on effective knowledge transfer and perceived organizational performance”, *Journal of workplace learning*, 20(4), pp. 245-158.
- Rountree, P. W., & Land, K. C.(1996). Perceived risk versus fear of crime: Empirical evidence of conceptually distinct reactions in survey data. *Social forces*, 74(4), 1353-۱۳۷۶
- Sampson, R. J., Morenoff, J. D., & Earls, F.(1999). Beyond social capital: spatial dynamics of collective efficacy for children. *American Sociological Review*, 64(5), 633–60.
- Schaffers, H.; Komminos, N.; Pallot, M.; Trousse, B.; Nilsson, M. and Oliveira, A.(2011). Smart Cities and the Future Internet: Towards Cooperation Frameworks for Open Innovation. In: J. Domingue et al.(Eds.): *Future Internet Assembly*, LNCS 6656, pp. 431–446.
- Sinkiene, J. Grumadaite, K. &Radzvickiene, L.L.(2014). Diversity of theoretical approaches to the concept of smart city.8th International Scientific Conference.
- Sharifi, A.(2020). A typology of smart city assessment tools and indicator sets. *Sustainable Cities and Society*, 53, Article 101936.
- Scarborough, B. K., Like-Haislip, T. Z., Novak, K. J., Lucas, W. L., & Alarid, L. F.(2010).Assessing the relationship between individual characteristics, neighborhood context,and fear of crime. *Journal of Criminal Justice*, 38(4), 819–826.
- Takagi, D., Ikeda, K. I., & Kawachi, I.(2012). Neighborhood social capital and crime victimization: Comparison of spatial regression analysis and hierarchical regression analysis. *Social science & medicine*, 75(10), 1895-1902.
- Vanolo, A.(2014). Smartmentality: The smart city as disciplinary strategy. *Urban studies*, 51(5), 883-898.
- Wu, W., Zhu, D., Liu, W., & Wu, C. H.(2020). Empirical research on smart city construction and public health under information and communications technology. *Socio-Economic Planning Sciences*, Article 100994.

- Wu, C.(2020). “Social capital and COVID-19: a multidimensional and multilevel approach”, Chinese Sociological Review, 53(1), pp. 27-54.
- Yuan, Y. & McNeeley, S.(2017). Social ties, collective efficacy, and crime-specific fear in Seattle neighborhoods. Victims & Offenders, 12(1), 90–112.
- Yigitcanlar, T., Kamruzzaman, M., Foth, M., Sabatini-Marques, J., da Costa, E., & Ioppolo, G.(2019). Can cities become smart without being sustainable? A systematic review of the literature. Sustainable Cities and Society, 45, 348–365.
- Zakzak, L.(2019). Citizen-centric smart city development: The case of smart Dubai’s “happiness agenda”. In Proceedings of the 20th annual international conference on digital government research(pp. 141–147). Association for Computing Machinery.
- Zhu, H., Shen, L., & Ren, Y.(2022). How can smart city shape a happier life? The mechanism for developing a Happiness Driven Smart City. Sustainable cities and society, 80, 103791.

The military doctrine of the future war

Mohsen Azizzadeh¹

Masoud Mohammadi Alasti²

Type of article: research article

Received: 17/05/2023

Accepted: 04/07/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*131-166



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101626

Abstract

Background and purpose: future wars are heavily influenced by fundamental changes in the global geostrategic and geopolitical space and the increasing role of political, cultural, social and economic factors among countries, and certainly, current human knowledge will influence the way future wars are formulated and implemented; Accordingly, the impact of technological developments on future wars must be evaluated with revolutionary and new methods; Therefore, the present study was written in order to explain the military doctrine of future wars.

Method: This research is fundamental in terms of type and has been carried out with a descriptive-analytical method, and it deals with predicting and analyzing the alternative structures of the future of the world and the ways to deal with them in the framework of a military doctrine.

Findings: In formulating the new doctrine, it is necessary to take full advantage of the developments that occur in information technology, military electronics, surveillance capabilities, and precise guidance, and the fact that today's military hardware such as planes, ships, and tanks are tons of space for Carrying precision-guided munitions, sensors and missiles are degraded.

Conclusion: According to the results of this research, the key to the future is integration, and the military doctrine should include a wide range of different forces and combine them in an effective set so that it can be used as a powerful strike force.

Keywords: military doctrine, future wars, information technology.

1. Doctoral student of political geography and geopolitics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author). m.azizzadeh@modares.ac.ir

2. Assistant Professor, Doctrine Research Department, Faculty of Management and Command, Higher National Defense University, Tehran, Iran, masood.alasti@yahoo.com

دکترین نظامی جنگ آینده

محسن عزیززاده^۱

مسعود محمدی الستی^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۲ (پیاپی ۲۸) - تابستان ۱۴۰۲* ۱۳۱-۱۶۶



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101626

چکیده

زمینه و هدف: جنگ‌های آینده به شدت تحت تأثیر تغییرات اساسی در فضای ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جهانی و نقش فزاینده عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در میان کشورها است و به طور حتم، دانش کنونی بشر بر نحوه تدوین و اجرای جنگ‌های آینده تأثیرگذار خواهد بود؛ بر این اساس، به ناچار تأثیر تحولات فناوری بر جنگ‌های آینده باید با روش‌های انقلابی و جدید مورد ارزیابی قرار گیرد؛ از این رو، پژوهش حاضر در پی تبیین دکترین نظامی جنگ‌های آینده به نگارش درآمده است.

روش: این پژوهش از لحاظ نوع، کاربردی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و به پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی می‌پردازد.

یافته‌ها: در تدوین دکترین جدید، می‌بایست از پیشرفت‌هایی که در فناوری اطلاعات، الکترونیک نظامی، قابلیت‌های نظارتی و هدایت دقیق اتفاق می‌افتد، به طور کامل بهره برد و این واقعیت نیز باید درک شود که سخت‌افزارهای نظامی امروزی مانند هواپیماها، کشتی‌ها و تانک‌ها تن‌ها به جایگاهی برای حمل مهمات هدایت‌شونده دقیق، حسگرها و موشک‌ها نزل یافته‌اند.

نتیجه: طبق نتایج این پژوهش، کلید آینده یکپارچگی است و دکترین نظامی باید طیف وسیعی از نیروهای مختلف را دربرگیرد و در یک مجموعه مؤثر به هم پیوند دهد تا بتواند به‌عنوان یک نیروی ضربتی توانا مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دکترین نظامی، جنگ‌های آینده، فناوری اطلاعات.

۱. دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.azizzadeh@modares.ac.ir

۲. استادیار گروه پژوهشی دکترین، دانشکده مدیریت و فرماندهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

masood.alasti@yahoo.com

مقدمه

وجود یک ملت به‌عنوان یک موجود مستقل در دنیای امروزی، تا حد زیادی به توانایی مردم آن برای دفاع از تمامیت و منافع خود در برابر تهدیدات گوناگون احتمالی در حال و آینده بستگی دارد. دفاع در برابر این تهدیدات برای دستیابی به اهداف در دنیای مدرن از اهمیت بالایی برخوردار است. با وجود تمدن، نژاد بشر قادر به اجتناب از جنگ نیست و جنگ‌ها تا زمان وجود انسان‌ها باقی خواهند ماند؛ بنابراین، مطالعه راه‌های اجتناب، تعقیب در صورت تحمیل، تداوم و حمایت از جنگ‌ها از امور ضروری یک ملت مدرن است.

اجتناب از جنگ و راه‌های انجام آن در حوزه دیپلماسی، سیاست خارجی و روابط خارجی است که با نام دکترین سیاسی کشور از آن یاد می‌شود. چگونگی حمایت و تداوم جنگ در حوزه دکترین اقتصادی قرار می‌گیرد که هدف اصلی آن، توسعه اقتصاد و حمایت از رشد کشور است. باین‌حال، باید به سمت ایجاد قابلیت‌ها و منابع برای حفظ دکترین‌های نظامی و سیاسی کشور نیز حرکت نمود. دکترین نظامی به شیوه‌های اجرای جنگ می‌پردازد. توانایی جمع‌آوری، پردازش و انتشار اطلاعات برای تصمیم‌گیری برای ورود به جنگ و ادامه آن ضروری است که از آن به دکترین اطلاعات تعبیر می‌شود. جنگ‌های مدرن حاوی یک تهدید پنهان در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) هستند و باید به این نکته نیز توجه ویژه داشت که فضا نقش مهمی را در جنگ‌های آینده ایفا می‌کند؛ بنابراین، تدوین دقیق دکترین جنگ‌های آینده امری ضروری تلقی می‌گردد. در جدول شماره ۱ در خصوص انواع دکترین توضیح داده شده‌است.

جدول ۱. انواع دکترین (دامنه‌ها و اهداف‌ها)

دکترین	دامنه (ها)	هدف (ها)
۱ دکترین سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> • روابط بین‌المللی - سیاست خارجی - دیپلماسی - سیاست 	<ul style="list-style-type: none"> • چگونه از جنگ اجتناب کنیم. • در صورت تحمیل، نحوه حمایت از جنگ چگونه است.
۲ دکترین نظامی	<ul style="list-style-type: none"> • ارتش: نیروی دریایی - نیروی هوایی - نیروی فضایی عملیات مشترک 	<ul style="list-style-type: none"> • چگونه بجنگیم.
۳ دکترین اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست اقتصادی - سیاست 	<ul style="list-style-type: none"> • چگونه از جنگ حمایت و آن را ادامه دهیم.

هدف(ها)	دامنه(ها)	دکترین	
	صنعتی	اقتصادی	
● نحوه جمع آوری، پردازش و انتشار اطلاعات برای تصمیم‌گیری به‌موقع چگونه است.	● سازمان‌های اطلاعاتی - آژانس‌های تحلیلی	دکترین اطلاعات	۴
● نحوه برخورد با سلاح‌های کشتار جمعی دشمن و استقرار سلاح‌های کشتار جمعی خودی.	● هسته ای، بیولوژیکی و شیمیایی ● استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای	دکترین سلاح‌های کشتار جمعی	۵
● نحوه پشتیبانی از (۱) - (۵) با ارائه اطلاعات در زمان واقعی به تحلیلگران.	● طرح‌های فضایی: ماهواره‌های ارتباطی، شناسایی و جاسوسی - راه‌اندازی وسایل پرتابگر	دکترین فضایی	۶

منبع: نویسندگان

نیروی‌های نظامی وظیفه دفاع از منابع، منافع و ارزش‌های حیاتی کشور را برعهده دارند و متناسب با میزان اثرگذاری آنها در ایجاد امنیت، می‌توانند در توان دفاعی کشور نقش‌آفرینی کنند. دفاع کارآمد و اثربخش و هدایت نیروها، مستلزم اقدامات، روش‌ها و فنون مقابله با تهدیدات است که در زمان جنگ و صلح با لحاظ نمودن اصولی اساسی با عنوان دکترین تدوین شده باشد. البته در شرایط پیچیده کنونی شناخت تهدیدات آینده موضوع بسیار مهمی است که به‌واسطه تداوم حیات هر یک از کنشگران، تأملی جدی را طلب می‌کند. برای هر کشوری، شناخت فضای آینده و برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های آن، امری بسیار مهم و بلکه حیاتی است و آشکار است که بی‌توجهی به تهدیدات راهبردی جنگ‌های آینده می‌تواند حذف بازیگر از سپهر سیاسی و تضعیف اساسی آن را به‌دنبال داشته باشد و همین امر، انجام پژوهش درخصوص وضعیت جنگ‌های آینده را پراهمیت می‌سازد.

این مسئله - یعنی پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی - همواره دغدغه اصلی و مستمر حکومت به‌خصوص فرماندهان نظامی بوده‌است؛ چراکه توجه به عوامل مؤثر، متغیرها، پیشران‌ها و عوامل کلیدی نقش مهمی را در بهره‌برداری از نتایج موفقیت‌آمیز جنگ‌ها برعهده دارند. دغدغه اصلی در شرایط متحول و پیچیده جهان کنونی این است که حکومت‌ها می‌بایست دکترین نظامی آینده خود را

قبل از وقوع جنگ و بحرانی شدن اوضاع، برآورد نموده و فرصتی ایجاد کنند تا به موقع و به دقت، موضع‌گیری خود را مشخص کرده و کشور را از پیامدهای نامناسب ضعف‌ها دور سازند.

در خصوص اهمیت نگارش تحقیق حاضر باید گفت که این پژوهش پیش‌نیاز تدوین دکترین‌ها، تهیه راهبردها، تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورکارهای موردنیاز در حوزه جنگ‌های آینده محسوب می‌شود و می‌تواند تصمیم‌گیری‌ها را در سطوح مختلف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی با اطمینان بیشتری همراه سازد.

از این رو، فراهم کردن بخشی از نیازهای نظری برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده، اصول و چارچوب مناسب و سازگار با شرایط موجود با توجه به مفاهیم دکترینی جنگ‌های آینده از دغدغه‌های تحقیق حاضر است.

دکترین در نیروهای مسلح، میثاق مشترک، باورها، ارزش‌ها و معیارهای مشترکی را فراهم می‌کند و هدایتگر سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی در جهت تحقق اهداف دفاعی-امنیتی است و به این ترتیب، کارآیی سازمان‌ها و هم‌افزایی میان آنان را افزایش می‌دهد. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند بستر مناسبی را برای تجدیدنظر در ساختارها، آمادگی‌ها، تجهیزات، آموزش‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها و به‌طور کلی، جهت‌گیری‌های راهبردی در حوزه جنگ‌های آینده فراهم نماید.

بدیهی است عدم‌انجام این تحقیق و عدم‌دسترسی به مفاهیم دکترینی جنگ‌های آینده که به‌عنوان راهنمای فعالیت‌ها در این حوزه قلمداد می‌شوند، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری را بر سازمان‌های نیروهای مسلح تحمیل خواهد کرد؛ چراکه دکترین به‌مثابه اصول حاکم بر فعالیت‌ها و ریل‌گذاری جهت حرکت رو به رشد سازمان‌ها، با کارکرد ایجاد توازن بین توانمندی‌ها و اهداف است و بر این اساس، نادیده گرفتن مجموعه نتایج و کارکردهای مثبت و ارزش‌آفرینی علمی و عملی آن، موجب فقدان فرهنگ نظامی غالب و حاکم بر ساختار، سازمان، آموزش، الگوی تسلیحات و... در نیروهای مسلح می‌شود؛ تا جایی که ممکن است نیروها از اهداف تعیین‌شده در راستای وظایف ذاتی و مأموریت‌های ابلاغی خود دچار انحراف شوند. منحرف شوند. در مجموع، می‌توان

گفت که دکترین جنگ‌های آینده کمک می‌کند تا از حذف بازیگر از سپهر سیاسی و تضعیف اساسی آن جلوگیری شود.

بر این اساس، می‌توان گفت که هدف تحقیق حاضر، پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی است و در پی پاسخ به این سوال اساسی است که پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی چیست؟

این تحقیق از لحاظ نوع، بنیادی است و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی و مصاحبه صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، شامل صاحب‌نظران و خبرگان نظامی و غیرنظامی و استادان برجسته کشور در حوزه‌های روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، دفاعی-امنیتی و اقتصاد سیاسی است که دارای مدارک علمی دکتری و کارشناسی ارشد بوده و حداقل دو مقاله تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش را به نگارش درآورده‌اند.

پیشینه

محمد دانش‌آشتیانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "اصول و روش تدوین دکترین نظامی" به بررسی اصول و روش تدوین دکترین نظامی پرداخته و نتیجه گرفته است که دکترین به‌لحاظ ماهیتی از جنس اندیشه و تفکر است و در تفکر و جهان‌بینی و قالب‌های ذهنی افراد ریشه دارد و معمولاً به صورت نظریه اعلان می‌شود. به عقیده وی، دکترین را می‌توان به دو نوع فردی و سازمانی تقسیم‌بندی کرد. افراد اعم از رهبران، فرماندهان نظامی، مدیران یا کارکنان سازمان‌ها در هر سطحی معمولاً برای تصمیم‌گیری، اجرای مأموریت و انجام امور، دارای دکترین خاص خود می‌باشند. در این تحقیق، دکترین نظامی یا دکترین سازمانی و رسمی نیروهای مسلح به سه نوع نیرویی، مشترک و مرکب تقسیم می‌شود و دارای سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است.

محمدحسین قنبری چهارمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "طراحی دکترین بازدارندگی همه‌جانبه ج.ا.ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور" به بررسی دکترین بازدارندگی در افق بیست‌پر داخته است و هدف اصلی تحقیق وی، طراحی دکترین بازدارندگی همه‌جانبه ج.ا.ایران و تشخیص چگونگی جلوگیری از وقوع جنگ است. طبق این تحقیق، قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بهره‌برداری حداکثری از رهبری هوشمندانه، دکترین و راهبردهای مناسب، مزیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران، حفظ و نگهداری نیروهای مسلح قدرتمند، نفوذ منطقه‌ای در فضای حیاتی دشمنان، عزم و اراده ملی و توان بسیج عمومی مردم، بهره‌گیری از قدرت نرم و تکیه بر افکار عمومی ملل مسلمین و انقلابی در تمامی جهان، در اختیار گرفتن سلاح‌های متعارف مدرن به‌خصوص سلاح موشکی بالستیک و بهره‌گیری از توان جنگ الکترونیک و سایبری و... است. همچنین، سازمان‌دهی یک نیروی نظامی قوی در قالب نیروی واکنش سریع دفاعی که بتواند در مقابل تهدیدات جنگ مدرن در کوتاه‌مدت واکنش مناسب نشان دهد و با استقرار در مناطق حساس و حیاتی کشور، قسمتی از نیازها و قدرت بازدارندگی را شکل دهد، از ضروریات شمرده می‌شود.

مرادپیری و خضرای (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده" به بررسی مراحل فعالیت‌های نظامی و اطلاعاتی، در عرصه‌های مختلف محیط جنگ آینده، در زمین، هوا، فضا، دریا و فضای سایبری، در بستر نگرش اطلاعاتی و باور به ضرورت رعایت اصول و تمهیدات امنیتی پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، تبیین نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده و کارکردهای آنها می‌باشد و نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین به‌صورت یک سلاح جدید، یک منبع انرژی جدید یا یک وسیله ارتباطی جدید، با اصلاح دکترین، سازمان و استراتژی نظامی، جنگ‌های آینده را دچار تحولات جدی خواهند ساخت.

آقابالا زاده و شریفان (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان "رهبری عملیات در جنگ‌های آینده: دکترین فرماندهی مأموریت‌محور" نیز رویکردی نوین را در مواجهه با تهدیدات پسامدرن به بحث گذاشته‌اند.

مبانی نظری

مفاهیم و واژگان کلیدی

دکترین: در فرهنگ دفاعی-امنیتی، دکترین به معنی نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری است که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کاربردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد. دکترین به دو سطح عمده ملی و نظامی تفکیک می‌شود که سطح نظامی، به سطوح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی قابل تقسیم است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

دکترین دفاعی: دکترین دفاعی، مرجع و مأخذ دکترین‌های نظامی است و شاکله آن، نمایش قدرت ملی و نظامی، ایجاد توان پاسخ‌دهی به تهدیدات و آمادگی تداوم نبرد در گستره جغرافیایی کشور هستند. در این سطح از دکترین، نیروهای مسلح به عنوان محور قرار گرفته و سایر دستگاه‌های کشوری یا مؤلفه‌های قدرت ملی هم به نوعی در آن دخیل و تأثیرگذار بوده و از آن حمایت می‌کنند و ظرفیت‌های موردنیاز خود را برای تقویت بنیه دفاعی در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌دهند (دانش‌آشتیانی، ۱۳۸۳: ۴۲).

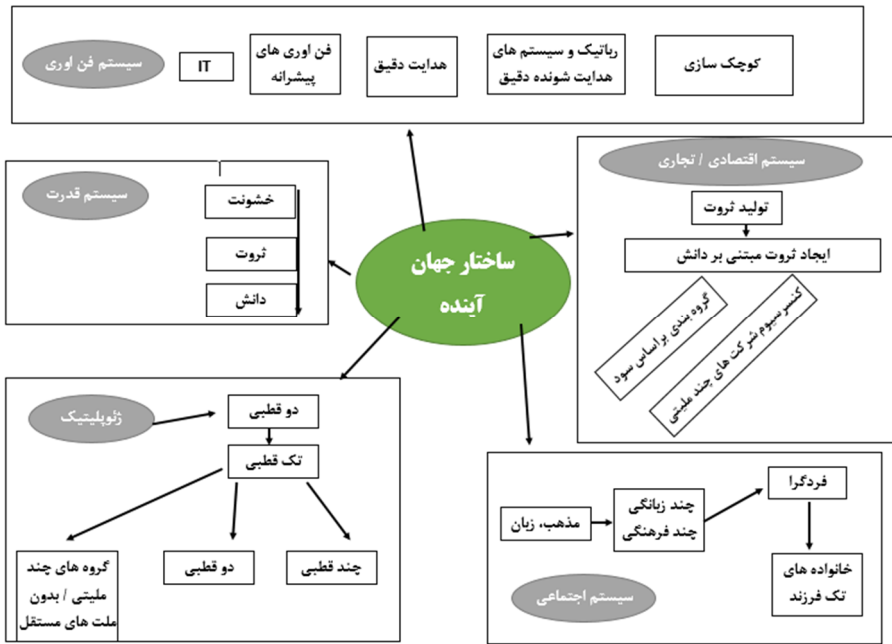
دکترین نظامی: دکترین نظامی عبارت است از اصول اساسی و خط‌مشی کلی که نیروهای نظامی اقدامات خود را در پشتیبانی از اهداف ملی بر مبنای آن هدایت می‌کنند. دکترین نظامی یعنی در زمان صلح هر کشوری بداند که در مواقع بروز حوادث نظامی و جنگی چه وظیفه‌ای برعهده داشته و طرح آن چیست (قنبری جهرمی، ۱۳۹۶: ۷).

سطوح دکترین: دکترین در بخش نظامی به سه سطح تقسیم می‌گردد: راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی (قنبری جهرمی، ۱۳۸۶: ۴).

جنگ آینده: جنگ آینده جنگی شناخت‌محور و فن‌آور پایه است که از طریق هم‌افزایی قابلیت‌های دفاعی-امنیتی و اشراف اطلاعاتی در صحنه‌های سیال جغرافیایی و شبکه‌ای به صورت ناهم‌تراز و ائتلافی انجام می‌گردد. این جنگ نوعی عملیات تأثیرمحور و غافلگیرکننده است که با مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ و استفاده حداقلی از نیروی زمینی با به‌کارگیری گروه‌های فراملی و فروملی به منظور شکست راهبردی دشمن و نابودی زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی اجرا می‌شود (باقری، ۱۳۹۳: ۳۰).

جهان پس از ۲۰۲۲

روشن است که آینده قابل درک نیست اما به گفته آلوین تافلر^۱، بهتر است که یک نقشه کلی و ناقص (از آینده) برای اصلاح داشته باشیم تا اینکه هیچ نقشه‌ای نداشته باشیم (تافلر، ۱۳۷۷، ۶۳)؛ چراکه تازمانی که این تمرین انجام نشود، راه‌های مقابله با تهدیدات نامشخص و ناشناخته آتی قابل طرح یا برنامه‌ریزی نخواهد بود. در واقع، سرعت تغییر در این جهان به قدری گیج‌کننده است که هر تلاشی برای پیش‌بینی ساختار جهان آینده باید با کمی تعلل انجام شود. با این حال، می‌توان با تخیل و تحلیل موقعیت‌های فعلی، روندهای کلی را رمزگشایی کرد. بر این اساس، شناسایی شاخص‌های اساسی که باید برای پیش‌بینی ساختارهای جهان آینده مورد مطالعه قرار گیرند، یک پیش‌نیاز اساسی است. ساختارهای اساسی که جهان آینده را شکل خواهند داد، سامانه‌های قدرت، فناوری، ژئوپلیتیک، اجتماعی و تجاری/اقتصادی هستند که در شکل شماره ۱ به آنها پرداخته شده است. هرچند باید تأکید کرد که اینها نظام‌های مستقل محسوب نمی‌شوند بلکه روش‌هایی برای نگرستن به روندهای جهانی به شمار می‌آیند. پیوندهای متقابلی بین این سامانه‌ها وجود دارد که بر هر یک از آنها در ابعاد مختلف تأثیر می‌گذارد.



شکل ۱. ساختار جهان آینده

(منبع: نویسندگان)

سیستم قدرت

یک نکته بسیار مهم در خصوص جهان آن است که جهان به هیچ وجه جبرگرا نیست؛ همان طور که علم در طول چند قرن اخیر به این امر معترف شده است. ترتیب، پیش بینی و برآورد روابط علت و معلولی بین رویدادها و شرایط مختلف در این جهان امکان پذیر نیست؛ با این حال، جهان کاملاً تصادفی نیست و اغلب اوقات، پیش بینی بر اساس رویدادهای گذشته امکان پذیر است. این واقعیت که جهان نه کاملاً تصادفی و نه کاملاً قطعی است، امکان استفاده از قدرت را برای تغییر وقایع رخ داده در جهان ایجاد می کند. این توانایی در تغییر وقایع، انگیزه لازم را به افراد، ملت ها و گروهی از ملت ها می دهد تا به دنبال قدرت بیشتری باشند؛ بنابراین، قدرت هر دو - آشوب و نظم - را با هم ترکیب می کند و یک جامعه باید تلاش کند تا به ترکیبی عاقلانه از این دو پدیده متنوع دست یابد. فرد یا ملتی که این دو متضاد را کنترل می کند تا منافع خود

را به حداکثر برساند، نسبت به کسی که به سمت هر یک از این قطب‌های متمایز متمایل شده‌است، از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود. براین اساس، مهم‌ترین، مطمئن‌ترین و منعطف‌ترین راه کسب قدرت از طریق دانش است. خشونت و ثروت به‌عنوان ابزار اعمال کنترل، پیش از این، محدودیت‌های خود را ثابت کرده‌اند. کنترل خشونت و ثروت با دانش کافی امکان‌پذیر است و مهم‌ترین عاملی که در حال حاضر مشخصه سامانه‌های قدرت جهان است، توانایی کسب، پردازش و به‌کارگیری دانش است و این تغییر در سیستم قدرت جهان از خشونت و ثروت به دانش را می‌توان به‌راحتی در بسیاری از جنبه‌های زندگی مشاهده کرد (تافلر، ۲۰۲۲: ۷۹). این روند در جنگ نیز قابل مشاهده است که طبیعتاً یک فعالیت خشونت‌آمیز است و به استفاده از خشونت به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت مربوط می‌شود؛ با این حال، در این فعالیت عمدتاً خشونت‌آمیز، دانش درباره دشمن به یک عامل تقریباً تعیین‌کننده تبدیل شده‌است؛ بنابراین، سیستم قدرت فعلی و آینده بیش از آنکه همچون گذشته، بر ثروت و خشونت متکی باشد، مبتنی بر دانش است.

سامانه‌های فناورانه

تغییر در سیستم‌های قدرت از ثروت و خشونت به یک سیستم قدرت مبتنی بر دانش به‌دلیل تغییرات انقلابی در فناوری اطلاعات رخ داده‌است. جهان با سرعتی سریع در حال حرکت است و سرعت در تمام تلاش‌های فعالیت‌های انسانی تبدیل به کلمه‌ای پرطرفدار شده‌است و این امر نیاز به جریان سریع اطلاعات را ایجاد می‌کند. نه تنها سرعت، بلکه در دسترس بودن اطلاعات در هر زمان برای مردم مورد نیاز است. توانایی داشتن اطلاعات در همه جنبه‌های زندگی تفاوت عمده‌ای در دستیابی به موفقیت در دنیای امروز پر از رقابت ایجاد می‌کند و این امر در حال حاضر، به‌دلیل پیشرفت‌های بزرگ در فناوری اطلاعات امکان‌پذیر است. "موج سوم" که بلوک‌های اصلی آن اطلاعات و دانش است، اکنون فناوری اطلاعات را در دو جهت اصلی هدایت کرده‌است: ۱. افزایش مداوم توانایی ماشین‌ها؛ یعنی کامپیوترهای قدرتمند از نظر پردازش، حافظه، نمایشگر و ذخیره‌سازی دیسک و ۲. توانایی برقراری ارتباط بر روی پرتوهای

الکترونی یا نوری؛ یعنی ارتباطات رایانه‌ای (فضای مجازی) است که به نیاز اساسی جامعه ما تبدیل شده است (هال^۱، ۲۰۱۳).

بزرگراه‌های اطلاعاتی قابلیت قابل توجهی برای به دست آوردن اطلاعات در زمان واقعی ایجاد کرده‌اند و این قابلیت روز به روز در حال افزایش است. آینده شبکه‌های رایانه‌ای در یک شبکه "هوشمند" نهفته است که از آنچه انجام می‌دهد، "آگاه" است؛ شبکه‌ای که می‌داند چه چیزی ارسال و دریافت می‌کند و به طور مداوم بر عملکرد خود نظارت می‌کند، خارج از محدوده فناوری امروزی نیست و آینده احتمالی است. توانایی شبکه‌های رایانه‌ای برای ارسال، مسیریابی، مسدود کردن، صف‌بندی و ارسال انتخابی، ارائه خدمات، قابل اعتماد است و کیفیت خوب (QoS) آن منجر به افزایش وابستگی به این سیستم‌ها می‌شود. هنگامی که این شبکه‌ها با پیشرفت‌های ایجاد شده در امنیت و کدگذاری پیام‌ها ترکیب می‌شوند، کاربرد نظامی آنها چندین برابر افزایش می‌یابد.

ارتباطات سلولی، شبکه محلی بی‌سیم (LAN) و سرویس‌های ماهواره‌ای، اتصال کامل به یک شبکه رایانه‌ای را برای کاربران متحرک فعال کرده‌اند. علاوه بر این، کاربران آینده تلفن همراه می‌توانند اطلاعات چند رسانه‌ای دیجیتالی را از طریق پیوندهای فرکانس رادیویی از یک شبکه ثابت دریافت کنند. همان‌طور که به راحتی قابل مشاهده است، کاربرد نظامی این سیستم محاسباتی سیار (MCS) بسیار زیاد است.

فناوری دیگری که بر جهان تأثیر می‌گذارد، هدایت‌های دقیق و روباتیک است. این فناوری دقت فزاینده‌ای در کنترل حرکت و سرعت اجسام فیزیکی را می‌دهد. این اشیاء ممکن است موشک، بمب، هواپیما، کشتی یا زیردریایی باشد. دقت فزاینده، دقت نقطه‌ای را برای اجسام فیزیکی در رسیدن به یک نقطه خاص فراهم می‌کند. مسئله اساسی در دستیابی به پیشرفت‌های بزرگ در IT و هدایت دقیق، افزایش سطوح کوچک‌سازی است. این فناوری‌ها با هم

ترکیب می‌شوند تا قابلیت عظیمی در نظارت و جمع‌آوری اطلاعات به ارمغان بیاورند.

یکی دیگر از زمینه‌هایی که پیشرفت‌های زیادی در عملکرد دارد، فناوری نیروی محرکه است. سیستم‌های رانش در حال ایجاد قابلیت‌های حمل‌ونقل سریع در هوا، روی زمین، دریا و زیر دریا هستند که در بردارنده پیامدهای عمده‌ای برای نیروهای نظامی در رابطه با حمل‌ونقل انبوه افراد و مواد در زمانی کوتاه هستند.

سامانه ژئوپلیتیک

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ثبات دوقطبی سال‌های جنگ سرد از بین رفته است. جهان تک‌قطبی برای کمتر از یک دهه به وجود آمد و در حال تغییر به سمت یک جهان چندقطبی است. آنچه اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده به‌عنوان دو ابرقدرت متوازن به دست آوردند، جهانی با ثبات بود که در آن ممکن بود تعداد درگیری‌ها زیاد باشد اما جنگ‌های در مقیاس بزرگ، در آن کمتر بود. با این حال، الحاق کویت به عراق در سال ۱۹۹۰ خطرات احتمالی دنیایی را نشان داد که نیروهای متعادل‌کننده ابرقدرت‌ها در آن از بین رفته‌اند. ایالات متحده کنترل وضعیت ژئواستراتژیک را برعهده گرفت. آزادی کویت از عراق به نفع آمریکا بود. جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ نقطه عطفی در تاریخ جنگ‌ها بود که دکترین جنگ فرسایشی قرن‌های گذشته را با دکترین نظامی جدید دستیابی به حملات سریع علیه دشمن با سلاح‌ها، حسگرها و موشک‌های با فناوری پیشرفته ترکیب کرد. درحقیقت، جنگ خلیج فارس توانایی همه‌جانبه ایالات متحده را به اثبات رساند و معاملات تجاری بسیاری را برای صنعت تسلیحات ایالات متحده به دست آورد. با این حال، به دیگر قدرت‌های جهانی نشان داد که ساختارها و سازمان‌های نظامی آنها بر اساس دکترین‌های قدیمی نمی‌توانند با جنگ فناوری جدید رقابت کنند و این امر منجر به افزایش دستیابی به تسلیحات با فناوری پیشرفته توسط سایر مراکز قدرت در جهان شد.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که جهان به سمت دنیای چندقطبی در حال حرکت است. همکاری احتمالی چین و روسیه به عنوان جبهه‌ای علیه آمریکا منجر به تقویت چین خواهد شد و احتمالاً تا ۲۰ سال آینده، چین به عنوان یک مرکز قدرت برای به چالش کشیدن ایالات متحده - قطبی در جهان پنج قطبی متشکل از ایالات متحده، جامعه اروپایی، ژاپن، چین و روسیه - در نظر گرفته خواهد شد. ممکن است بازیکنان با این پنج بازیکن متفاوت باشند؛ به عنوان مثال، ممکن است روسیه به دلیل شکست سامانه‌های اقتصادی و اجتماعی خود، بسیار از سایرین عقب بماند و در صورت بهره‌برداری کامل از توانایی‌های اقتصادی، فناوری و اجتماعی مردم هند، ممکن است هند به عنوان یک قطب قدرت قوی ظاهر شود. همچنین، ژاپن ممکن است به جای اینکه صرفاً به توانمندی‌های اقتصادی خود وابسته باشد، راه قدرت نظامی را در پیش بگیرد.

روشن است که دنیای کشورهای بزرگ یکپارچه به پایان رسیده است و هر ملتی برای حفظ و رشد به کشورهای دیگر نیاز دارد (دنیای شبکه‌ای) و کشورها تنها از طریق رشد متقابل مبتنی بر روابط هم‌زیستی می‌توانند توسعه یابند. جهان در حال رهایی از شکاف‌های مرزهای ملی است. در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر اساس موقعیت‌های جغرافیایی، الزامات اقتصادی یا تعهدات اجتماعی است که کشورها شروع به یافتن مزایای بیشتری می‌کنند. قطب‌ها یا مراکز قدرت آینده جهان ممکن است گروهی از ملت‌ها باشند که به عنوان کنفدراسیون‌های اقتصادی، نظامی یا جغرافیایی در برابر گروه‌های دیگر از این قبیل یا کشورهای قدرتمند بزرگ منفرد مانند ایالات متحده یا چین سازماندهی شده‌اند.

مسائل اساسی که روابط بین بسیاری از قطب‌های جهان چندقطبی را شکل می‌دهد، رقابت برای ذخایر نفت، همکاری یا رقابت در تعداد فزاینده درگیری‌های جهان سوم، ترس‌های ناشی از افزایش قدرت چین و همکاری احتمالی آن با روسیه است و اتحاد گاه و بیگاه غرب (آمریکا و اروپا) در مواجهه

با تهدیدهای مختلف درک‌شده (مارکیز^۱، ۲۰۱۱: ۵۶) است. تجزیه امپراتوری‌های قدرتمند به واحدهای کوچک‌تر قابل مدیریت در سامانه‌های اجتماعی در حال تکامل جهان نیز قابل مشاهده است.

سامانه اجتماعی

در جهان غرب، خانواده‌های انفرادی جایگزین خانواده‌های بزرگ شده‌اند؛ خانواده‌هایی که در ابتدا به یکدیگر متصل بودند اما اکنون خود را به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شده‌اند. در واقع، جهان در حال تغییر به سمت واحدهای فردی است. اهمیتی که هر فردی برای خود جستجو می‌کند، آنقدر زیاد است که فرد احساس می‌کند مجبور به ترک سیستم مشترک خانواده است. این نیاز لزوماً جستجوی هویت برای فرد نیست بلکه حاکی از اهمیت استقلال اقتصادی است.

روند قابل مشاهده دیگر، ظهور طبقه متوسط به‌عنوان تأثیری قدرتمند بر ساختارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورها است. این امر منجر به بازارهای روبه‌رشدی برای شرکت‌های چندملیتی شده است که علاقه‌مند هستند تا کشورها را به مصرف‌گرایی که در سراسر جهان فراگیر شده است، گره بزنند. به دلیل نیازهای اقتصادی، این چندملیتی‌ها ممکن است سعی کنند بر موقعیت‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی جهان تأثیر بگذارند. یک قطب یا مرکز بسیار مهم و قدرتمند جهان چندقطبی ۲۰۲۲ پس از میلاد ممکن است کنسرسیومی از شرکت‌های چندملیتی باشد که محصولات آن تقریباً کل جهان را در برمی‌گیرد و منافع آنها در حفظ وضعیت خاص در یک محیط خاص است.

سامانه اقتصادی

سامانه اقتصادی جدید جهان مبتنی بر رسانه‌ها، ارتباطات و رایانه‌ها یعنی نرم‌افزار و خدمات است. این در تضاد کامل با سیستم قدیمی مبتنی بر سخت‌افزار است. شرکت‌های امروزی در تلاش هستند تا با انقلاب فناوری اطلاعات، بازسازی بازارها و تأثیر قدرتمند بازاریابی بر بازده کسب‌وکار کنار بیایند. اقتصاد جدید که با آزادسازی مالی، تغییرپذیری مالی و جابه‌جایی

مشخص می‌شود، کاملاً به در دسترس بودن اطلاعات دقیق و به‌موقع وابسته است. دانش به سلاح کلیدی در مبارزات قدرت تبدیل شده‌است که ساختار اقتصادی جدید جهان را همراهی می‌کند.

با از بین رفتن کمونیسیم در روسیه و باز شدن اقتصادهای چین و هند که بازارهای مصرفی بزرگی را فراهم می‌کند، دنیای تجارت دوره‌ای از گسترش بزرگ را سپری می‌کند. چندملیتی‌هایی که توانستند با فرهنگ‌ها و مشکلات متنوع کنار آمده و در مسیر پیشرفت گام بردارند اما سایرین باید استراتژی‌های خود را تغییر دهند تا در محدودیت‌های مرتبط با این بازارها فعالیت کنند.

هیچ شرکتی به‌تنهایی قادر به مقابله با مشکلات مختلف نیست اما این امر، خود، کمک می‌کند که شرکت‌های بزرگ به کنسرسیومی از شرکت‌ها برای منافع اقتصادی و تجاری متقابل بپیوندند. اگر مدیران ارشد اجرایی متوجه شوند که درگیری با شرکت‌های همتای آنها منجر به نابودی متقابل می‌شود، ممکن است این سناریو در دو دهه آینده ظاهر شود. این روند مشابه صحبت‌های تسلیحاتی ابرقدرت در دوره جنگ سرد است که در آن، درک پیامدهای وحشتناک یک جنگ هسته‌ای سهوی منجر به همکاری در مذاکرات بین دو ابرقدرت شد.

روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ نوع، بنیادی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده‌است و به پیش‌بینی و تحلیل ساختارهای جایگزین آینده جهان و راه‌های مقابله با آنها در چارچوب یک دکترین نظامی می‌پردازد.

یافته‌ها

آینده جنگ

با توجه به روندهای بازسازی جهان، می‌توان دریافت که عامل اساسی تغییر شکل دادن به جهان آینده، دانش است. در جنگ امروزی، دانش منبع اصلی تخریب است (تافلر، ۱۳۷۷، ۹۰). آینده موازنه نیروها در موارد نامشهود مانند توانایی در دست گرفتن ابتکار عمل، تقویت اطلاعات و ارتباطات، آموزش بهتر،

انگیزه قوی، رهبری و... نهفته است. با این عوامل به سختی می‌توان کمیت را در شبکه کلی جنگ برآورد کرد. این در تضاد کامل با در دسترس بودن الگوهای ریاضی است که اعداد و اثربخشی سلاح را تنها معیار توانایی نظامی می‌دانستند. روند دیگر، توده‌زدایی از تخریب است؛ به این معنی که به جای استفاده از روش قبلی حملات انبوه به مناطق وسیع، از فناوری‌های پیشرفته برای دستیابی به حملات روی نقطه‌ای به اهداف با ارزش بالا استفاده می‌شود، با این امید که هدف ناکارآمد شود؛ امری که این روزها با ظهور سلاح‌های هوشمند امکان‌پذیر است.

مطالبات مربوط به تصمیم‌گیری بشر در این سناریوی در حال تغییر بر اساس سلاح‌های فناوری، برخلاف باور عمومی، افزایش خواهد یافت. دقت بالا و سطوح بالای قابلیت‌های مخرب مستلزم راه‌اندازی و عملیات تقریباً بدون خطای سیستم‌های جدید است. در جنگ‌های آینده، شانس دومی برای هیچ‌کس وجود نخواهد داشت. سرباز آینده باید به‌خوبی آموزش دیده، تحصیل کرده و بسیار سریع باشد. سرعت تسلیحات مدرن باید با تصمیم‌گیری سریع و مؤثر در جنگ‌های آینده مطابقت داشته باشد. سرباز آینده یک فرد چند مهارتی، باهوش و بسیار آموزش‌دیده است که دانش خوبی از تاکتیک‌ها و حتی استراتژی نظامی دارد؛ زیرا جنگ‌های آینده بسیار بیشتر از کشیدن یک ماشه خواهد بود. در آینده، شلیک مستقیم کمتر خواهد بود، اما هر شلیکی به‌طور قابل توجهی مؤثر خواهد بود و این اثربخشی، به افراد درگیر در سامانه‌های فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی، برنامه‌ریزان و مجریان تدارکات یکپارچه و مربیان نظامی بستگی دارد.

یکی دیگر از خواسته‌های سربازان آینده، توانایی قابل توجه برای نوآوری است. استفاده از سیستم‌ها برای کارهایی غیر از آنچه که قرار بود، انجام دهند، به هوش ذاتی و تصمیم‌گیری سریع وابسته است و این امر، کلید جنگ‌های آینده است. مقیاس جنگ‌های آینده از نظر نیروی انسانی کمتر خواهد بود؛ به این معنی که یک تیپ ارتش پس از ۲۰۲۲ قادر خواهد بود آنچه را که امروز

یک لشکر از نظر عملیات مستقل در حمله و دفاع به دست می‌آورد، انجام دهد. در آینده، نیروهای مسلح نیازمند یک سازماندهی مجدد است؛

کنترل سخت و از بالا به پایین باید در سازمان‌های آینده کاهش یابد. با وجود قابلیت‌های قابل توجه فرماندهی، کنترل، ارتباطات و اطلاعات در آینده، فرماندهی عملیات باید برعهده فرمانده در میدان نبرد باشد و مرجع تصمیم‌گیری باید به پایین‌ترین سطح ممکن کاهش یابد. ادغام سامانه‌های پیچیده به‌عنوان یک کل مؤثر، کلید جنگ‌های آینده است. ساختارهای قدیمی عملیات مستقل لجستیک، حفظ استحکامات، حملات متحرک، نیروی هوایی و نیروی دریایی، جمع‌آوری اطلاعات، سیستم‌های فرمان و کنترل و سیگنال‌ها باید از طریق مجموعه‌ای از ابداعات و ورودی‌های فکری از طریق متخصص فنی و تحلیلگران نظامی و فرماندهان نظامی با هم ترکیب شوند (هدکورتز^۱، ۲۰۲۰).

اگر اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف تجزیه و تحلیل نشود و به تصمیماتی برای به‌کارگیری مؤثر عملیاتی قدرت آتش تبدیل نشود، تمامی سیستم‌ها و فناوری‌ها بی‌اثر خواهند بود. این انفجار اطلاعاتی باید از طریق تجزیه و تحلیل دقیق در حدود زمان دو برابر، به انفجار دانش تبدیل شود. جنگ‌های جدید توسط ماشین‌های مبتنی بر دگرترین‌های نظامی قدیمی انجام نمی‌شود بلکه توسط سامانه‌هایی که می‌توانند جنگ‌ها را در زمان واقعی به پیروزی برسانند، انجام خواهند شد (نومی‌ار^۲، ۲۰۱۰).

تغییرات عمده در میدان‌های نبرد آینده

تفاوت عمده در جنگ‌های آینده با جنگ‌های امروزی، افزایش سرعت، افزایش پیچیدگی و افزایش مرگباری خواهد بود. پیامدهای ناشی از این تغییرات کلیدی این است که فرماندهان زمان کمتری را برای تصمیم‌گیری خواهند داشت و ممکن است مجبور باشند با ابهامات بیشتری دست‌وپنجه نرم کنند و باید عواقب فزاینده تصمیمات خود را در نظر بگیرند. سامانه‌ها و

1. Headquarters
2. Newmyer

فناوری‌های نبردهای آینده برای ارائه اطلاعاتی طراحی شده‌اند که ابهام را کاهش داده و تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشند. سیستم‌های آینده باید بر روی دسترسی به موقع، دقیق، اطلاعات مرتبط و افزایش احتمال تصمیم‌گیری درست تمرکز کنند (دولهان^۱، ۲۰۱۸).

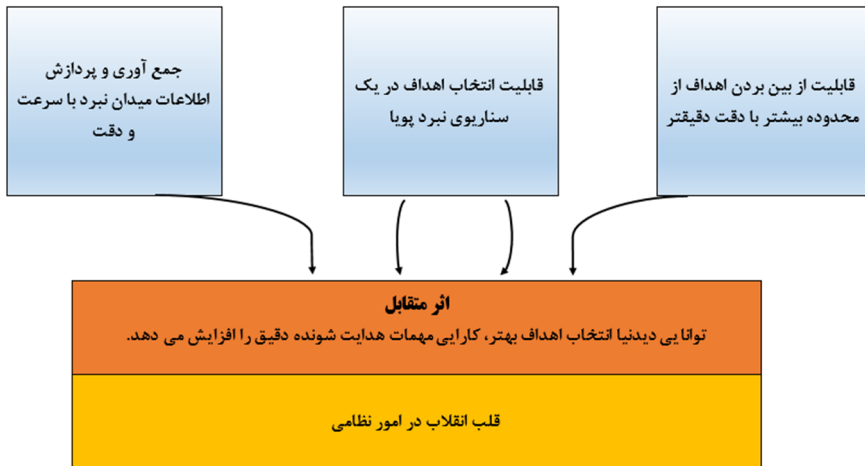
قابلیت‌های مهمی که به‌طور قابل‌توجهی بر جنگ‌های آتی ارتش‌های آینده تأثیر می‌گذارد، همان چیزی است که کارشناسان از آن به انقلاب در امور نظامی^۲ (RMA) یاد می‌کنند. انقلاب در امور نظامی به یک جهش کوانتومی در اثربخشی میدان نبرد اشاره دارد و نتایج حاصل از هم‌افزایی به‌دست‌آمده هنگامی است که پیشرفت‌های فناورانه بر سامانه‌های تسلیحاتی متعدد با تغییرات اساسی در دکترین نظامی و ساختار نیرو ترکیب می‌شوند. قابلیت‌های کلیدی انقلاب در امور نظامی که مربوط به کشورهای آسیایی است، به‌عنوان یکپارچه‌سازی سیستم، دکترین نیروی مشترک و لجستیک و نگهداری یکپارچه فهرست‌بندی شده‌اند که باید جنگ فضایی و الکترونیک^۳ (SEW) و مهمات هدایت‌شونده دقیق^۴ (PGM) را نیز به آن اضافه کرد (مارتیانوف^۵، ۲۰۱۹).

انقلاب در امور نظامی بر تانک، کشتی‌ها و هواپیماها متمرکز نیست، بلکه بر روی پلتفرم‌هایی که حمل می‌کنند و فناوری اطلاعاتی که آنها را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر با هم کار کنند، متمرکز است. فناوری به فرماندهان کمک می‌کند تا آنچه را که در یک منطقه جغرافیایی بزرگ اتفاق می‌افتد، درک کنند و آن اطلاعات را به نیروهایی که باید با سرعت، صحت، دقت و اثربخشی مرگبار در بردهای بیشتر پاسخ دهند، منتقل کنند. در شکل شماره ۲ این فعل و انفعالات نشان داده شده‌است. این ادغام سیستم‌های متنوع به‌عنوان سیستم سیستم‌ها کلید انقلاب در امور نظامی و سناریوی نظامی آینده است. اجزای اصلی انقلاب در امور نظامی عبارت‌اند از جمع‌آوری اطلاعات، نظارت و شناسایی، سیستم و

1. Dolhan
2. Revolution in Military Affairs
3. Space & Electronic Warfare
4. Precision Guided Munitions
5. Martyanov

فناوری، ادغام سیستم‌های اطلاعاتی پیچیده و توسعه دکترین‌های مشترک برای استفاده از این ظرفیت فناورانه (گرگ و ریکی^۱، ۲۰۱۸).

در منطقه عملیات‌های مشترک است که جنگ‌های آینده یک حرکت رادیکال از جنگ‌های سنتی قدیمی را به تصویر می‌کشند. روند عملیات مشترک که با دکترین نبرد زمینی آغاز می‌شود، در دو دهه آینده بیشتر بهبود یافته و اجرا خواهد شد. مزایای عملیات مشترک از این واقعیت قابل تشخیص است که اثربخشی بهتر با منابع کمتر حاصل می‌شود؛ با این حال، این منابع باید در چارچوب فکری یک دکترین نظامی مشترک آموزش دیده و یکپارچه شوند. این دکترین نیروی مشترک^۲ شامل تمام ابعاد (هوا، زمین، زیر آب دریا، فضا و زمان) کلید آینده جنگ خواهد بود. فرماندهان آینده باید برای دستیابی به بهترین تناسب نیروهای موجود آموزش ببینند تا اثرات فوری و دستیابی به نتایج مطلوب آشکار گردد. یک پیش‌نیاز اصلی در این سیستم‌ها که در عملیات مشترک عمل می‌کنند، نیاز به ارائه تدارکات به‌موقع برای پشتیبانی با سرعت بالاتر در نبردها است (گرگ و ریکی، ۲۰۱۸).



شکل ۲. قلب انقلاب در امور نظامی – سیستم سیستم‌ها
(منبع: نویسندگان)

1. Krieg & Rickli
2. Joint Force Doctrine (JFD)

مفهوم لجستیک یکپارچه، اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین عاملی است که بر آینده جنگ تسلط خواهد داشت. یک کشور ممکن است در دستیابی به لجستیک متمرکز به دلیل نبود زیرساخت برای دستیابی به آنها دچار مشکلاتی شود. ساخت جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و خطوط هوایی لازم برای تأمین و پشتیبانی نیروها در شرایط بحرانی، گامی است که باید از دکترین اقتصادی نشأت بگیرد.

ویژگی‌های کلیدی در دکترین نظامی جدید

پس از تجزیه و تحلیل ساختار آینده جهان و ساختار جنگ، می‌توان ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید را شناسایی کرد. دکترین نظامی جدید^۱ باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. دکترین نظامی جدید باید تهدیدات پیش‌بینی نشده را برطرف کند. در نظم نوین جهانی، هیچ کشوری دوست یا دشمن دائمی ندارد و این فقط منافع کشور است که ماهیت دائمی دارد؛ بنابراین، یک ملت باید برای مقابله با تهدیدهای پیش‌بینی نشده از محله‌های ناشناخته آماده باشد (مک‌کیب^۲، ۱۹۹۷).
۲. اطلاعات و دانش باید بلوک اصلی دکترین نظامی جدید باشد. نیروها، واحدها و سازمان‌های نظامی باید طوری آموزش داده شوند که اطلاعات و دانش را به‌عنوان ابزار اصلی جنگ در نظر بگیرند و این امور باید به فرآیندها و تجهیزاتی برای جمع‌آوری، پردازش و انتشار سریع اطلاعات و دانش مجهز شوند.
۳. دکترین نظامی جدید باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند از تهدیدات مختلف با سطوح مختلف پیچیدگی مراقبت کند؛ به‌عنوان مثال، دکترین مبتنی بر یگان‌های زرهی با تحرک بالا ممکن است علیه چریک‌ها یا تروریست‌ها در یک (درگیری با شدت کم) کارایی نداشته باشد، اما از یک عملکرد عالی در برابر طرح‌بندی دفاعی چند لایه متعارف برخوردار باشد.

1. New Military Doctrine (NMD)

2. McCabe

۴. نیروها، لجستیک و ارتباطات باید از قابلیت در زمان برخوردار باشند. خروج نیروهای موردنیاز برای از بین بردن دشمن به محض ایجاد نیاز، اصل مشکل است. اگر دشمن به این باور برسد که نیروهای دوست در همه جا حضور دارند، حمله برای دشمن بسیار دشوار خواهد بود.
۵. دکتترین نظامی جدید باید با آموزش متعادل نیروها و فرماندهان آغاز شود. میدان‌های نبرد آینده به رهبران سریع و چابک نیاز دارد. این فرماندهان باید قادر به تدوین سریع مفاهیم، برنامه‌ریزی عملیات، تصمیم‌گیری و فشار برای ادامه جنگ باشند (نیلسون^۱، ۲۰۲۰: ۴۳۷).
- رهبران چابکی که با سرعت و دقت، شرایط محیط خود را بسیار سریع‌تر از دشمن تنظیم و اعمال می‌کنند، پیروزی‌های قاطعی را رقم خواهند زد؛ بنابراین، برنامه‌های آموزشی مناسب و مستمر مبتنی بر سیستم‌های خودکار میدان نبرد برای فرماندهان نظامی موردنیاز است. کیفیت رهبری از نظر آموزش، انگیزه و نوآوری، جنگ‌های آینده را رقم خواهد زد. بار روی دوش سرباز نظامی‌ای که شلیک می‌کند، چندین برابر افزایش می‌یابد. این سربازان باید برای کار با چندین سلاح در مناطق مختلف، شرایط محیطی و به‌طور مشترک با سایر نیروها آموزش ببینند. توسعه نیروی انسانی اساس دکتترین نظامی جدید است.
- دکتترین نظامی جدید باید بر اساس ارزیابی دقیق و به‌موقع خسارات جنگ بر روی دشمن باشد. اگر ضربه اول در برابر دشمن موفق باشد، به حمله دوم و سوم هیچ نیازی نیست. ارزیابی خسارات جنگ در جنگ‌های آینده یک فعالیت ضروری خواهد بود؛ زیرا امکان استفاده از نیروهای خودی را به روشی بسیار انعطاف‌پذیرتر تغییر می‌دهد. این امر به فرماندهان در تخصیص وسایل، جمع‌آوری دارایی‌ها و اجرای برنامه‌های جمع‌آوری کمک می‌کند. ارزیابی خسارات جنگ (به‌موقع، دقیق و پیوسته) ویژگی کلیدی دکتترین نظامی جدید است. ویژگی‌های کلیدی دکتترین نظامی جدید در جدول شماره ۲ به‌طور خلاصه آمده‌است.

جدول ۲. ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید

ویژگی‌های کلیدی دکترین نظامی جدید
<ul style="list-style-type: none"> • پذیرایی از تهدیدات پیش‌بینی نشده • بر پایه دانش • انعطاف‌پذیر • به موقع • نیروی انسانی بسیار خوب آموزش دیده • ارزیابی دقیق خسارات جنگ

(منبع: نویسندگان)

دکترین نظامی جدید

برای مقابله با میدان‌های جنگی با متراکم کمتر، ساختار کمتر، مرگبارتر، سریع، نامشخص، غیرخطی، میدان‌های نبرد مبتنی بر فناوری پیشرفته و دانش روز، جهت‌گیری مجدد و تجدید ساختار نیروهای مسلح ضروری است.

جدول ۳. اصول جنگ (جدید)

اصول جنگ
<ul style="list-style-type: none"> • هدایت هر عملیات نظامی به سمت یک هدف مشخص، تعیین‌کننده و قابل دستیابی. • ابتکار عمل را دست آورید، نگه دارید و از آن بهره‌برداری کنید. • تمرکز قدرت رزمی در مکان و زمان تعیین‌کننده. • تخصیص حداقل توان رزمی ضروری به تلاش‌های ثانویه. • با استفاده از انعطاف‌پذیری، قدرت جنگی دشمن را در موقعیت منفی قرار دهید. • برای هر هدف، وحدت تلاش تحت یک فرمانده مسئول را تضمین می‌کند. • هرگز به دشمن اجازه دستیابی به یک مزیت غیرمنتظره را ندهید. • حمله به دشمن در یک زمان / مکان و به شیوه‌ای که برای آن آماده نیست. • برنامه‌های واضح و بدون عارضه و دستورات واضح و مختصر را برای اطمینان از درک کامل آنها آماده کنید.

دکترین نظامی جدید باید انعطاف‌پذیر باشد و تهدیدات پیش‌بینی نشده و پیش‌بینی شده را برطرف کند. تهدیدهای آینده از یک درگیری با شدت کم تا یک نیروی فناوری بالا مبتنی بر فناوری‌های انقلابی در امور نظامی با حمایت دکترین نیروی مشترک متغیر است. جدول شماره ۴ سطوح مختلف تهدید و راه‌های مقابله با این تهدیدات را فهرست می‌کند.

جدول ۴. سطوح تهدید آینده و روش‌های مقابله با آنها

ردیف	تهدید	مقابله
۱	درگیری با شدت کم/جنگ چریکی/شورش	دکترین اطلاعاتی / تبلیغاتی / ضدشورش
۲	استقرار نظامی مبتنی بر جنگ فرسایشی چهره‌به‌چهره (طرح دفاع چندلایه اتحاد جماهیر شوروی سابق)	دکترین بر اساس تانک‌های بسیار سیار / واحدهای نفوذ زره‌پوش
۳	دکترین نفوذ تانک / وسایل نقلیه زرهی سیار	دکترین نبرد هوایی/دنبال کردن حمله نیروها/ ضربه عمیق ضربه سخت
۴	نیروهای دکترین هوایی	جنگ فضایی و الکترونیکی، مهمات هدایت‌شونده دقیق یکپارچه در فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و سیستم شناسایی با پشتیبانی فناوری انقلاب در امور نظامی
۵	انقلاب در امور نظامی با حمایت نیروهای تحت نظر نیروی مشترک	ترکیبی از جنگ الکترونیک و مهمات هدایت‌شونده دقیق در سطح استراتژیک با پشتیبانی واحدهای بسیار کوچک که قادر به مختل کردن خطوط ارتباطی دشمن، سیستم فرمان و کنترل قادر به تشخیص اطلاعات نادرست / استتار / جنگ اطلاعاتی هستند.

اولین تهدید درگیری با شدت کم است که بسیاری آن را محتمل‌ترین خطری که هر کشور را در آینده نزدیک با آن مواجه خواهد شد، می‌دانند. نیروهای مسلح باید در یک جمعیت غیرنظامی که به شدت پر از تروریست‌ها و شورشیان است، بجنگند. نیاز به سازماندهی نیروهای مسلح برای عملیات ویژه^۱ و ضدشورش^۲ وجود دارد. سطح دیگر تهدید، نیروهای مبتنی بر دکترین متعارف است که از طرح دفاع چندلایه اتحاد جماهیر شوروی سابق یا دکترین جنگ متحرک که توسط اسرائیل علیه کشورهای عربی به کار گرفته شده بود، الگوبرداری شده است که با موفقیت طرح دفاعی چندلایه را شکست داد. نیروهای دکترین نبرد زمینی نیز به‌طور قطعی توانستند نیروهای طرح دفاعی چندلایه عراق را در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ شکست دهند. برای شکست نیروهای دکترین نبرد هوایی، به قابلیت‌های جدیدی در جنگ

1. Special Operations(SO)
2. Counter Insurgency (COIN)

اطلاعاتی، فضایی و جنگ الکترونیک^۱ و مهمات هدایت‌شونده دقیق^۲ نیاز است. این فناوری‌های جدید در امور نظامی که در یک دکترین نیروی مشترک تعبیه شده‌اند، باید ثابت کنند که مانع بزرگی برای حمله متعاقب نیروها^۳ و نیروهای دکترین نبرد هوایی هستند. برای شکست نیروهای تحت‌حمایت انقلاب در امور نظامی نیاز به از بین بردن پیوندهای بین واحدهای مختلف وجود دارد. این پیوندها عباراتند از ارتباطات، جنگ‌های الکترونیکی و فضایی، لینک‌های فرمان و کنترل و لینک‌های لجستیکی؛ که می‌توان آنها را با ایجاد اختلال مداوم در مراکز فرمان و کنترل و مراکز ارتباطی دشمن از طریق استفاده از واحدهای خودگردان کوچک که قادر به جنگ اطلاعاتی هستند، شکست داد. به‌طور خلاصه، ما به نیروهایی نیاز داریم که در تعداد زیادی از واحدهای بسیار مستقل و خودمختار با اندازه کوچک‌تر سازماندهی شوند که توسط یک سیستم حمل‌ونقل و نگهداری انبوه پشتیبانی می‌شوند تا از تمام تهدیدات بالقوه مراقبت کنند. نیروهای آینده زمین، هوا و فضا بسیار متحرک خواهند بود و بلوک‌های ساختمانی اصلی آنها واحدهای مبتنی بر دانش بنیان هستند که قادر به انهدام دشمن با فرسایش انتخابی عناصر کلیدی دشمن هستند.

۱. دکترین برای نیروهای زمینی

واحدهای کوچک، مستقل و دارای قابلیت جنگ اطلاعاتی باید از طریق یک سلسله پیوندهای ارتباطی چندمنظوره، اضافی، قابل اعتماد، مقاوم در برابر خطا، هوشمند، گره‌های فرماندهی و کنترل، پیوندهای پشتیبانی لجستیک و پیوندهای فضایی و جنگ الکترونیکی به یکدیگر متصل شوند. این پیوندها باید ایمن باشند و باید در کل فضای نبرد نفوذ کنند؛ جایی که فضای نبرد به‌عنوان کل وسعت نیروهای دشمن از جمله نیروهای رزمی، پیوندهای استراتژیک، انبارهای تدارکات و مراکز فرماندهی تعریف می‌شود؛ بنابراین، قابلیت‌های موردنیاز برای آینده نه‌تنها رصد فضا و زمین خود، بلکه همچنین فضا و زمین دشمنان بالقوه با هدف انتقال سریع تعداد زیادی از واحدهای سیار است که

1. Space & Electronic Warfare (SEW)
 2. Precision Guided Munitions (PGM)
 3. Follow-on-Forces Attack (FOFA)

قادر به مبارزه و تخریب فیزیکی دشمن هستند. این اطلاعات دسته‌های (جوخه) رزمی و کشنده^۱ نام خواهند داشت و در سه بخش سازماندهی خواهد شد: بخش اسلحه، بخش جنگ‌های اطلاعاتی و بخش فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی. سازماندهی اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده پیشنهادی در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵. اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده

سازمان اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده		
بخش اسلحه	بخش جنگ اطلاعاتی	بخش فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی
الف) ضد سلاح‌های هوایی • موشک‌های زمین به هوای قابل حمل • موشک‌های ضد موشک قابل حمل	الف) واحد پهپاد • جمع‌آوری اطلاعات برد کوتاه و متوسط • قابلیت ضربه کوتاه‌برد	الف) واحد ارتباطات • اتصالات رایانه‌ای به اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده
ب) سلاح‌های ضد زره • موشک‌های ضدتانک • اسلحه ضدتانک	ب) واحد جنگ الکترونیک • پارازیت الکترونیکی • سامانه‌های اقدام متقابل الکترونیکی • سامانه‌های اقدامات پشتیبانی جنگ الکترونیک	ب) واحد سیگنال‌ها • مبتنی بر محاسبات سیار (تلفن همراه)، سیستم مبتنی بر چندرسانه‌ای • با استفاده از جی‌پی‌اس
ج) سلاح‌های ضد نفر • خمپاره‌های سبک کالیبر بالا که قادر به شلیک مهمات هوشمند هستند. • استفاده دوگانه از اسلحه‌های سریع برای دوربرد (تیرانداز از خفا) و کوتاه‌برد.		ج) واحد تحلیل • مرکز فرماندهی اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده • مرکز فرمان و کنترل

اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده در نیروی زمینی، هوایی و فضایی بسیار یکپارچه بافته شده‌اند که از آنها با اثرات مخربی بر روی دشمن با سرعتی بی‌نظیر در محیط نظامی امروزی استفاده می‌کند. فرماندهان اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده، رهبران مستقلی خواهند بود و برای مقابله با تهدید درگیری با شدت کم، بخشی از نیروهای زمینی باید به‌صورت نیروی عملیات

ویژه و یک نیروی ضدشورش سازماندهی شود. نیروهای عملیات ویژه نیازمند توانایی برای رسیدن به مناطق شورشیان، حفظ خود در چنین مناطقی و با امنیت ارتباط برقرار کردن هستند. آنها برای وارد کردن آسیب به تأسیسات منطقه حیاتی دشمن - فرودگاه‌ها، شبکه‌های جاده‌ای و مقرها، به سلاح‌های قابل حمل سبک و انسانی نیاز دارند. علاوه بر این، این نیروها به وسیله‌هایی برای بازگشت به قلمرو خود در کنار سلاح‌های حفاظت از خود نیاز دارند.

نیروهای ضد شورش به سلاح‌های تک‌تیرانداز بسیار دقیق و سیستم‌های آموزشی تیراندازی نیاز دارند. ابزاری برای نفوذ افراد و تجهیزات به منطقه نبرد از یک پایگاه امن و خارجی موردنیاز است و از این رو، تقاضا برای وسایل نقلیه هوایی نفوذی، تجهیزات ارتباطی سبک و قابل حمل، سیستم‌های ضدتانک و همچنین، مواد تخریب وجود دارد. نیروهای ضدشورش به قابلیت حمله هوایی سریع و سلاح‌ها و سیستم‌های حسگر نیاز دارند که بتواند حرکات انسان را در مناطق دورافتاده تشخیص دهد و نیاز به یک سیستم جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات کاملاً یکپارچه در سطح ملی وجود دارد.

نیاز به باز نگه‌داشتن مسیرهای ارتباطی، نیاز به تشکیلات زرهی متحرک سریع را ایجاد می‌کند که بر شبکه‌های جاده‌ای تسلط دارند و از قابلیت تعمیر سریع پل‌های آسیب‌دیده و سایر بریدگی‌های جاده برخوردار باشند. نیروهای ضدشورش نیاز به هواپیماهای تهاجمی با قابلیت تحویل دقیق سلاح با عملیات شب و زمان‌های طولانی نیاز دارند و ابزاری برای رهگیری، مکان‌یابی و رمزگشایی ارتباطات رادیویی شورشیان نیز موردنیاز است.

اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده باید علاوه بر نقش‌های سنتی نگهبانی پیاده‌نظام، بتوانند نقش‌های عملیات ویژه و ضدشورش را نیز انجام دهند؛ با این حال، اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده‌ها عملیات نگهداری را به‌طور معمول انجام نمی‌دهند که مستلزم اشغال فیزیکی پست‌ها است. در عوض، اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده‌ها در منطقه‌ای که با استفاده از پهپادها برای اطلاعات کوتاه‌برد و برد بلند، نظارت و شناسایی فعالیت می‌کنند. به محض شناسایی حمله دشمن، به‌سرعت بر روی دشمن قرار می‌گیرد. حفاظت

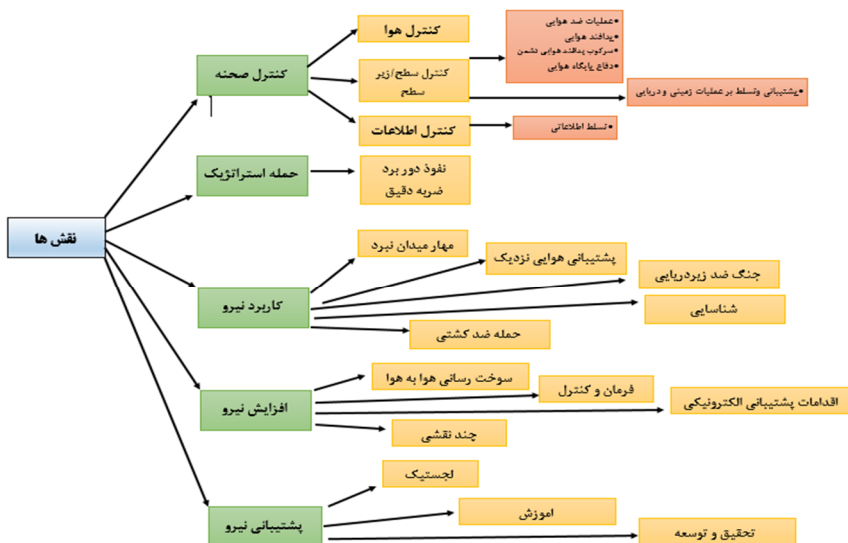
از نیروهای توپخانه دوربردی که در امتداد مرز در ترکیبی از پست‌های دائمی و پست‌های متحرک مستقر هستند، تأمین می‌شود.

برای حملات زمینی بانفوذ عمق بیشتر توسط واحدهای زرهی، این دکترین خواستار نفوذ واحدهای تانک کوچک‌تر به داخل دشمن و سپس ترکیب آنها در زمان حمله به یک نیروی انبوه بسیار مؤثر است. تانک‌های آینده، باید به‌خوبی توسط تفنگ‌های خودکشی و اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده پشتیبانی می‌شوند، عنصر کلیدی نیروی ضربت خواهند بود؛ با این حال، دکترین از آنها می‌خواهد تا حد امکان از تانک اجتناب کنند و بر حرکت و تصرف مواضع کلیدی دشمن در داخل قلمرو دشمن تمرکز کنند. این مواضع توسط اطلاعات دسته‌های رزمی و کشنده‌ها حفظ خواهد شد و تانک‌ها به حرکت بیشتر ادامه خواهند داد. در تمامی این عملیات‌ها نقش نیروی هوایی حیاتی خواهد بود. نیروی هوایی نه‌تنها برای پشتیبانی از عملیات رزمی بلکه برای پشتیبانی از عملیات لجستیک زمینی نیز مورد نیاز خواهد بود.

۲. دکترین برای نیروی هوایی

نیروی هوایی یک کشور، صحنه اصلی جنگ‌های فناوری پیشرفته آینده خواهد بود. نقش‌های کلیدی نیروی هوایی در شکل شماره ۳ آورده شده است. کنترل صحنه به‌عنوان فعالیت اصلی نیروی هوایی در نظر گرفته می‌شود. کنترل صحنه نه تنها به‌معنای توانایی تضمین آزادی برای انجام عملیات هوایی و درعین حال محروم کردن دشمن از این توانایی است، بلکه به کنترل زمین و دریا نیز اشاره دارد. مراحل کلیدی در کنترل صحنه در شکل شماره ۴ نشان داده شده است.

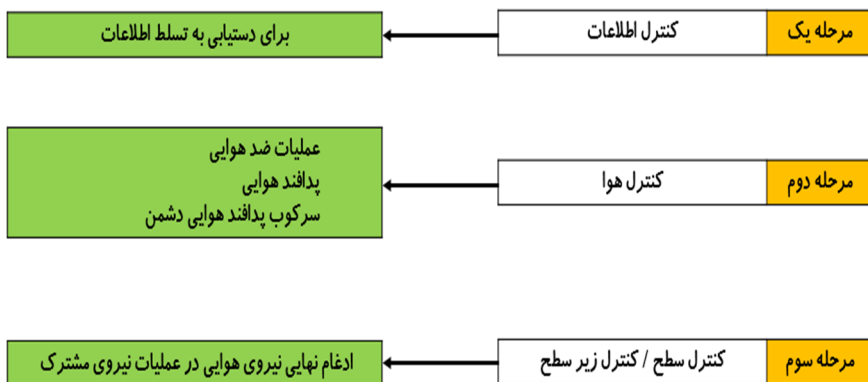
حملات استراتژیک یعنی توانایی حمله به ابزار قدرت دشمن مانند مراکز فرمان و کنترل، نفت، برق، سدها، اهداف اقتصادی، اهداف نظامی در عمق خاک دشمن و غیره است. نقش اصلی نیروی هوایی در شرایط جنگی کامل علیه دشمن است. علاوه بر اینها، نیروی هوایی برای ممانعت از تسلط بر میدان جنگ، پشتیبانی هوایی نزدیک و غیره مورد استفاده قرار خواهد گرفت.



شکل ۳. نقش‌های کلیدی نیروی هوایی

(منبع: نویسندگان)

پشتیبانی یک عنصر کلیدی است و هیچ نیروی هوایی ای نمی‌تواند بدون قابلیت پشتیبانی نیرو عمل کند. نقش نیروی هوایی، دکترین باید تلاش کند تا آن دسته از قابلیت‌هایی را که به کشور مربوط می‌شود، با در نظر گرفتن تهدیدات شناخته‌شده، ارتقا دهد؛ با این حال، برای مراقبت از تهدیدات غیرمنتظره و مبهم باید یک نیروی هوایی متعادل ایجاد شود.



شکل ۴. مراحل کلیدی در کنترل صحنه

منبع: نویسندگان

نیروی هوایی در سال‌های آینده به‌طور فزاینده‌ای در همه حوزه‌های امور نظامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. چهار قابلیت وجود دارند که به دلیل تغییرات بزرگ فناورانه، گسترش قدرت هوایی را نیز تغییر می‌دهند که شامل پویایی استراتژیک، اثرات مانور قدرت هوا، توانایی تولید یک تصویر از میدان جنگ مشترک در دسترس همه و قابلیت حمله دقیق هستند. بنابراین، اولین و مهم‌ترین هدف دکترین باید دستیابی به توانایی‌های بیشتر برای چنین تحرکی باشد. با توجه به وضعیت فوق‌العاده‌ای که در حال توسعه است، نیروی هوایی باید به‌عنوان یک توانایی جنگی با سرعت بالا در نظر گرفته شود.

با در نظر گرفتن موارد فوق، دکترین نیروی هوایی در جدول شماره ۶ خلاصه شده است. دکترین نیروی هوایی باید با نیروهای زمینی هماهنگ باشد؛ با این حال، دکترین نیروی هوایی باید منعکس‌کننده اتحاد بیشتری با نیروی دریایی باشد؛ چراکه نظارت هوایی بر مناطق وسیع اقیانوس می‌تواند توسط سکوی انتقال هوایی به شیوه‌ای بسیار بهتر از کشتی‌های بزرگ انجام شود.

جدول ۶. نکات برجسته دکترین نیروی هوایی

- * انعطاف‌پذیری در تغییر نیروها از یک صحنه به یک صحنه دیگر؛
- * دستیابی به برتری هوایی؛
- * اگر برتری هوایی کلی ممکن نیست، سعی کنید به برتری هوایی محلی دست یابید؛
- * تهیه مهمات و سنسورهای هدایت‌شده دقت به جای سکوی با تکنولوژی بالا؛
- * مأموریت‌های ضربتی عمیق تنها در صورتی باید انجام شود که احتمال موفقیت زیاد باشد؛ در غیر این صورت، مأموریت‌های عمیق را تا زمانی که این احتمال افزایش (با استفاده عاقلانه از سرکوب پدافند هوایی دشمن، موشک‌های دوربرد دقیق و جنگ اطلاعاتی) یابد، به تعویق بیندازید.

۳. دکترین برای نیروهای دریایی

برای کشوری که با آب‌های آزاد و اقیانوس‌ها در ارتباط هستند، دکترین دریایی از اهمیت بالایی برخوردار است. نیروی دریایی دارای سه بعد است: سکوهای هوایی، سطحی و زیرسطحی. کاملاً واضح است که سکوهای زیرسطحی مهم‌ترین نیاز آینده جنگ - یعنی رادار گریزی - را با ترکیبات فعلی جنگ - یعنی قدرت آتش و تحرک - ترکیب می‌کنند؛ بنابراین، یک دکترین دریایی مبتنی بر نیروی زیرسطحی، نیاز آینده است. شواهدی که این موضوع را تأیید می‌کند، گسترش دو فناوری است: الف. استفاده گسترده از ماهواره‌های نظارت بر اقیانوس؛ ب. موشک‌های بالستیک با هدایت پایانه‌ای. از این‌رو، در خصوص دکترین مبتنی بر زیردریایی باید دقت کافی شود؛ چون نیاز به زیردریایی‌های تهاجمی و نظارتی وجود دارد. در جنگ‌های سطحی، پلتفرم‌های مختلف به‌طور قابل‌توجهی شروع به تکثیر نیروی فعال خواهند کرد؛ مانند کشتی‌های زرادخانه و پایگاه‌های متحرک فراساحل.

کشتی زرادخانه یک سکوی نسبتاً ساده است که تعداد زیادی (حدود ۵۰۰) موشک از انواع مختلف را حمل می‌کند. این کشتی می‌تواند قدرت آتش کافی را در اختیار هر نیروی دریایی قرار دهد. برای کشوری‌های منطقه‌ای با توانایی اثبات‌شده در توسعه موشک، باید یک نیروی سطحی بر اساس مفهوم کشتی زرادخانه که طراحی ساده اما با قدرت آتش قابل‌توجهی است، برنامه‌ریزی شود.

به‌طور خلاصه، نیروهای دریایی باید تعدادی کافی اط کشتی‌های زرادخانه‌ای را در اختیار داشته باشند که توسط زیردریایی‌های تهاجمی پشتیبانی می‌شوند. سکوهای دفاعی پایگاه دریایی سیار با هواپیماهای تهاجمی، پدافند هوایی و شناسایی از پیش تعیین‌شده خواهند بود. علاوه بر این، هواپیماهای شناسایی دریایی مستقر در زمین و زیردریایی‌های نظارتی/گشتی به‌طور مداوم برای جمع‌آوری اطلاعات و نظارت استفاده خواهند شد.

نتیجه‌گیری

دقت و هوشمندی و قدرت تخریب بالای تسلیحات باعث گردیده‌است تا جنگ‌ها سریع، قاطع و با شدت عمل زیاد، در زمانی کوتاه و در مقیاسی وسیع

صورت گیرد. انطباق سطوح تاکتیکی و استراتژیکی نیز سبب گردیده‌است تا عملیات نظامی به‌طور هم‌زمان در مناطق مقدم نبرد و در عمق استراتژیک کشور هدف کشانده شده و دستیابی به اهداف حیاتی و سیاسی را مقدور سازد. گرایش‌ها در سامانه‌های مختلف تأثیرگذار بر ساختار جهان نشان‌دهنده تغییر از سازمان‌های یکپارچه بزرگ به واحدهای کوچک، بسیار به‌هم‌پیوسته و مستقل است که با هم در یک روش یکپارچه عمل می‌کنند. این ساختارها بر اساس دانش هستند. با توجه به پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه در فناوری، نیروهای نظامی آینده متشکل از واحدهای بسیار به‌هم‌پیوسته با استقلال بیشتر و قدرت آتش خواهند بود. میدان آینده، جنگ سرعت، مرگبار بودن و عدم اطمینان را افزایش خواهد داد.

پیش‌بینی می‌شود که فضای جنگ در آینده بیشتر از فضای مجازی بهره خواهد جست؛ این فضای سیال و خارج از حواس انسان که به استعاره می‌توان آن را ذهن نامید. ماهیت این فضا نزد نظریه‌پردازان مختلف، متفاوت است. در این جنگ‌ها تمرکز به عقبه، نه با مرزبندی مشخص، بلکه نوعی تلاش از درون با حمله از راه دور به صورت اطلاعات پایه یا دانش محوری استوار خواهد بود. یکی از هدف‌های اصلی در جنگ‌های آینده، نشانه‌روی اراده درون نیروها و آنچه در مغزها است، می‌باشد. در جنگ‌های آینده طرف‌های جنگ به سلاح، به معنایی که در عرصه گذشته و حال از آن یاد می‌شود، متوسل نمی‌شوند. در تبیین معنا و مفهوم سلاح در جنگ‌های آینده باید گفت که به‌طور کلی منظور از سلاح، ابزار و وسیله و حتی روش‌هایی است که می‌توان از آن برای ازپای‌درآوردن دشمن با اختلال در روند او استفاده کرد.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که یک دکترین مبتنی بر فناوری‌های به‌هم‌پیوسته برای مراقبت از تهدیدات پیش‌بینی‌نشده، ناشناخته و متعدد موردنیاز است و بنابراین، هدف باید شروع یک بحث آگاهانه در مورد این موضوعات باشد. ساختارهای اساسی که جهان آینده را شکل خواهند داد، سامانه‌های قدرت، سامانه‌های فناورانه، سامانه‌های ژئوپلیتیک، سامانه‌های اجتماعی و سامانه‌های تجاری/اقتصادی هستند و باید تأکید کرد که تمام این

سامانه‌ها مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه روش‌هایی برای نگرستن به روندهای جهانی هستند. پیوندهای متقابلی بین این سامانه‌ها وجود دارد که بر هر یک از آنها در ابعاد مختلف تأثیر می‌گذارد و هر یک از آنها باید به‌عنوان سامانه‌های مستقل به‌منظور شناسایی تأثیر آنها در جنگ‌های آینده مورد مطالعه قرار گیرند.

با بررسی آثار و دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان نظامی غرب و شرق، مشخصات زیادی برای جنگ‌های آینده قابل استخراج است؛ از جمله می‌توان به مواردی همچون عملیات سریع و قاطع، راه اندازی ائتلاف و انجام عملیات مرکب، انجام عملیات تأثیرمحور یا مبتنی بر تأثیر، هم‌زمان سازی قدرت، انجام عملیات غیر خطی، به‌کارگیری نیروهای ویژه، ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی، درگیری هم‌زمان در سطوح سه‌گانه، انجام عملیات پیش‌دستانه، استمرار عملیات تحت هر شرایطی در هر زمانی و مکانی به‌صورت ناپیوسته و نامتناوب، توسعه صحنه نبرد و نفوذ بر عمق هدف، تکیه بر عملیات روانی، حمله به مرکز ثقل، آفند مسطح، تهاجم هرابی و موشکی دقیق، مدیریت زمان، کاهش هزینه‌های جنگ، مدیریت آستانه تحمل ملتها، تأکید بر عملیات سایبری و مجازی‌سازی جنگ، تغییر در نرع مانور، تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی، رویکرد شبکه محوری به جنگ، به‌کارگیری تاکتیک ناهم‌تراز، ناهمگون و با نامتقارن در جنگ‌های آینده، مد نظر قراردادن ابعاد و جنبه‌های مختلف جنگ نرم، استفاده از توانمندی‌های پهپاد، انتخاب راهبرد آمادی بر مبنای پشتیبانی متمرکز و پیوند هنر، علم و فناوری در جنگ‌های آینده اشاره کرد.

بررسی دکترین دشمن در جنگ‌های آینده، نشانگر آن است که آنان همواره در جهت دستیابی به فناوری برتر تلاش می‌کنند؛ بنابراین، ما ناگزیر هستیم با درک صحیح از صحنه نبرد آینده، نه تنها فاصله خود را با دشمنان کاهش دهیم، بلکه شرایط را به نفع خود تغییر دهیم. از آنجاکه توانایی‌های فرماندهی و ابعاد روحی و روانی نیروهای مسلح برای دفاع و مقابله با دشمنان را در اختیار داریم، بنابراین، نیاز به تربیت و توجه به پرورش ویژگی‌های فرماندهی برای

جنگ‌های آینده بسیار ضروری خواهد بود. راه مقابله با راهبرد دشمن در جنگ‌های آینده، ب کارگیری راهبرد موثر چهار مؤلفه است: رهبری و مرجعیت مقتدر دینی، جنگاوران ایمانی، پایداری توده‌ای و مردمی و دستیابی به فناوری‌های روز آمد و تأثیرگذار تسلیحاتی.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- تافلر، آلوین (۱۳۷۷). جنگ و ضدجنگ: بقا در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه شهین دخت خوارزمی. تهران. سیمرغ.
- دانش آشتیانی، محمدباقر (۱۳۸۸). اصول و روش تدوین دکترین نظامی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۳)، ۱۷-۷۱.
<https://sid.ir/paper/188796/fa>
- قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۹۴). فرآیند طراحی رهنامه بازدارندگی همه‌جانبه ج.ا.ایران در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور. راهبرد دفاعی. ۱۳(۲)، ۱- ۳۸
- مرادپیری، هادی، خضرای، حمیدرضا (۱۳۹۹). نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم. ۱۰(۲)، ۱۵۹- ۱۷۷
- آقابالا زاده، علی‌اصغر، شریفیان، محمداسماعیل (۱۳۹۷)، رهبری عملیات در جنگ‌های آینده: دکترین فرماندهی مأموریت‌محور رویکردی نوین در مواجهه با تهدیدات پسامدرن، تهران، نیروی پدافند هوایی آجا.

منابع انگلیسی

- Barany, E (1992). Nad knihou Alvina Tofflera: Powershift, Knowledge, Wealth and Violence at the Edge of the 21st Century. Pravny Obzor, 75, 349.
- Dothan, A (2018). Contemporary battleground and innovative technological solutions. Zeszyty Naukowe Akademii Sztuki Wojennej.
- Dale, C (2014). The 2014 quadrennial defense review (QDR) and defense strategy: Issues for Congress. Washington, DC: Congressional Research Service.
- Hall, G. M (2013). The ingenious mind of nature: Deciphering the patterns of man, society, and the universe. Springer.
- Headquarters, U. S (2020). Department of the Army, 2012. Commander and staff officer guide, army tactics, techniques, and procedures (Army tactics, techniques, and

- procedures(ATTP) 5-0.1). Washington, DC: Department of the Army.
- Jaiswal, N. K(2012). Military operations research: quantitative decision making(Vol. 5). Springer Science & Business Media.
 - Krieg, A., & Rickli, J. M(2018). Surrogate warfare: the art of war in the 21st century?. Defence studies, 18(2), 113-130.
 - Marquis, S(2011). Unconventional Warfare: Rebuilding US Special Operation Forces. Brookings Institution Press.
 - Martyanov, A(2019). The(real) revolution in military affairs. SCB Distributors.
 - McCabe, T. R(1997). A Strategy for Unanticipated Threats. Strategic Review, 25, 55-61.
 - Newmyer, J(2010). The revolution in military affairs with Chinese characteristics. The Journal of Strategic Studies, 33(4), 483-504.
 - Nilsson, N(2020). Practicing mission command for future battlefield challenges: the case of the Swedish army. Defence Studies, 20(4), 436-452.
 - Toffler, H(1993). War and anti-war survival at the dawn of the 21st century.
 - Toffler, A(2022). Powershift: Knowledge, wealth, and power at the edge of the 21st century. Bantam.
 - Tzu, S(1993). The Art of War, Wordsworth Reference.

The strategic model of all-round defense; Based on the opinions and thoughts of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader

Abbas Barjoe fard¹

Zeinab Mohammadi²

Mojtaba Pashaei Alizadeh³

Type of article: research article

Received: 05/04/2023

Accepted: 04/06/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.2 (serial 28)/Summer 2023*167-198



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101627

Abstract

Background and purpose: All-round defense is one of the most effective and comprehensive defense methods in dealing with emerging threats and the enemy's all-round security challenges. All-round defense means the use of all components of national power against all-round threats. This type of defense includes all aspects of a country's defense, and having it guarantees the permanence of governments; But this importance has not been exposed to scientific research as it deserves; In this sense, the main goal of this article is to present a strategic model of all-round defense based on the opinions and thoughts of Imam Khomeini and the Supreme Leader.

Method: In writing this article, using thematic analysis method, all the statements and letters of Imam Khomeini (RA) from 1357 to 1368 and Imam Khamenei (Madazla Al-Ali) from 1368 until now have been studied in full. The approach of this research is qualitative and developmental-applied.

Findings: This research tries to answer that what is the strategic model of all-round defense based on the opinions and thoughts of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader? In order to achieve the result, after identifying and categorizing the themes collected in the expert meetings and then analyzing the fiches related to the subject, finally, out of the total of 146 fiches collected, 36 fiches with high relevance were identified and categorized, and these themes were analyzed in the form of 3 dimensions, 10 Components and 36 indicators were organized.

Result: According to the statements and letters of Imam Khomeini and the Supreme Leader, the following can be considered as the main dimensions of all-round defense: all-round defense in hard, semi-hard and soft dimensions.

Keywords: strategic model, all-round defense, Imam Khomeini (RA), supreme leader.

1. PhD student in Political Science, Faculty of Political Science and International Relations, Shahid Mahalati Political Ideological Higher Education Complex, Qom, Iran (corresponding author). sndu.ac.ir@gmail.com

2. PhD student in Islamic Jurisprudence and Law, a.barjoe98@sndu.ac.ir

3. Doctoral student of Political Science, Faculty of Political Science and International Relations, Bagheral Uloom University, Qom, Iran. mojtaba854@gmail.com

الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

عباس برجونی فرد^۱

زینب محمدی^۲

مجتبی پاشائی علیزاده^۳

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۲ (پیاپی ۲۸) - تابستان ۱۴۰۲* ۱۶۷-۱۹۸



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.101627

چکیده

زمینه و هدف: دفاع همه‌جانبه یکی از مؤثرترین و جامع‌ترین روش‌های دفاعی در مقابله با تهدیدات نوظهور و چالش‌های امنیتی همه‌جانبه دشمن است. دفاع همه‌جانبه به معنای کاربست تمامی مؤلفه‌های قدرت ملی در برابر تهدیدات همه‌جانبه می‌باشد. این نوع از دفاع، تمامی جنبه‌های دفاعی یک کشور را دربرمی‌گیرد و برخورداری از آن، ماندگاری حکومت‌ها را تضمین می‌نماید؛ اما این مهم آن‌طور که شایسته آن است، در معرض پژوهش‌های علمی قرار نگرفته است؛ از این جهت، هدف اصلی مقاله حاضر، ارائه الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری است.

روش: در نگارش مقاله حاضر، با استفاده از روش تحلیل مضمون (تماتیک)، کلیه بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره) از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ و امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۶۸ تاکنون به شیوه تمام‌شمار مورد مطالعه قرار گرفته است. رویکرد این تحقیق کیفی بوده و از نوع توسعه‌ای - کاربردی می‌باشد. **یافته‌ها:** این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به آن است که الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری چیست؟ برای حصول نتیجه، پس از شناسایی و دسته‌بندی مضامین احصاء‌شده در جلسات خبرگی و سپس تجزیه و تحلیل فیش‌های ناظر به موضوع، درنهایت، از مجموع ۱۴۶ مورد فیش جمع‌آوری شده، ۳۶ مورد فیش با ارتباط بالا شناسایی و دسته‌بندی گردیدند و این مضامین احصاء‌شده در قالب ۳ بُعد، ۱۰ مؤلفه و ۳۶ شاخص سازماندهی گردید.

نتایج: مطابق بیانات و مکتوبات امام خمینی و مقام معظم رهبری می‌توان موارد زیر را به‌عنوان ابعاد عمده دفاع همه‌جانبه در نظر گرفت: دفاع همه‌جانبه در ابعاد سخت، نیمه‌سخت و نرم.

واژگان کلیدی: الگوی راهبردی، دفاع همه‌جانبه، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، مجتمع آموزش عالی عقیدتی سیاسی شهید

محلّاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول). sndu.ac.ir@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق اسلامی a.barjoe98@sndu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران،

mojtaba854@gmail.com

مقدمه

دفاع همه‌جانبه، مبحثی راهبردی و جامع است که عرصه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد. این راهبرد را حضرت امام خمینی(ره) خطاب به فرماندهان سپاه بعد از پایان جنگ تحمیلی مطرح کردند و بر ضرورت تدوین آن به‌منظور بازدارندگی و دفع طیف کاملی از چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی ملی و بین‌المللی در سال‌های آتی تأکید فرمودند. از این نظر، دفاع همه‌جانبه را می‌توان کاربست تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود برای مواجهه با تهدیدهای امنیتی فراروی نظام تعبیر کرد. هدف اصلی مقاله حاضر، ارائه الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری می‌باشد. پژوهش حاضر به‌دلیل عطف توجه به مطالعات بومی درخصوص مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه در ترتیبات امنیتی ج.ا.ایران، دارای اهمیت نظری است؛ همچنین، تدوین اصول و الگوی راهبردی در این زمینه، در شرایط خاص کنونی می‌تواند مسئولین امنیتی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران را در مواجهه با تهدیدات پیچیده و همه‌جانبه دشمن یاری رساند.

با وجود ضرورت پرداختن به مسئله دفاع همه‌جانبه در شرایط و مقتضیات کنونی کشور، پژوهش مستقلی در الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری صورت نگرفته است؛ که این امر مؤید ضرورت نظری انجام پژوهش حاضر است. اهداف پژوهش حاضر، تدوین اصول و مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و نیز تعیین مهم‌ترین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی و تقویت الگوی بومی دفاعی جهت کمک به مدیران دفاعی متناسب با شرایط جمهوری اسلامی می‌باشد. همچنین، تردیدی نیست که این راهبرد برای تأمین امنیت نظام اسلامی و با توجه به شرایط و مقتضیات نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی مطرح شده و دارای انعطاف است و به تناسب نیازها، شرایط و تهدیدات نوظهور، قابل توسعه و تکامل است؛ بنابراین، تدوین این مهم با توجه به مقتضیات فعلی ضرورتی دو چندان دارد.

این پژوهش با روش تحلیل مضمون - که یکی از روش‌های تحلیل کیفی است - به مطالعه دقیق مجموعه بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره) در کتاب صحیفه امام و مجموعه بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری از سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۹۹ در قالب نرم‌افزار حدیث ولایت و همچنین، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له پرداخته و اصول و مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری را استخراج نموده است.

با عنایت به مباحث مذکور، به سبب گستردگی مباحث دفاع همه‌جانبه از حیث اصول، مبانی، ارزش‌ها، عناصر و ویژگی‌ها، این تحقیق صرفاً به تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن در قالب الگوی راهبردی می‌پردازد؛ بنابراین، پرسش‌های عمده پژوهش به شرح زیر است:

۱. ابعاد کلیدی دفاع همه‌جانبه از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری کدامند؟

۲. مهم‌ترین مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری چیست؟

۳. عمده‌ترین شاخص‌های دفاع همه‌جانبه (علی، محوری، تقویت‌کننده، محدودکننده، راهبردی و پیامدی) از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری کدامند؟

۴. الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری چگونه است؟

پیشینه

در خصوص سابقه تحقیق، با بررسی اجمالی متون و آثار علمی که احتمال طرح موضوع در آنها می‌رود، این نتیجه به دست آمد که هیچ کتاب یا پژوهش مستقلی که به اصول و مولفه‌های دفاع همه‌جانبه، پرداخته باشد، وجود ندارد و تنها تعداد محدودی مرتبط با عنوان مقاله، در محورهای زیر قابل بازشناسی است.

الف. آثاری که به رویکرد دفاع همه‌جانبه، اختصاص دارند:

نظامی اردکانی و الوندی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "دفاع همه‌جانبه، راهبرد تأمین امنیت نظام اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری" در صدد اکتشاف و مفهوم‌شناسی دفاع همه‌جانبه، از دیدگاه دفاعی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری برآمدند تا ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عمومی این راهبرد را تعیین و الگوی مفهومی آن را ارائه کنند.

سلامی و یداللهی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان "ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، صرفاً به ارائه الگوی دفاعی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری پرداخته‌اند.

فولادی و زارعی (۱۳۹۴) در کتاب "دفاع همه‌جانبه، رویکرد همه‌جانبه" به اهمیت مفهوم دفاع همه‌جانبه و رویکردهای آن در حال و آینده پرداختند. در واقع، نگارندگان این کتاب در صدد بودند تا با مروری بر ادبیات داخلی و خارجی پیرامون مفهوم دفاع همه‌جانبه و رویکردهای همه‌جانبه زمینه‌آشنایی بیشتر و انجام مطالعات گسترده‌تر را فراهم سازند.

ب. آثاری که صرفاً به دفاع همه‌جانبه اشاره مختصری داشته‌اند:

بهداروند (۱۳۸۳)، کتاب "استراتژی دفاع همه‌جانبه" را بر اساس بیانات و رهنمودهای امام خمینی (ره) در باب جنگ تنظیم نموده و کوشیده‌است تا گوشه‌ای از اندیشه‌های دفاعی امام (ره) در خصوص جنگ را منعکس نماید.

رشید و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "تدوین راهبردهای نظامی دفاع همه‌جانبه در برابر جنگ احتمالی آینده" بر عوامل محیطی تأثیرگذار بر دفاع همه‌جانبه در جنگ‌های صدر اسلام، جنگ تحمیلی هشت‌ساله (دفاع مقدس)، جنگ‌های بیست و پنج سال گذشته در منطقه غرب آسیا و همچنین، عوامل مؤثر بر حوزه نظامی از نظر امام خمینی و امام‌خامنه‌ای پرداخته‌اند.

بر این اساس، در آثار مذکور و سایر پژوهش‌های موجود، هیچ اثری به‌صورت مستقل، به موضوع دفاع همه‌جانبه مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نپرداخته است و از این جهت، پژوهش حاضر از ضرورت و بداعت موضوعی برخوردار است.

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی

الگو: می‌توان گفت الگو^۱، عبارت است از کوشش برای ساده‌تر کردن و آسان‌تر فهماندن واقعیت از طریق تنظیم عناصر و وارد کردن نظم در آنها؛ مثلاً می‌توان طرح منطقی روابطی را که بین برخی از عناصر یک سیستم وجود دارد، به شکل یک پیکره درآورد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۶۶). به تعبیر دیگر، الگو بیانی از یک پدیده واقعی و نمایشی از واقعیت‌هاست و در ارتباط با شناخت سیستم‌ها، تصویر یا نمایشی است که اجازه می‌دهد سیستم در روابط بین اجزای آن به صورت انتزاعی بررسی شود (ساعتی^۲، ۱۹۹۸: ۱۹).

الگوی راهبردی: الگوی راهبردی^۳ الگوی پیشرفته‌ای است که با استفاده از آن، چیدمان منطقی و هنرمندانه‌ای از عوامل اصلی و عرصه‌های راهبرد و روابط بین آنها به بهترین شکل ممکن ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرد (نصراله‌زاده و قاضی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در واقع، الگوی راهبردی الگوی منسجمی است که با تنظیم منطقی عوامل و مؤلفه‌های اصلی راهبردی، روابط بین آنها را به بهترین شکل ممکن ترسیم نموده و چگونگی دستیابی به اهداف را میسر می‌سازد (دعا، ۱۳۸۹: ۱۴). طراحی الگوهای منظم برای تبیین و توضیح مسائل از یک سو می‌تواند به افکار و نظریه‌ها سامان دهد و از سوی دیگر، مبنایی برای تنظیم و هماهنگی رفتارها خواهد بود (مارش و استوکر، ۱۳۸۷: ۱۳)؛ بنابراین، الگوی راهبردی، الگویی است که در آن ابعاد، مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و روابط بین آنها در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای اداره امور کشور در حوزه ترتیبات امنیتی تعریف شده و می‌تواند به‌عنوان الگویی مرجع و تعمیم‌پذیر در اداره حکومت در حوزه پیش‌گفته به کار گرفته شود. درحقیقت، الگوی راهبردی راهی است که ما را به هدف می‌رساند و مبنایی را برای تعقیب فرآیند طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی راهبردی فراهم می‌سازد.

1. Pattern

2. saaty

3. Strategic model

دفاع همه‌جانبه: دفاع همه‌جانبه^۱، دفاع از ریشه دَفْع و به معنای دفع شر نمودن، دفع تعرض، عقب‌رانیدن، پس‌زدن، دور کردن، دور کردن از کسی، دفع کردن از کسی (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه) می‌باشد. کلمه همه‌جانبه (صفت مرکب) نیز به لحاظ لغوی عبارت است از کاری که از همه طرف به آن روی موافق نشان داده شود. مورد اتفاق، دارای جنبه‌های گوناگون (فرهنگ معین، ذیل واژه). برای دفاع همه‌جانبه، تعاریف مختلفی ارائه شده است که برخی از آنها از این قرار است: آماده‌سازی و به‌کارگیری کلیه سرمایه‌های انسانی و امکانات مادی و معنوی، به‌منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان داخلی و خارجی (خانی، ۱۳۷۶: ۱۴۹). دفاع همه‌جانبه، در واقع، کاربست تمامی ظرفیت‌ها و مشارکت جدی و همه‌جانبه‌ای در مقابله با تهدیدهای احتمالی^۲، بالقوه و بالفعل فراروی نظام است. همچنین، دفاع همه‌جانبه یک نوع دفاع در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی مبتنی بر تمامی امکانات مادی و معنوی کشور در برابر دشمن یا هر عامل تهدیدزایی که حیات سیاسی را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد، تعریف شده است (مرادپیری، ۱۳۹۱: ۳). براین اساس، دفاع همه‌جانبه را می‌توان کاربست تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود برای مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام دانست. دفاع همه‌جانبه، مبحثی راهبردی و جامع است و عرصه‌های اصلی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را دربرمی‌گیرد (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰: ۱۱).

نظریه دفاع همه‌جانبه

منظور از دفاع همه‌جانبه، دفاعی با ابعاد مختلف در قبال تهدیدهای پیچیده و دارای جنبه‌های مختلف است که با حفظ تمامیت ارضی، تمامیت فرهنگی و تمامیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ابعاد فردی و جمعی کشور سروکار دارد. لازمه انجام این نوع دفاع، علاوه بر آمادگی نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی، بیداری و هوشیاری عمومی و درصحنه‌بودن مردم کشور است. دفاع

1. Comprehensive defense
2. Possible threats

همه‌جانبه، به‌لحاظ ماهیت، ماهیتی چندبعدی و چندلایه دارد و به‌لحاظ گستره، در سطح ملی است و از آنجا که با بود و نبود کشور و انقلاب و نظام‌اسلامی مرتبط است، برای استمرار نظام‌اسلامی و ارزش‌های آن بسیار ضروری و حیاتی است. اهمیت و ضرورت راهبرد دفاع همه‌جانبه در مقابله با این تهدیدها و چالش‌های امنیتی بر کسی پوشیده نیست. راهبرد دفاع همه‌جانبه از جمله سیاست‌های ابلاغی امام‌خمينی(ره) است که در سال ۱۳۶۷ به مجمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی و با توجه به شرایط و مقتضیات نظام جمهوری‌اسلامی و انقلاب‌اسلامی ابلاغ شد. دفاع همه‌جانبه، مفهومی گسترده و دربرگیرنده طیفی وسیع از معانی و مصادیق است. با توجه به ابعاد گسترده تهدیدهای خارجی، دفاع همه‌جانبه نیز دارای ابعاد مؤلفه‌هایی به گستردگی تهدیدها خواهد بود. تهدیدها را می‌توان در قالب ابعاد دوگانه نرم و سخت، در شش مؤلفه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی، علمی و تکنولوژیک و نیز نظامی - امنیتی دسته‌بندی کرد(ناظمی اردکانی و الوانی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۸).

درخصوص چيستی دفاع همه‌جانبه چنین آمده‌است:

الف. دفاع همه‌جانبه به‌مثابه اندیشه دفاعی: اندیشه دفاعی و نظامی دارای سه عنصر مبانی نظری و عقیدتی^۱، تفکرات و تجارب نظامی^۲ و تحولات سیاسی و نظامی^۳ می‌باشد. هیچ ملتی را نمی‌توان یافت که دارای اندیشه دفاعی نظامی نباشد. اندیشه دفاعی نظامی، تفکری است که به‌گونه‌ای قاعده‌مند و توأم با انسجام درون‌گفتمانی، به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه پرداخته و آن را در برابر خطرها و تهدیدهای نظامی خارجی ایمن نماید و در جهت حصول و امنیت و تأمین منافع آن به چاره‌جویی بپردازد.

ب. دفاع همه‌جانبه به‌مثابه سیاست دفاعی: بنا به یک نظر، سیاست دفاعی، طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌های دولت برای ایجاد امنیت در برابر تهدیدهای نظامی خارجی در زمان صلح و جنگ و در مقابل شورش‌های داخلی است.

-
1. Theoretical & ideological foundations
 2. Military thoughts & experiences
 3. political & military developments

گروهی دیگر از محققان بر این اعتقادند که حوزه کاربرد سیاست دفاعی، محدود به سیاست‌های نظامی غیرتهاجمی و یا حتی سیاست‌های دوران صلح است. به‌هرحال، نکته غیرقابل‌انکار آن است که سیاست دفاعی بخشی از سیاست کلی دولت است که به‌گونه مستقیم با ایجاد سازمان نظامی، آمادگی و استفاده از ابزارهای نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی مشخص مرتبط است.

ضرورت کاربست دفاع همه‌جانبه

جمهوری اسلامی ایران که به‌عنوان حکومتی برخاسته از یک انقلاب ایدئولوژیک در سطح جامعه جهانی شناخته شده‌است، علاوه‌بر منابع قدرت سخت، از منابع قدرت نیمه‌سخت و نرم نیز برخوردار است. در حوزه سیاست‌های دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، دفاع همه‌جانبه، مبحثی راهبردی و جامع است که عرصه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد. دفاع همه‌جانبه را می‌توان کاربست تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود نظام برای مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام دانست. دفاع همه‌جانبه، مفهومی با ظرفیت معنایی فراوان است و با چنین ظرفیتی می‌توان از زوایای گوناگون به این مفهوم نگریست. دفاع همه‌جانبه، دفاع از ارزش‌هایی است که مورد تهدید هستند و یا خواهند بود. از دیگر ضروریات دفاع همه‌جانبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. وجود تهدیدهای همه‌جانبه: با توجه وجود تهدیدهای مختلف در حوزه سه‌گانه (سخت، نیمه سخت، نرم)، لازم است برای مقابله با این تهدیدات، از نظریه دفاع همه‌جانبه استفاده نمود.

۲. کم‌هزینه‌بودن: کم‌هزینه‌بودن دفاع ناشی از آسان‌تر و ارزان‌تر بودن پیشگیری است. به‌عبارت‌دیگر، از آنجا که اجرای این امر باعث آمادگی پیوسته نظام دفاعی کشور می‌شود، بنابراین، از دامنه و شدت تهدیدها کاسته می‌شود و بدیهی است که در چنین شرایطی، احتمال وقوع تهاجم نظامی، بسیار کاهش می‌یابد و در عرصه داخلی نیز ثبات و امنیت، از پایایی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ بنابراین، امنیت و ثبات ملی، تقویت شده و افزایش خواهد یافت (ناظمی اردکانی و الوانی، ۱۳۹۴: ۱۷ - ۱۹)

۳. وجود عدم قطعیت: کشورها در بیشتر مواقع نمی‌توانند به‌طور قاطع مشخص نمایند که تهدیدهای آینده، کجا و چه‌زمانی به وقوع خواهند پیوست و در یک محیط فاقد شفافیت، ارزیابی‌ها دشوار خواهد شد؛ از این رو، به‌منظور پیشگیری از غافلگیری راهبردی^۱، بایستی آمادگی خود را حفظ نموده و حتی افزایش داد. پس عدم قطعیت را باید به‌مثابه یک اصل سازمان‌دهنده کلیدی همواره مد نظر قرار داد و برای مدیریت عدم قطعیت موجود، باید دفاع همه‌جانبه را در دستور کار داشت.

۴. کارکردهای اصلی دفاع همه‌جانبه: کارکردهای دفاع همه‌جانبه را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی نمود:

الف. فلج‌سازی راهبردی: هدف اصلی در فلج‌سازی راهبردی^۲، ایجاد شرایط و وضعیتی است که دشمن/حریف نتواند از توانمندی‌های خود (سخت‌افزار و یا نرم‌افزار) استفاده نماید و همچنین، رهبری دشمن/حریف مختل شود و نتواند تصمیم‌های درستی اتخاذ کند. اجرای موفق دفاع همه‌جانبه موجب فلج‌سازی مخالفان داخلی و دشمنان خارجی می‌گردد.

ب. مدیریت بحران‌های دفاعی^۳: دفاع همه‌جانبه دارای این ظرفیت است که در مواقع بروز بحران‌های دفاعی بتواند از ارزش‌های حیاتی نظام، حمایت و دفاع نماید و به‌عنوان ابزار مدیریت دفاعی در خدمت امنیت و دفاع کشور قرار گیرد (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۴).

ج. مرجع راهبرد دفاع همه‌جانبه: در بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام‌معظم‌رهبری، مرجع راهبرد دفاع همه‌جانبه بر چهار محور استوار است که شامل موارد زیر است: ۱. امام، رهبری، ولایت فقیه، امت؛ ۲. دولت (اعم از قوای مجریه، مقننه و قضاییه) یا بخش کشوری؛ ۳. نیروهای مسلح؛ ۴. آحاد مردم (امت).

1. Strategic surprise
2. Strategic paralysis
3. Defense crisis management



شکل ۱. ساختار مفهومی مرجع، دفاع همه‌جانبه؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری

روش‌شناسی

با توجه به موضوع تحقیق، نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ است. نظریه‌سازی داده‌بنیاد نوعی نظریه‌استقرایی و اکتشافی است (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۸۹: ۲۰) که در آن، فرآیند گردآوری داده‌ها، نظم‌دادن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به هم وابسته بوده و به‌طور هم‌زمان انجام می‌شوند. به عقیده استراوس و کوربین^۲ این فرآیند، اعمالی را نشان می‌دهد که به وسیله آن، نظریه‌ها بر پایه داده ساخته می‌شوند؛ این قسمت، فرآیند اصلی ساختن نظریه است. گفتنی است که مرز بین انواع کدگذاری‌ها مصنوعی است؛ به عبارت دیگر، محقق ممکن است بدون اینکه متوجه باشد، از یک مرحله کدگذاری به مرحله دیگر وارد شود. این اتفاق بیشتر در مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری اتفاق می‌افتد (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۳۶). مسیر حرکت در تحلیل کیفی عمدتاً از متن به سمت بیرون کشیدن مقولات و سپس ایجاد الگوها و

1. Foundation theory
2. Strauss & Corbin

نقشه‌های مفهومی است؛ از این رو، کاربرد بیشتر منطق استقرا در آن، پذیرفته شده است (کینگاز و الو^۱، ۲۰۰۷: ۱۰۷). روش‌شناسی این نظریه به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا مبنای نظری را از ویژگی‌های عمومی یا کلی یک موضوع که هم‌زمان در مشاهدات یا داده‌های تجربی ریشه دارد، ارائه دهد. در تحقیقات کیفی، روش‌های نمونه‌گیری متنوعی وجود دارد اما از آنجا که روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری نظری (تئوریک) بود، بنابراین، همه گزاره‌های استخراج‌شده در مورد مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه در جداول کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، مجموعه بیانات و مکتوبات امام‌خمينی (ره) در کتاب صحیفه امام و مجموعه بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری از سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ در قالب نرم‌افزار حدیث ولایت و همچنین، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له است.

روش گردآوری داده‌ها: محققین از طریق مطالعه کتابخانه‌ای (اسنادی) و با استفاده از مجموعه صحیفه امام و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری^۲ و همچنین، نرم‌افزار حدیث ولایت - که مجموعه بیانات و دیدگاه‌های ایشان را منتشر می‌کند - نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام نموده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها: در این تحقیق، مجموعه داده‌های جمع‌آوری‌شده در رابطه با راهبرد دفاع همه‌جانبه از دیدگاه امام‌خمينی و مقام معظم رهبری طی سه مرحله کدگذاری و با استفاده از جداول به صورت گام‌به‌گام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

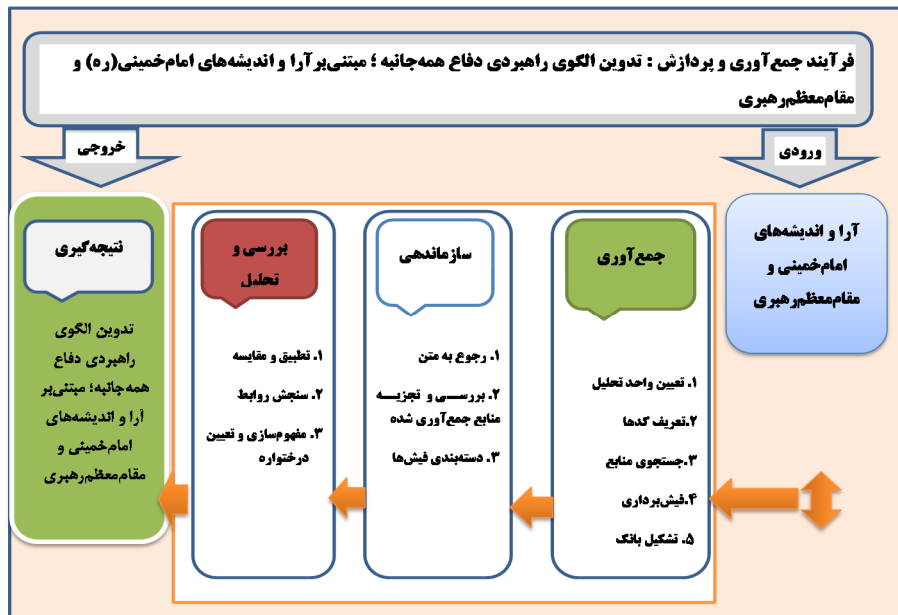
پژوهش حاضر به دنبال تبیین الگوی راهبرد دفاع همه‌جانبه در اندیشه امام‌خمينی (ره) و مقام معظم رهبری است؛ از این رو، بیانات و مکتوبات مطابق فرآیند شکل ۲ جمع‌آوری و طی چهار مرحله کدگذاری، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مبنای تجزیه و تحلیل کیفی، عقل، منطق، تفکر و استدلال بوده است و محقق از این طریق، به کشف مؤلفه‌ها و شاخص‌های دفاع

1. Kingas & Elo

2. <https://www.leader.ir/fa/istifta>

همه‌جانبه در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می‌رسد. در این تحقیق، از استراتژی پژوهشی تحلیل مضمون که یکی از استراتژی‌های کیفی به شمار می‌رود، استفاده شده است؛ زیرا در آن، چارچوبی از پیش تعیین شده مانند الگو و دسته‌بندی‌های جامع وجود ندارد و این چارچوب بر اساس داده‌هایی که گردآوری خواهند شد، طراحی می‌شود (بیاتیز^۱، ۱۹۹۸: ۴).

فرآیند جمع‌آوری و پردازش: در فرآیند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا تعدادی کلیدواژه‌های متناسب تعیین و جمع‌آوری شد و سپس نسبت به بررسی، تطبیق و مقایسه اقدام گردید و در تمام مراحل کدگذاری، همواره به متون مراجعه و در هر مرحله، مطابق الگوی ارائه شده، بخش‌هایی حذف یا اضافه شد تا اشباع نظری ایجاد شد و در نهایت، در قالب گام‌های چهارگانه تبدیل به گزاره و کدهای اساسی (مفهوم) گردید. با توجه به اینکه روش تجزیه و تحلیل این تحقیق کیفی است، برخلاف روش‌های کمی با مرحله گردآوری داده‌ها توأمان انجام شده است.



شکل ۲. نمودار فرآیند جمع‌آوری و پردازش تحقیق

تدوین الگوی راهبردی

گام اول تدوین الگو(فرآیند کدگذاری): کدگذاری فرآیند طبقه‌بندی و نظم‌دهی به داده‌ها است و یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظریه‌سازی داده‌بنیاد به‌شمار می‌رود. کدگذاری باز به‌منظور استفاده از داده‌ها برای تشکیل برچسب‌ها و مقالات مفهومی و برای ساخت نظریه مورد استفاده قرار می‌گیرد و کارکرد آن نشان‌دادن احتمالات نظری موجود در داده‌ها است (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۸۹: ۵۷). جدول شماره ۱ نمونه‌ای از جداول کدگذاری باز است که شامل ۷ ستون می‌باشد.

جدول ۱. جدول کدگذاری داده‌ها و تحلیل گزاره‌های منتخب (ابعاد و مؤلفه‌ها) کدگذاری باز

مفوله کلی	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شنا سه
دفاعی - آمیختگی	دفاع همه‌جانبه	بعد بیخون	۱. مؤلفه دفاعی - نظامی	«دفاع از مملکت اسلامی و دفاع از نوامیس مسلمین، از واجبات شرعی الهیه‌ای است که بر همه ما واجب است.»	صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸۲	الف/۱/۱
				ما آمادگی‌های خود را برای مقابله با استکبار، همیشه حفظ می‌کنیم، همین حالا هم آماده هستیم، ما قصد تجاوز به هیچ‌کس را نداشتیم، باز هم نداریم؛ اما آماده ایم که برای مقابله با تجاوز هر کس که باشد، اقدام کنیم.	حدیث ولایت، ج ۵، ص ۹۵	ب/۱/۱
				«در هر حال، ما باید آماده و مهیا باشیم. روزهای حساس و تعیین‌کننده‌ای در پیش داریم و انقلاب اسلامی هنوز سال‌ها و ماه‌های تعیین‌کننده دیگر در پیش خواهد داشت.	امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۳۳-۱۳۵	الف/۲/۱
				«غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تجاوز و تهاجم بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.»	(صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۹)	الف/۳/۱
				ما در صورت اعلان جنگ دشمن، دفاع همه‌جانبه اعلان می‌کنیم و در مقابل اقدام دشمن به جنگ، به دفاع همه‌جانبه و ضربه متقابل اقدام خواهیم کرد.	بیانات، مقام‌معظم‌رهبری ۱۳۸۰/۱۲/۲۷	ب/۲/۱

مفوله کلی	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شنا سه
				آمادگی شما نیروهای مسلح - چه ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه بقیه مجموعه‌های نیروهای مسلح - فقط به معنای این نیست که در نبرد بر دشمن پیروز بشوید بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است.	بیانات، مقام معظم رهبری - ۱۳۹۴/۰۷/۰۸	ب. / ۳/۱
				همه مردم مکلفاند دفاع کنند و این یک واجب عینی است و از نماز هم اهمیت بیشتری دارد؛ چون به معنای حفظ اسلام است.	امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۹، ص ۴۸۶	الف. / ۴/۱
				یکی سد دفاعی ملی است آن روحیه انقلابی و دینی مردم، یکی از آن سه عنصر اصلی حفظ امنیت کشور است؛ یکی همین تشکیلات نظامی ما و تشکیلات امنیتی ما است؛ یکی هم مسئله فنی ما و ابزارهای ما است، اینها در حفظ امنیت کشور خیلی تأثیر دارد. اینکه کشور بتواند از خودش دفاع بکند و این را دیگران بدانند که این قدرت دفاعی در کشور هست، این خیلی مهم است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۰۶/۰۳	ج. / ۴/۱
				اسلام برای همه است و ما همه در تحت لوای اسلام ان شاءالله امیدوارم با رفاه و امنیت زندگی کنیم.	صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۳۹	الف. / ۱/۲
			۱- مؤلفه امنیت ۲- مؤلفه امنیت ۳- مؤلفه امنیت	امنیت داخلی، یک طیف وسیع از تلاشی است که اگر همه مسؤلان ذی‌ربط با همه توان کار کنند، خواهند توانست این خواسته بزرگ را تأمین کنند، لذا امنیت چیز کمی نیست.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۷۹/۱/۶	ج. / ۱/۲
		بشر سعادت‌مندی‌اش به این نیست که دانش او پیشرفت کند - دانش ابزار سعادت است - سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی‌دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت در جامعه است.		بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۱۰/۱۲	ج. / ۲/۲	
		حالتی است که در آن فرد و جامعه از نظر فکری و عقیدتی، از تزریق افکار و شبهات ناپسند و تفرقه انگیز که هر دو را نسبت به دین و مایه‌های عقیدتی بدبین سازد، ایمن باشند.		بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۹/۴	ج. / ۳/۲	

مفوله کلی	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شنا سه
				امنیت ملی یک کشور در درجه اول به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش های فرهنگی و رفاه اقتصادی دور نگه دارد.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۷۳/۴/۲۹	ب/۴۲
				یک ملت برای گذر کردن از گردنه‌های دشوار به این‌ها نیازمند است. خودتان را از همه جهات آماده کنید. بگذارید این ملت با احساس وجود جوانان باارزشی در نیروهای مسلح، طعم امنیت و آسایش روانی را همچنان بچشد و احساس کند که به اذن پروردگار، حصن حصینی ضامن امنیت اوست.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۹/۴	ب/۵۲
				دشمن، قدرت دفاعی را در کشور نمی‌تواند تحل بکند؛ بنابراین، یکی از اساسی‌ترین کارها همین است که ما ابزارهای دفاعی مان را تقویت بکنیم و هر کدام از این سه عامل یعنی عامل روحیه مردم، عامل حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت، و عامل ابزار و وسیله تضعیف بشود، به ضرر ما است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۰۶/۰۳	ب/۵۳
				امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌های یک ملت است، اگر امنیت نباشد، نه اقتصاد هست، نه فرهنگ هست، نه سعادت عمومی.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۰۷/۱۵	ب/۶۲
			۳. مؤلفه جاسوسی و نفوذ اطلاعاتی بعد نیمه‌سختن	امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۶/۲۵	ب/۱۳
		مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موربانه از داخل می‌جود و پایه‌ها را سست می‌کند و فرو می‌ریزد؛ قضیه این جوری است. مسئله نفوذ خیلی مهم است.		بیانات، مقام معظم رهبری ۹۴/۱۰/۱۴	ب/۲۳	
		از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ استکباری، همین رادیوهای بیگانه است! خرج‌های زیادی می‌کنند، پول‌هایی می‌گذارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند.		بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۷۷/۷/۱۵	ب/۳۴	

مقوله کلی	مقوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شنا سه
				امروز آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۳/۲/۲۸	ب/۴۳
				رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته به استکبار، میدان‌دارترین عناصر دشمنان استقلال ملت‌ها برای به‌آشوب کشیدن ملت‌ها هستند؛ برای اینکه اینها را از مسیرشان منصرف کنند.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۴/۲۹	ب/۵۳
				این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهان‌خواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است کشور خودکفا شود.	صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۴۳۳-۴۳۴: ۲۱	الف/۱۴
				باعث مسرت است که ملت مسلمان ایران با همه این تحریم‌ها و مشکلات مقابله کرد و به جای دست دراز کردن به سوی سایر کشورهای پیشرفته برای کمک، شروع به ساخت همه چیزهای مورد نیاز خود نمود.	امام خمینی (ره): ماهنامه حضور، شماره ۳۰، ص ۳۸۴	الف/۲۴
			۴. مؤلفه‌های اقتصادی	استقلال اقتصادی یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود، روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۷۲/۲/۱۵	ب/۱۴
				مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۵/۳	ب/۲۴

مقوله کلی	مقوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شناخته
				مسئله اقتصاد، مسئله‌ی اولویت‌دار کشور است ... هدف دشمن این است که بتواند با فشار اقتصادی، ملت ایران را نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی دلسرد و دلزده کند و بین ملت ایران و نظام اسلامی فاصله بیندازد و هدف‌های خودش را از این راه دنبال کند.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۶/۰۱/۰۱	ب/۳/۴
				یکی از اهداف آنها از این تحریم‌ها همین است که مردم را از نظام جدا کنند؛ مردم دچار مشکلات باشند؛ بیکاری باشد، رکود باشد، مشکلات گوناگون اقتصادی باشد؛ ما همین‌طور حرف بزنیم، مردم هم دچار مشکلات [باشند]. تحریم می‌کنند برای اینکه این کارها اتفاق بیفتد و تحریم را هم که به‌ظاهر برمی‌دارند، جوری برمی‌دارند که این مشکلات برطرف نشود. ما باید در مقابل چه کار کنیم؟ پادزهر ما این است که ما کاری کنیم که اقتصاد، اقتصاد قوی، مقاوم و پایدار [بشود]، یعنی همان «اقتصاد مقاوم‌تی» که بارها گفته‌ایم و گفته‌ایم و گفته‌ایم.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۱۰/۱۹	ب/۴/۴
				اقتصاد قوی و مستقل کشور ما هم مایه اقتدار ما است لذا با آن مخالفند. تحریم می‌کنند، برای اینکه اقتصاد را ضربه بزنند؛ تدابیر گوناگونی به کار می‌بندند که ای کاش اقتصاددان‌های مؤمن ما بیایند برای مردم تشریح کنند تدابیری را که دشمنان ما در آن سوی مرزها به کار می‌برند تا ما نتوانیم در داخل، اقتصاد محکم و مستقل و قوی داشته باشیم؛ چرا؟ چون اقتصاد مایه اقتدار است و یک کشوری که اقتصاد محکمی دارد، این کشور یک وسیله اقتدار دارد.	بیانات، مقام معظم رهبری (۱۳۹۶/۰۲/۲۰)	ب/۵/۴
				مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی‌بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.	متن بیانیه «گام دوم انقلاب» بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۷/۱۱/۲۲	ب/۶/۴

مقوله کلی	مقوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شنا سه
۴. مؤلفه علم و فناوری				<p>* با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخی‌ها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفت‌هایش در علوم و فنون، هنوز در گهواره طفولیت دانش است و تا رسیدن به بلوغ کامل، راه طولانی در پیش است.</p>	صحیفه امام، ج ۲۱ ۱/۵/الف	۱/۵/الف
				<p>تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری و تقویت و گسترش گفتمان تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در کشور.</p>	بیانات، مقام‌معظم‌رهبري ۱۳۹۳/۶/۲۹ ۱/۵/ب	۱/۵/ب
				<p>جنبش نرم‌افزاری و حرکت علمی که اکنون به‌صورت «گفتمان عمومی» درآمده و دانشمندان جوان ما موفق به شکستن خطوط مرزی علم شده اند، باید با قدرت ادامه یابد؛ زیرا پیشرفت در هر عرصه‌ای، زمینه‌ساز پیشرفت‌های جدید در بخش‌های دیگر خواهد شد.</p>	بیانات، مقام‌معظم‌رهبري ۱۳۹۵/۶/۱۰ ۲/۵/ب	۲/۵/ب
				<p>نخبگان، سرمایه‌های معنوی کشورند. در دنیا، نگاه مادی به سرمایه‌ها و ثروت معنوی موجب شده است که ثروت‌های معنوی را با محاسبه امکان تبادل به پول بسنجند؛ این دانش چقدر می‌تواند تبدیل به پول بشود؛ این هنر چقدر می‌تواند تبدیل به پول بشود؛ اما در اسلام این معیار وجود ندارد. نه اینکه از تبدیل علم و هنر و سایر سرمایه‌های معنوی به پول، ابایی وجود داشته باشد؛ نه، علم وسیله رفاه زندگی است؛ هنر وسیله رونق و بهای زندگی است؛ اشکالی ندارد؛ اما با قطع نظر از این نگاه، خود این ثروت معنوی هم یک ارزش والاّی از نظر اسلام دارد.</p>	بیانات، مقام‌معظم‌رهبري ۱۴/۰۲/۱۳۸۴ ۳/۵/ب	۳/۵/ب
				<p>ما توانستیم از همین محدودیت‌ها به‌عنوان یک فرصت استفاده کنیم. همین منع‌ها و تحریم‌ها و محدودیت‌ها موجب شد که ما در میدان‌های نوآوری و ابتکار، در همه زمینه‌ها، به پیشرفت‌های بی‌دست پیدا کنیم.</p>	بیانات، مقام‌معظم‌رهبري ۱۳۹۰/۰۷/۲۰ ۴/۵/ب	۴/۵/ب

مفوله کلی	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شنا سسه
د. سید سعید محمدی د. سید سعید محمدی د. سید سعید محمدی				جمهوری اسلامی ایران، طالبان نیست که به بیگانگان وصل باشد؛ بلکه کشوری است مقتدر با مردمی حماسه‌ساز و سربلند، امکانات فراوان و دارای عقبه طولانی در همه جای جهان اسلام. و این عوامل به ایران اسلامی قدرت بازدارندگی بسیار بالایی می‌بخشد که با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۰/۱۲/۲۷	۱/۶/ب.
				امام می‌دانست که اگر ما به اسلام متمسک شویم، هم عزت دنیا و هم رفاه مادی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پدید خواهد آمد؛ لذا امام اسلامیت را به معنای حقیقی کلمه در بافت نظام اسلامی و این بنای مستحکم و شاخص گذاشت.	بیانات، مقام معظم رهبری (۱۳۸۰/۳/۱۴)	۲/۶/ب.
				روح ایمان را در آن‌ها (مردم) تقویت کنید که اگر جنبه ایمان مردم تقویت شد، همه امور به راحتی انجام می‌شود. دنبال این بروید که معارف اسلامی را در بین مردم تقویت کنید که رأس امور، این معارف اسلامی است و اگر درست بشود همه کارها درست می‌شود.	صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۲۰، ص ۳۰۰	۱/۶/الف.
				بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه‌ای دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساسا فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی، نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است.	صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۵، ص ۲۴۳	۲/۶/الف.
				یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن، این یک بعد مهم است. اما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت دهیم. اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین، مسأله اساسی و مهمی است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۷/۲۳	۳/۶/ب.
				فرهنگ درحقیقت، همه چیز یک جامعه است. هیچ بنیاد اجتماعی و اقتصادی، بدون اتکا به فرهنگ شکل نمی‌گیرد. مسأله فرهنگ در یک جامعه، یک مسأله حیاتی است. فرهنگ یک جامعه اساس هویت آن جامعه است. استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۷۷/۱۰/۱۵	۴/۶/ب.

مقوله کلی	مقوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شناخته
				من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را بلند کند تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که اینها در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزییق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۳/۴/۱۷	ب. ۵۶
			۷. مؤلفه عدالت اجتماعی	ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است؛ چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است؛ ما انتظار داریم تا هیئتی به تجاوزات و جنایات رسیدگی کامل نماید و ظالم و متجاوز را معرفی نموده و با آن طوری عمل کنند تا عبرتی برای متجاوزان به حقوق بشر گردد و با این شیوه نیز می‌توان صلح و آرامش را به جهان برگرداند.	امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۴، ص ۱۵۶	الف. ۱۷
				با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی بر حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع می‌شود. هر کس احساس کند در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد و همه کس بدانند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۶۸/۴/۲۳	ب. ۱۷
				دفاع از حقوق ... مسلمانان عالم، ... در هر نقطه عالم ... جزو اصول ماست.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۰۳/۱۴	ب. ۲۷
				اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدف و عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم. باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از حقوق کشورمان، از حقوق ملتمان - به عنوان یک ملت - از حقوق خودمان دفاع کنیم؛ ما دنبال این هستیم.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۱۱/۰۶	ب. ۳۷
				فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان، برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند.	امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۰، ص ۳۱۸	الف. ۱۸
				۸. مؤلفه بیابانی		

مفوله کلی	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شماره
				استحکام و عمق فکر دفاع از یک ملت مظلوم در سیاست ما به مراتب بیشتر از عمق سیاست دفاع از صهیونیسم در مجموعه سیاسی دولتی مثل امریکاست.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۳/۰۵/۲۵	ب/۱/۸
				هر جا دفاع از هویت اسلامی است، هر جا دفاع از مظلوم است، جمهوری اسلامی آنجا حاضر است و حاضر خواهد بود و آمریکا و صهیونیسم و شبکه فاسد سیاسی مستکبرین نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و نخواهند توانست.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۴/۲۱	ب/۲/۸
				اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام - اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست - دفاع کنند.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۷۱/۱۱/۱۸	ب/۳/۸
				ملت ایران درس مردم‌سالاری را از اسلام فرا گرفته و از بن دندان، مومن و متعهد به آن است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۸۴/۵/۱۲	ب/۴/۸
				امروز، دنیا در جریان یک تحولات مهمی است؛ آستن تحولات مهمی است؛ همه دنیا، نه فقط منطقه آسیا یا آفریقا یا غرب آسیا به‌خصوص؛ در همه عالم احساس می‌شود تحولاتی در حال وقوع است؛ بایستی در این تحولات، نقش ایفا کرد.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۶/۱۰/۲۶	ب/۵/۸
				آمریکا به ما می‌گوید شما چرا در منطقه حضور دارید! خوب، ما اگر در منطقه حضور داریم باید از تو اجازه بگیریم؟ ما برای حضور در منطقه بایستی با دولت‌های منطقه مذاکره کنیم، شما چرا در منطقه هستید؟ اینجا منطقه ما است! شما اینجا چه کار می‌کنید؟ منطقه ما است؛ خودمان با مردم منطقه و با حکومت‌های منطقه مذاکره می‌کنیم.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۶/۱۲/۱۷	ب/۶/۸
			ب- مؤلفه بزرگ	شما مشاهده می‌کنید صدها مرکز رادیویی و تلویزیونی، به‌علاوه صدها مراکز گوناگون سایبری و محیط مجازی در نقاط مختلف دنیا دارند تلاش می‌کنند تا پیام یأس و ناامیدی را به اذهان ملت ما تلقین کنند.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۷/۲۲	ب/۱/۹

مقوله کلی	مقوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	گزاره‌های منتخب	منبع	شناخته
				در ۳۷ سال گذشته، همواره مبارزه وجود داشته است. البته امروز به واسطه شیوه‌های جدید و پیچیده دشمن، همچون موضوع فضای سایبری و تأثیرات فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و ضدامنیتی آن، این مبارزه سخت‌تر و حساس‌تر شده است.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۱۱/۱۴	ب. ۲/۹
			۱.۰ مؤلفه‌های زیست‌محیطی را	اسلام و ادیان الهی خواسته‌اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند؛ این، آن هدف اساسی و اصلی است. عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده‌اش خودخواهی‌های انسان است؛ قدرت طلبی است؛ قلدری و گردن کلفتی بعضی از ما انسان‌ها است. وقتی این اتفاق نیفتاد - یعنی این تعادل حفظ نشد - آن وقت بحران محیط‌زیست پیش می‌آید؛ بحران محیط‌زیست به همه بشر و به همه نسل‌ها آن وقت ضرر می‌زند.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۱۷	ج. ۱/۸۰
				امروز دانشمند اقتصادی دنیا، دانشمند اتمی دنیا، دانشمندانهای گوناگون علوم زیستی در دنیا، بسیاری از فرآورده‌های علمی‌شان در هلاک بشریت، نابودی جسم بشر یا روح بشر دارد به کار می‌رود.	بیانات، مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۰۷/۲	ب. ۲/۱۰

گام دوم الگو - کدگذاری محوری (شاخص‌ها): کدگذاری محوری، زیرمقوله‌های قبلی را با روش‌های متفاوت مفهومی در کنار هم قرار می‌دهد؛ بنابراین، کدگذاری محوری به فرآیند توسعه مقوله‌های اصلی و تعیین مقوله‌های فرعی آنها اشاره دارد (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۸۹: ۵۳). کدگذاری محوری در طول دوره میانی و در دو گام انجام می‌گیرد. اولین گام آن، نمونه‌گیری نظری است. گام دوم در کدگذاری محوری، مقایسه مداوم بین گروه‌ها و عناصر دیگر است.

جدول ۲. جدول تحلیل محتوا و کدگذاری محوری

مفوله	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	کدگزاره‌های منتخب	شاخص‌های استخراجی
دفاعی - امنیتی	دفاع همه‌جانبه	بند ساخت	۱. مؤلفه‌های نظامی - دفاعی	ب/۱/۱، الف/۲/۱، ب/۳/۱	حفظ آمادگی دفاعی
				ب/۱/۱، الف/۳/۱، الف/۴/۱	تقویت بنیه دفاعی
				ب/۲/۱	حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی
				ب/۴/۱	سد دفاعی ملی
			۲. مؤلفه‌های امنیتی - انتظامی	ب/۳/۲	امنیت فکری و اعتقادی
				ب/۲/۲، ب/۵/۲	امنیت اخلاقی و روانی
				الف/۱/۲، ب/۱/۲	ثبات امنیت داخلی
				ب/۴/۲	امنیت ملی
				ب/۶/۲	امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌هاست.
				ب/۵/۲	حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت
		بند نیمه‌ساخت	۳. مؤلفه‌های جاسوسی و نفوذ اطلاعاتی	ب/۳/۳، ب/۴/۳، ب/۵/۳	نفوذ در فضای رسانه‌ای و تحمیل اراده
				ب/۲/۳	نفوذ در لایه‌های حاکمیتی و اعمال اراده
				ب/۱/۳	نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تحمیل اراده
		۴. مؤلفه‌های اقتصادی	الف/۱/۴	مقاومت در برابر تحریم‌ها	
			ب/۱/۴، ب/۴/۴	استقلال اقتصادی	
			ب/۳/۴، ب/۴/۴، ب/۵/۴	اقتصاد مقاومتی	
			ب/۲/۴، ب/۶/۴، الف/۲/۴	مردمی کردن اقتصاد	
		۵. مؤلفه‌های علم و فناوری	ب/۱/۵، الف/۱/۵	تقویت عزم ملی و رسیدن به مرزهای دانش	
			ب/۲/۵، ب/۴/۵	دستیابی به علم و فناوری روز	
ب/۳/۵	تبدیل علم و فناوری به سرمایه				
بند نرم	۶. مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی	ب/۲/۶	گسترش اعتقادات و فرهنگ اسلامی در فضای عمومی جامعه		
		ب/۳/۶	زمینه‌سازی ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی		
		ب/۴/۶	استحاله فرهنگی و تغییرات هویتی در جامعه		
		ب/۱/۶	ترسیم هدف آرمانی و مطلوب ایجاد تمدن نوین اسلامی		
		ب/۵/۶	تهاجم و شبیخون فرهنگی		

مفوله	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	کد گزاره‌های منتخب	شاخص‌های استخراجی
			۷. مؤلفه حقوقی و قضایی	الف/۱۷	حفظ حقوق و حرمت شهروندی
				ب/۲۷، ب/۱۷	احقاق حقوق ستمدیدگان و مظلومان
				ب/۳۷	دفاع از حق و عدالت
			۸. مؤلفه‌های سیاسی	الف/۱۸، ب/۳۸، ب/۱۸	دفاع از منافع بین‌المللی جهان اسلام
				ب/۱۸	عزت ملی در روابط خارجی
				ب/۴۸	مردم‌سالاری دینی
				ب/۵۸، ب/۶۸	ایفای نقش در تحولات منطقه‌ای و بین‌الملل
			۹. مؤلفه سایبری	ب/۱۹	ایجاد شبکه ملی اطلاعات
				ب/۲۹	امنیت سایبر در مقابل تهدیدات
			۱۰. مؤلفه‌های زیست‌محیطی	ب/۲۱۰	جنگ بیولوژیکی
				ب/۱۱۰	بحران‌های زیست‌محیطی

گام سوم الگو، کدگذاری انتخابی (تعیین نوع شاخص): کدگذاری انتخابی با تلفیق مقوله‌هایی که برای شکل‌گیری چارچوب نظری اولیه توسعه داده شده‌اند، مرتبط است (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۸۹: ۵۳) اصطلاح انتخابی به این علت برای این مرحله به کار می‌رود که تحلیل‌گر به‌وضوح یک جنبه مرکزی از داده‌ها را به‌عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب می‌کند و روی آن متمرکز می‌شود. وقتی این انتخاب صورت بگیرد، تحلیل نظری محدود و کدگذاری باز متوقف می‌شود. بنابراین، در کدگذاری انتخابی، هدف یکپارچه‌سازی و درکنارهم قرار دادن گزاره‌های به‌دست‌آمده و تحلیل رو به رشد است.

جدول ۳. جدول نمونه جدول کدگذاری انتخابی

مفوله کلی	مفوله	ابعاد	مؤلفه‌ها	کد گزاره‌های منتخب	شاخص‌های استخراجی	نوع شاخص
دفاعی - امنیتی	دفاع همه‌جانبه	بندسخت	۱. مؤلفه‌های نظامی - دفاعی	ب/۱۱، الف/۲۱، ب/۳۱	حفظ آمادگی دفاعی	زمینه‌ای
				الف/۱۱، الف/۳۱، الف/۴۱	تقویت بنیه دفاعی	زمینه‌ای
				ب/۲۱	حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی	زمینه‌ای
					سد دفاعی ملی	پیامد

نوع شاخص	شاخص‌های استخراجی	کد گزاره‌های منتخب	مؤلفه‌ها	ابعاد	مقوله	مقوله کلی
تقویت کننده	امنیت فکری و اعتقادی	ب/۳/۳	۲. مؤلفه‌های امنیتی - انتظامی			
تقویت کننده	امنیت اخلاقی و روانی	ب/۲/۲، ب/۵/۲				
تقویت کننده	ثبات امنیت داخلی	الف/۱/۲، ب/۱/۲				
راهبرد	امنیت ملی	ب/۴/۲				
پیامد	حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت	ب/۵/۲				
زمینه‌ای	امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌هاست	ب/۶/۲	۳. مؤلفه‌های جاسوسی و نفوذ اطلاعاتی	نفوذ	نیجه‌سختن	
محدود کننده	نفوذ در فضای رسانه‌ای و تحمیل اراده	ب/۳/۳، ب/۴/۳، ب/۵/۳				
محدود کننده	نفوذ در لایه‌های حاکمیتی و اعمال اراده	ب/۲/۳				
محدود کننده	نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تحمیل اراده	ب/۱/۳	۴. مؤلفه‌های اقتصادی			
زمینه‌ای	مقاومت در برابر تحریم‌ها	الف/۱/۴				
تقویت کننده	استقلال اقتصادی	ب/۱/۴، ب/۴/۴				
تقویت کننده	اقتصاد مقاومتی	ب/۳/۴، ب/۴/۴، ب/۵/۴				
راهبرد	مردمی کردن اقتصاد	ب/۲/۴، الف/۶/۴، ب/۴/۴	۵. مؤلفه‌های علم و فناوری			
زمینه‌ای	تقویت عزم ملی و رسیدن به مرزهای دانش	الف/۱/۵، ب/۱/۵				
محوری	دستیابی به علم و فناوری روز	ب/۲/۵				
محوری	تبدیل علم و فناوری به سرمایه	ب/۳/۵	۶. مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی			
علی	گسترش اعتقادات و فرهنگ اسلامی در فضای عمومی جامعه	ب/۲/۶				
علی	زمینه‌سازی ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی	ب/۳/۶				
محدود کننده	استحاله فرهنگی و تغییرات هویتی در جامعه	ب/۴/۶				
علی	ترسیم هدف آرمانی و مطلوب ایجاد تمدن نوین اسلامی	ب/۱/۶	۷. مؤلفه عدالت اجتماعی			
محدود کننده	تهاجم و شیخون فرهنگی	ب/۵/۶				
تقویت کننده	حفظ حقوق و حرمت شهروندی	الف/۱/۷				
علی	احقاق حقوق ستمدیدگان و مظلومان	ب/۲/۷، ب/۱/۷				

مؤلفه کلی	مؤلفه	ابعاد	مؤلفه‌ها	کد گزاره‌های منتخب	شاخص‌های استخراجی	نوع شاخص
				ب/۷/۳	دفاع از حق و عدالت	علی
			۸. مؤلفه‌های سیاسی	الف/۱/۸، ب/۳/۸، ب/۱/۸	دفاع از منافع بین‌المللی جهان اسلام	محوری
				ب/۱/۸	عزت ملی در روابط خارجی	محوری
				ب/۴/۸	مردم‌سالاری دینی	محوری
				ب/۵/۸	ایفای نقش در تحولات منطقه‌ای و بین‌الملل	راهبرد
			۹. مؤلفه سایبری	ب/۱/۹	ایجاد شبکه ملی اطلاعات	راهبرد
				ب/۲/۹	امنیت سایبر در مقابل تهدیدات	تقویت کننده
			۱۰. مؤلفه‌های زیست‌محیطی	ب/۲/۱۰	جنگ بیولوژیکی	محدود کننده
				ب/۱/۱۰	بحران‌های زیست‌محیطی	محدود کننده

نتیجه‌گیری

پس از شناسایی و دسته‌بندی مضامین احصاء‌شده در جلسات خبرگی، این مضامین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت، از جمع ۱۰۰ فیش جمع‌آوری‌شده، تعداد ۳۶ فیش‌گزینش و دسته‌بندی شد و در قالب ۳ بعد، ۱۰ مؤلفه و ۳۶ شاخص سازماندهی گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری برای مواجهه با تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی راهبردهایی را مطرح نموده‌اند. راهبردی که برای تأمین امنیت نظام اسلامی ارائه شده است، با توجه به شرایط و مقتضیات نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی طرح شده و دارای انعطاف است و به تناسب نیاز روز و شرایط زمان، قابل توسعه و تکامل است. با افزوده شدن بُعد دفاع و امنیت نرم در مقابل تهدیدهای نرم دشمن به سایر ابعاد این راهبرد، توسط مقام معظم رهبری در سال‌های پس از رحلت امام خمینی (ره)، این انعطاف‌پذیری با وضوح بیشتری به نمایش درآمده است. با این حال، به نظر می‌رسد که شناخت همه‌جانبه و تعیین و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن، مستلزم تلاش علمی

بیشتری است؛ هرچند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی برای اجرایی شدن این راهبرد، قدم‌های بسیاری برداشته‌اند.

پاسخ به سؤالات تحقیق:

۱. ابعاد دفاع همه‌جانبه از منظر امام‌خمينی و مقام‌معظم‌رهبری کدام است؟ محققين در پاسخ به سؤال فوق، بیانات و مکتوبات امام‌خمينی و مقام‌معظم‌رهبری را طی مراحل کدگذاری باز مورد بررسی و تحلیل قرار داده و در نتیجه، موارد زیر را به‌عنوان ابعاد عمده استخراج نمودند: دفاع همه‌جانبه در ابعاد سخت، نیمه‌سخت و نرم.
۲. مؤلفه‌های دفاعی از منظر اندیشه دفاعی امام‌خمينی و مقام‌معظم‌رهبری کدام است؟ محققين در پاسخ به این سؤال، از طریق کدگذاری انتخابی مؤلفه‌های زیر را استخراج و به شرح زیر ارائه نمودند: ۱. مؤلفه‌های نظامی - دفاعی؛ ۲. مؤلفه‌های امنیتی؛ ۳. مؤلفه‌های جاسوسی و نفوذ اطلاعاتی؛ ۴. مؤلفه‌های اقتصادی؛ ۵. مؤلفه‌های علم و فناوری؛ ۶. مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی؛ ۷. مؤلفه حقوقی و قضایی؛ ۸. مؤلفه‌های سیاسی؛ ۹. مؤلفه سایبری؛ ۱۰. مؤلفه‌های زیست‌محیطی.
۳. شاخص‌های علمی، محوری، تقویت‌کننده، محدودکننده، راهبردی و پیامدی کدامند؟ محققين با استفاده از کدگذاری محوری و در کنار هم قراردادن مؤلفه‌های دارای قرابت معنایی، نوع شاخص را مشخص و به شرح زیر ارائه می‌دهند:
 - الف. شاخص‌های علمی شامل موارد زیر است: ۱. گسترش اعتقادات و فرهنگ اسلامی در فضای عمومی جامعه؛ ۲. زمینه‌سازی ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی؛ ۳. ترسیم هدف آرمانی و مطلوب ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ ۴. احقاق حقوق ستمدیدگان و مظلومان؛ ۵. دفاع از حق و عدالت؛ ۶. امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌هاست.
 - ب. شاخص‌های محوری شامل موارد زیر است: ۱. مردم‌سالاری دینی؛ ۲. دستیابی به علم و فناوری روز؛ ۳. دفاع از منافع بین‌المللی جهان اسلام؛ ۴. تبدیل علم و فناوری به سرمایه؛ ۵. عزت ملی در روابط خارجی.

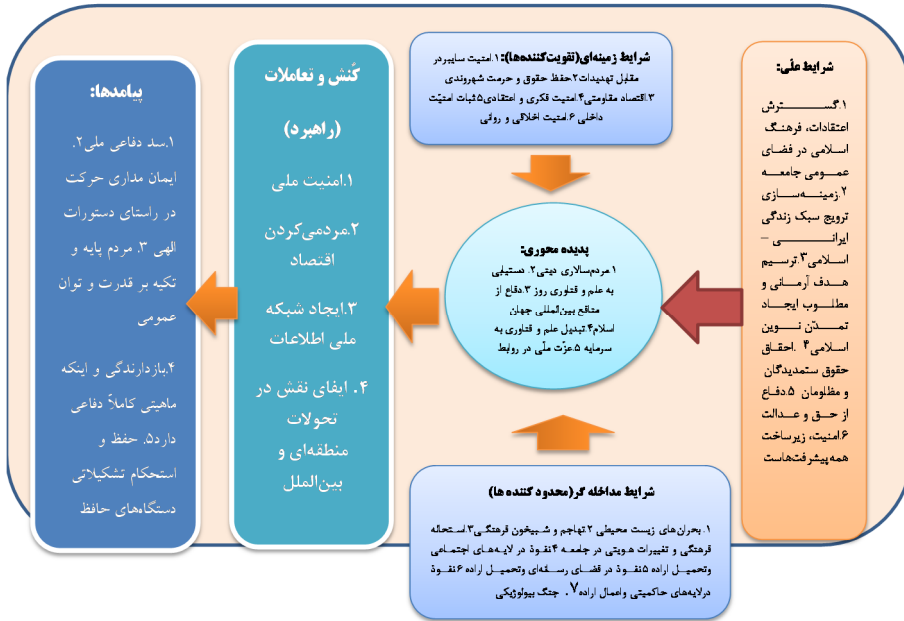
ج. شاخص‌های زمینه‌ای (تقویت‌کننده) شامل موارد زیر است: ۱. امنیت سایبر در مقابل تهدیدات؛ ۲. حفظ حقوق و حرمت شهروندی؛ ۳. اقتصاد مقاومتی؛ ۴. امنیت فکری و اعتقادی؛ ۵. ثبات امنیت داخلی؛ ۶. امنیت اخلاقی و روانی.

د. شاخص‌های مداخله‌گر (محدودکننده) شامل موارد زیر است: ۱. بحران‌های زیست‌محیطی؛ ۲. تهاجم و شبیخون فرهنگی؛ ۳. استحاله فرهنگی و تغییرات هویتی در جامعه؛ ۴. نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تحمیل اراده؛ ۵. نفوذ در فضای رسانه‌ای و تحمیل اراده؛ ۶. نفوذ در لایه‌های حاکمیتی و اعمال اراده؛ ۷. جنگ بیولوژیکی.

ه. شاخص‌های راهبردی شامل موارد زیر است: ۱. امنیت ملی؛ ۲. مردمی کردن اقتصاد؛ ۳. ایجاد شبکه ملی اطلاعات؛ ۴. ایفای نقش در تحولات منطقه‌ای و بین‌الملل.

و. شاخص‌های پیامدها شامل موارد زیر است: ۱. سد دفاعی ملی؛ ۲. ایمان مداری حرکت در راستای دستورات الهی؛ ۳. مردم‌پایه و تکیه بر قدرت و توان عمومی؛ ۴. بازدارندگی و اینکه ماهیتی کاملاً دفاعی دارد؛ ۵. حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت.

۴. الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه در چارچوب ترتیبات امنیتی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری چگونه است؟



شکل ۳. الگوی راهبردی دفاع همه‌جانبه؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام‌خمينی(ره) و مقام‌معظم رهبري

پيشنهاده‌ها

درنهایت، باید گفت این بحث به دلیل تازگی، نیاز به تحقیقات گسترده و تولید ادبیات وسیع‌تری دارد تا ضمن تعیین اجزا و عناصر این موضوع، امکان نظریه‌پردازی نیز فراهم گردد؛ براین اساس، لازم است تا محققان نظام جمهوری اسلامی نسبت به مطالعه همه‌جانبه و اساسی این موضوع، متناسب با راهبردها و سیاست‌های عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، حقوقی و علمی و فناوری کشور تمرکز نمایند.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمام کسانی که در انجام پژوهش حاضر یاری‌رسان بودند، تقدیر و تشکر نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- آقاجانی، احمد و عسگری، محمود (۱۳۹۰). چیستی و الزامات دفاع همه‌جانبه. ماهنامه اطلاعات راهبردی. ۹ (۱۰۴)، ۲۵ - ۵
- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها، هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۱). امام خمینی (ره) و مدیریت نرم دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵ (۳)، ۷۵ - ۶۲
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی. تهران. انتشارات سمت
- خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه بیانات، قابل دسترس در: www.khamenei.ir
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
- رشید، غلامعلی و همکاران (۱۳۹۶). تدوین راهبردهای دفاع همه‌جانبه در حوزه جنگ آینده. فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی. ۱۵ (۶۸)، ۵۶ - ۴۱
- عسگری، محمود و علیزاده، علی (۱۳۹۱). خلاصه مقالات برگزیده همایش دفاع ملی، دفاع همه‌جانبه. تهران. دانشگاه عالی دفاع ملی
- فولادی، قاسم و زارعی، وحید (۱۳۹۲). دفاع همه‌جانبه، رویکرد همه‌جانبه. تهران. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- مارش و استوکر (۱۳۸۷). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران. نشر
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، تفسیر نمونه قرآن کریم، تهران، انتشارات امام علی بن ابی طالب
- نادری، حمیدرضا (۱۳۹۲). ارائه الگوی راهبردی حفاظت اطلاعات ملی ج.ا.ایران (رساله دکتری)، تهران. دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

- ناظمی اردکانی، مهدی و الوانی، محمد جواد (۱۳۹۴). دفاع همه‌جانبه، راهبرد تأمین امنیت نظام اسلامی از نظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری. فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۲)، ۶۹ - ۵۵
- نصراله زاده، محمد جواد و قاضی پور، توحید (۱۳۹۶). الگوی راهبردی در اداره امور تأمین اجتماعی مبتنی بر تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، ۱۷(۶۸)، ۸۶ - ۷۲
- الوانی، مهدی (۱۳۷۹). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران. سمت
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۱). راهبرد دفاع ملی؛ درس‌هایی از پایان جنگ تحمیلی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵(۵۷)، ۹۸ - ۷۹

منابع انگلیسی

- Saaty, T. L. (1998), Decision making with dependence and feedback—the analytic network process, 2nd ed. Pittsburgh, USA: RWS Publications.
- Elo, Satu & Kyngas, Helvi (2007). The Qualitative Content Analysis Process. Journal of a Advanced Nursing. 2008. Wiley online library
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.



NAJA

Strategic Studies Quarterly

Vol. 8 / No.2 (serial 28) Summer 2023

Concessionaire: Centre for Strategic Studies of FARAJA
Manager in Charge: Lotfali Bakhtiari
Editor-in-Chief: Ali Mohammad Ahmadvand
Specialized Secretary: Ebrahim Davoodi Dehaghani
Executive Director: Robabeh Abdari

Members of the Editorial Board

Ali Mohammad Ahmadvand	Mohammad Ebrahim Sanjaghi
Esmacel Ahmadi Mogaddam	Mohammad Sohrabi
Mohsen Esmaeeli	Allah Morad Seif
Sayyed Mohammad Arabi	Hosein Shari Tarazkahi
Sayyed Mahdi Alvani	Towhid Abdi
Mohammad Hosein Bagheri	Toba Kermani
Ebrahim Davoodi Dehaghani	Abd-Alla Hendiani

Scientific Consultants

Ali Mohammad Ahmadvand, Esmacel Ahmadi Moghaddam, Akbar Estarki, Mohsen Esmaeili, Sayed Mohammad Arabi, Ali Sabet, Morteza Darvish, Ahmad Reza Radan, Nabiullah Rouhi, Ardeshir Zabolizadeh, Allah Morad Seif, Hosein Sharifi Tarazkoochi, Abolghasem Shokri, Tohid Abdi, Sayed Ebrahim Ghodsi

Publisher: Centre for Strategic Studies of FARAJA
Editor: Robabeh Abdari
Designer: Ayyoub Sadeghi
Tel: (9821)81876030